

خودشناسی

- از مسائل مهم انسان و شاید مهم‌ترین آن‌ها، شناخت خود انسان است. آدمی قبل از آن‌که به شناخت مسائل جهان پیرامون خود و نیک و بد آن بپردازد، باید خود را بشناسد.
- دعوت به شناخت انسان از توصیه‌های مهم پیامبران الهی، عالمان اخلاق، عارفان و فیلسوفان است و انسان خود نیز اهمیت آن را احساس می‌کند.
- **قرآن می‌فرماید:** انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است، آیا انسان به یاد نمی‌آورد که ما او را آفریدیم و حال آنکه چیزی نبوده است.
- **امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید:** کسی که به خودشناسی دست یابد، به بزرگ‌ترین سعادت و کامیابی رسیده است.

نکته‌برتر: خودشناسی، از نظریات اساسی سقراط حکیم بوده است. امانویل کانت، از فیلسوفان بزرگ مغرب زمین، می‌گوید: انسان قبل از هر چیز باید به ارزیابی و شناخت دقیق توانایی خود بپردازد.

■ اگر آدمی قبل از هر چیز خود را بشناسد، بهتر می‌تواند از سرمایه‌های وجودی خود بهره‌برد و آنها را شکوفا سازد، زیرا نقطه‌ی آغاز شناخت سرمایه‌های وجودی است.

نکته‌برتر: انسان باید ابتدا قوا و ابزار شناخت خود و گستره و مرزهای آنها را بشناسد تا بعد به شناخت جهان دست یابد. امیر مؤمنان علی (ع) در این باره می‌فرماید: **كَيْفَ يَعْرِفُ غَيْرَهُ مَنْ يَجْهَلُ نَفْسَهُ** کسی که خود را نمی‌شناسد، چگونه غیر خود را تواند شناخت؟

كَيْفَ يَعْرِفُ غَيْرَهُ مَنْ يَجْهَلُ نَفْسَهُ کی‌فِ یَعْرِفُ غَیْرَهُ مَنْ یَجْهَلُ نَفْسَهُ

کسی که خود را نمی‌شناسد، چگونه غیر خود را تواند شناخت؟

■ **كَيْفَ يَعْرِفُ غَيْرَهُ مَنْ يَجْهَلُ نَفْسَهُ** کی‌فِ یَعْرِفُ غَیْرَهُ مَنْ یَجْهَلُ نَفْسَهُ کسی که خود را بشناسد، دیگری را بهتر می‌شناسد و کسی که به خود جاهل است، به دیگران جاهل‌تر است.

خودشناسی مقدمه‌ی خداشناسی:

- **كَيْفَ يَعْرِفُ غَيْرَهُ مَنْ يَجْهَلُ نَفْسَهُ** کی‌فِ یَعْرِفُ غَیْرَهُ مَنْ یَجْهَلُ نَفْسَهُ هر کسی خود را بشناسد، پروردگارش را می‌شناسد.
- دعوت به خود شناسی در واقع دعوت به خداشناسی و ارتباط با خدا است. امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید: حقیقت خدا یا! تو قلب‌ها را با محبت خود و عقل‌ها را با معرفت خود سرشته‌ای.

حقیقت انسان:

- در باب حقیقت انسان دو دیدگاه وجود دارد؛ مادی و الهی. براساس دیدگاه اول، انسان با مردن و متلاشی شدن جسمش نابود می‌گردد. گروه دیگر علاوه بر بعد مادی انسان، به بعد غیر مادی او نیز اعتقاد دارند، و برای انسان علاوه بر بدن مادی، حقیقتی به نام روح، قائلند. ادیان الهی به ویژه دین اسلام با نظر دوم همراه‌اند.

① محور همه‌ی تعالیم ادیان الهی روح آدمی است و اگر به جسم انسان نیز توجه می‌کنند، به دلیل تأثیر آن در روح است. ② از دیدگاه قرآن، انسان علاوه بر بدن مادی، از روح الهی بهره‌مند است و اصولاً حقیقت انسان، روح او است. قرآن در آیاتی به دوساحتی بودن انسان تصریح می‌فرماید: *ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوْحِهِ* سپس [خدا] اندام انسان را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید. ③ مقصود از «سوئی» در این آیات، تکمیل خلقت جسمانی و پردازش آفرینش ظاهری بدن انسان است. پس از آفرینش بدن که در حد اعتدال است، خدا روحی در آن بدن می‌دمد. ④ بعد از مرگ روح باقی است و در عالم برزخ به حیات خود ادامه می‌دهد با این که پس از مدتی بدن مادی متلاشی می‌شود.

■ قرآن در این باره می‌فرماید: ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا﴾ خداوند روح مردم را در هنگام مرگشان به تمامی باز می‌ستاند. ﴿قُلْ يَتُوفَاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ﴾ فرشته‌ی مرگ که بر شما گمارده شده است شماها را می‌ستاند و آن گاه به سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شود. ■ حقیقت آدمی، همان روح غیرمادی است که هنگام مرگ فرشته‌ی مرگ آن را می‌ستاند.

برهان فطرت بر وجود خدا

■ راه شناخت وجود خدا بر دو نوع است: سیر در آفاق و سیر در انفس؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾ به زودی نشانه‌های خود را در افق‌های گوناگون و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است.

① انسان از راه سیر آفاق، با مشاهده مخلوقات و تدبیر در حدوث و امکان و نظم پدیده‌ها به وجود خالق و مدبری دانا و توانا پی‌می‌برد؛ ولی از راه سیر انفس با تأمل در خود درمی‌یابد که نسبت به خدا شناخت قلبی و بی‌واسطه دارد و در برابر چنین خدایی که کمال مطلق است سرتعظیم فرود می‌آورد. ② راه انفس را می‌توان به تعبیری «راه فطرت» نامید.

فطری بودن خداشناسی:

☑ بر فطری بودن خداشناسی دلیل نقلی و عقلی وجود دارد که به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- دلیل نقلی بر فطری بودن خداشناسی: از آیات و روایات بر می‌آید که خداشناسی فطری است و هرکسی در فطرت خویش به خداوند شناخت و معرفت دارد؛ هرچند آن را فراموش کرده باشد.
- انبیای الهی نیامده‌اند تا بگویند: خدا وجود دارد؛ بلکه می‌خواهند به انسان‌ها بگویند: شما از وجود خدا آگاهید؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ﴾ پس تذکر ده که تو تنها تذکره‌دهنده‌ای.

✓ اینک جای دارد به برخی آیات و روایات اشاره کنیم که می‌توان فطری بودن خداشناسی و خداجویی را از آن‌ها دریافت: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَرِيمُ وَلَكِن كَثُرَ النَّاسُ لَا يَعْلَمُونَ﴾ پس روی خود را متوجه آئین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست. این است آئین استوار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

نکات برتر

① از آیه‌ای که ذکرش گذشت و بیانات امام علی (ع) به‌خوبی برمی‌آید که خداوند انسان را بر فطرت خداشناسی خلق کرده است. بنابراین همه‌ی انسان‌ها، حتی فرزندان مشرکان، هنگام تولد معرفت خدا را همراه دارند و با فطرت الهی متولد می‌شوند؛ یعنی اصل معرفت خدا در روح و جان آدمی باقی است و به درجات مختلف در جهان کنونی به یاد انسان می‌آید و تمام راه‌های عقلی خداشناسی در واقع تنبه و یادآوری خداشناسی فطری است. ② از آن‌جا که انسان‌ها ممکن است متعلق مناسب فطرت خود را نشناسند و یا در مصداق خطا کنند، پیامبران الهی می‌کوشند تا متعلق فطرت را به انسان‌ها بازشناسانند.

برهان علی

■ از راه‌های اثبات وجود خدا، برهان علی است که از گذر معلولیت عالم به وجود خدا پی‌می‌بریم.

✓ **تعریف برهان علی:** جهان معلول است و هر معلولی نیازمند علت است. بنابراین، جهان نیازمند علتی است که آن علت یا خدا است یا درنهایت به خدا می‌رسد از این رو، خدا وجود دارد.

✓ **فیلسوفان علت را بر چهار قسم می‌دانند:** علت فاعلی، علت غایی، علت صوری و علت مادی. علت فاعلی، آن است که معلول از آن پدید می‌آید و علت غایی، انگیزه‌ی فاعل برای انجام کار است. علت مادی، زمینه‌ی پیدایی معلول است و درضمن آن باقی می‌ماند؛ مانند عناصر تشکیل دهنده‌ی گیاه. علت صوری، صورت و فعلیتی است که در ماده پدید می‌آید و منشأ آثار جدیدی در آن می‌گردد؛ مانند صورت نباتی.

✓ **نکته برتر:** در این برهان اصل علیت، یعنی «هر معلولی علتی دارد»، هر موجود وابسته‌ای نیازمند علت است، چون خدای متعال، معلول و وابسته نیست، نیازی به علت و آفریننده نخواهد داشت.

■ از آنجا که ملاک احتیاج معلول به علت، ضعف وجودی اوست، (از جمله محدودیت زمانی، مکانی، تغییرپذیری، محدودیت آثار، وابستگی به غیر) هر موجودی فقیر و ضعیفی نیازمند علت است. ضعف مرتبه‌ی وجودی آثار و نشانه‌هایی دارد که به وسیله‌ی آن‌ها می‌توان معلولیت موجودی را شناخت و از آنجا که جهان بستر تغییر و تحولات است و موجودات این جهان سابقه و لاحقه‌ی نیستی دارند و اجزای آن به هم وابسته‌اند، بنابراین، جهان، معلول و خداوند علت و پدیدآورنده‌ی آن خواهد بود.

■ از این رو است که امام علی علیه السلام می‌فرماید: **کل قائم فی سواه معلول** هر چیزی غیر از خداوند معلول است. **کل شیء قائم به.** هر شیئی به او قیام دارد.

خداوند به هیچ یک از این اوصاف (سکون و حرکت، تغییرپذیری، زاده شدن، گذر زمان، محدودیت مکانی و...) متصف نیست و هر موجودی که این صفات را دارا باشد، معلول خواهد بود. جهان، متصف به این صفات است و در نتیجه معلول است و هر معلولی، علتی نیاز دارد.

✓ **علت تامه:** موجودی که با وجود او تحقق و وجود موجود دیگر ضرورت پیدا می کند.

✓ **علت ناقصه:** وجودش برای تحقق موجود لازم است ولی کافی نیست.

✓ **معلول:** از تعریف علت معلوم می شود که معلول وجودش وابسته به علت است و نیازمند به آن.

✓ **علل اربعه:** فیلسوفان علل را به چهار قسم نموده اند: علت صوری، علت مادی، علت فاعلی و علت غایی. مثلاً کوزه ای که ماده ای آن گل و صورت آن شکل و فاعل آن کوزه گر و غایت آن نگاهداری آب شب در آن است.

✓ **اصل علیت:** یعنی هر معلولی علتی دارد.

✓ **دور:** دور یعنی امری علت وجودی خودش باشد. این امر محال است زیرا لازم می آید که یک امر مقدم بر خودش باشد. بنابراین فرض دور باطل و مستلزم تناقض است و لذا عالم باید علتی داشته باشد.

✓ **تسلسل:** یعنی سلسله ای از علل و معالیل که از دو طرف و یا یک طرف تا بی نهایت ادامه داشته باشد. این نیز باطل است زیرا فرض سلسله ای از تعلقات و محدودیتها بدون داشتن علتی مستقل محال است.

✓ **تقریر برهان:** جهان معلول است و هر معلولی نیازمند علت است. جهان مانند هر معلول دیگری نیازمند علت است و چون دور و تسلسل باطل است، جهان باید نهایتاً به علتی بی نیاز و قائم بالذات برسد که همان خداست.

برهان نظم

■ برهان نظم، یکی از رایج ترین براهینی است که بر وجود خدا اقامه شده است.

✓ **نکته برتر:** یکی از راه های رسیدن به وجود خداوند، نظم حاکم بر هستی است. تفکر در ساختار منظم و پیچیده موجودات جهان، موجب می شود تا انسان به ناظم حکیم و علیم اذعان کند. هنگامی که به موجودات این عالم می نگریم، سازماندهی حساب شده و برنامه ریزی دقیق را احساس می کنیم. چنین نظمی به خودی خود رخ نمی دهد، بنابراین، ورای چنین موجودات منظمی، ناظم حکیم و علمی وجود دارد که از سر حکمت و آگاهی آنها را پدید آورده است.

■ قرآن مجید در این باره می فرماید: ﴿إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ به راستی در آسمانها و زمین، برای مؤمنان نشانه هایی است.

✓ **برهان هماهنگی و نظم در کل عالم:** جهان مجموعه ای هماهنگ است که از سر حکمت و علم و تدبیر آراسته شده است و این هماهنگ کننده و نظم دهنده کسی جز خدا نیست و اگر خدایی جز خدای یگانه وجود داشت، عالم تباہ می گردید:

﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾ اگر در آسمان و زمین، خدایانی جز الله وجود داشت، تباہ می شدند.

✓ **درباره ای امکان شناخت صفات خداوند با چند نظریه مواجه هستیم.**

۱- **اهل تعطیل:** این گروه معتقدند که انسان راهی به شناخت صفات الهی ندارد و مفاهیم انسانی محدود و دنیوی هستند و لذا جایز نیست که این مفاهیم را به خدا نسبت دهیم. پرواضح است که این نظر درست نیست زیرا

ما به‌طور بدیهی از صفاتی مانند علم، قدرت و حیات فهمی متمایز داریم. این گروه را به دلیل تعطیل‌گذاردن شناخت صفات خدا معطله می‌نامند. ۲- **اهل تشبیه:** اینان معتقدند که صفات خداوند نظیر صفات انسان بوده و او هم چون انسان دارای دست، چشم و پا می‌باشد. این گروه را مشبه می‌نامند. قرآن کریم نظر اینان را رد کرده است و می‌فرماید چیزی مثل خدا نیست. ۳- **دیدگاه اثبات‌بلاتشبیهِ:** اینان قائل‌اند که عقل انسان می‌تواند اوصاف خداوند را در حد وسع خود بشناسد و البته این امر به این معنا نیست که می‌تواند به کنه‌ی ذات و صفات خدا هم پی‌برد. آیات فراوانی در قرآن کریم بر این امر دلالت دارند و حضرت امیر (ع) نیز بر آن صحه گذاشته‌اند.

راه‌های شناخت خداوند به چهار راه تقسیم می‌گردند:

۱- **راه عقلی:** از این طریق موجودی را که غنی بالذات است توسط عقل اثبات کرده و سپس اثبات صفات ثبوتیه و سلبیهِ خداوند ممکن می‌گردد.

 **نکته‌برتر:** فیلسوف مؤسس این طریق **خواجه نصیرالدین طوسی** است. (کتاب تجریدالعقاید).

۲- **سیر در آفاق و انفس:** سیر در آفاق همان مطالعه در آیات الهی و نظم موجود در جهان است که بر آن اساس از طریق اصل سنجیت میان علت و معلول به ناظمی حکیم، عالم و قادر پی‌می‌بریم و سیر در انفس نیز به درون انسان‌ها نظر دارد. ۳- **قرآن و روایات:** در این طریق می‌نگریم ببینیم که صفات خداوند توسط آیات و روایات چگونه معرفی گردیده است. ۴- **کشف و شهود:** این راه سخت ولی دستاوردهای آن مهم است که برآثر تکامل روحی حاصل می‌شود.

☑ **توقیفی‌بودن اسماء و صفات:** توقیفی بودن یعنی اینکه مسلمین در بیان اسماء و صفات الهی تنها از صفاتی استفاده کنند که در قرآن و روایات معتبر مطرح است.

انواع صفات خدا

صفات خداوند اقسامی دارد که از این قرارند:

۱- **صفات ثبوتی و سلبی:** دسته‌ی اول صفات کمالی خدا را بیان می‌کنند و دسته‌ی دوم نقص و کاستی را از خدا نفی می‌کنند.

۲- **صفات ذاتی و فعلی:** صفات ثبوتی خداوند خود به صفات ذاتی و فعلی تقسیم می‌شوند. دسته‌ی اول از مقام ذات انتزاع می‌شوند و همواره باذات هستند مانند علم و قدرت و حیات. دسته‌ی دوم صفاتی هستند که از ارتباط ذات الهی با مخلوقاتش انتزاع می‌شوند مانند صفت خالقیت.

۳- صفات ثبوتی ذاتی:

۱- **۳. علم الهی:** علم الهی در سه مرتبه به ذات خود. به موجودات پیش از آفرینش آن‌ها و به موجودات پس از آفرینش آن‌ها تعلق می‌گیرد. لازم به ذکر است که قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) شمول علم الهی را بر ماسوی‌الله گسترده معرفی کرده و برای خداوند علم مطلق قائل می‌باشد. **وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ** و خدا به هر چیز دانا است.

۲- **۳. قدرت الهی:** متکلمین قائل‌اند که قدرت عبارت است مبدئیت فاعل مختار برای کاری که ممکن است از او سر بزنند. دلایلی بر وجود این صفت الهی وجود دار که از این قرارند:

■ از دلایل علم الهی این است که ما علم داریم و این علم از خود ما نیست، بنابراین کس دیگری که این علم را به ما داده است و واضح است که اعطاکننده‌ی کمال خودش دارای آن کمال به نحو برتری می‌باشد.
*** وَ قُوَّةٌ كُلِّ ضَعِيفٍ *** و [خدا] نیروی هر ناتوانی است.

■ انتقان و نظم شگفت‌انگیز مخلوقات هم دلیل بر علم الهی است و هم بر قدرت الهی است.

■ **امام علی (ع) در سخنان خویش بدین حقیقت نیز اشاره برده است:** **﴿ فَطَرَ الْخَلَائِقَ بِقُدْرَتِهِ ﴾**

[خدا] با قدرت خود مخلوقات را آفرید.

﴿ الْمَشْهُدُ بآيَاتِهِ عَلَى قُدْرَتِهِ ﴾ آیات و مخلوقات او شاهد و نشانه‌ی قدرت اویند.

✓ **عمومیت قدرت الهی:** آیات و روایات بر این امر دلالت دارند که شمول قدرت الهی همه‌جانبه و مطلق است.

﴿ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴾ خدا بر همه چیز توانا است.

۳-۳. **حیات الهی:** حقیقت حیات روشن نیست اما مفهوم آن روشن می‌باشد. زیرا ما در موجوداتی مانند گیاهان و حیوانات حیات را مشاهده می‌کنیم و آثار آن را می‌بینیم. در قرآن کریم نیز جز در دو آیه بیشتر درباره‌ی حیات الهی خاطر نشان نگردیده است.

۳-۴. **بصیر و سمیع:** خداوند به همه چیز علم دارد، از جمله به دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها علم دارد. لذا او را سمیع و بصیر می‌خوانیم.

۳-۵. **اراده:** اراده دارای معنای متعددی است. در این راستا اراده‌ی الهی به این معناست که خداوند افعال خود را بدون اجبار و اکراه انجام می‌دهد؛ زیرا موجودی برتر از او وجود ندارد تا او را به عملی وادار نماید. همچنین برای اراده‌ی الهی معنای دیگری هم موجود است و آن علم خداوند به نظام اصلح است. برای اراده‌ی الهی معنای دیگری نیز هست ولی می‌توان برای آن دو معنای اراده‌ی تکوینی و اراده‌ی تشریحی را نیز در نظر گرفت.

﴿ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴾ فرمان او چنین است که هر گاه چیزی را اراده کند تنها به آن می‌گوید: (موجود باش!)، آن نیز بی‌درنگ موجود می‌شود.

۳-۶. **حکمت:** خداوند حکیم است و حکمت به دو معنا می‌باشد.

■ **افعال فاعل در نهایت انتقان و استواری باشد. بر این امر دلایلی وجود دارد:** ۱. وجود نظم بی‌چون و چرا در هستی. ۲. تناسب داشتن اثر هر فاعلی با مؤثر خویش. و ملاحظه می‌شود که این عالم که بهترین عالم است باید از خالق آن که بهترین خالق است ایجاد شده باشد. ۳. نبودن علتی بر ناستواری فعل الهی.

﴿ الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ﴾ و خدایی است که هر چیزی را که خلق کرده، نیکو خلق کرد.

■ **قبیح و بیهوده نبودن فعل فاعل.**

﴿ أَحْسِبْتُمْ إِنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴾ آیا گمان کرده‌اید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و این که

شما به سوی ما بازمی‌گردید؟

۳-۷. **عدل:** عدل به این معناست که هر چیز در جای خودش باشد. بر این اساس خداوند در عالم تکوین و تشریح هر چیزی را در جای مناسب خود نهاده است. از آن جا که خداوند هیچ نقص و نیازی ندارد، بنابراین هر چیز را براساس عدل انجام می‌دهد.

عدل را اقسامی است: عدل تکوینی؛ به این معنا که خداوند در عالم تکوین به هر موجودی به اندازه‌ی شایستگی و قابلیت او نعمت داده است. عدل تشریحی؛ به این معنا که خداوند تکالیف را به اندازه‌ی وسیع مردم از آن‌ها خواسته است و نیز این تکالیف سعادت انسان را به همراه دارد.

﴿وَلَا تُكَلِّفُ نَفْسًا وِجْرًا وَلَا وِسْعَهَا وَوَدَّيْنَا كِتَابَ يَتَّبِعُهُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ ما هیچ کس را جز به اندازه‌ی توانایی‌اش تکلیف نمی‌کنیم و نزد ما کتابی است که به حق سخن می‌گوید؛ و به آنان هیچ ستمی نمی‌شود.

■ **عدل جزایی؛** به این معناست که خداوند در قیامت براساس عدل میان مردمان داوری خواهد نمود و پاداش و کیفر هر کسی را براساس عدل معین خواهد نمود.

نکته برتره؛ لازم به ذکر است که بنا بر روایات در آخرت تجسم اعمال وجود دارد که نتیجه‌ی اعمال

دنیوی هر کس است و چنین امری که از اعمال دنیوی ناشی شده است در زمهری عدل تکوینی قرار می‌گیرد.

■ **قرآن در این باره می‌فرماید: ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا﴾** ما ترازوهای عدل را در قیامت برپا می‌کنیم، پس به هیچ کس ستم نمی‌شود.

﴿أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ﴾ آیا کسانی که ایمان آورده

و کارهای شایسته انجام داده‌اند همچون مفسدان در زمین قرار می‌دهیم، یا پرهیزگاران را همچون فاجران؟

✓ **مراتب توحید عبارتند از:** ۱. توحید در ذات؛ ۲. توحید در صفات؛ ۳. توحید در خلایقیت؛ ۴. توحید در ربوبیت؛ ۵. توحید در حاکمیت؛ ۶. توحید در اطلاعات؛ ۷. توحید در تقنین و تشریح؛ ۸. توحید در عبادت و پرستش.

۱. توحید در ذات (ذاتی):

نکته برتره؛ مقصود از توحید ذاتی، این است که خدا یگانه و بی‌همتا است. به عبارت روشن‌تر، ذات خدا

به گونه‌ای است که تعدد و کثرت برنمی‌دارد و نمی‌توان در عالم خارج و ذهن، برای او فرد دیگری تصور کرد.

✓ توحید ذاتی در قرآن و روایات:

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ خدا گواهی می‌دهد که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش گواهی می‌دهند، درحالی که {خداوند در تمام عالم} به عدالت قیام دارد؛ معبودی جز او نیست که هم توانا و هم حکیم است.

✓ **تثلیت:** از دیدگاه اسلامی، تثلیت (خدای پدر، خدای پسر و خدای روح‌القدس) باطل است، زیرا که از دو حال خارج نیست: ۱- با هر یک از این سه خدا، دارای وجود و شخصیت مجزا و جداگانه‌ای هستند، یعنی هر یک از آنها خدایی مستقل می‌باشند. در این صورت با یکتایی خدا مخالف است. ۲- یا این که سه خدا دارای یک شخصیت بوده، و هر یک جزئی از آن را تشکیل می‌دهند، در این صورت نیز مستلزم ترکیب بوده و با بساطت خدا مخالف است.

۲- توحید صفاتی:

■ خدا واجد همه‌ی صفات کمال است و عقل و وحی بر وجود این کلمات در ذات خدا دلالت می‌کنند. بنابراین، خداوند، دانا، توانا، زنده، شنوا، بینا و ... است. این صفات از نظر مفهوم با یکدیگر تفاوت دارند. ولی در مقام عینیت، عین یکدیگرند و عین ذات خداوند و آنچه ما از «دانا» می‌فهمیم غیر از آن چیزی است که از «توانا» می‌فهمیم.

نکته برتر: ذات خدا در عین بساطت، همه‌ی این کمالات را دارد و آن گونه نیست که بخشی از ذات خدا را علم، بخشی دیگر را قدرت و بخش سوم را حیات تشکیل دهد. ذات خدا تماماً علم و تماماً قدرت و تماماً حیات و ... است.

۳- توحید در خالقیت:

■ توحید در خالقیت به این معنا است که در عالم، آفریدگار و خالق جز خدا، وجود ندارد و هر موجودی که لباس هستی پوشیده است، مخلوق و آفریده‌ی او است. قرآن و عقل آدمی نیز بر این توحید گواهی می‌دهند. قرآن در این باره می‌فرماید: ﴿قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾ گو: خدا خالق همه چیز است و او است یکتا و پیروز.

نکات برتر

۱- علاوه بر وحی، عقل نیز بر توحید در خالقیت گواهی می‌دهد؛ زیرا خدا واجب‌الوجود است و همه‌ی اشیا غیر از خدا ممکن و نیازمند است و تبعاً وجود آنها از خداست. توحید در خالقیت به معنای نفی اصل علیت در نظام هستی نیست؛ زیرا وجود علت و نیز علیت اشیا، از مظاهر اراده‌ی خدا به‌شمار می‌روند.

۴- توحید در ربوبیت:

■ توحید در ربوبیت، به معنای آن است که تنها خدا در اراده و تدبیر و کارگردانی جهان و انسان مؤثر است.
■ توحید در ربوبیت دو جلوه دارد: تدبیر تکوینی و تدبیر تشریعی. خداوند دو نوع ربوبیت دارد: یکی ربوبیت تکوینی که نسبت به جهان هستی داراست و دیگر ربوبیت تشریعی که توسط انبیاء و مرسلین و انزال کتب آسمانی برای انسان اعمال نموده است. از آن جا که خالق انسان و جهان یکی است مربی آن‌ها هم یکی است.

۵- توحید در تشریح و تقنین:

■ در این معنای توحید اعتقاد بر این است که قانونگذاری و تشریح فقط خاص خداوند است. از آن جا که قانونگذار باید انسان‌شناس بوده و از هرگونه سودجویی پیراسته باشد تا بتواند قانون مناسب انسان را تدوین نماید و سود شخصی هم او را در این امر به گمراهی نکشد؛ بنابراین خالق انسان که تنها موجود واجد این دو ویژگی است می‌تواند بهترین قانون را برای انسان تدوین نماید.

■ قرآن کریم نیز قانون‌گذاری و تشریح را از آن خدا می‌داند و می‌فرماید، هیچ‌کس حق ندارد به غیر آنچه خدا فرمان داده است، داورى کند: ﴿وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ و هر کس به احکامی که خدا نازل کرده است، حکم نکند، ستمگر است.

توحید در اطاعت:

■ به این معناست که تنها خداوند را باید اطاعت نمود. ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْتُمُوهَا خَيْرًا يَأْتُمِكُمْ﴾ پس تا می‌توانید از مخالفت خدا بپرهیزید و به سخن او گوش فرادهید و از فرمانش اطاعت کنید و انفاق کنید که برای شما بهتر است. همچنین اطاعت از پیامبر؛ اطاعت از خداست: ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾ کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است.

نکته برتر: در همین راستا اطاعت از پیامبر (ص) که در مقام ابلاغ وحی و تبیین آن و فرماندهی و امر و نهی به جامعه در جهت اصلاح آن است در طول اطاعت از خداوند بوده و واجب است.

توحید در حاکمیت:

■ یعنی که حق حکومت تنها از آن خداست. ولی این امر به این معنا نیست که آن گونه که خوارج به حضرت علی (ع) می گفتند که حکومت نه برای تو و نه برای یاران تو است؛ زیرا آنان اراده‌ی باطلی داشتند مبنی بر این که در زمین اصلاً نباید کسی حکومت کند.

نکته برتر: اسلام قائل است که فرمانروایی از آن خداست و کسانی که صلاحیت آن‌ها از جانب خدا و قرآن و روایات تأیید شده است.

﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِنَّا لِلَّهِ أَمَا نَأْمُرُكُمْ أَنْ تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ﴾ حکومت برای کسی جز خدا نیست؛ فرمان داده است که فقط او را بپرستید از این آیه به خوبی برمی آید که حکومت تنها از آن خدا است. البته این که حکومت تنها از آن خدا است، به این معنا نیست که هیچ انسانی حق حکومت ندارد؛ همان گونه که خوارج در زمان امیرالمؤمنین علی (ع) چنین باوری داشتند. آنان خطاب به آن حضرت می گفتند: ﴿لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ لَا لَكَ وَلَا لِصَاحِبِكَ﴾ حکومت از آن خدا است نه برای تو و نه برای یاران تو.

توحید در عبادت:

■ یکتاپرستی اساس دعوت همه‌ی پیامبران بوده است و آن یکتاپرستی که آنان تبییه کرده‌اند اساس توحید در عبادت است. لذا باید از پرستش خدایان دیگر پرهیز نمود. از آن جا که عبادت یعنی خضوع در برابر یک موحود، نباید آن موجود را جز خدای یگانه قرار داد. با توجه به این معیار مرز شرک و توحید شناخته می شود در این راستا شبهه‌ای مطرح گردیده راجع به توسل به اولیای الهی و بزرگداشت آنان و تبرک جستن به آثار آن‌ها. باید پاسخ داد که طبق آیات قرآنی این امور در طول توحید در عبادت است و هیچ شائبه‌ی شرک و بت پرستی در آن‌ها نیست بلکه عملی موحدانه است.

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا﴾ بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خدای یگانه را بپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم.

نکته برتر: قرآن کریم در این آیه، یکتاپرستی را اصل مشترک میان تمام شرایع آسمانی می شمارد.

■ همه‌ی ما در نماز، به توحید در عبادت گواهی می دهیم و اعلام می داریم: ای خدا! ما فقط تو را می پرستیم: ﴿يَا كَافِرُونَ﴾ بنابراین از آیات برمی آید که توحید در عبادت اصل مسلم همه‌ی ادیان است و هیچ مسلمانی با آن مخالفت ندارد.

✓ بزرگداشت انبیا و اولیای الهی: ﴿فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ پس کسانی که ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاری‌اش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان رستگارانند. خداوند در این آیه برای رستگاران چهار ویژگی می شمارد: ایمان به پیامبر، تکریم او، باری کردن او و پیروی از آن چه بر او نازل شده است. منظور از «عزروه» همان تکریم و تعظیم پیامبر است.

✓ معاد جسمانی (دلایل امکان معاد یا آفرینش مجدد جسم): ﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْعَلَ عِظَامَهُ * بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نَسُوَّ بَنَانَهُ﴾ آیا انسان می‌بندارد که استخوان‌های او را هرگز جمع نخواهیم کرد؟ بلی ما قادریم (حتی) سرانگشتان او را هم درست گردانیم. ﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ حَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ عَمَلٌ﴾

رَمِيمٌ * قَدْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿٤٥﴾ و برای ما مثالی آورد و آفرینش خود را فراموش کرد گفت: «چه کسی این استخوان‌ها را که چنین پوسیده است زندگی می‌بخشد؟» بگو: «همان کسی که نخستین بار آن را پدید آورد و اوست که به هرگونه آفرینشی داناست.»

نکته آیه: امکان آفرینش مجدد جسم با اشاره به خلقت نخستین انسان.

﴿يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ ﴿٤٦﴾ زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌کشد و زمین را بعد از مرگ زنده می‌کند و شما را در قیامت این‌گونه زنده می‌کند.

نکته آیه: امکان آفرینش مجدد جسم با اشاره به رستاخیز طبیعت و نظام مرگ و زندگی در آن.

ایمان به آخرت، پس از ایمان به خداست و لازمی آن می‌باشد؛ حکیم کسی است که کارهایش هدفمند است و به نتایج صحیح و درست منتهی می‌شود؛ اگر خداوند تمایلات و گرایش‌ها را در وجود انسان قرار داده، پاسخ مناسب آن را هم پیش‌بینی کرده است؛ این‌که انسان میل به بقا و جاودانگی دارد و از مرگ گریزان است و بسیاری از کارها را برای حفظ بقا انجام می‌دهد و این‌که طالب خواستار همه‌ی زیبایی‌ها و کمالات است و این طلب به هیچ حدی محدود نمی‌شود، ضرورت معاد در پرتو حکمت را بیان می‌کند؛ این‌که خداوند این وعده را داده است که هر کس را به هرچه استحقاق دارد برساند و حق کسی را ضایع نگرداند، ضرورت معاد در پرتو عدل الهی را بیان می‌دارد؛ پاسخ قرآن به سؤال «چگونه ممکن است همه‌ی انسان‌ها پس از مرگ و پوسیده و متلاشی‌شدن دوباره زنده شوند»: الف) حقیقت وجود انسان نفس و روح اوست و این حقیقت هنگام مرگ نابود نمی‌شود بلکه توسط فرشته‌ی مرگ به تمام و کمال دریافت می‌گردد (توفی می‌شود). ب) امکان آفرینش مجدد جسم برای پیوستن به روح در آخرت و اثبات آن بنابر قدرت الهی، خلقت نخستین انسان و رستاخیز طبیعت.

عالم برزخ

﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَ مِّنْ وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٥٠﴾ آن‌گاه که مرگ یکی از آن‌ها فرا رسد، می‌گوید: پروردگارا! مرا بازگردانید * باشد که عمل صالح انجام دهم آنچه را در گذشته ترک کرده‌ام هرگز! این سخنی است که او می‌گوید و در پی‌شان برزخی است تا روزی که برانگیخته می‌شوند.

نکات برزخ

برزخ عالمی میان دنیا و قیامت است؛ در برزخ، روح انسان حیات آگاهانه دارد؛ به جهت حیات آگاهانه‌ی روح، انسان از نقایص اعمال خود مطلع می‌شود؛ در برزخ بازگشت برای اصلاح امور توسط خود انسان امکان‌پذیر نیست. (امکان انجام عمل نیست)؛ یکی از تفاوت‌های دنیا و برزخ آگاهی از اعمال است.

﴿فَوْقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا وَ حَاقَ بَالٍ فِرْعَوْنَ سُوءَ الْعَذَابِ * النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ﴿٥١﴾ پس خدا او (مؤمن آل فرعون) را از بدی‌های نیرنگ آنان حفظ کرد و

بدترین عذاب آل فرعون را احاطه کرد * آنان بر آتش هر بامداد شامگاه عرضه می‌شوند و آن‌گاه که قیامت برپا شود [ندا می‌رسد] آل فرعون را در شدیدترین عذاب وارد کنید.

نکته آیه: بخشی از جزای کافران در برزخ داده می‌شود. (سوء العذاب)؛ مشابهت زمانی بین دنیا و برزخ وجود دارد. (غدواً و عشياً)؛ (الساعة) بیانگر فرارسیدن قیامت است پس (اشد العذاب) عذاب آخری است.
﴿إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ﴾ همانا ما مردگان را زنده می‌کنیم و اعمالی را که پیش فرستاده‌اند و آثار آن‌ها را ثبت می‌کنیم.

نکته آیه: این آیه بیانگر اعمال ماتقدم و ماتأخر است؛ ظرف تحقق این آیه، برزخ است؛ عالم برزخ به واسطه‌ی وجود اعمال ماتأخر با دنیا در ارتباط است.
﴿يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ﴾ در آن روز به انسان خبر داده می‌شود به آنچه پیش فرستاده و آنچه پس فرستاده است.

نکات برتر

ظرف تحقق این آیه، قیامت است؛ این آیه بیانگر اعمال ما تقدم و ما تأخر است که این اعمال در دنیا و برزخ به پرونده‌ی اعمال انسان‌ها افزوده می‌شود؛ انسان‌ها در قیامت از همه‌ی اعمال خود (ماتقدم و ماتأخر) آگاه می‌شوند؛ ارتباط عالم برزخ با دنیا به وسیله‌ی اعمال ماتأخر است.

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَبَقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ﴾ و هنگامی که در صور دمیده شود پس بی‌هوش می‌شوند آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است مگر آنان که خدا بخواهد سپس بار دیگر در صور دمیده می‌شود پس آنان زنده شده ایستاده و می‌نگرند زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود. نامه‌ی اعمال را قرار می‌دهند و پیامبران و شاهدان را حاضر می‌سازند و قضاوت می‌شود بین آن‌ها به حق و به ایشان ستم نمی‌شود.

■ آغاز اولین مرحله‌ی قیامت = پایان یافتن دنیا؛ اولین حادثه‌ی مرحله‌ی اول قیامت نفخ صور اول است؛ نفخ صور اول: واقعه‌ی سهمگینی، صدای مهیب و ناگهانی که آسمان‌ها و زمین را فرامی‌گیرد و همه را غافل‌گیر می‌کند؛ دومین حادثه‌ی مرحله‌ی اول قیامت مدهوش شدن اهل آسمان‌ها و زمین است؛ از سه چیز که در دنیا با انسان است (رزق - خانواده - عمل) پس از مرگ تنها عمل است که همراه او باقی می‌ماند (حدیث امام صادق (ع))؛ باطن و حقیقت عمل انسان در دوره‌ی برزخ به صورت یک شخص بر انسان ظاهر می‌شود و انسان بدان آگاه می‌گردد (حدیث امام صادق (ع))؛ مدهوش شدن اهل آسمان و زمین: برجسته‌شدن بساط حیات انسان‌ها و سایر موجودات به‌جز آنانی که خدا اراده کرده است؛ در دومین مرحله‌ی قیامت، انسان آماده‌ی دریافت پاداش و کیفر می‌شود؛ اولین حادثه‌ی مرحله‌ی دوم قیامت نفخ صور دوم است؛ نفخ صور دوم؛ حیات مجدد انسان آغاز می‌شود؛ دومین حادثه‌ی مرحله‌ی دوم قیامت، زنده‌شدن همه‌ی انسان‌ها است؛ همه‌ی مردگان دوباره زنده می‌شوند و از قبرها بیرون می‌آیند و در پیشگاه خداوند حاضر می‌گردند؛ «فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ» با آیات «مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَىٰ» و «فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ» ارتباط مفهومی دارد؛ سومین واقعه‌ی مرحله‌ی

اول قیامت تغییر در ساختمان زمین و آسمان است؛ این تغییر برای این است که زمین و آسمان مناسب برپایی قیامت گردند. ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ﴾ نوری از جانب پروردگار زمین روشن می‌شود یعنی در حقیقت سرگذشت انسان‌ها و حوادث تلخ و شیرین و کارهای نیک و بد آن‌ها را که دیده است، آشکار کند (آشکار شدن حقایق و کنار رفتن پرده‌ها).

نکات بزرگ

سومین حادثه‌ی مرحله‌ی دوم قیامت، نورانی شدن زمین است؛ با نورانی شدن زمین، حقیقت سرگذشت انسان‌ها و حوادث تلخ و شیرین آن مشخص می‌شود؛ چهارمین حادثه‌ی مرحله‌ی دوم قیامت، برپاشدن دادگاه عدل الهی است؛ عبارت‌های «وُضِعَ الْكِتَابُ» و «وَوُضِعَ الْمَوَازِينُ» هر دو به برپاشدن دادگاه عدل الهی اشاره دارند؛ ابتدا کتابی قرار داده می‌شود که همه‌ی اعمال کوچک و بزرگ در آن ثبت شده است؛ پنجمین حادثه‌ی مرحله‌ی دوم قیامت، حضور شاهدان و گواهان است؛ عبارت «وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ» و «تِي إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» هر دو به حادثه‌ی حضور شاهدان و گواهان اشاره دارند. وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ؛ وسیله‌ی سنجش در روز قیامت حق است. ششمین حادثه‌ی مرحله‌ی دوم قیامت قضاوت بر معیار حق است؛ پس از آماده شدن صحنه‌ی قیامت و حضور شاهدان، اعمال، افکار و نیت‌های انسان‌ها در ترازوی عدل الهی سنجیده می‌شوند.

﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَذَا مَا أقرءوا كِتَابِيَهٗ * وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ

كِتَابِيَهٗ﴾ اما کسی که نامه‌اش را به دست راست او داده شود، گوید: بیایید نامه‌ی مرا بخوانید * و اما کسی که نامه‌اش را به دست چپ او داده شود، گوید: ای کاش نامه‌ام به من داده نمی‌شد.

نکات بزرگ

هفتمین حادثه‌ی مرحله‌ی دوم قیامت، دادن نامه‌ی اعمال است؛ نامه‌ی عمل نیکوکاران به دست راست آن‌ها و نامه‌ی عمل گنهکاران به دست چپ آن‌ها داده می‌شود؛ نامه‌ی اعمال = عین عمل، حقیقت عمل، جنبه‌ی باطنی و غیبی عمل، خود عمل، حضور عمل، تجسم اعمال است و گزارش و تصویر و فیلم و ... نیست؛ کارهای خوب با صورت‌های بسیار زیبا و لذت‌بخش و کارهای بد با صورت‌های بسیار زشت و وحشت‌زا و آزاردهنده مجسم می‌شوند.

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ پس هر کس عمل کند، به اندازه‌ی

ذره‌ای کار نیک آن را می‌بیند و هر کس عمل کند، به اندازه‌ی ذره‌ای کار بد آن را می‌بیند.

نکته آیه: این آیه بیانگر تجسم اعمال (یره) در قیامت است؛ این آیه مربوط به مرحله‌ی دادن نامه‌ی اعمال می‌شود؛ پاداش و کیفر آخروی به صورت حقیقت عمل و عین عمل است. در واقع جنبه‌ی باطنی اعمال را بیان می‌دارد.

﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ﴾ آیا خدا برای بنده‌اش کافی نیست؟

نکته آیه: علت توکل بر خدا و چرایی اعتماد بر او؛ مبنای توکل؛ خدایی که همیشه و همه‌جا هست. پس حی و خبیر بودن از صفات ذات خداست که او را بهترین تکیه‌گاه معرفی می‌کند؛ توکل و عبودیت رابطه‌ی مستقیم دارد. (کافی عبده)؛ **قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ = بَكَافٍ عَبْدَهُ.**

نکات برتر

توکل بر خدا یعنی اعتماد به خداوند و سپردن نتیجه‌ی کارها به او؛ قبول نتایج کار، از سوی متوکلان به خدا مبتنی بر حکیمانانه یافتن نظام آفرینش است که به انسان آرامش می‌دهد و او را به آینده امیدوار می‌کند (قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ)؛ توکل تنها یک گفتار لفظی نیست یک امر قلبی و درونی است و در کلام امام صادق (ع) خدا از بندگان متوکل خالص چاره‌جویی می‌کند حتی اگر همه‌ی اهل آسمان و زمین بر علیه او توطئه کنند؛ توکل وقتی درست است که انسان فکر و اندیشه‌ی خود را به کار گیرد، مشورت کند. بهترین راه ممکن را انتخاب کند و با عزم و اراده به سوی مقصد تلاش کند؛ گر توکل می‌کنی در کار کن / کشت کن پس تکیه بر جبار کن؛ پیامبر (ص) کسانی که بدون کار و فعالیت ادعای توکل می‌کردند را سربار دیگران معرفی کردند.

زیبایی عفاف

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَرْضَىٰ لَكُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ به

مردان بگو چشمان خود را کنترل کنند و دامان خود را از گناه حفظ نمایند. این برای پاک‌ماندن آنان بهتر است به درستی که خداوند آگاه است به آنچه انجام می‌دهید.

نکته آیه: اولین دستور به مردان کنترل چشم و دومین دستور به آن‌ها حفظ دامان از گناه است؛ کنترل چشم از نگاه به نامحرم، علت به گناه نیافتن آنان می‌باشد؛ بخش قابل توجهی از سلامت جامعه با کنترل نگاه مردان تأمین می‌شود.

﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ...﴾ و به زنان مؤمن بگو چشمان خود را کنترل کنند و دامان خود را از گناه حفظ نمایند و

زینت‌های خود را آشکار نکنند مگر آنچه نمایان است (مانند گردی صورت) و روسری‌های خود را بر روی سینه و گریبان خویش بیاندازند. دو وظیفه‌ی کنترل چشم و حفظ دامان از گناه که ابتدا به مردان مؤمن توصیه شده بود، برای زنان مؤمنه نیز تکرار شده است (وظیفه‌ی مشترک)؛ در ادامه خداوند دو وظیفه‌ی آشکار نکردن زینت‌ها و پوشاندن سر و گریبان و گردن را برای زنان مؤمن قرار داده است؛ استفاده از زینت و زیورآلات زنان نباید باعث جلب توجه نامحرم‌ان گردد؛ حجاب از همسران و دختران پیامبر (ص) شروع و سپس به زنان مردان مؤمن

توصیه شده است پس مسئولیت زنان مؤثر و الگو بیشتر است؛ پوشش مناسب، از نشانه‌های عفاف و عزت نفس است و از نوع پوشش هر کس می‌توان میزان توجه وی به این دو ارزش را دریافت.

■ **محرارم نسبی:** به جهت خویشاوندی محرم مردان هستند: مردان: مادر و مادربزرگ / خواهر و بچه‌ها و نوه‌های خواهر / دختر و نوه‌های دختر / دختر برادر و نوه‌های او / عمه و عمه‌ی پدر و مادر / خاله و خاله‌ی پدر و مادر / نوه‌های پسر / دختر؛ محارم سببی: به جهت ازدواج محرم مردان هستند: مادر زن و مادربزرگ او / زن پسر (عروس) / زن پدر (نامادری) / دختر زن (نادختری)؛ دو وظیفه‌ی زنان در مقابل نعمت زیبای: اول، حفظ زیبایی و طراوت خود؛ دوم، بهره‌مندی از آن نعمت برای استحکام بنیان خانواده؛ مسئولیت‌های مرد و زن در خانواده و اجتماع زمینه‌ساز منشأ تفاوت پوشش زنان و مردان است.

احکام امر به معروف و نهی از منکر:

✓ **شرایط:** بدانند آنچه ترک شده از واجبات است و آنچه انجام می‌پذیرد، از محرمان می‌باشد؛ بدانند که شخص گناه خود را تکرار می‌کند (پس اگر نداند یا گمان کند، واجب نیست)؛ احتمال بدهد یا بداند که تغییر روش مؤثر می‌باشد (سعی در تغییر روش)؛ اگر انجام یک معروف یا ترک یک منکر از احکام حائز اهمیت نزد خدا باشد، باید اهمیت آن جدی تلقی شود و خطرات و ضررهای آن را پذیرفت (قیام امام حسین (ع))؛ احتمال دهد که در امر و نهی مفسده‌ای نباشد (ضرر مالی یا جانی یا آبرویی قابل توجهی). **مراحل:** رفتار و یا ترک مرآوده (اخم‌کردن، روی‌برگرداندن)؛ زبانی (موعظه و نصیحت، شیوه‌های مختلف تربیتی، استدلال و منطق برای تأثیرگذاری بیشتر، توجه به عواقب اعمال)؛ جبر و زور (راه دیگر وجود نداشته باشد - مشروط به اجازه‌ی حاکم شرع است).

✓ **توصیه‌ها (روش‌ها):** اگر روش درست انتخاب نشود (علت)، شاید نتیجه‌ی معکوس داشته باشد و اصرار بر گناه و از بین رفتن اخوت اسلامی را دربر خواهد داشت (معلول)؛ مرتکب گناه نشدن (دروغ و تحقیر)؛ مانند طبیعی مهربان رفتار کردن؛ مصلحت مخاطب را در نظر گرفتن؛ از خودخواهی و خودستایی پرهیز کردن؛ قصد و نیت الهی و رضای خداوند را در نظر گرفتن؛ خود را منزله از گناه و برتر از گناه ندیدن؛ تکرار امر به معروف و نهی از منکر اگر بداند یا احتمال بدهد، مؤثر واقع می‌شود.

انواع هدایت

✓ **هدایت عمومی:** خداوند حکیم است یعنی هر موجودی را برای هدفی معین خلق می‌کند و برای رسیدن به هدفش هدایت می‌کند (خلقت به همراه هدایت به تحقق هدف می‌انجامد).

✓ **هدایت ویژه انسان:** تکوینی و تشریحی به جهت هدف اصلی خلقت انسان که همان تقرب الهی یعنی تقرب به سرچشمه‌ی خوبی‌ها و زیبایی‌هاست، خداوند دو ویژگی تفکر و تعقل، اختیار و انتخاب را در وجود او قرار داده است، یعنی انسان هدف درست را تشخیص می‌دهد، برمی‌گزیند و به سوی آن حرکت می‌کند؛ با تفکر و تعقل در پیام الهی پاسخ به سؤالات بنیادین و نیازهای برتر به دست می‌آیند؛ برای تشخیص هدف و رسیدن به آن خداوند دو چراغ به انسان داده است: عقل در درون و فرستادگان الهی در بیرون؛ انسان به کمک عقل خود بسیاری از مجهولات و مسائل را درمی‌یابد و پاسخ می‌دهد.

✓ **هدایت مستمر:** هدایت‌شده‌ی واقعی کسی است که به همه‌ی پیامبران و همه‌ی کتب الهی ایمان داشته و بین آن‌ها تفرقه نیاندازد.

﴿ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴾

همانا حقیقت دین در نزد خدا، اسلام است و اختلاف نکردند آنان که به آن‌ها کتباً داده شد، مگر بعد از آن که از حقیقت آگاه شدند از روی ستم و تجاوز هر کس به آیات خداوند کافر شود به درستی که خداوند حسابرسی سریع خواهد بود.

نکات برتر

اساس دعوت پیامبران دین واحد است که محتوی کامل آن به عنوان اسلام توسط آخرین پیامبر، محمد (ص) به بشر هدیه داده شده است؛ بهترین لفظ برای معرفی ماهیت دین، اسلام است؛ چند دینی و یا اختلاف در دین نتیجه‌ی آگاهی از حقیقت و ستمگری است؛ چند دینی معلول تجاوز عالمان دین قبل برای عدم گرایش مردم به دین جدید به جهت حفظ مقام و موقعیت خود بود؛ دین الهی واحد است چون تابع فطرت مشترک همه‌ی انسان‌هاست.

﴿ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَحَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا * اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ ﴾

محمد (ص) پدر هیچ‌یک از مردان شما نیست، ولی رسول خداست و پایان بخش پیامبران است. خداوند به همه چیز داناست / خداداناتر است که پیامبر خویش را کجا قرار دهد.

نکته آیه: این آیه با حدیث شریف منزلت (أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي)، در ارتباط است؛ خداوند مسئولیت پیامبری را برعهده‌ی کسانی قرار می‌دهد که می‌داند توانایی و ویژگی انجام این مسئولیت را دارند؛ فطرت به معنای خلق و ابداع است و در حقیقت فطرت انسان به معنای نوع خاص آفرینش او می‌باشد و ویژگی‌هایی است که در اصل آفرینش وی وجود دارد؛ محورهای اصلی برنامه‌ی همه‌ی پیامبران، توحید، معاد، عدل، نبوت، امامت، عبودیت، کسب مکارم، دوری از رذایل و برقراری حکومت عادلانه است.

✓ **علل ختم نبوت:** ۱- آمادگی جامعه‌ی بشری برای دریافت برنامه‌ی کامل زندگی؛ ۲- حفظ قرآن کریم از تحریف؛ ۳- وجود امام معصوم پس از پیامبر (ص)؛ ۴- پیش‌بینی راه‌های پاسخگویی به نیازهای زمانه

معجزه‌ای از نوع کتاب

﴿ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ﴾

آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنید. اگر از غیر خدا بود در آن تعارض و ناسازگاری بسیاری می‌یافتند.

نکته آیه: جنبه‌ی انسجام درونی در عین نزول تدریجی (اعجاز محتوایی و معنایی قرآن کریم)؛ عدم اختلاف در آیات و محتوای قرآن کریم یکی از دلایل الهی بودن قرآن است؛ عدم تعارض و ناسازگاری در بین آیات قرآن و هماهنگی دقیق مانند اعضای بدن با وجود نزول در طول ۲۳ سال و دارا بودن موضوعات متنوع؛ آثار و نوشته‌های اولیه‌ی دانشمندان و متفکران با آثار دوران پختگی و کمالشان متفاوت است و نیاز به تجدیدنظر و اصلاح دارد اما قرآن این‌گونه نیست.

و ما كنت تتلو من قبله من كتاب و لا تحطبه يمينك إذا لارتاب المبطون ﴿٢٠﴾ پیش از آن هیچ نوشته‌ای نمی‌خواندی و با دست خود آن را نمی‌نوشتی که در این صورت کجروان به شک می‌افتند.

نکته آیه: امی بودن پیامبر (ص) (به مکتب نرفتن)، یک یاز موضوعات شگفت‌انگیز و زیبای عرضه‌ی قرآن است؛ اگر پیامبر (ص) می‌نوشت و می‌خواند، کجروان به شک می‌افتادند؛ ویژگی که قرآن کریم را نسبت به دیگر کتب آسمانی متمایز می‌کند، دلیل و سند جاودانه‌ی نبوت پیامبر (ص) است. **اعجاز لفظی قرآن:** متفاوت بودن این کلام با سایر کلام‌ها، فصاحت و بلاغت، ساختار موزون کلمه‌ها، زیبایی لفظی، رسایی در معنا با وجود ایجاد و اختصار، رسایی تعبیرات که سبب نفوذ خارق‌العاده در افکار و نفوس شده است، اوایل بعثت و سران مگه و شنیدن آیات قرآن.

اعجاز محتوایی و معنای قرآن:

۱- انسجام درونی در عین نزول تدریجی؛

۲- تأثیرناپذیری از فرهنگ و عقاید دوران جاهلیت: فرهنگ به مجموعه‌ای از افکار، عقاید، آداب و رسوم مردم یک جامعه تلقی می‌شود؛ فرهنگ مردم حجاز آمیزه‌ای از عقاید نادرست و خرافی و شرک‌آلود بود اما قرآن از آن تأثیر نپذیرفت؛ طرح موضوعات چون عدالت‌خواهی، علم‌دوستی، معنویت و حقوق برابر انسان‌ها که از آرمان‌های مقدس بشریت به شمار می‌رود؛ آیات اولیه‌ی سوره‌ی علق «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ...»

۳- جامعیت و همه‌جانبه بودن: قرآن کریم در مورد همه‌ی مسائل مهم و حیاتی که برای هدایت انسان نیاز است، سخن گفته است؛ نه تنها قرآن از امور معنوی یا آخرت و رابطه‌ی انسان با خدا سخن گفته، بلکه زندگی مادی و دنیوی انسان، مسئولیت‌های اجتماعی و روابط میان انسان‌ها نیز در آن آورده شده است.

۴- تازگی و شادابی دائمی: قرآن کریم، کتاب دیروز، امروز و فردای انسان‌هاست؛ هر چه انسان به درجات بالاتری از فرهنگ و دانش برسد (علت)، درخشندگی و شادابی قرآن بیشتر نمایان می‌شود (معلول).

۵- ذکر نکات علمی بی‌سابقه: زوجیت در همه‌ی مخلوقات و وجود جاذبه‌ی میان ستارگان.

گستره‌ی رسالت پیامبر (ص)

■ منت خداوند بر مؤمنان، به دلیل برانگیخته‌شدن رسولی از میان خودشان است؛ چون پیامبر از خود مردم است؛ می‌تواند الگوی واقعی همه‌ی مردم باشد؛ تزکیه، مقدم بر تعلیم و آموزش است. ﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ﴾ بگو (ای رسول) که از خدا و پیامبرش اطاعت کنید. پس اگر روی برتابند پس همانا خداوند کافران را دوست نمی‌دارد.

نکته آیه: سرپرست حقیقی انسان‌ها خداست و آنانی که او تعیین نموده است و این به معنای واگذاری ولایت نیست بلکه اذن ولایت به آنان داده است؛ سومین قلمرو رسالت پیامبر (ص)، ایجاد حکومت و ولایت ظاهری برای اجرای قوانین الهی است؛ سومین قلمرو رسالت پیامبر (ص)، ولایت ظاهری است؛ خدا ولی مؤمنان و طاغوت ولی و سرپرست کافران است.

﴿الَّذِينَ يَرْمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ وَمَا أَنزَلْنَا مِن قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَن يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَن يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ آیا ندیدی کسانی را که گمان می‌کنند ایمان دارند به آنچه که به سوی تو نازل شد و به آنچه نازل شده قبل از تو، می‌خواهند داوری خود را نزد طاغوت ببرند در حالی که فرمان دارند، به او کافر باشند، شیطان اراده کرده که آن‌ها را گمراه کند، گمراهی بسیار دور.

نکته آیه: سومین قلمرو رسالت پیامبر (ص)، ولایت ظاهری است؛ پذیرش ولایت الهی و عدم پذیرش ولایت طاغوت؛ مراجعه به طاغوت و حکومت غیرالهی برای داوری در دستورات دین نهی شده است.

قلمروهای رسالت

✓ **دریافت و ابلاغ وحی:** اولین و برترین کاتب و حافظ قرآن، حضرت علی (ع) است؛ تدوین قرآن کریم برعهده‌ی خود پیامبر (ص) بوده است.

✓ **تعلیم و تبیین تعالیم دین (مرجعیت دینی):** پیامبر فقط رساننده‌ی وحی نبود بلکه وظیفه‌ی تعلیم و تبیین آیات قرآن نیز برعهده‌ی وی بود؛ پیامبر (ص) اولین و بزرگ‌ترین معلم قرآن بوده است.

✓ **اجرای قوانین الهی (ولایت ظاهری):** ۱- ولایت به معنای سرپرستی و رهبری است و اولین مرکز حکومت اسلامی در مدینه توسط پیامبر شکل گرفت؛ ۲- امام باقر (ع) اسلام را بر پنج پایه استوار دانسته است، نماز و روزه، حج و زکات، ولایت، که ولایت را از همه‌ی آن‌ها مهم‌تر معرفی کرده است.

■ دلایل ضرورت تشکیل حکومت اسلامی (نیازمندی جامعه به ولایت و حکومت اسلامی) است.

■ **حفظ استقلال جامعه‌ی اسلامی در برابر کفار:** نفی سلطه‌ی بیگانگان بر امور مسلمانان با قاعده‌ی نفی سبیل.

■ **ولایت معنوی برترین مقام پیامبر (ص):** پیامبر (ص) با انجام وظایف عبودیت و بندگی و در مسیر قرب الهی قرار گرفتن به مرتبه‌ای از کمال دست یافت که توانست عالم غیب و ماورای طبیعت را مشاهده کند و واسطه‌ی فیض خالق به مخلوقات شود و به اذن خدا در عالم طبیعت تصرف نماید؛ هدایت معنوی بندگان از طریق امدادهای غیبی و الهامات روحی و معنوی برگرفته از ولایت معنوی پیامبر (ص) است؛ امام علی (ع): روزی رسول خدا (ص) هزار باب از علم به رویم گشود که از هر کدام هزار باب دیگر گشوده می‌شد (ولایت معنوی)؛ میزان بهره‌مندی انسان‌هاش از ولایت معنوی پیامبر (ص) به درجه‌ی ایمان و عمل صالح آن‌ها بستگی دارد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و صاحبان امر که از شمایند و اگر در چیزی ستیزه و نزاع کردید آن را به خدا و پیامبر (ص) بازگردانید اگر به خداوند و روز رستاخیز ایمان دارید که این بهتر است و سرانجام نیکوتر دارد.

نکته آیه: اطاعت (مرتبط با حدیث جابر)؛ مخاطب خاص این آیه مؤمنان است و لزوم اطاعت از خدا و رسول و اولی‌الامر برای آنان بیان شده است؛ اطاعت از امامان معصوم (ع) (۱۲ امام) در ردیف اطاعت از پیامبر (ص) و خدا آمده است؛ راه‌حل منازعات اجتماعی، رجوع به خدا و پیامبر است که انجام آن به ایمان به خدا و معاد، مشروط شده است.

﴿إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ ولی شما تنها خدا

و رسول و کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و کسانی که نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند در حالی که در رکوع‌اند.

نکته آیه: آیهی ولایت (مصدق: امام علی (ع))؛ ویژگی‌های ولی و سرپرست مسلمانان در این آیه مشخص شده است (بخشش انگشتر به فقیر در رکوع توسط امام علی (ع))؛ مصداق این آیه را مردم به چشم خود دیدند و از زبان پیامبر (ص)، از نکات نزول این می‌باشد.

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ (ابلاغ ولایت علی (ع) از سوی پیامبر (ص)، ای پیامبر (ص) بگو آنچه را که ما نازل کردیم، اگر انجام ندهی (عدم ابلاغ ولایت)، رسالت خود را انجام ندهای و خداوند تو را از مردم مصون می‌دارد. همانا خداوند گروه کافران را هدایت نمی‌کند.

■ آیهی تبلیغ (ابلاغ) - با حدیث غدیر در ارتباط است، سال دهم هجرت (حججه الوداع) و حضور ۱۲۰ هزار نفر؛ دستور ابلاغ این آیه به پیامبر در ۱۸ ذی‌حجه در محل غدیر خم بوده است. (بَلِّغْ؛ اهمیت این فرمان با کل رسالت برابر است؛ با وجود خطراتی از جانب کافران، خداوند حفظ جان پیامبر (ص) را تضمین کرده است؛ عبارت «ایها الناس من اولی الناس بالمؤمنین من انفسکم»، پس از آیه و قبل از حدیث غدیر «من کنت مولاه فهذا علی مولاه»، توسط پیامبر (ص) به جهت بیان این موضوع توسط مردم که خدا و پیامبر (ص) سزاوار اعلام جانشینی رسالت می‌باشند، بیان شده است؛ حدیث غدیر، توسط پیامبر ۳ بار تکرار شده است.

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ به درستی که خداوند اراده کرده است که از شما اهل بیت هرگونه پلیدی را دور گرداند و شما را کاملاً پاک بسازد.

نکته آیه: این آیهی تطهیر می‌باشد؛ این آیه بیانگر عصمت اهل بیت (خاص) می‌باشد؛ این آیه در منزل ام سلمه همسر پیامبر (ص) نازل شده است؛ پیامبر در خانه استراحت می‌کردند. حضرت زهرا (س) بر ایشان وارد شدند و پس از ایشان به ترتیب حضر علی (ع)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در کنار پیامبر (ص) قرار گرفتند؛ پیامبر (ص) این دعا را در حق آنان فرمود: خدایا اینان اهل بیت من هستند، آنان را از هر پلیدی و ناپاکی حفظ کن. (قبل از آیهی تطهیر)؛ چون اهل بیت معصوم هستند، سخن و عمل آنان معیار و ملاک است و عمل براساس نظر آنان حجت است؛ تبیین آیهی تطهیر توسط پیامبر (ص) صورت گرفت که صبح هنگام رفتن به مسجد، مقابل منزل حضرت فاطمه (س) توقف می‌کردند و به اهل خانه با عنوان «اهل بیت» سلام می‌دادند و این آیه را می‌خواندند؛ پیامبر (ص): ام سلمه، تو همسر من هستی و عاقبت نیکویی داری اما اینان اهل بیت من هستند؛ غیر از دریافت و ابلاغ وحی، قلمروهای رسالت پیامبر (ص) پس از ایشان ادامه خواهد یافت؛ فقط خداوند می‌تواند امام پس از پیامبر (ص) را تعیین کند به جهت شناخت صفات و ویژگی‌هایی که نبوت لازم دارد، مثل عصمت.

■ **یوم‌الانذار یوم‌الدار - دعوت خویشان:** سال سوم بعثت، توسط پیامبر (ص) دعوت از چهل نفر از بزرگان بنی‌هاشم صورت گرفت تا دستور خداوند مبنی بر انذار خویشان محقق شود؛ درخواست پیامبر (ص) برای کمک در راه مقام براردی، وصایت و خلافت ایشان سه بار تکرار شد و هر سه بار علی‌ابیطالب (ع) پاسخ مثبت داد؛ سکوت خویشان پیامبر به علت امید نداشتن به پیروزی دین اسلام و گسترش این دین بود؛ در این جلسه، پیامبر

(ص) دست امام علی (ع) را گرفت و بیعت ایشان را پذیرفت؛ اعلام جانسین رسالت از روزهای اول رسالت به جهت اهمیت این موضوع است.

■ **حدیث جابر (مرتبط با آیه اطاعت):** این حدیث در توضیح کلمه‌ی اولی الامر توسط پیامبر (ص) به جابر بن عبدالله انصاری گفته شد؛ اسامی ۱۲ امام معصوم در این حدیث آورده شده است؛ امام پنجم (محمد بن علی) در تورات به باقر معروف است؛ بیان دو خبر از آینده در این حدیث: ۱- زنده ماندن جابر تا زمان امام باقر (ع)؛ ۲- غیبت امام دوازدهم از نظرها؛ امام دوازدهم هم نام و هم کنیه‌ی پیامبر (ص) می‌باشد و فقط کسانی که ایمان راسخ دارند، به عقیده بر ایشان باقی می‌مانند.

☑ **حدیث ثقلین:** **إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي وَمَا نَتَمَسَّكُم بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي:** کتاب الله فيه الهدى والنور جبل ممدود من السماء الى الارض وعترتي اهل بيت وان اللطيف الخبير قد اخبرني انهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض وانظروا كيف تخلفوني فيهما؛ حدیث عصمت اهل بیت؛ به یادگار ماندن دو چیز گرانبها از پیامبر (ص) قرآن و اهل بیت در میان مردم؛ پیامبر (ص) این حدیث را به طور مکرر از جمله در روزهای آخر عمر خود بیان کردند؛ مصداق اهل بیت در این حدیث، امامان معصوم (ع) و حضرت زهرا (س) می‌باشد؛ همان‌طور که قرآن و پیامبر (ص) لازم و ملزوم یکدیگرند و از هم جدا نمی‌شوند، قرآن و اهل بیت نیز همواره با هم‌اند؛ همان‌طور که قرآن همیشگی است، وجود معصوم در کنار قرآن همیشگی می‌باشد؛ مسلمانان در صورتی که به این دو متمسک شوند (علت) هرگز گمراه نمی‌شوند (معلول) (مسدود بودن همیشگی راه ضلالت و گمراهی در صورت تمسک)؛ نمی‌توان با یکی از این دو مسیر هدایت و رسیدن به تقرب را طی کرد؛ با آیه‌ی تطهیر از جهت بیان عصمت و با حدیث (علی مع القرآن و القرآن مع علی) از جهت جدایی‌ناپذیری امام از قرآن مرتبط است.

حدیث منزلت:

☑ **أَنْتَ مَتِي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي**؛ پیامبر (ص) خطاب به امام علی (ع)؛ تو برای من به منزله‌ی هارون برای موسی هستی جز این که بعد از من پیامبری نیست؛ این حدیث با آیه‌ی شریفه‌ی **مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ...** (ختم نبوت) در ارتباط است؛ منزلت هارون برای حضرت موسی، مشاور، پشتیبان و شریک در امر هدایت مردم بود. **وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ**؛ همانا ابراهیم (ع) از پیروان نوح (ع) است.

☑ **نکته آیه:** شیعه به معنای پیرو، یار و طرفدار است و در این آیه حضرت ابراهیم (ع) را شیعه و پیرو حضرت نوح (ع) معرفی نموده است.

☑ **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ** کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام داده‌اند؛ آن‌ها بهترین افراد روی زمین هستند.

☑ **نکته آیه:** این آیه در شأن امام علی (ع) و پیروان ایشان نازل شده است؛ شرط بهترین مخلوقات (خَيْرُ الْبَرِيَّةِ)، ایمان و عمل صالح می‌باشد؛ پیامبر (ص)؛ این مرد (علی (ع))، اولین ایمان‌آورنده به خدا، وفادارترین شما در پیمان با خدا، راسخ‌ترین شما در انجام فرمان خدا، صادق‌ترین شما در داوری بین مردم، بهترین شما در رعایت مساوات بین آن‌ها و ارجمندترین شما نزد خداست. (در همین حال این آیه نازل شد)؛ پیامبر (ص)؛ به جهت آن که

حضرت علی با حقیقت اسلام به طور کامل آشنا شده بود، مردم را به پیروی از امام علی (ع) و فرمان‌های وی دعوت می‌کرد چرا که پیروی از او مانع گمراهی و سرگردانی می‌شود.

■ چند فرمایش از پیامبر (ص) در رابطه با امام علی (ع): علی مصل القرآن و القرآن مع علی (مرتبط با حدیث ثقلین)؛ علی مع الحق و الحق مع علی؛ انا و علی ابوا هذه الامه انا مدینه العلم و علی بابها فمن اراد العلم فلیأتها من بابها (مقام علمی)؛ حضرت علی (ع) پس از پیامبر از همه داناتر است؛ من شهر علم هستم و تو در آن شهر هستی، هیچ‌گاه نمی‌توان وارد شهری شد مگر از در آن؛ کسی که پیرو تو علی (ع) باشد، به فلاح و رستگاری می‌رسد و هلاک می‌شود هر که از تو دوری گزیند؛ مثل تو علی (ع) و امامان از فرزندان تو، مثل کشتی نوح است، هر کس بر آن سوار شود (علت) نجات یابد و هر کس سرپیچی کند، هلاک شود.

✓ **معنای تقیه:** مخفی کردن بخشی از مبارزه و اقداماتی که دشمن به آن حساسیت دارد و در عین ضربه‌زدن، کم‌تر ضربه‌خوردن.

✓ شیوه‌های مختلف مبارزه‌ی امامان معصوم:

- **امام علی (ع):** محروم‌ماندن از حق مسلم خود در رهبری جامعه‌ی اسلامی.
- **امام حسن (ع):** قرارداد صلح با معاویه برخلاف میل خود و براساس صلاح مسلمانان.
- **امام حسین (ع):** باقی‌ماندن بر صلح با معاویه همانند امام حسن (ع)، قیام علیه یزید.
- **پس از شهادت امام حسین (ع)، امامت امام سجاد (ع):** سرکوبی شدید شیعیان و از هم پاشیده شدن سازمان تشیع؛ گسترش معارف از طریق دعا و تجدید بنای سازمان تشیع؛ حضور فعال یک جریان فکری و سیاسی در جامعه. **امام باقر (ع):** بر اثر فعالیت‌های امام سجاد (ع) در زمان ایشان، زمان معرفی اسلام اصیل فرا رسید؛ اقدام علمی و فرهنگ و پایه‌گذاری مدرسه‌ی علمی بزرگ در مدینه، زیر سؤال بردن پیوسته‌ی حاکمان غاصب و جبار و بیان نظر اسلام در رابطه با امامت و خلافت؛ عدم اجازه به یزید برای قیام.
- **امام صادق (ع):** ناخشنودی مردم نسبت به بنی‌امیه در اوج قرار گرفت؛ علویان و بنی‌عباس علیه بنی‌امیه فعالیت می‌کردند؛ زمان مبارزه‌ی علنی‌تر و بیان حق حکومت؛ مثلاً در روز عرفه در مراسم حج و اجازه‌دادن به یزید بن علی عمومی خویش برای قیام؛ پیروزشدن بنی‌عباس بر بنی‌امیه و آغاز دوران اختناق و سختگیری نسبت به علویان؛ توسعه‌ی علمی و پرورش شاگرد در رشته‌های مختلف معارف در مدرسه‌ی علمی پدر بزرگوار خود.
- **امام کاظم (ع):** شدت اختناق؛ ادامه‌ی مبارزه با تقیه و به صورت مخفیانه و پرورش و تربیت شیعیان؛ به سر بردن سال‌های طولانی در زندان.

■ **امام رضا (ع):** بخش اول در دوره‌ی هارون که دوره‌ی سخت و مشکلی محسوب می‌شود؛ بخش دوم زمان مأمون که زمینه‌ی فعالیت شیعیان بیشتر شده و بر تعداد عاشقان و علاقه‌مندان امام روزبه‌روز افزوده می‌شد؛ مأمون برای جلب یاران امام و علویان به خود، به اجبار امام را ولیعهد و جانشین خود معرفی کرد.

■ **پس از شهادت امام رضا (ع):** پدیدآمدن شرایط بسیار سخت در زمان امامت امام جواد (ع) که حتی ارتباط معمولی و رفت و آمد به خانه‌ی ایشان مشکل شد؛ انتقال امام هادی (ع) به اجبار به شهر سامرا که مرکز خلافت بود و اسکان ایشان در یک پادگان نظامی؛ امام عسگری (ع) نیز در همان محل پدر بزرگوارشان به شهادت رسیدند.

■ **علت غیبت امام مهدی (عج):** اول: حاکمان عباسی به محض تولد می‌تواستند ایشان را به شهادت برسانند؛ دوم، قدرناشناسی و ناسپاسی مردم و در خطر بودن جان امام عصر (عج). خداوند نعمت هدایت خود را با وجود انبیا و اولیای خود کامل کرده و راه رسیدن به رستگاری را به انسان‌ها نشان داده است؛ پیامبر (ص)، خود و امام علی (ع) را پدران امت معرفی کرده است؛ ادامه‌ی غیبت: باید نه‌تنها مسلمانان بلکه جامعه‌ی انسانی شایستگی درک حضور و بهره‌مندی کامل از وجود حجت الهی را پیدا کنند؛ پیامبر (ص) در زمان حیات خود و امامان نیز در رابطه با امام زمان (عج) سخن گفته‌اند و ایشان را معرفی کرده‌اند؛ به گفته‌ی پیامبر (ص)، خداوند زمین را پر از قسط و عدل خواهد کرد، بعد از این‌که پر از ظلم و جور شده باشد.

✓ **چگونگی رهبری امام زمان (عج):** غیبت در مقابل ظهور است نه حضور، امام زمان (عج) همچون خورشید عالم تاب، انوار هدایت و رهبری خود را بر مسلمانان می‌تاباند؛ امام علی (ع): حجت در میان مردم حضور دارد ... می‌بینند و دیده نمی‌شوند ... آن روز، روز شادی فرزندان علی (ع) و پیروان اوست؛ بخش اصلی رهبری امام عصر (عج)، ولایت معنوی است و ایشان به اذن خداوند از احوال انسان‌ها آگاه هستند و افراد مستعد و شیعیان و محبان خویش را از کمک‌ها و امدادهای معنوی برای رشد و تعالی برخوردار می‌سازند؛ نامه‌ی امام عصر به شیخ مفید و اعلام آگاه بودن از اخبار و احوال شیعیان و حمایت از آنان در مقابل دشمنان بیانگر ولایت معنوی ایشان است؛ هدایت باطنی افراد، حل بعضی از مشکلات علمی علما، خبردادن از پاره‌ای رویدادها، دستگیری از درماندگان، شفای بیماران و دعا برای مؤمنان نمونه‌هایی از بهره‌مندی شیعیان از ولایت معنوی امام عصر (عج) در غیبت می‌باشد؛ دوره‌ی غیبت، به معنای عدم رهبری امام عصر (عج) نیست بلکه رهبری حقیقی مسلمانان هم‌اکنون نیز با ایشان است. **آنچه برای ظهور لازم است:** احساس نیاز جهانی به کمک الهی؛ ناامیدی از همه‌ی مکتب‌های غیرالهی؛ آمادگی لازم پیروان و یاران امام برای همکاری با ایشان.

■ **پیامبر (ص): لا تفکروا فی ذات الله تفکروا فی آلاء الله:** در ذات و چیستی خداوند فکر نکنید، در نعمت‌های خداوند تفکر کنید.

یگانه‌ی بی‌همتا

﴿قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ...﴾ بگو تنها خدا خالق هر چیز است.

نکات برتر

توحید در خالقیت: (احد، واحد، یگانگی، بی‌همتایی، از خدا، نیازمندی در پیدایش)؛ خداوند تنها مبدأ و خالق جهان است؛ موجودات همه از او هستند؛ خداوند در کار آفرینش شریک و هم‌تایی ندارد؛ جهان از اصل‌های متعدد پدید نیامده است؛ تصور دو یا چند خدایی در حقیقت ناقص و محدود فرض کردن خداست؛ در آن هنگام هر یک از خدایان باید کمالاتی داشته باشند که دیگری آن را ندارد و گرنه عین همدیگر می‌شوند و دیگر چند خدا نیستند؛ اعتقاد به خدایان متعدد و چند مبدأ برای جهان، خدایان خیر و شر و خدایان پدیده‌های گوناگون شرک در خالقیت است.

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾ هر چه در آسمان‌ها و زمین است، از آن

خداست و کارها به سوی او بازگردانده می‌شود.

نکته آیه: توحید در مالکیت: (مال، از آن، ل مالکیت)؛ چون مخلوقات جهان از خداست پس مالک اصلی و حقیقی آن‌ها نیز خداوند است؛ همه‌ی هستی از آن خداست؛ بازگشت همه به سوی اوست - وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ (تَرْجَعُ الْأُمُورُ = معاد)؛ مالکیت انسان در کنار مالکیت خدا و یا مستقل از خدا دانستن آن شرک در مالکیت است.

﴿ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا ﴾ برای آنان جز او سرپرستی نیست و [خدا] هیچ‌کس را در فرمانروایی خود شریک نمی‌گیرد.

نکته آیه: توحید در ولایت (ولی، حکم، فرمانروایی، تصرف)؛ چون خدا مالک حقیقی همه‌چیز است. (مالکیت - علت) پس حق تصرف و ولایت بر همه چیز را دارد (ولایت - معلول)؛ هرگونه تصرف در جهان حق او و شایسته‌ی اوست؛ فرمانروایی جهان خداست و هیچ‌کس در فرمانروایی شریک او نیست؛ ولایت کسانی که از خداوند اذن دارد، مسیر و مجرای ولایت الهی است و واگذاری نیست؛ پیامبر واسطه و رساننده‌ی ولایت و فرمان‌های خداوند به مردم است.

﴿ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ * أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ﴾ آیا به کشت خود (آنچه می‌کارید) توجه کرده‌اید؟ آیا شما آن را زراعت می‌کنید؟ یا ماییم که زراعت می‌کنیم؟

■ **توحید در ربوبیت:** (رب، تدبیر، پرورش، هدایت، اداره و کار جهان، ادامه‌ی هستی، نیازمندی در بقا)؛ چون حق تصرف در همه‌ی مخلوقات برای خداست، (ولایت، علت) پس تدبیر و پرورش همه‌ی مخلوقات را در اختیار دارد؛ خداوند رب العالمین است، یعنی صاحب اختیاری است که تدبیر همه‌ی امور هستی به دست اوست؛ همه‌ی مخلوقات در کارهای خود نیازمند و وابسته به خداوند هستند، اما خداوند در اداره‌ی جهان به آن‌ها نیازی ندارد؛ خداوند **فعال** ما **یشاء** است؛ اوست که جهان را اداره می‌کند و به سوی آن مقصدی که برایش معین فرموده، هدایت می‌نماید و به پیش می‌برد؛ اگر کسی در کنار و یا در عرض ربوبیت الهی، برای خود یا سایر مخلوقات حساسی جداگانه باز کند و فکر کند غیر خدا می‌تواند مستقل از خداوند امور را تدبیر کند گرفتار شرک در ربوبیت شده است؛ توحید در ربوبیت، بدان معنا نیست که موجودات به خصوص انسان قدرت تدبیر ندارند؛ توحید در ربوبیت بدین معناست که انسان و تدبیرش، همه از آن خدا و تحت تدبیر اویند.

حقیقت بندگی

﴿ إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴾ همانا خدا پروردگار من و شماست، پس او را پرستش کنید. این راه راست است.

نکات برتر

ثمره‌ی توحید در ربوبیت، توحید عبادی است (توحید عملی نتیجه‌ی توحید در ربوبیت)؛ هذا صراط مستقیم = توحید عملی است؛ چون خداوند تنها اداره‌کننده و تنها تکیه‌گاه و پشتیبان جهان است، پس تنها وجود شایسته‌ی پرستش و اطاعت، یعنی تنها معبود واقعی انسان‌ها خداست. * شرک عملی نتیجه و ثمره‌ی شرک در ربوبیت است؛ مشرکانی که دانشمندان و علمای دینی و حضرت مسیح را به عنوان رب گرفته‌اند، ابتدا شریک در ربوبیت داشتند و سپس به شرک عملی مبتلا شدند؛ دعوت مردم به عبادت خدا (خدای واحد) که جز او خدایی نیست، توحید عبادی بعد اجتماعی است؛ کلمه‌ی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، جامع همه‌ی ابعاد توحید است.

است؛ یکپارچه شدن نظام اجتماعی در جهت خداوند و اطاعت همه جانبه از اوست. ﴿وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ هر کس چهره‌ی خود را تسلیم خدا کند در حالی که نیکوکار باشد، قطعاً به ریسمان استواری چنگ زده و پایان کارها به سوی خداست.

نکته آیه: تسلیم، اطاعت، پرستش، رضایت و ... در رابطه با توحید عبادی است؛ متمسک شدن به ریسمان الهی معلول برخورداری از توحید عبادی است؛ انسان موحد دارای شخصیتی یگانه و یکپارچه در جهت عبودیت و پرستش خدا می‌شود؛ ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ﴾ = توحید عبادی؛ ﴿رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ = توحید در ربوبیت؛ ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ = توحید در ربوبیت؛ ﴿سُبْحَانَ اللَّهِ﴾ = توحید عبادی؛ ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ = توحید عبادی (اجتماعی)؛ پس از شناخت خداوند به عنوان تنها خالق و آفریننده‌ی جهان و تنها سرچشمه‌ی خوبی‌ها و زیبایی‌ها و آگاهی به این که او تنها مالک، سرپرست، اداره کننده و تنها تکیه گاه و پشتیبان جهان است (توحید نظری)، درمی یابیم که تنها وجود شایسته‌ی پرستش و اطاعت، یعنی تنها معبود واقعی انسان‌ها خداست (توحید عبادی)؛ اطاعت از رسول گرامی او و اطاعت جانشینان آن حضرت لازمه‌ی توحید عبادی است؛ چرا که حکم و فرمان الهی از طریق رسول خدا و جانشینان بزرگوار آن حضرت به مردم می‌رسد و بدون تبعیت و اطاعت از آنان، اطاعت از خداوند ممکن نیست؛ **توحید عبادی:** فقط خدای یگانه را پرستش کنیم، تسلیم فرمان‌های او باشیم و کارهای خود را فقط به قصد اطاعت از او و برای کسب رضایت او انجام دهیم.

■ **نتایج شرک عبادی بُعد اجتماعی:** تفرقه و تضاد جامعه را فرا می‌گیرد؛ امکان رشد و تعالی از بین می‌رود؛ انسان‌های ستمگر و مستکبر، قدرت اجتماعی و سیاسی را به دست می‌آورند؛ آنان، انسان‌های دیگر را در خدمت امیال خود به کار می‌گیرند؛ در این گونه جوامع سخنی از حاکمیت خداوند و فرمان‌های او نیست؛ سخن از حاکمیت طاغوت و دستورهای اوست.

■ **دژ مستحکم خداوند - کلمه‌ی لا اله الا الله:** کلمه‌ی توحید و مهم‌ترین شعار اسلام و جامع همه‌ی ابعاد توحید، نفی هرگونه شرک است؛ توجه به این شعار و تفکر در آن بسیار ارزشمند و موجب فلاح و رستگاری است؛ نفوذ و عجزین شدن مفاهیم آن بنابر توصیه‌ی پیشوایان ما با تکرار در طول روز میسر می‌شود.

■ **پیامبر اکرم (ص):** بهای بهشت لا اله الا الله است؛ بگوئید لا اله الا الله و رستگار شوید؛ نه من و نه گویندگان قبل از من کلمه‌ای پرمرتحتوا همانند آن نگفته‌ایم؛ این کلمه دژی است که انسان را از شرک در عقیده و عمل دور می‌کند؛ به همین جهت خداوند این کلمه را دژ مستحکم خود نامیده است.

✓ **حدیث سلسله الذهب:**

﴿كَلِمَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي، فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي﴾ هر چه انسان به درک بالاتر و ایمان قوی‌تری نسبت به این عبارت برسد، بیشتر از گناه در حضور خداوند و سرپیچی از راهنمایی‌های او دوری می‌کند؛ متشکل از یک نفی (تبری - لا اله) و یک اثبات (تولی - الا الله) است؛ به همین جهت این کلمه دژی است که انسان را از گناه حفظ می‌کند و به مراتب بالاتری از زیبایی‌ها و کمال‌ها می‌رساند.

■ **معیار ثابت شرک و بت پرستی از دیدگاه قرآن کریم:** اطاعت از ارباب‌هایی جز خداوند؛ بندگی کسانی جز او؛ خارج کردن دین خداوند از برنامه‌های زندگی؛ تقلید از کسانی که در جهت مخالف دین حرکت می‌کنند.

■ **ریشه‌ی شرک و بت پرستی در دنیای امروز:** برخی از انسان‌ها در عین قبول داشتن خداوند، دین و دستورات آن را در متن زندگی خود وارد نمی‌کنند و تمایلات دنیایی و نفسانی خود را اصل قرار می‌دهند.

﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِيُوحِيدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفِرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا...﴾ بگو این رسول ما من موعظه و

بندی برای شما داریم برای خدا قیام کنید، دوبه‌دو با هم یا هر یک به تنهایی سپس ببینید.

■ **نکته آیه:** قیام برای خدا = اخلاص در بندگی = حسن فاعلی؛ تقدم انجام عبادت گروهی بر فردی؛ در انجام کارها برای خدا اگر همراهی نداشتیم، دلیلی برای ترک نداریم (تعدد مهم نیست)؛ کار برای خدا را با سرعت انجام دهیم به همراه جماعت و تفکر کردن.

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾ ما این کتاب را بر تو به حق فرستادیم پس خدا را پرستش کن در حالی که دین را برای او خالص کرده باشی.

■ **نکته آیه:** اخلاص در بندگی = توحید عبادی؛ انزال کتب الهی بر اساس حق و درستی = حکیمانانه بودن فرستادن کتب برای راهنمایی انسان‌ها؛ شرط عبادت، خالص بودن است.

﴿أَلَمْ أَعْهِدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ * وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾ ای فرزندان آدم مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را بندگی نکنید که وی دشمن آشکار شماست و این که مرا بندگی کنید که این است راه راست و استوار.

نکات برتر

نفی شرک عملی = توحید عملی = اخلاص در بندگی = حسن فاعلی؛ گرایش انسان مبنی بر عبودیت خدا و عدم تبعیت از شیطان یک گرایش فطری است که با آزاده‌ی انسان محقق می‌شود؛ خداوند، گرایش به پرستش خود را در خلقت ما قرار داده و به وسیله پیامبران الهی و کتاب‌های آسمانی ما را به سوی آن راهنمایی نموده است؛ انسان‌هایی که این گرایش فطری را نادیده گرفته‌اند و بنده‌ی هوای نفس و شیطان شده‌اند، از این گرایش غافل شده و سرگرم امور زودگذر دنیا گردیده‌اند.

■ **اخلاص در بندگی و پرستش به این معناست که:** تمام جهت‌گیری‌های زندگی انسان سمت و سویی الهی پیدا کند؛ همه‌ی کارها فقط برای رضا او و تقرب به او انجام پذیرد؛ هوای نفس و شیطان در آن‌ها راه نداشته باشد. بنابراین، اخلاص در بندگی به معنای دیگری از توحید عبادی است؛ به هر میزان که درجه‌ی اخلاص انسان بیشتر باشد، مقامش نزد خداوند گرامی‌تر و درجه‌اش در بهشت بالاتر است.

☑ **اجزای عمل:** اول: نیت، که به آن هدف یا قصد نیز می‌گوییم (روح عمل)؛ دوم: شکل و ظاهر عمل (جسم و کالبد عمل)؛ پیامبر (ص): نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ (نیت مؤمن، برتر از عمل اوست)؛ **حسن فاعلی:** در انجام هر عمل، هم باید نیت درونی و قلبی انسان الهی باشد (نماز خواندن برای تقرب به خدا)؛ **حسن فعلی:** باید مطابق با شکلی که خدا فرمان داده است، انجام شود (نماز خواندن همان طوری که خدا فرمان داده است)؛ حسن

فاعلی به طور طبیعی حسن فعلی را به دنبال می‌آورد، یعنی: کسی که قلباً با خدای خود خالص است و فقط رضایت او را می‌جوید، اگر بداند خداوند فرمان داده که عملی مانند نماز باید به شکل خاصی انجام شود، او نیز همان شکل انجام خواهد داد.

﴿كَذَلِكَ لِيَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ﴾ این‌گونه بازگرداندیم از او بدی و زشت‌کاری را چرا که او از بندگان مخلص ما بود.

نکته آیه: اولین ثمره و میوه‌ی اخلاص در بندگی = عدم نفوذ شیطان در مخلص = یأس شیطان از نفوذ در مخلصان؛ دورشدن حضرت یوسف از بدی و زشتی به جهت قرارگرفتن در مزره‌ی مخلصین (درجات بالای اخلاص)؛ اخلاص در بندگی باعث دوری از گناه و زشتی می‌شود؛ به تدریج که انسان رشته‌های اخلاص را محکم می‌کند؛ توانایی شیطان در وسوسه‌کردن کم می‌شود تا جایی که به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند در وی تأثیر بگذارد؛ گرفتارشدن به زشتی، به سوی گناه رفتن را در پی دارد.

✓ **میوه‌های اخلاص در بندگی:** اولین ثمره = عدم نفوذ شیطان؛ بالاترین میوه و ثمره = تقرب الهی؛ دیدار محبوب حقیقی و تقرب به پیشگاه کسی است که بنا به تعبیر امیرالمؤمنان، نهایت آرزوی عارفان - دوست دل‌های صادقان، دوست ولی مؤمنان، معبود عالمیان است.

✓ **ثمرات دیگر (میوه‌های اولیه):** دستیابی به معرفت و اندیشه‌های محکم و استوار؛ وقتی حکمت که همان دانش متین و محکم است، در اختیار انسان قرار گرفت، سبب می‌شود که فرد بتواند آگاهانه و درست تصمیم بگیرد و دچار سرگردانی نشود؛ پیامبر اکرم (ص) هر کس بتواند چهل روز کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد، چشمه‌های حکمت و معرفت از دل و زبانش جاری خواهد شد؛ احساس اطمینان و آرامش روانی؛ زندگی سالم و به دور از فساد؛ احساس لذت واقعی از زندگی خود؛ نجات از دغدغه‌های و اضطراب‌ها.

سنت‌های خداوند

﴿قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَاسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾ بی‌تردید پیش از شما حوادثی گذشت (سنت هلاکت اقوام) پس در زمین بگردید (سیر نمایید) و ببینید (ببیندیشید) که سرانجام تکذیب‌کنندگان چه سان بود.

نکته آیه: حیات فردی و اجتماعی انسان‌داری سنت‌ها و قوانین خاص خود است؛ براساس تقدیر الهی، جهان خلقت دارای قانون‌مندی است و پدیده‌های جهان در دایره‌ی قوانین خاصی حرکت می‌کنند و مسیر تکاملی را می‌پیمایند یا بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند.

■ **شناخت قوانین جهان خلقت سبب:** آشنایی ما با نشانه‌های الهی؛ درک عظمت خالق آن‌ها؛ بهره‌مندی از طبیعت. **شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها (سنت‌ها) موجب:** تنظیم درست رابطه‌ی انسان با خود؛ رابطه‌ی انسان با دیگران؛ رابطه‌ی انسان با جهان خلقت و رابطه‌ی انسان با خداوند می‌گردد و راه رسیدن به کمال را هموار می‌کند.

سنت امتحان و ابتلاء (آزمایش الهی):

﴿حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾ آیا مردم می‌پندارند رها می‌شوند زمانی که گفتند

ایمان آوردیم آزمایش نمی‌شوند؟

نکات برتر

هر کس ادعای ایمان کند، در معرض امتحان و آزمایش الهی قرار می‌گیرد؛ این سنت، مربوط به چگونگی و فرایند رشد و تکامل انسان و عامل ظهور و بروز استعدادهای اوست؛ کسی که ایمان خود به خداوند و راه هدایت الهی را اعلام می‌کند، وارد آزمایش‌های ویژه و امتحان‌های خاص می‌گردد.

■ **پیروزی یا شکست در آزمایش‌های الهی:** سبب جداشدن انسان‌های خوب از بد؛ ساخته‌شدن و تکامل یا خسران و عقب‌ماندگی آن‌ها می‌گردد؛ اگر پیروز شویم، به مرحله‌ی بالاتر می‌رویم و یا با آزمایش جدیدتری روبه‌رو می‌شویم.

■ **امام صادق (ع):** إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ بِمَنْزِلَةٍ كَفَّةِ الْمِيزَانِ كُلَّمَا زَيْدٌ فِي إِيْمَانِهِ زَيْدٌ فِي بِلَائِهِ (به راستی که مؤمن به منزله‌ی کفه‌ی ترازوست هر اندازه ایمانش افزوده شود، امتحانش نیز سنگین‌تر می‌شود.)

سنت امداد الهی:

﴿كُلَّمَا نِدَّ هُوْلَاءُ وَ هُوْلَاءُ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾ کمک می‌کنیم هم این گروه (نیکوکاران) و آن گروه (بدکاران) را و در بخشش پروردگارت ممنوعیتی (مانعی) نیست.

■ **در برابر دعوت انبیاء، مردم دو دسته می‌شوند:** دسته‌ای به ندای حقیقت پاسخ مثبت می‌دهند و هدایت الهی را می‌پذیرند؛ دسته‌ای لجاجت ورزیده و در مقابل حق می‌ایستند.

■ هر کس با اراده و اختیار خود، راه حق یا باطل را برگزیند، شرایطی برای او فراهم می‌شود که در مسیری که در پیش گرفته، به پیش رود و سرشت خود را آشکار کند؛ خداوند برای هر دو گروه امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌ها و هدف‌هایشان را فراهم می‌کند. در حقیقت، کسی که راه حق را برمی‌گزیند، مورد لطف خداوند قرار می‌گیرد و مراتب کمال را می‌پیماید؛ افرادی که فقط خواهان دنیا هستند و برای آن می‌دوند، آن را به دست می‌آورند (مشاهده‌ی عواقب زیان‌بار این تصمیم در آخرت)؛ روی آوردن دنیا و لذت‌های دنیایی به برخی انسان‌های گناهکار نشانه‌ی مورد لطف خدا قرار گرفتن آنان نیست. زیرا از نعمت بی‌پایان الهی محروم مانده‌اند.

سنت توفیق الهی:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ* وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ کسانی که در راه ما مجاهدت نمایند، قطعاً آنان را به راه‌های خود هدایت می‌کنیم. به‌درستی که خداوند با نیکوکاران است.

■ اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، همانا برایشان می‌گشودیم برکاتی از آسمان و زمین ولی تکذیب کردند پس آنان را گرفتار ساختیم به کیفر آنچه کسب کردند.

امداد خاص خدای متعال نسبت به آنان که با نیت پاک، قدم در راه حق می‌گذارند؛ سعادت جهان آخرت و رضایت پروردگار را هدف خود قرار دهند؛ همراه با سعی و تلاش انسان، خداوند نیز شرایط و اسباب فراهم می‌سازد تا بتواند آسان‌تر به مقصد برسد؛ یکی از جلوه‌های این توفیق، نصرت و هدایت الهی به دنبال تلاش و مجاهدت است؛ انسان حق‌گرا، خود را با نظام حاکم بر جهان که نظامی حق است، هماهنگ کرده و در نتیجه نظام خلقت به او کمک می‌کند و یک قدمش به اندازه‌ی ده‌ها قدم نتیجه می‌دهد؛ قرآن کریم وعده می‌دهد که بیست نفر یا صد نفر انسان تقوایی و شکیبا و بر دویست نفر یا هزار نفر از کفار پیروز می‌شوند.

سنت اَمَلَا و اَمِهَال:

﴿وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ خَيْرًا لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ لِيَازِدُوا إِيمَانًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ آنان

که کفر پیشه کردند، تصور نکنند اگر به آنان مهلت (بدکاری) می‌دهیم به نفع آن‌هاست. فقط به این خاطر به آنان مهلت می‌دهیم که بر گناهان خود بیافزایند.

خداوند به کافران مهلت می‌دهد و آنان از این مهلت در جهت بدتر شدن و گرفتار شدن به گناه استفاده می‌کنند؛ آنان که راه باطل را برمی‌گزینند و با حق عناد و دشمنی می‌ورزند، خداوند به آن‌ها مهلت و فرصت زندگی می‌دهد ولی آن‌ها این فرصت را وسیله‌ی غوطه‌ور شدن در تاریکی‌ها قرار می‌دهند؛ اگر در ابتدا اندک امیدی وجود داشت که نور حقی در دل آن‌ها بتابد، به تدریج چنین امیدی بر باد رفته و به شقاوت ابدی گرفتار خواهند شد؛ مهلت‌ها و امکانات، با اختیار و اراده‌ی خودشان به صورت بلای الهی جلوه‌گر شده و باعث سنگین‌تر شدن بار گناهان آنان می‌شود.

سنت استدرَاج:

﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ * وَأُمَلِّئُهُمْ بِإِن كَيْدِي مُتِينٌ﴾ کسانی که آیات ما را

انکار کردند، به تدریج گرفتار عذابشان خواهیم کرد از آن راه که نمی‌دانند (ناگهانی) و به آن‌ها مهلت (و امکانات) می‌دهیم همانا تدبیر من استوار است.

برخی انسان‌ها به تدریج گرفتار عذاب الهی می‌شوند (حالت تدریجی در حرکت به سوی عذاب الهی)؛ گاهی خداوند علاوه بر مهلت‌دادن، بر امکانات گمراهان می‌افزاید و آن‌ها با استفاده از همین امکانات و با اصرار خود بیشتر در فساد فرو می‌روند؛ آنان قدم‌به‌قدم از انسانیت فاصله گرفته و به تدریج به سوی هلاکت ابدی نزدیک‌تر می‌شوند.

سنت تفاوت در پاداش و کیفر:

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ هر کس کار نیک انجام دهد، ده برابر پاداش دارد. هر کس کار زشت انجام دهد، فقط همانند آن اندازه از گناه مجازات می‌شود زیرا خداوند عادل است و به کسی ظلم نمی‌کند.

نکته آیه: مطابق با سنت الهی، میان پاداش و کیفر تفاوت وجود دارد؛ با آن که براساس عدل، خداوند باید به همه‌ی بندگان براساس میزان اعمالشان پاداش یا جزا دهد، اما خداوند با فضل خود با بندگان رفتار می‌کند، کار نیک را چند برابر و کار بد را فقط به اندازه‌ی خودش پاداش و جزا می‌دهد.

سنت تأثیر نیکی و بدی در سرنوشت:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، همانا برایشان می‌گشودیم برکاتی از آسمان و زمین ولی تکذیب کردند، پس آنان را گرفتار ساختیم به کیفر آنچه کسب کردند.

نکته آیه: مطابق با سنت الهی، رفتار خوب یا بد انسان‌ها در سرنوشت آنان تأثیر دارد؛ زندگی ما به شدت تحت تأثیر رفتارهای ماست. مثلاً: نیکوکاری یا گناه از جمله عوامل مؤثر در طول عمر یا کوتاهی آن هستند؛ دعا می‌تواند سبب بسیاری از خوبی‌ها و مانع بسیاری از بلاها گردد (با توجه به شرایط).

■ امام صادق: **مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ * وَمَنْ يَعِيشُ بِالْإِحْسَانِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَعِيشُ بِالْأَعْمَارِ:** کسانی که به واسطه‌ی گناه می‌میرند، از کسانی که به واسطه‌ی سرآمد عمرشان می‌میرند، بیشترند. * و کسانی که به سبب نیکوکاری، زندگی دراز دارند، از کسانی که به عمر اصلی زندگی می‌کنند، بیشترند.

■ جامعه‌ای که در مسیر خوبی‌ها گام بردارد، درهای رحمت الهی را به روی خود می‌گشاید؛ جامعه‌ای که به گناه آلوده شود، به برخی عذاب‌ها گرفتار خواهد شد.

حقیقت توبه (بازگشت)

﴿فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ پس کسی که توبه نمود، بعد از ستمی که کرده بود و یا (با کار خوب) جبران کرد پس به درستی که خداوند به سوی او برمی‌گردد پس خداوند بخشنده‌ی مهربان است.

نکته آیه: انسان‌ها در صورتی که توبه کنند (تاب) و به اصطلاح وضع گذشته‌ی خود بپردازند (اصلاح)، مشمول توبه‌ی خداوند و بهره‌مند از غفران الهی می‌شوند؛ تاب: توبه‌ی انسان، بازگشت از گناه به سوی فرمان‌برداری از خداوند؛ يتوب: توبه‌ی خداوند، به معنای بازگشت لطف و آمرزش الهی به انسان توبه‌کار است.

توبه و پاک‌ی:

﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار پسندیده انجام دهد، پس همانا خداوند تبدیل می‌کند گناهان او را به

نیکی‌ها و خداوند آمرزنده و مهربان است. گناه، آلودگی است و توبه، پاک‌شدن از آلودگی‌هاست؛ توبه گناهان را از قلب خارج می‌کند و آن را شست‌وشو می‌دهد

■ **امام علی (ع): التَّوْبَةُ تُطَهِّرُ الْقُلُوبَ وَ تَغْسِلُ الذُّنُوبَ:** (توبه دل‌ها را پاک می‌کند و گناهان را می‌شوید).

■ **پیامبر اکرم (ص): التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ:** کسی که از گناه توبه کرده مانند کسی است که گناه نکرده

است. توبه نه تنها گناه را پاک می‌کند، بلکه به کمک ایمان و عمل صالح، گناهان را به حسنات تبدیل می‌سازد.

■ **افزایش تدریجی حرمت‌شکنی و گسترده‌شدن دامنه‌ی گناه باعث می‌شود تا:** چراغ عقل و فطرت به

خاموشی می‌گراید؛ جهت الیه زندگی عوض می‌شود؛ آدمی، پشت به خدا به سویی که شیطان و سوسه‌اش می‌کند، قدم برمی‌دارد. **امام صادق (ع):** چنان از خدا خوف داشته باش که گویی او را می‌بینی، پس اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند. اگر فکر کنی، او تو را نمی‌بیند، کفر ورزیده‌ای و اگر بدانی که او تو را می‌بیند و در عین حال در مقابل او گناه می‌کنی، او را خوارترین بینندگان به خود قرار داده‌ای.

مراحل توبه:

✓ **مرحله‌ی اولیه، پشیمانی از گذشته (ترک عادت به گناه):** پشیمانی حالتی درونی است که شخص را

دچار اندوه و حسرت می‌کند، شیرینی گناه را به تلخی تبدیل می‌سازد؛ اگر شیرینی گناه و احساس لذت از آن در جان آدمی باقی بماند، توبه آغاز نشده است؛ این مرحله از توبه با استغفار همراه است و انسان توبه‌کار با عبارتهایی مانند **استغفرالله** پشیمانی خود را ابراز می‌کند. ✓ **مرحله‌ی دوم، تصمیم بر تکرار نکردن گناه**

(ترک عادت به گناه): شخص تائب باید تصمیم جدی بر ترک گناه بگیرد؛ استغفار بی‌خاصیت، اظهار ندامت ظاهری و گفتن کلمه‌ی استغفار، در حال تکرار مداوم گناه. ✓ **مرحله‌ی سوم، جبران حقوق مردم (حق الناس - جبران گناه):** جبران حقوق مادی یا معنوی ضایع شده در حد توان و گرفتن رضایت از صاحبان حق؛ در صورت عدم دسترسی به صاحبان حق: صدقه در حق آنان و دعای خیر.

■ **حقوق معنوی از حقوق مادی بسیار مهم‌تر است:** آبروی ریخته شده با دروغ، غیبت و تهمت؛ شکسته شدن قلب پدر یا مادری بر اثر بی‌حرمتی فرزند؛ گسترش فساد و تباهی در جامعه با توزیع کتاب یا فیلم همراه‌کننده؛ بدبینی نسبت به دین با رفتار ناپسند.

✓ **مرحله‌ی چهارم: جبران حقوق الهی (حق الله - جبران گناه):** مهم‌ترین حق خداوند بر مردم، حق اطاعت و بندگی اوست؛ توبه‌کننده باید بکوشد کوتاهی‌های خود را در پیشگاه خداوند جبران کند. (قضای نماز و روزه و به‌جا آوردن عبادت‌های ترک‌شده)؛ مهربانی خداوند + تلاش حداکثری برای جبران = عفو خداوند.

نکات برتر

گرچه تمام طول عمر ظرف زمان توبه است و تا لحظه‌ی مرگ می‌توان توبه کرد، اما بهترین زمان برای توبه، دورانی است که توبه آسان‌تر و جبران گذشته راحت‌تر است؛ دوره‌ی جوانی، دوره‌ی انعطاف‌پذیری، تحول و دگرگونی و دوره‌ی پیری دوره‌ی کم‌شدن انعطاف، تثبیت خوی‌ها و خصلت‌ها است؛ خصلت‌های ناپسندی که در ما پدید می‌آیند؛ شبیه طناب‌هایی هستند که بر پای انسان بسته می‌شوند؛ حیل‌های خطرناک شیطان؛ خوش‌گذرانی در دوره‌ی جوانی به امید توبه‌کردن در دوران پیری.

نکته‌ها و دانستنی‌های قرآنی

- ✓ اولین سوره‌ای که بر پیامبر نازل شد سوره علق است. اولین سوره کتاب قرآن سوره حمد است. کوچک‌ترین سوره قرآن کوثر و بزرگ‌ترین سوره آن بقره است.
- ✓ کوچک‌ترین سوره ۴۲ حرف و بزرگ‌ترین سوره ۲۵۵۰+ حرف است.
- ✓ اولین سوره کاملی که به طور کلی و یکجا در مکه نازل شده است سوره حمد است.
- ✓ آخرین سوره کتاب قرآن سوره ناس است. آخرین سوره نازل شده سوره نصر است.
- ✓ سوره‌ای که جامع همه معارف قرآن سوره حمد است.
- ✓ سوره‌ای که به نسبت‌نامه خداوند معروف است سوره توحید است.
- ✓ سوره‌ای که یک آیه آن ۳۱ بار تکرار شده است سوره الرحمن است.
- ✓ سوره‌ای که قلب قرآن لقب گرفته است سوره یس (یاسین) است.
- ✓ سوره‌ای که به همتای قرآن معروف است سوره حمد است.
- ✓ سوره‌ای که به سوره تودیع (وداع و خداحافظی) معروف است سوره نصر است.
- ✓ فاتحه‌الکتاب نام سوره حمد است. خیمه قرآن سوره بقره است.
- ✓ السبع‌المثانی سوره حمد است. سوره همنام قبیله پیامبر سوره قریش است.
- ✓ سوره همنام جنگ خندق سوره احزاب است.
- ✓ سوره توبه بدون بسم‌الله آغاز می‌شود. سوره نمل دو بسم‌الله دارد.
- ✓ سوره جمعه به نام یکی از دستورات سیاسی-عبادی و یکی از روزهای هفته نامگذاری شده است.
- ✓ سوره حدید (آهن) به نام یکی از فلزات مهم نامگذاری شده است.
- ✓ سوره تین (انجیر) به نام یکی از میوه‌ها نامگذاری شده است.
- ✓ سوره جن به نام یک دسته از موجودات زنده که به چشم دیده نمی‌شوند نامگذاری شده است.
- ✓ سوره طور به اسم یک کوه نامگذاری شده است.
- ✓ سوره‌ای که اکثر کلمات آن یک‌بار در قرآن آمده است سوره کوثر است.
- ✓ سوره توحید نام یکی از اصول دین است. سوره حج نام یکی از فروع دین است.
- ✓ سوره قلم به نام سلاح دانشمند معرفی شده است. بهار قرآن ماه مبارک رمضان است.
- ✓ سوره‌ای که برائت از مشرکان به تبعیت از آن انجام می‌شود سوره تبت است.
- ✓ در سوره اسراء به اولین قبله مسلمین اشاره شده است.
- ✓ سوره احزاب بر خاتم‌الانبیا بودن پیامبر دلالت دارد.
- ✓ سوره‌ای که تعداد آیاتش برابر با تعداد چهارده معصوم است سوره صف است.

- ✓ پنج سوره از قرآن که به نام حیوانات می‌باشند: سوره‌های فیل، نمل، نحل، عنکبوت و بقره هستند.
- ✓ دو سوره از قرآن که به نام دو سرزمین می‌باشند سوره‌های روم و بلد هستند.
- ✓ سه سوره که به نام زنان نامگذاری شده‌اند سوره‌های مریم، نساء و کوثر هستند.
- ✓ هفت سوره از قرآن که به نام افراد خوب نامگذاری شده‌اند: سوره‌های مؤمنون، لقمان، محمد، مریم، کوثر، عادیات و انبیاء هستند.
- ✓ سه سوره از قرآن که به نام افراد بد نامگذاری شده‌اند: سوره کافرون، سوره منافقون و مطففین هستند.
- ✓ شش سوره که به معنی زمان هستند: سوره‌های عصر، لیل، فجر، فلق، قدر و ضحی (اول روز) هستند.
- ✓ سوره‌ای از قرآن که به نام یکی از صفات خداوند نامگذاری شده است سوره الرحمن است.
- ✓ سه سوره که به نام پیامبر گرامی اسلام نامگذاری شده است سوره‌های محمد، مزمل و مدثر هستند.
- ✓ سوره‌ای که به نام یکی از صفات نیک انسان‌ها نامگذاری شده است سوره انشراح است.
- ✓ سوره‌ای که به نام یکی از صفات بد انسان‌ها نامگذاری شده است سوره همزه است.
- ✓ دو سوره از قرآن که از اسامی قرآن نیز به شمار می‌رود: سوره‌های فرقان و نور هستند.
- ✓ معوذتین به سوره‌های ناس و فلق اطلاق می‌گردد.
- ✓ سوره‌های مسبحات سوره‌های اسراء، حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن هستند.
- ✓ سوره‌های حامدات سوره‌های حمد، انعام، کهف، سبا و فاطر هستند.
- ✓ سوره‌های عزائم سوره‌های فصلت، نجم، علق و سجده هستند.
- ✓ زهرا این نام سوره‌های بقره و آل عمران است.
- ✓ نام‌های دیگر سوره بقره الفردوس (بهشت) و سنم القرآن (کوه‌های قرآن) است.
- ✓ سبع طوال به سوره‌های بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف و سوره انفال همراه با سوره توبه اطلاق می‌گردد. داستان معراج پیامبر گرامی اسلام در سوره اسراء بیان شده است.
- ✓ سوره عادیات به اولین پیشوای شیعیان، حضرت علی (ع) منسوب است.
- ✓ سوره کوثر به حضرت فاطمه (س) منسوب است. سوره فجر به امام حسین (ع) منسوب است.
- ✓ سوره‌های محمد، ابراهیم، نوح، هود، یوسف و یونس به اسم پیامبران است.
- ✓ سوره اعلی به نام کتاب حضرت ابراهیم (صحف) اشاره می‌کند.
- ✓ سوره توحید در نمازهای یومیه خوانده می‌شود. سوره جمعه همنام یکی از اعیاد اسلامی است.
- ✓ سوره انبیا، به سوره پیامبران معروف است. احکام وضو در سوره مائده آمده است.
- ✓ جریان جنگ بدر در سوره انفال بیان شده است.
- ✓ جریان مسجد ضرار در سوره توبه بیان شده است.
- ✓ جریان دو نیمه شدن ماه به درخواست پیامبر (ص) در سوره قمر بیان شده است.
- ✓ ولادت حضرت عیسی (ع) در سوره مریم بیان شده است.
- ✓ در سوره آل عمران (آیه ۵۵) به زنده بودن حضرت عیسی (ع) اشاره شده است.
- ✓ در سوره اسراء (آیه ۳) از حضرت نوح به عنوان عبد شکور یاد شده است.
- ✓ جریان گفتگوی مستقیم خداوند با حضرت موسی (ع) در سوره نساء (آیه ۱۶۴) آمده است.

✓ معجزات حضرت موسی (ع) در سوره اعراف و آیات ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸ و ۱۲۳ آمده است.

✓ سوره جمعه با اشاره به تسبیح خداوند توسط همه موجودات آغاز می‌شود.

✓ سوره نور سوره‌ای است که طبق روایات سفارش شده زن‌ها بیشتر آن را بخوانند.

✓ سوره یوسف سوره‌ای است که طبق روایات سفارش شده زن‌ها کمتر آن را بخوانند.

✓ اولین سوره‌ای که به فارسی ترجمه شده سوره حمد بود.

✓ سوره‌های کافرون، توحید، فلق، ناس و جن با کلمه قل (بگو) شروع می‌شود.

✓ سوره‌های قدر، فتح، نوح و کوثر با کلمه انا (به درستی که) شروع می‌شود. ۲۰ سوره قرآن با سوگند و قسم شروع می‌شود.

✓ بیشترین تعداد سوگندهای قرآن در سوره شمس (۱۱ سوگند) آمده است. ۲۹ سوره قرآن با حروف مقطعه شروع شده است. ۱۶ پیامبر در سوره انبیاء نام برده شده است.

✓ خصوصیات و صفات مومنان در سوره مؤمنون ذکر شده است.

✓ تنها زنی که یکی از سوره‌های قرآن به اسم اوست حضرت مریم (ع) است.

✓ سوره‌های ق و ص سوره‌های یک حرفی هستند.

✓ سوره‌های یاسین، جن، طه، صف و حج سوره‌های دو حرفی هستند.

✓ سوره‌های تبت و لیل سوره‌هایی هستند که از دو طرف خوانده می‌شوند.

✓ سوره حمد سوره‌ای در قرآن است که اگر به اول آن یک حرف اضافه شود نام یکی از معصومین به دست می‌آید.

✓ نام‌های معروف سوره حمد عبارتند از: ام‌الکتاب، فاتحه‌الکتاب و السبع‌المثانی و نام‌های غیر معروف سوره حمد عبارتند از: فاتحه‌القرآن، الشفاء و النور.

✓ بنا به روایات، محورهای اصلی معارف سوره حمد در ابتدا، وسط و انتها، تمجید، اخلاص و دعا معرفی شده است.

✓ بهترین خوردنی دنیا که نام سوره‌ای در قرآن است نحل (عسل) می‌باشد.

✓ نام‌های دیگر سوره اسراء بنی‌اسرائیل و سبحان است.

✓ نام قوم بلقیس در سوره سبأ آمده است. نام دیگر سوره معارج سوره سأل سائل است.

✓ کلمه الله در تمام سوره‌های قرآن تکرار شده است. رحیم و رحمن از اسماء‌الحسنی خداوند است که ۱۱۴ مرتبه، مطابق با تعداد سوره‌های قرآن، در این کتاب آمده است.

✓ لقمان نام حکیم فرزانه‌ای است که یکی از سوره‌های قرآن به اسم اوست.

✓ با ترکیب الر+حم+ن: الرحمن از حروف مقطعه یکی از صفات خداوند به دست می‌آید.

✓ سوره عصر سوره‌ای است که تمام علوم و مقاصد قرآن را در خود جای داده است.

✓ در سوره نصر به جریان فتح مکه اشاره شده است.

✓ سوره اسراء با تسبیح خداوند شروع می‌شود و با حمد و ستایش او پایان می‌یابد. سوره مؤمنون با رستگار شدن مؤمنان شروع می‌شود و با رستگار نشدن کافران پایان می‌یابد. سوره حمد اساس قرآن

است. سوره فاطر به سوره ملائکه معروف است. سوره‌های ح و میم ریحانه قرآن هستند.

✓ سوره بقره قله و رأس قرآن است. سوره ایلاف سوره‌ای است که در آن از دو فصل سال نام برده شده است. سوره‌های طلاق و تحریم از آن پیامبر اکرم (ص) است. سوره بروج از انبیاء است.
 ✓ سوره ایلاف از سوره‌های قرآن مکمل سوره فیل است.
 ✓ آیه مبارکه بسم‌الله الرحمن الرحیم تاج سوره‌های قرآن است.
 ✓ به همراه نزول سوره‌های انعام، کهف، توحید، توبه و مائده هفتاد هزار ملک بر زمین فرود آمدند. سوره دهر در حق اهل بیت (ع) نازل شده است. به فرموده پیامبر اکرم (ص) سوره حمد بین خدا و بنده تقسیم شده است. سوره انعام دربرگیرنده هفتاد اسم اعظم خداوند متعال است. در قرآن ۵ نام از پیامبر ذکر شده است. جوهر و زبده سوره‌های قرآن حوامیم هستند.
 ✓ اهل بهشت سوره‌های یاسین و طه را قرائت می‌کنند.
 ✓ سوره‌های یاسین و طه سوره‌هایی هستند که خداوند متعال دو هزار سال پیش از خلقت آدم (ع) آن‌ها را قرائت کرد. سوره‌های هود، الحاقه، واقعه، نبأ و غاشیه سوره‌هایی از قرآن هستند که بر پیامبر بسیار اثر گذاشتند و باعث پیری زودرس ایشان گردید. نام حضرت نوع پیامبر اولوالعزم در ۲۹ سوره قرآن آمده است. چهارقل به سوره‌های کافرون، توحید، فلق و ناس اطلاق می‌گردد.
 ✓ سوره فتح در نظر پیامبر از تمام دنیا بهتر بود. اولین سوره مدنی سوره بقره است.
 ✓ در سوره انعام نام ۱۸ پیامبر ذکر شده است.

دانستنی‌های قرآن

✓ تعداد سوره‌های قرآن ۱۱۴، تعداد جزء ۳۰، تعداد آیات ۲۳۶۶، تعداد کلمات ۷۷۷۰۱، تعداد حزب ۱۲۰، تعداد حروف ۳۲۱۲۵۰، تعداد سوره‌های مکی ۸۶، تعداد سوره‌های مدنی ۲۸ می‌باشد.
 ✓ گفتنی‌های قرآن؛ تعداد کلماتی که در قرآن تکرار شده است:

واژه الیوم (روز): ۳۶۵ مرتبه	واژه الن شهر (ماه): ۱۲ مرتبه
واژه الاخره (آخرت): ۱۱۵ مرتبه	واژه الدنيا (دنیا): ۱۱۵ مرتبه
واژه العقاب (کیفر): ۲۶ مرتبه	واژه الجحیم (دوزخ): ۲۶ مرتبه
واژه استعاده (پناه بردن به خدا): ۱۱ مرتبه	واژه الابلیس (شیطان): ۱۱ مرتبه
واژه الصبر (شکیبایی): ۱۴ مرتبه	واژه الصیف (تابستان): ۵ مرتبه
واژه الشجره (درخت): ۲۶ مرتبه	واژه الشتاء (زمستان): ۵ مرتبه
واژه النبات (گیاه): ۲۶ مرتبه	واژه المسلمین (مسلمانان): ۲۸ مرتبه
واژه الحساب (دادرسی): ۲۹ مرتبه	واژه الجهاد (مبارزه): ۲۸ مرتبه
واژه العدل (عدل و قسط): ۲۹ مرتبه	واژه الصیام (روزه): ۱۴ مرتبه

- ✓ اولیای کلمه و آیه‌ای که بر پیامبر نازل شد: اقرأ، آیه اول سوره علق است.
- ✓ طولانی‌ترین آیه قرآن آیه ۲۸۲ سوره بقره است.
- ✓ کوتاه‌ترین آیه قرآن آیه ۶۴ سوره الرحمن (مدها متان) است.
- ✓ سرور آیات قرآن آیه آیه‌الکرسی است. آیه‌الکرسی در سوره بقره، جز دوم قرآن وجود دارد.
- ✓ در سوره مجادله کلمه الله در همه آیات تکرار شده است.
- ✓ بشارت حضرت عیسی (ع) به آمدن آخرین پیامبر در آیه ۶ سوره صف اشاره شده است.
- ✓ آیه‌الکرسی به گنج عرشی معروف است.
- ✓ در آیه ۳۶ سوره جائیه کلمه رب ۳ مرتبه در آن تکرار شده است.
- ✓ آیه ۱۷۷ سوره قرآن جامع‌ترین آیه و سوره است.
- ✓ آیه ۱۶۴ سوره آل عمران و آیه ۲۹ سوره فتح در قرآن هستند که تمام حروف الفبا در آن‌ها به کار رفته است. آیات والعصر، والطور، طه، الم و الله الصمد آیات بی‌نقطه در قرآن می‌باشند.
- ✓ در آیه ۷ سوره احزاب نام پنج تن از پیامبران اولوالعزم بیان شده است.
- ✓ آیه الحمدلله رب العالمین در سوره‌های حمد، صافات، زمر، یونس و انعام بیان شده است.
- ✓ آیات ۴۰ تا ۴۳ سوره مدثر از آیات قرآن است که به عذاب سخت ترک‌کنندگان نماز اشاره شده است.
- ✓ آیه ۵۵ سوره مائده به آیه ولایت مشهور است.
- ✓ آیات ۳۰ تا ۴۰ سوره نور آیاتی هستند که به حجاب معروفند.
- ✓ در آیه ۵ سوره قصص به مستضعفان مژده داده می‌شود که وارثان زمین خواهند بود.
- ✓ در آیه ۶۷ سوره مائده به غدیر خم و خلافت حضرت علی (ع) اشاره شده است.
- ✓ در سوره صافات به ذبح حضرت اسماعیل (ع) و روز عید قربان اشاره شده است.
- ✓ در آیه ۶۱ سوره یونس پیامبر موقع تلاوت می‌گریست.
- ✓ آیاتی که به صفات خداوند اشاره دارند آیات ۲۲ تا ۲۴ سوره حشر هستند.
- ✓ بقیه‌الله خیر لکم ان کنتم مومنین آیه‌ای که حضرت مهدی (عج) پس از ظهور بر زبان مبارکشان جاری می‌سازند. سر بریده امام حسین (ع) بر بالای نیزه در شهر شام آیه ۹ سوره کهف را تلاوت فرمودند.
- ✓ آیات ۲۷۳ و ۲۶۷ سوره بقره آیاتی هستند که به صدقه و انفاق مربوط‌اند.
- ✓ در آیه ۲۵ سوره شورا، آیه ۸ سوره تحریم، آیه ۵ سوره نور و آیه ۷ سوره فرقان به توبه و پذیرش اشاره شده است.
- ✓ نام مبارک پیغمبر اسلام (ص) در آیه ۱۴۴ سوره آل عمران، آیه ۲۹ سوره فتح، آیه ۶ سوره صف، آیه ۲ سوره محمد و آیه ۴۰ سوره احزاب آمده است.
- ✓ در آیه ۱۱ سوره حدید به قرض‌الحسنه اشاره شده است.
- ✓ در آیات ۱۸۳ تا ۱۸۵ سوره بقره بشارت فرارسیدن ماه مبارک رمضان و احکام روزه آمده است.
- ✓ آیه ۱۴۲ سوره اعراف آیه‌ای است که در نماز دهه ذی‌الحجه خوانده می‌شود.
- ✓ آیه ۸۷ سوره انبیاء و آیه ۵۹ سوره انعام آیاتی هستند که در نماز غفلیه خوانده می‌شوند.
- ✓ در آیه ۵۶ سوره احزاب صلوات فرستادن خداوند و ملائکه بر پیامبر (ص) آمده است.

- ✓ آیه‌ای که انسان را به گوش فرادادن به قرآن و تأمل در آیات آن سفارش می‌کند آیه ۲۰۴ سوره اعراف است. اطاعت از رسول و اولوالامر او در آیه ۲۰ سوره انفال آمده است.
- ✓ عمل استعاذه (گفتن جمله اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ) از آیه ۹۸ سوره نحل گرفته شده است.
- ✓ آیه ۸۱ سوره اسراء آیه فنای باطل و بقای حق را نوید می‌دهد.
- ✓ آیه ۱۵۶ سوره بقره بیانگر بازگشت همه به سوی خداوند است.
- ✓ آیات آخر سوره فجر بیانگر بازگشت همراه خشنودی افراد مومن به سوی خداست.
- ✓ در آیات ۳۰ تا ۳۹ سوره بقره جریان خلقت حضرت آدم (ع) آمده است.
- ✓ در آیه ۱۴ سوره مومنون خداوند به جهت خلقت انسان به خود احسنت گفت.
- ✓ آیه ۱۹ سوره اعراف و آیه ۳۵ سوره بقره اولین امر و نهی خداوند متعال به حضرت آدم و حوا است.
- ✓ الهام خداوند به مادر حضرت موسی (ع) که او را در صندوقچه قرار دهد و به دریا افکند در آیه ۷ سوره قصص آمده است.
- ✓ در آیه آخر سوره قلم به دفع چشم زخم اشاره شده است. والیتلطف، آیه ۱۹ سوره کهف (جز، ۱۵ حزب ۳) کلمه‌ای است که دقیقاً وسط قرآن را معین می‌کند.
- ✓ در آیه ۶۱ سوره آل‌عمران به جریان مباحله اشاره شده است.
- ✓ بزرگ‌ترین عدد در قرآن صد هزار است که در آیه ۱۴۷ سوره صافات اشاره شده است.
- ✓ ادریس (ع) نام پیامبری است که اولین مرتبه با قلم نوشت و لباس دوخت و در آیه ۸۵ سوره انبیاء و آیه ۵۶ سوره مریم به آن اشاره شده است.
- ✓ بقیه‌الله صفت امام زمان (عج) که یکبار در قرآن به کار رفته و در سوره ۸۶ هود آمده است.
- ✓ بزرگ‌ترین کلمه قرآن در آیه ۲۲ سوره حجر آمده است.
- ✓ قتل هابیل توسط برادرش قابیل در آیه ۳۰ سوره مائده آمده است.
- ✓ جریان انفاق حضرت علی (ع) در حال رکوع در آیه ۵۵ سوره مائده آمده است.
- ✓ آیه ۲۸ سوره رعد بیانگر این است که یاد خدا آرام‌بخش دل‌هاست.
- ✓ جریان انفاق حضرت علی (ع) و خانواده او در آیه ۸ سوره دهر آمده است.
- ✓ آیه ۶۴ سوره یوسف بیانگر این است که خداوند بهترین حافظان و رحم‌کنندگان است.
- ✓ کلمه‌الله‌هی‌العلیاء در آیه ۴۰ سوره توبه آمده است.
- ✓ بنا به حدیثی از پیامبر اکرم (ص) درجات بهشت به تعداد آیات قرآن است.
- ✓ دعای قنوت «ربنا اتنا فی الدنيا حسنه و...» در آیه ۲۰۱ سوره بقره آمده است.
- ✓ دعای قنوت «ربنا لاتزغ قلوبنا...» در آیه ۸ سوره آل‌عمران آمده است.
- ✓ دعای حضرت موسی (ع) رب اشرح لی صدری و ... در آیات ۲۵ تا ۲۸ سوره طه آمده است.
- ✓ دعای حضرت سلیمان (ع) در آیه ۱۹ سوره نمل آمده است.
- ✓ دعای حضرت نوح (ع) در آیه آخر سوره نوح آمده است.
- ✓ دعای حضرت یونس (ع) در شکم نهنگ در آیه ۸۷ سوره انبیاء آمده است.
- ✓ دعای حضرت ابراهیم (ع) در آیات ۴۰ تا ۴۱ سوره ابراهیم آمده است.

✓ دعای شریف «امن یجیب المضطر...» در آیه ۶۲ سوره نمل آمده است.

✓ حرف «الف» بیشترین و حرف «ظاء» کمترین حرفی هستند که در قرآن به کار رفته‌اند.

✓ بهترین خوردنی و بهترین نوشیدنی در قرآن عسل و شیر هستند.

✓ هدهد نام پرنده نام‌رسان در قرآن آمده است. مریم و آسیه زن فرعون نام زنان پرهیزگاری هستند که در آیات ۱۱ و ۱۲ سوره تحریم از آن‌ها یاد شده است.

✓ فیل و مورچه بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین حیوانات هستند که در قرآن به آن‌ها اشاره شده است.

✓ جبرئیل، ماروت، هاروت، میکال و مالک نام فرشتگان نام برده در قرآن هستند.

✓ قارون، جالوت و آذر کافرانی هستند که نامشان در قرآن آمده است.

✓ حضرت محمد (ص) و حضرت ابراهیم (ع) پیامبرانی هستند که به عنوان الگوی امت اسلامی در قرآن مطرح شده‌اند. در قرآن داستان حضرت یوسف (ع) به عنوان احسن القصص معرفی شده است.

✓ دختر حضرت شعیب (ع) (آیه ۲۵ سوره قصص) به عفت و راه رفتن با حیاء در قرآن معرفی شده است.

✓ در قرآن از حضرت ابراهیم (ع) پیامبر اولوالعزم به عنوان قهرمان توحید یاد شده است.

✓ در قرآن فرعون به عنوان ذوالاوتاد (صاحب میخ‌ها) معرفی شده است.

✓ جبرئیل، روح الامین، رسول و کریم از القاب حضرت جبرائیل در قرآن است. ۱۲۷ اسم از اسماء الحسنی خداوند در قرآن آمده است.

✓ کلمه قرآن در این کتاب آسمانی ۵۸ مرتبه آورده شده است.

✓ رسالت حضرت موسی (ع) با آیه ۱۶ سوره نازعات به ایشان شروع شد.

✓ آیه ۲۶ سوره اسراء در مورد مسئله فدک اشاره می‌کند.

✓ آیه ۲۱ سوره بقره اولین فرمان الهی در قرآن است.

✓ آیه ۲۰۷ سوره بقره به ليله المیبت اشاره دارد. بنا به روایات آیه الکرسی قله قرآن است.

✓ آیت الکرسی شعار و پیام توحید است. آیه ۳۳ سوره احزاب به آیه تطهیر معروف است که در شأن پنج تن آل عبا آمده است. در آیه ۶۰ سوره توبه مصرف هشتگانه صدقات آمده است.

✓ آیه ۱۰۳ سوره آل عمران بر وحدت و دوری از تفرقه تأکید دارد.

✓ تعداد حروف بسم‌الله الرحمن الرحیم ۱۹ حرف دارد.

✓ تعداد آیات سوره حمد (هفت آیه) می‌باشد که با موارد زیر مطابقت دارد:

✓ تعداد آسمان‌ها، ایام هفته، عدد طواف، سعی بین صفا و مروه و تعداد پرتاب سنگ به شیطان.

دانستنی‌های قرآنی:

✓ اولین شخصی که قرآن را به فارسی ترجمه کرد سلمان فارسی بود.

✓ اولین مفسر قرآن کریم حضرت علی (ع) بود.

✓ اولین شخصی که قرآن را اعراب‌گذاری کرد ابوالاسود دؤلی بود.

✓ اولین گردآورنده قرآن حضرت علی (ع) بود.

✓ اولین حافظ قرآن پیامبر گرامی اسلام بود.

✓ اولین شخصی که در باب فضایل قرآن کتاب نوشت ابی‌بن کعب بود.

✓ اولین کتاب تفسیر قرآن تألیف سعیدبن جبیر بود.

✓ کامل ترین کتاب بعد از قرآن نهج البلاغه است.

✓ کتابی که به آخ القرآن معروف است نهج البلاغه است.

✓ کتابی که به اخت القرآن معروف است صحیفه سجادیه است.

✓ اولین کشور اسلامی که به چاپ قرآن اقدام کرد جمهوری اسلامی ایران بود.

✓ سه تن از شعرای ایرانی که در کودکی حافظ قران بودند: رودکی، حافظ و ناصر خسرو.

✓ اسامی ۲۶ پیامبر در قرآن: محمد- آدم- ایوب- عزیز- الیسع- زکریا- یونس- یحیی- لوط-

هود- ابراهیم- سلیمان- داوود- موسی- عیسی- نوح- صالح- اسحاق- اسماعیل- یعقوب- یوسف-

ادریس- ذوالکفل- الیاس- شعیب- هارون.

✓ نام ده لباس در قرآن: کسوه؛ لباس؛ حریر؛ پرنیان؛ لبوس؛ زره؛ عبقری؛ لباس گرانبها؛ رف؛ لباس

گرم؛ ستبرق؛ دپیای سبز؛ سندس؛ دیبا؛ قمیص؛ پیراهن؛ ثیاب؛ جامه؛ جلابیب؛ روسری.

✓ سوره توحید سوره‌ای است که ۳ مرتبه خواندن آن ثواب یک ختم قرآن را دارد.

✓ سوره توحید سوره‌ای است که ۱۱ مرتبه خواندن آن بعد از نماز صبح از انجام گناه در آن روز

جلوگیری می‌کند.

✓ سوره قدر سوره‌ای است که خواندن آن جهت ادای قرض مجرب است.

✓ سوره زمر سوره‌ای است که خواندن آن موجب سربلندی در دنیا و آخرت، عزیز شدن در چشم

مردم و حرام شدن آتش جهنم بر بدن قاری آن می‌باشد.

✓ خواندن قرآن موجب ظهور ملائکه در خانه و دوری شیاطین می‌شود.

✓ خواندن آیت الکرسی بعد از هر نماز واجب موجب قبولی نماز و قرار گرفتن در امان خداوند است.

✓ آیه آخر سوره کهف را اگر انسان بخواند در هر ساعت از شب که اراده کند بیدار می‌شود.

✓ خواندن آیت الکرسی موجب امان از عذاب قبر است. خواندن سوره جمعه در روز جمعه کفاره

گناهان است تا جمعه دیگر. خواندن سوره یاسین ثواب ۱۲ مرتبه ختم قرآن دارد. طبق حدیثی از امام

صادق (ع) برای ورود به کاری که ترس و وحشت به همراه دارد آیه ۸۰ سوره اسراء را می‌توان خواند

و اقدام کرد. قرائت سوره حمد برابر قرائت دو ثلث قرآن است. قرائت سوره یاسین برابر با ۲۰ حج

می‌باشد. قرائت سوره‌های زلزال، توحید و کافرون برابر با پاداش خواندن ربع قرآن است. فضیلت

خواندن آیه ۵۶ سوره احزاب موجب می‌شود خداوند صد حاجت قاری را روا کند (هفتاد در دنیا و سی

در آخرت). برای زیاد شدن مال و روزی خواندن سوره همزه در نمازهای مستحبی مجرب است. برای

برآورده شدن حاجت مهم خواندن ۳۶۰ مرتبه سوره قدر مجرب است. جهت برآورده شده حاجت

خواندن آیه الله صمد در شب جمعه و ۴۱ هزار مرتبه نافع است. در شدائد و سختی‌ها و در مهمات

عظیم قرائت ۱۲ مرتبه آیت الکرسی نافع است. جهت قوه حافظه قرائت آیه امن الرسول از سوره بقره

بر آب و ناشتا میل کردن نافع است.

آموزش احکام و معرفی نکات برتر

اقسام احکام:

۱- **واجب:** کارهایی که حتماً باید انجام داد؛ مانند: نماز خواندن و روزه گرفتن. ۲- **حرام:** کارهای ناپسندی که نباید انجام داد؛ مانند: دروغ گفتن، دزدی کردن و گران فروشی. ۳- **مستحب:** کارهایی که انجام دادن آن‌ها بهتر است؛ مانند مسواک زدن دندان. ۴- **مکروه:** کاری که انجام ندادن آن بهتر است؛ مانند خوردن غذای داغ و فوت کردن به غذا. اگر کسی کارهای مکروه را انجام ندهد خداوند به او پاداش می‌دهد ولی اگر انجام دهد مجازات و عذاب ندارد. ۵- **مباح:** به کاری می‌گویند که از نظر اسلام، انجام دادن و انجام ندادن آن یکسان باشد. کار مباح نه عذاب دارد نه پاداش؛ مانند راه رفتن و نشستن.

مجتهد و فقیه:

■ شخصی که با بهره‌گیری از علوم و دانش‌های لازم به حدی رسیده است که می‌تواند وظایف و تکالیف دینی را از منابع آن استخراج کند مجتهد یا فقیه نامیده می‌شود.

☑ **مرجع تقلید:** مجتهد و فقیه‌ای که مردم در مسائل و احکام دینی از او پیروی می‌کنند مرجع تقلید نام دارد.

نکات برتر

مرجع تقلید، مسائل دینی را با استفاده از وحی الهی (قرآن) و سنت معصومین (ع) (روایات) به ما می‌رساند و با خصوصیتی که دارد سخنی از روی خواسته و سلیقه خود نمی‌گوید؛ بلکه آنچه را که از قرآن و روایات فهمیده بازگو می‌کند. بنابراین تقلید و پیروی از مجتهد اطلاعات از شخص نیست؛ بلکه اطاعت از احکام خداست که توسط مرجع تقلید به دست ما رسیده است. حتی اطاعت از پیامبران نیز اطاعت از شخص نیست؛ بلکه اطاعت از فرمان خدا و وحی است.

■ **مرجع تقلید باید دارای این ویژگی‌ها باشد:** ۱- مرد باشد؛ ۲- بالغ و عاقل باشد؛ ۳- شیعه دوازده امامی باشد؛ ۴- عادل باشد؛ ۵- زنده باشد؛ ۶- بنابر احتیاط واجب اعلم بوده و حریص به دنیا نباشد.

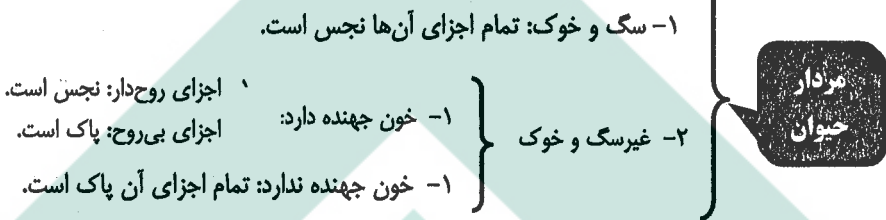
نجاسات (ناپاکی‌ها):

☑ **در عالم همه چیز پاک است مگر یازده چیز و آنچه بر اثر برخورد با این‌ها نجس شود:** ۱- ادرار (بول): انسان و حیوان‌های حرام‌گوشت دارای خون؛ ۲- مدفوع (غائط): جهنده مانند گربه و موش؛ ۳- منی؛ ۴- مردار: انسان و حیوانی که خون جهنده دارد؛ ۵- خون: مانند خون گوسفند؛ ۶- سگ که در خشکی زندگی می‌کنند ولی سگ و خوک دریایی نجس نیست؛ ۷- خوک؛ ۸- شراب و هر مایع مست‌کننده؛ ۹- آبجو (فقاع) و آبجو غیرطبیعی؛ ۱۰- کافر؛ ۱۱- عرق شتر نجاست‌خوار.

✓ **ادرار و مدفوع:** ✓ ادرار و مدفوع انسان و تمام حیوان‌های حرام گوشتی که خون جهنده دارند نجس است. ✓ ادرار و مدفوع حیوان‌های حلال گوشت مانند گاو و گوسفند و حیوان‌هایی که خون جهنده ندارند مانند مار و ماهی پاک است. ✓ بول و غائط حیوان‌هایی که گوشت آن‌ها مکروه است پاک می‌باشد مانند اسب و الاغ. ✓ فضله پرندگان حرام گوشت مانند عقاب نجس است.

✓ **مردار: ۱- بدن انسان مرده هر چند تازه مرده و بدنش سرد نشده باشد به جز اجزاء بی‌روح او مانند ناخن و مو و دندان نجس است مگر آنکه:** الف- شهید معرکه باشد؛ ب- او را غسل داده باشند (سه غسلش تمام شده باشد). ۲- تنها شهیدی که در معرکه جان داده باشد پاک است.

✓ **مردار حیوان:** ۱- مردار حیوانی که خون جهنده ندارد پاک است مانند ماهی؛ ۲- اجزای بی‌روح مردار حیوانی که خون جهنده دارد مانند مو و شاخ پاک و اجزای روح‌دارش مانند گوشت و پوست نجس است. ■ **نمودار احکام مردار حیوان:**



۳- اجزایی که در حال حیات (قبل از مردن) از بدن انسان یا حیوان دارای خون جهنده جدا می‌شود در حکم طهارت و نجاست با اجزای مردار تفاوتی ندارد یعنی اگر جزء بی‌روح باشد پاک است و اگر روح‌دار باشد نجس است بنابراین اگر بر اثر جراحی تکه‌ای از بدن انسان جدا شود نجس است. ۴- اگر جزئی از بدن انسان زنده قطع شود ولی به وسیله پوست به بدن متصل باشد هرچند آن پوست بسیار نازک باشد تا وقتی که کاملاً جدا نشده آن عضو پاک است و حکم مردار ندارد.

✓ **احکام خون:** ✓ خون انسان و هر حیوان دارای خون جهنده نجس است مانند مرغ و گوسفند. ✓ خون حیوانی که خون جهنده ندارد پاک است مانند ماهی و پشه. ✓ خونی که گاهی در تخم مرغ دیده می‌شود نجس نیست ولی بنا بر احتیاط واجب باید از خوردن آن اجتناب کرد و اگر خون را با زرده تخم مرغ به هم بزنند که از بین برود خوردن زرده هم مانعی ندارد. ✓ خونی که از لای دندان (لثه) می‌آید اگر بنا آب دهان مخلوط شده و از بین برود پاک است و در این صورت فرو بردن آب دهان هم اشکال ندارد.

■ **در موارد زیر حکم به طهارت می‌شود:** ۱- مایع قرمز رنگی که خون بودن آن معلوم نباشد. ۲- خونی که نمی‌داند از حیوان خون جهنده‌دار است یا نه؟ مثل اینکه خونی در لباس خود می‌بیند و نمی‌داند خون پشه است یا بدن خودش. ۳- آنچه از دهانه زخم بیرون می‌آید و نمی‌داند خون است یا چرک (در صورتی که دهانه زخم پاک باشد اما اگر نجس باشد چرک یا زردابه‌ای که بیرون می‌آید با برخورد به محل نجس، نجس می‌شود).

✓ چگونه چیز نجس پاک می شود؟ همه اشیای نجس پاک می شوند و پاک کننده ها عبارتند از:

۱- آب؛ ۲- زمین؛ ۳- آفتاب؛ ۴- استحاله؛ ۵- انتقال؛ ۶- اسلام؛ ۷- تبعیت؛ ۸- برطرف شدن نجاست؛ ۹- استبراء حیوان نجاست خوار؛ ۱۰- غایب شدن مسلمان.

✓ آب: آب یا مضاف است یا مطلق. آب مضاف آبی است که یا از چیزی گرفته باشند مانند آب سیب و هندوانه و یا با چیزی مخلوط شده باشد به قدری که به آن آب نگویند مانند شربت. آب مطلق: آبی که مضاف نباشد.

✓ احکام آب مضاف: ۱- چیز نجس را پاک نمی کند (از مطهرات نیست)؛ ۲- با برخورد نجاست نجس می شود هر چند نجاست کم باشد و بو یا رنگ یا مزه آب عوض نشود؛ ۳- وضو و غسل با آن صحیح نیست.

۲- اقسام و احکام آب مطلق: تنها آب مطلق اشیای نجس را پاک می کند. برای آشنایی بیشتر با احکام

آن یادآور می شویم: ✓ آب یا از زمین می جوشد؛ یا از آسمان می بارد؛ یا نه می جوشد و نه می بارد. به آبی که از آسمان بیارد «باران» گویند. آبی را که از زمین می جوشد اگر جریان داشته باشد آب جاری گویند و اگر بدون جریان باشد آب چاه می نامند. آبی که از زمین نمی جوشد و از آسمان نمی بارد آب راکد است. اگر مقدار آب راکد زیاد باشد کر و اگر کم باشد قلیل است.

✓ مقدار کر: ۱- حجم: $42/875$ و جب. مقدار آبی که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هریک حداقل $3/5$ باشد بریزند پر شود. ۲- وزن: $377/419$ کیلوگرم.

■ مقدار آب قلیل: آبی که از کر کم تر باشد.

۳- احکام آب قلیل: ۱- آب قلیل با برخورد نجاست نجس می شود. ۲- اگر آب کرد یا جاری به آب قلیل نجس، متصل و با آب مخلوط شود پاک می گردد. ۳- آب قلیلی که برای تطهیر چیز نجس روی آن می ریزند و از آن جدا می شود نجس است.

۴- احکام آب کر، جاری، چاه: ۱- همه اقسام آب مطلق، به جز آب قلیل، تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد پاک است و هرگاه بر اثر برخورد با نجاست بو یا رنگ یا مزه نجاست بگیرد نجس می شود بنابراین آب جاری، چاه، کر و حتی باران در این حکم مشترکند. ۲- آب لوله های عمارات (ساختمان های بزرگ) که به منبع کر متصل است حکم آب کر را دارد.

۵- برخی از خصوصیات باران: ۱- اگر بر چیز نجسی که عین نجس در آن نیست یکبار بیارد پاک می شود.

۲- اگر بر فرش و لباس نجس بیارد پاک می شود و فشردن و گرفتن آب آن لازم نیست. ۳- اگر بر زمین نجس بیارد پاک می شود. ۴- هرگاه باران در جایی جمع شود اگرچه کم تر از کر باشد تا موقعی که باران می بارد در صورتی که چیز نجسی در آن بشویند، تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته پاک است.

ردیف	اشیاء نجس	با آب قلیل	با آب کر یا جاری	توضیحات
۱	ظرفی که سگ آن را لیسیده و یا از آن چیز روان (مایع) خورده است.	به احتیاط واجب ۲ بار	به احتیاط واجب ۲ بار	باید قلیل از تطهیر آن را خاک مال کرد.
۲	ظرفی که خوک از آن چیز روان خورده است.	۷ بار	به احتیاط ۷ بار	خاک مال کردن آن احتیاط مستحب است.
۳	ظرفی که به شراب نجس شده است.	۳ بار و بهتر است ۷ بار بشویند.	۱ بار	ظرفی که خوک لیسیده بنا بر احتیاط واجب همین حکم را دارد.

✓ **آب کشیدن زمین نجس: تطهیر زمین: ۱- با آب کر:** ابتدا آلودگی را برطرف کرده، سپس با آب کر یا جاری بر آن بگیرند به مقداری که تمام جاهای نجس را فرا گیرد. ۲- **با آب قلیل:** ۱- زمین به گونه‌ای است که آب بر آن جاری نمی‌شود (به اصطلاح آب را به خود گرفته و می‌خورد) با آب قلیل پاک نمی‌شود. ۲- آب بر زمین جاری می‌شود جایی که آب جاری شده، پاک می‌شود.

✓ **استحاله:** ✓ اگر جنس چیز نجس طوری عوض شود که به صورت چیز پاکي درآمد پاک می‌شود و می‌گویند استحاله شده است. مانند اینکه: مردار تبدیل به خاک شود؛ دانه نجس تبدیل به گیاه شود. ✓ اگر جنس چیز نجس عوض نشود و فقط شکل آن تغییر یابد پاک نمی‌شود. مانند آنکه: گندم نجس را آرد کنند یا با آن نان بپزند؛ انگور نجس سرکه شود. ✓ چیز نجسی که معلوم نیست استحاله شده یا نه نجس است.

✓ **انتقال:** اگر قسمتی از بدن حیوان دارای خون جهنده به بدن حیوانی که خون جهنده ندارد منتقل شود و جز بدن آن حیوان به حساب آید پاک می‌شود. مانند اینکه: خون بدن ناسان به بدن پشه یا مگس منتقل شود. جزئی از بدن حیوانی (مانند چشم) را جدا کرده و به بدن انسان منتقل کنند.

✓ **تبعیت:**

✓ تبعیت آن است که چیز نجسی به واسطه پاک شدن چیز دیگری پاک شود.

✓ **بطرف شدن عین نجاست:** در دو مورد اگر عین نجاست برطرف شود چیز نجس پاک می‌شود و نیاز به آب کشیدن ندارد: ۱- **بدن حیوان:** مثلاً منقار مرغی که نجاست خورده، هنگامی که نجس برطرف شود پاک است. ۲- باطن بدن انسان مانند داخل دهان و بینی و گوش.

📌 **نکته برتر:** بنابراین اگر از لثه‌ها خون بیاید و یا شخصی غذای نجس بخورد زمانی که در دهان غذای نجس و خون نماند و یا خون به قدری کم است که با آب دهان مخلوط شده و از بین برود، پاک است.

۱- صورت: از جایی که موی سر وریده تا آخر چانه (طول) و از پهنا فاصله بین شست و انگشت میانه که بر صورت قرار گیرد. (عرض).

۲- دست راست
۳- دست چپ

۱- شستن:

کارهای

وضو:

۱- سر: قسمت جلو آن که بالای پیشانی است.

۲- پای چپ
۳- پای راست

۲- مسح:

✓ **وضوی ارتماسی:** ✓ وضوی ارتماسی آن است که انسان صورت و دست‌ها را به قصد وضو در آب فرو برد و یا آن‌ها را در آب فرو برده و به قصد وضو بیرون آورد.

✓ **چون در وضوی ارتماسی نیز بنا بر احتیاط واجب دست و صورت باید از بالا به پایین شسته شود** وضوی ارتماسی به گونه‌های زیر انجام می‌شود: الف- به قصد وضو صورت را از پیشانی در آب فرو ببرد و دست را به نیت وضو از آرنج در آب فرو ببرد و تا موقعی که آن‌ها را از آب بیرون می‌آورد و ریزش آب تمام می‌شود به نیت وضو باشد. (چون آبی که بر دست می‌ماند و در مسح به کار می‌رود باید آب وضو باشد). ب- بدون قصد وضو، صورت یا دست را در آب ببرد و به قصد وضو از آب بیرون آورد که صورت را باید ابتدا از پیشانی بیرون آورد و دست‌ها را از آرنج. ✓ اگر بعضی از اعضای وضو را ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی انجام دهد اشکال ندارد.

۱- شرایط آب وضو: ۱- آب وضو پاک باشد (نجس نباشد)؛

۲- آب وضو مباح باشد (غصبی نباشد)؛ ۳- آب وضو مطلق باشد (مضاف نباشد)؛

۴- ظرف آب وضو مباح باشد؛ ۵- ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد.

۲- شرایط اعضای وضو: ۱- پاک باشد؛ ۲- مانعی از رسیدن آب در آن نباشد.

شرایط وضو

۳- شرایط کیفیت وضو: ۱- رعایت ترتیب؛ ۲- رعایت موالات؛ شخصاً انجام دهد.

۴- شرایط وضوگیرنده: ۱- استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد؛ ۲- با قصد

قربت وضو بگیرد؛ (ریا نکند).

✓ **شرایط آب وضو و ظرف آن:** وضو با آب نجس و مضاف باطل است خواه بداند آن آب نجس یا مضاف است یا نداند و یا فراموش کرده باشد. ✓ آب وضو باید مباح باشد یعنی وضو گیرنده مجاز به تصرف در آن باشد. پس اگر آب غصبی باشد (یعنی ملک او نباشد و از طرف مالک نیز اجازه تصرف نداشته باشد) نمی‌تواند با آن آب وضو بگیرد. بنابراین در موارد زیر وضو باطل است: وضو گرفتن با آبی که صاحب آن راضی نیست (راضی نبودن او معلوم است)، آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه، آبی که وقف افراد خاصی است مانند حوض برخی از مدارس و وضوخانه بعضی از هتل‌ها و مسافرخانه‌ها.

کیفیت وضو:

۱- **ترتیب: کارهای وضو بدین ترتیب باید انجام شود:** - شستن صورت؛ - شستن دست راست؛ - شستن دست چپ؛ - مسح سر؛ - مسح پای راست؛ - مسح پای چپ؛ - اگر ترتیب اعمال وضو به هم بخورد، وضو باطل است.

۲- **موالات:** ۱- موالات یعنی پشت سرهم انجام دادن و فاصله نینداختن بین اعمال وضو. ۲- اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می‌خواهد جایی را بشوید یا مسح کند رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده خشک شده باشد، وضو باطل است ولی اگر بر اثر گرمی هوا یا حرارت بدن خشک شود نه به جهت طولانی شدن وضو اشکال ندارد.

✓ **مبطلات وضو:** ✓ خارج شدن ادرار، مدفوع و باد از انسان. ✓ خواب، چنانچه گوش نشنود و چشم نبیند ولی اگر یکی از آن‌ها از کار بیفتد مثلاً چشم نبیند و گوش بشنود وضو باطل نیست. ✓ چیزهایی که عقل را از بین می‌برد، مانند دیوانگی، مستی و بی‌هوشی. ✓ استحاضه زنان، حتی استحاضه قلیله. ✓ آنچه سبب غسل شود، مانند جنابت و مس میت.

غسل:

✓ **اقسام غسل‌های واجب: مشترک بین مردان و زنان:** ۱- جنابت؛ ۲- مس میت؛ ۳- میت؛ ۴- غسلی که با نذر یا عهد و یا قسم واجب شود. **مخصوص بانوان:** ۱- حیض؛ ۲- استحاضه؛ ۳- نفاس.

✓ **غسل جنابت:** اگر انسان جنب شود باید غسل جنابت به جا آورد.

■ **سبب جنابت دو چیز است: بیرون آمدن منی:** کم باشد یا زیاد، در خواب باشد یا بیداری. جماع (آمیزش)؛ با حلال باشد یا حرام، منی بیرون بیاید یا نیاید. ✓ اگر منی از جای خود حرکت کند ولی از مجرای بول بیرون نیاید سبب جنابت نمی‌شود. ✓ کسی که می‌داند آنچه از مجرای بول بیرون آمده منی است باید غسل جنابت کند. ✓ کسی که نمی‌داند آنچه از او بیرون آمده منی است یا نه در صورتی که علائم منی را داشته باشد جنب است و در غیر این صورت حکم به جنابت نمی‌شود.

✓ **کارهایی که بر جنب حرام است:** - رساندن جایی از بدن به خط قرآن، اسم خداوند و بنابر احتیاط واجب اسامی پیامبران و ائمه و حضرت زهرا؛ - رفتن به مسجدالحرام و مسجدالنبی هرچند از یک در وارد شود و از در دیگر بیرون رود؛ - توقف در مساجد؛ - گذاشتن چیزی در مسجد، هرچند از بیرون مسجد باشد؛ - خواندن سوره‌های دارای سجده واجب، حتی یک حرف از آن؛ - توقف در حرم امامان (ع) (بنابر احتیاط واجب).

✓ **سوره‌ها و آیات سجده‌دار قرآن:**

- ✓ سوره شماره ۳۲ (سجده) آیه ۵ (انما یومن بایاتنا الذین)؛
- ✓ سوره شماره ۴۱ (فصلت) آیه ۳۷ (ومن ایته الیل و النهار)؛
- ✓ سوره شماره ۵۳ (نجم) آیه آخر (فاسجدوالله و اعبدوا)؛
- ✓ سوره شماره ۹۶ (علق) آیه آخر (کلا لاتطعه واسجد واقترب).

نکات بزرگ

اگر جنب از یک در مسجد وارد شود و از در دیگر بیرون برود (عبور بدون توقف) اشکالی ندارد به جز مسجد الحرام و مسجد النبی که عبور هم جایز نیست. مکانی که شخص در خانه‌اش برای نماز قرار می‌دهد و همچنین نمازخانه‌های مؤسسه‌ها و اداره‌ها حکم مسجد ندارند.

کیفیت غسل:

■ در غسل باید تمام بدن و سر و گردن شسته شود؛ خواه غسل واجب باشد مانند جنابت یا مستحب مانند غسل جمعه به عبارت دیگر شیوه انجام دادن غسل‌ها یکسان است و فرقی ندارند مگر در نیت.

✓ **غسل به دو گونه انجام می‌شود: ۱- ترتیبی:** اول سر و گردن را می‌شوید؛ سپس نیمه راست بدن؛ و بعد از آن نیمه چپ بدن. ۲- **ارتماسی:** با نیت غسل یکباره زیر آب می‌رود، به طوری که تمام بدن در آب قرار گیرد یا به تدریج زیر آب می‌رود که در نهایت تمام بدن در آب قرار گیرد یا زیر آب رفته و در آب به نیست غسل بدن را حرکت می‌دهد.

✓ **غسل جبیره‌ای:** غسل جبیره‌ای نیز مانند وضوی جبیره‌ای است و باید ترتیبی به جای آورده شود نه ارتماسی. بنابراین کسی که جایی از بدنش زخم است یا به جهتی دیگر آب برایش ضرر دارد یا جبیره آن را پوشانده و برداشتن آن ممکن نیست باید به همان دستوری که در وضوی جبیره‌ای گفته شد عمل کند و غسل او صحیح است.

✓ **غسل مس میت:** ۱- اگر کسی جایی از بدن خود را به بدن مرده‌ای که سرد شده و غسلش نداده‌اند برساند باید غسل مس میت کند. ۲- **در این موارد، مس بدن انسان مرده سبب غسل نمی‌شود:** - کسی که در میدان نبرد به شهادت رسیده است در صورتی که در میدان جان داده باشد. - مرده تازه از دنیا رفته که بدنش گرم است و هنوز سرد نشده است. - مرده‌ای که غسلش داده‌اند. ۳- غسل مس میت را باید مانند غسل جنابت انجام داد ولی کسی که غسل مس میت کرده اگر بخواند نماز بخواند باید وضو هم بگیرد.

احکام میت:

۱- **حنوط:** ۱- بعد از غسل، واجب است میت را حنوط کنند یعنی به پیشانی و کف دست‌ها و سر زانو و سر دو انگشت بزرگ پاهای او کافور بمالند. ۲- مستحب است سر بینی میت را هم کافور بمالند.

۲- **کفن میت:** مقدار لازم کفن: ۱- لنگ، که باید از ناف تا زانو اطراف بدن را بپوشاند و بهتر آن که از سینه تا روی پا برسد. ۲- پیراهن، بنابر احتیاط واجب باید از سرشانه تا نصف ساق پا را بپوشاند.

۳- سرتاسری، باید درازای آن به قدری باشد که بستن دو سر آن از طرف سر و پای میت ممکن باشد و پهنای آن به اندازه‌ای که یک طرف آن روی طرف دیگر بیاید.

۳- کیفیت دفن میت: ۱- میت را باید طوری دفن کنند که بوی او بیرون نیاید و درندگان هم نتوانند بدنش را بیرون آورند. ۲- میت را باید در قبر به پهلو راست رو به قبله بخوابانند. ۳- اگر دفن میت در زمین ممکن نباشد می‌توانند به جای دفن، او را در بنا یا تابوت بگذارند. ۴- اگر کسی در کشتی بمیرد، چنانچه جسدش فاسد نمی‌شود و بودن در کشتی مانعی ندارد باید صبر کنند تا به خشکی برسند و او را در زمین دفن کنند و گرنه باید در کشتی غسل دهند و حنوط و کفن کنند و پس از نماز بر او چیز سنگینی به پایش ببندند و او را به دریا بیندازند یا او را در خمره بگذارند و درش را ببندند و به دریا بیندازند و در صورت امکان او را در جایی رها کنند که فوراً طعمه حیوانات نشود. ۵- اگر کسی در چاه بمیرد و بیرون آوردنش ممکن نباشد باید در چاه را ببندند و همان چاه را قبر او قرار دهند و اگر چاه مال خود او نیست صاحب چاه را راضی کنند.

☑ **مکان‌هایی که دفن میت جایز نیست:** - دفن مسلمان در قبرستان کفار و دفن کافر در قبرستان مسلمانان. - دفن مسلمان در جایی که بی‌احترامی به او باشد، مثلاً در محل زباله و خاکروبه. - در مکان غصبی. - در مسجد و مکانی که برای غیر دفن وقف شده است. - در قبر مرده دیگری که سبب نبش قبر شود.

غسل‌های مستحب:

☑ **غسل‌های مستحب بسیارند؛ در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:**

- ۱- در این اوقات غسل کردن مستحب است: * روز جمعه؛ * روز میلاد پیامبر (۱۷ ربیع‌الاول)؛ * روز مبعث پیامبر (۲۷ رجب)؛ * اول، وسط و آخر ماه رجب؛ * شب نیمه‌شعبان؛ * شب‌های فرد ماه رمضان (اول، سوم، پنجم و...)*؛ * عید فطر و قربان؛ * روز هشتم و نهم ذی‌الحجه؛ * عید غدیر.
- ۲- برای به جا آوردن کارهای زیر غسل کردن مستحب است: * احرام عمره و حج؛ * طواف کعبه؛ * وقوف در عرفات؛ * زیارت. ۳- برای وارد شدن به حرم مکه، شهر مکه، رفتن به مسجدالحرام و مسجدالنبی (ص) و رفتن به مدینه منوره نیز غسل کردن مستحب است.

تیمم:

☑ **در این موارد باید به جای وضو و غسل تیمم کرد:** ✓ آب نباشد و یا دسترسی به آن نداشته باشد. ✓ آب برای فرد ضرر داشته باشد مثلاً بیماری پوستی دارد که آب برای آن مضر است. ✓ اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند خودش یا همسر یا فرزندان یا دوستش یا کسانی که به او مربوطند از تشنگی می‌میرند یا بیمار می‌شوند. همچنین در صورتی که کسی که حفظ جان او واجب است طوری تشنه باشد که اگر آب را به او ندهد، تلف می‌شود حتی حیوانی که در اختیار اوست. ✓ بدن یا لباس او نجس است و بیش از مقدار تطهیر آن آب ندارد و لباس دیگری هم ندارد. ✓ وقت برای وضو گرفتن یا غسل کردن ندارد. ✓ استفاده از آب یا ظرف آن برای او حرام باشد، مثل اینکه غصبی باشد.

اعمال تیمم:

۱- زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است. ۲- کشیدن هر دو دست بر تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر رویده است تا روی ابروها و بالای بینی (بین دو ابرو). ۳- کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست. ۴- کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ. ■ تمام کارهای تیمم باید با قصد تیمم و برای اطلاعات از دستور الهی انجام شود. همچنین باید نیت کند که تیمم به جای وضو است یا غسل.

■ چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است: - خاک - ریگ. - اقسام سنگ‌ها، مانند: سنگ سیاه، سنگ مرمر و نیز سنگ گچ و آهک (پیش از آنکه پخته شود). - گل پخته مانند آجر و کوزه. ✓ تیممی که به جای وضو است با تیمم به جای غسل فرقی ندارد مگر در نیت. ✓ کسی که به جای وضو تیمم کرده است اگر یکی از باطل کننده‌های وضو از او سر بزند، تیممش باطل می‌شود. ✓ کسی که به جای غسل تیمم کرده است، هرگاه یکی از اسباب غسل، مثل جنابت یا مس میت پیش آید تیممش باطل می‌شود. ✓ شرایط صحیح بودن تیمم: - اعضای تیمم (پیشانی و دست‌ها) پاک باشد. - پیشانی و پشت دست‌ها را از بالا به پایین مسح کند. - چیزی که بر آن تیمم می‌کند، پاک و مباح باشد. - ترتیب. - موالات. - هنگام مسح، چیزی بین دست و پیشانی و کف و پشت دست فاصله نباشد.

مقدمات نماز

هر روز: ۱ - صبح؛ ۲ - ظهر؛ ۳ - عصر؛ ۴ - مغرب؛ ۵ - عشاء

مقطعی: ۱ - آیات؛ ۲ - طواف واجب؛ ۳ - میت؛ ۴ - قضای پدر بر پسر بزرگتر؛ ۵ - نمازی که با نذر یا عهد یا قسم و یا اجیر شدن واجب می‌شود.

۱- واجب:

اقسام نماز:

۲- مستحب: نمازهای مستحب بسیار است.

✓ وقت نمازهای روزانه:

■ نمازهای هر روز، پنج نماز و مجموع آنها هفده رکعت است: نماز صبح: دو رکعت؛ نماز ظهر: چهار رکعت؛ نماز عصر: چهار رکعت؛ نماز مغرب: سه رکعت؛ نماز عشاء: چهار رکعت.

■ وقت اذان صبح: نزدیک اذان صبح: از طرف مشرق، سفیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند که آن را «فجر اول» گویند. هنگامی که آن سفیده پهن شد «فجر دوم» و ابتدای وقت نماز صبح است.

■ ظهر: اگر چوب یا چیزی مانند آن را عمود بر زمین قرار دهیم، وقتی که سایه آن به کمترین مقدار رسید و رو به افزایش گذاشت «ظهر شرعی» و ابتدای وقت نماز ظهر است.

■ **مغرب:** «مغرب» موقعی است که سرخی طرف مشرق، که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود از بین برود.
■ **نیمه شب:** اگر فاصله بین غروب آفتاب با اذان صبح را دو نیم کنیم، وسط آن «نیمه شب» و آخر وقت نماز عشاء است و اگر عمداً یا به واسطه عذری مانند فراموشی یا خواب ماندن نماز مغرب و عشا را تا نصف شب نخواند، بنابر احتیاط واجب باید تا قبل از اذان صبح، بدون نیت ادا یا قضا بخواند.

احکام وقت نماز:

✓ نمازهای غیر روزانه و مقطعی وقت مشخصی ندارند، بلکه وقت انجام آن‌ها بستگی به زمانی دارد که به علتی آن نماز واجب شود. ✓ اگر تمام نماز قبل از وقت خوانده شود یا عمداً نماز را قبل از وقت شروع کند باطل است. ✓ اگر نماز در وقت خودش خوانده شود در اصطلاح احکام می‌گویند: نماز «اداء» شده است. ✓ اگر نماز بعد از وقت خوانده شود در اصطلاح احکام می‌گویند: نماز «قضاء» شده است. ✓ مستحب است انسان نماز را در اول وقت بخواند و هر چه به اول وقت نزدیک‌تر باشد بهتر است مگر آنکه تأخیر آن از جهتی بهتر باشد، مثلاً صبر کند که نماز را به جماعت بخواند. ✓ اگر وقت نماز تنگ باشد به طوری که با انجام مستحبات نماز بخشی از نماز بعد از وقت خوانده می‌شود باید مستحبات را به جا نیاورد مثلاً اگر بخواند قنوت بخواند وقت می‌گذرد پس نباید قنوت بخواند. ✓ اگر نماز ظهر و عصر را قبل از سفر در اول وقت آن بخواند و سپس با هواپیما مسافرت کند و زمانی به مقصد برسد که هنوز ظهر آنجا فرا نرسیده است لازم نیست این دو نماز را دوباره بخواند همچنین اگر زمانی برسد که هنوز وقت نماز ظهر و عصر باقی است. ✓ اگر پس از طلوع آفتاب با اینکه نماز صبح آن روز را نخوانده است سفر را آغاز کند و قبل از طلوع آفتاب به مقصد برسد باید نماز صبح آن روز را به نیت ادا بخواند.

☑ **احکام کسی که قبله را نمی‌داند:** اگر انسان در موقعیتی قرار بگیرد که پس از تلاش برای پیدا کردن قبله نتواند جهت قبله را تشخیص دهد به هر طرف که گمان به جهت قبله دارد نمازش را می‌خواند و اگر به طور کلی قبله برایش نامعلوم باشد و به هیچ طرف گمان پیدا نکنند چنانچه وقت دارد باید به چهار طرف نماز بخواند و اگر این اندازه وقت ندارد به سه طرف و با کمبود وقت به دو طرف و در کم‌تر از آن به یک طرف نماز بخواند پس از آن ممکن است یکی از حالت‌های زیر پیش آید:

✓ جهت قبله برایش معلوم نشود: نمازی که خوانده کافی است؛ مثلاً نماز خوانده و از آنجا رفته است و بعداً هم نفهمیده قبله آن مکان به کدام جهت است.
✓ بعداً معلوم شود رو به قبله نماز خوانده: نمازش صحیح است.

لباس نمازگزار:

☑ **مقدار شرایط پوشش:** ۱- مرد: باید عورت را بپوشاند و بهتر است از ناف تا زانو را بپوشاند.
۲- زن: باید تمام بدن را بپوشاند به جز: * صورت، به مقداری که در وضو باید شسته شود. * دست‌ها تا مچ؛ * پاها تا مچ. ۳- بر زنان پوشاندن صورت و دست‌ها و پاها به مقداری که گفته شد، در نماز واجب نیست گرچه پوشاندن آن هم اشکالی ندارد.

۴- لباس نمازگزار باید این شرایط را دارا باشد: ✓ پاک باشد (نجس نباشد)؛ ✓ مباح باشد (غصبی نباشد)؛ ✓ از اجزای مردار نباشد؛ مثلاً از پوست حیوانی که مطابق دستور اسلام کشته نشده تهیه نشده باشد؛ حتی کمر بند و کلاه؛ ✓ از حیوان حرام گوشت نباشد؛ مثلاً از پوست پلنگ یا خوک تهیه نشده باشد؛ ✓ اگر نمازگزار مرد است لباس او طلاباف یا ابریشم خالص نباشد.

۵- اگر لباس نمازگزار از اجزای حیوان حرام گوشت تهیه شده باشد هر چند اجزای بی روح آن مانند پشم یا مو، نماز خواندن با آن باطل است. ۶- به جز در لباس نمازگزار هیچ جزئی از حیوان حرام گوشت هم نباید همراه او باشد. بنابراین اگر بند ساعت، کمر بند، دکمه و بند لباس از حیوان حرام گوشت باشد نماز باطل است. ۷- نماز خواندن با لباسی که از پشم و کرک و موی حیوان حلال گوشت تهیه شده صحیح است چون نه نجس است نه از اجزای روح مردار و نه از حیوان حرام گوشت. ۸- اگر قسمتی از لباس و حتی جزء کوچکی از آن از مردار باشد نماز با آن باطل است. ۹- چیزی که از اجزای روح دار مردار تهیه شده هر چند لباس نباشد بنابر احتیاط واجب نباید همراه نمازگزار باشد. ۱۰- نماز خواندن با لباسی که معلوم نیست از حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت در کشور اسلامی تهیه شده یا غیر اسلامی اشکالی ندارد. ۱۱- اگر با لباسی از حیوان حرام گوشت بر اثر فراموشی نماز بخواند و پس از آن متوجه شود بنابر احتیاط واجب باید آن نماز را دوباره بخواند.

✓ در این موارد، نماز خواندن با بدن یا لباس نجس باطل است:

✓ عمداً با اینکه می داند بدن یا لباس نجس است نماز بخواند.

✓ در یاد گرفتن مسئله کوتاهی کرده و به دلیل ندانستن آن با بدن یا لباس نجس نماز خوانده است.

✓ نجس بودن بدن یا لباس را می دانسته ولی هنگام نماز فراموش کرده و با آن نماز خوانده است.

✓ در این موارد اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند صحیح است: ✓ نداند بدن یا لباسش نجس

است و بعد از نماز متوجه شود. ✓ به خاطر زخمی که در بدن اوست بدن یا لباسش نجس شده و آب کشیدن یا عوض کردن آن هم بسیار دشوار است. ✓ لباس یا بدن نمازگزار به خون نجس شده ولی مقدار آلودگی کم تر از یک درهم است. ✓ ناچار باشد که با بدن یا لباس نجس نماز بخواند مثلاً آب برای تطهیر دارد.

مکان نمازگزار:

✓ جایی که انسان در آن نماز می خواند باید دارای شرایط زیر باشد: ✓ مباح باشد (غصبی نباشد).

✓ بی حرکت باشد (مانند اتومبیل در حال حرکت نباشد). ✓ تنگ نبوده و سقف آن کوتاه نباشد تا بتواند قیام و رکوع و سجود را صحیح انجام دهد. ✓ جایی که پیشانی می گذارد پاک باشد. ✓ مکان اگر نجس است طوری تر نباشد که به بدن یا لباس نمازگزار سرایت کند. ✓ جایی که پیشانی را می گذارد از جای زانوها و بنابر احتیاط واجب از جای انگشتان پا، بیش از چهار انگشت بسته پایین تر یا بلندتر نباشد.

واجبات نماز:

۱- نماز با گفتن «الله اکبر» شروع می شود و با سلام به پایان می رسد. ۲- آنچه در نماز انجام می شود یا واجب است یا مستحب. ۳- واجبات نماز، یازده چیز است که برخی رکن و برخی غیر رکن است.

✓ **واجبات نماز: ✓ رکن:** ۱- نیت؛ ۲- قیام؛ ۳- تکبیره الاحرام؛ ۴- رکوع؛ ۵- سجود. ✓ **غیر رکن:** ۱- قرائت؛ ۲- ذکر؛ ۳- تشهد؛ ۴- سلام؛ ۵- ترتیب؛ ۶- موالات.

احکام واجبات نماز:

۱- **نیت:** ۱- نمازگزار از آغاز تا پایان نماز باید بداند چه نمازی می خواند و آن را برای انجام فرمان خداوند عالم به جا آورد. ۲- به زبان آوردن نیت لازم نیست ولی چنانچه به زبان هم بگوید اشکال ندارد مثلاً بگوید چهار رکعت نماز ظهر به جا می آورم قربه الی الله. ۳- نماز باید از هرگونه ریا و خودنمایی به دور باشد یعنی نماز را تنها برای انجام دستور خداوند به جا آورد و چنانچه همه یا قسمتی از آن برای غیر خدا باشد باطل است.

۲- **تکبیره الاحرام:** همان گونه که گذشت نماز با گفتن «الله اکبر» آغاز می شود که به آن «تکبیره الاحرام» می گویند چون با همین تکبیر است که بسیاری از کارها که قبل از نماز جایز بوده بر نمازگزار حرام می شود مانند خوردن و آشامیدن، خندیدن و گریستن.

✓ **واجبات تکبیره الاحرام:** ۱- به عربی صحیح گفته شود. ۲- هنگام گفتن «الله اکبر» بدن آرام باشد. ۳- تکبیره الاحرام را طوری بگوید که اگر مانعی در کار نباشد خودش بشنود یعنی بسیار آهسته نگوید. ۴- بنابر احتیاط واجب آن را به چیزی که پیش از آن می خواند وصل نکند. مستحب است موقع گفتن تکبیره الاحرام و تکبیره های بین نماز دستها را تا مقابل گوشها بالا ببرد.

۳- **قیام:** قیام یعنی ایستاده بودن، که در بعضی موارد از ارکان نماز است و ترک آن نماز را باطل می کند. ولی افرادی که نمی توانند ایستاده نماز بخوانند باید نشسته نماز بخوانند.

✓ **اقسام قیام:** ✓ **رکن:** ۱- قیام هنگام تکبیره الاحرام؛ ۲- قیام پیش از رکوع (متصل به رکوع).

✓ **غیر رکن:** ۱- قیام هنگام قرائت؛ ۲- قیام بعد از رکوع.

✓ **واجبات رکوع:** ۱- خم شدن به مقداری که بتواند دست را به زانو بگذارد. ۲- ذکر (گفتن حداقل سه بار سبحان الله). ۳- آرامش بدن در حال گفتن ذکر. ۴- ایستادن بعد از رکوع. ۵- آرامش بدن بعد از رکوع.

✓ **فراموش کردن رکوع:** ۱- اگر رکوع را فراموش کند و پیش از آنکه به سجده برسد یادش بیاید باید بایستد بعد به رکوع رود و چنانچه با حالت خمیدگی به رکوع برگردد نمازش باطل است. ۲- اگر بعد از آنکه پیشانی به محل سجده برسد یادش بیاید که رکوع نکرده بنابر احتیاط واجب باید بایستد و رکوع را به جا آورد و نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

✓ **سجود:** ۱- نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب بعد از رکوع دو سجده به جا آورد؛

۲- سجده آن است که پیشانی و کف دو دست و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاها (شست) را بر زمین بگذارد.

✓ **برداشتن سر از سجده:** ۱- بعد از تمام شدن ذکر سجده اول باید بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود. ۲- اگر پیش از تمام شدن ذکر عمداً سر از سجده بردارد نماز باطل است.

✓ **ترتیب:** ✓ نماز باید بدین ترتیب خوانده شود: تکبیره الاحرام، قرائت، رکوع، سجود و در رکعت دوم

پس از سجود، تشهد و در رکعت آخر، سلام. ✓ اگر رکنی از نماز را فراموش کند و رکن بعد از آن را به جا آورد مثلاً پیش از رکوع دو سجده نماید نماز باطل است. ✓ اگر رکنی را فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است و رکن نیست به جا آورد مثلاً پیش از دو سجده تشهد بخواند باید رکن راب ه جا آورده و آنچه را

پیش از آن خوانده دوباره بخواند. ✓ اگر چیز غیر رکن را فراموش کند و رکن بعد از آن را به جا آورد مثلاً حمد را فراموش کند و مشغول رکوع شود نماز باطل نیست.

✓ **موالات:** ✓ موالات یعنی پشت سرهم بودن اجزای نماز و فاصله نینداختن بین آن‌ها. ✓ اگر به قدری بین اجزای نماز فاصله بیندازد که نگویند نماز می‌خواند نمازش باطل است. ✓ طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره‌های بزرگ، موالات را به هم نمی‌زند.

✓ **مبطلات نماز؛ بطالات نماز عبارت است از:** - از بین رفتن یکی از شرط‌های نماز؛ - پیش آمدن چیزی که وضو یا غسل را باطل می‌کند؛ - خوردن و آشامیدن؛ - حرف زدن؛ - خندیدن؛ - گریستن؛ - روی از قبله برگرداندن؛ - کم یا زیاد کردن ارکان نماز؛ - برهم زدن صورت نماز؛ - دست‌ها را روی هم گذاشتن؛ - آمین گفتن بعد از حمد؛ - پیش آمدن یکی از شک‌هایی که مبطل نماز است.

✓ **احکام مبطلات نماز:** ✓ اگر در بین نماز یکی از شرایط صحیح بودن آن از بین برود، مثلاً بفهمد مکانش غصبی است نماز باطل است. ✓ اگر در بین نماز وضو باطل شود یا یکی از موجبات غسل پیش آید نماز باطل است. ✓ اگر نماز گزار در بین نماز خواب برود نماز باطل است.

✓ **برخی مکروهات نماز:** ۱- برهم گذاشتن چشم‌ها؛ ۲- بازی کردن با انگشتان و دست‌ها؛ ۳- سکوت کردن در هنگام خواندن حمد یا سوره یا ذکر برای شنیدن حرف کسی؛ ۴- هرکاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد؛ ۵- برگرداندن صورت به طرف راست یا چپ به مقدار کم (چون به مقدار زیاد آن نماز را باطل می‌کند).

شکات نماز

اقسام شک در نماز:

۱- **شک در اجزای نماز:** ✓ اگر نماز گزار در انجام دادن جزئی از اجزای نماز شک کند یعنی نمی‌داند آن جزء را به جا آورده است یا نه چنانچه جزء بعدی را شروع نکرده است یعنی هنوز از محل آن جزء نگذشته است باید آن را به جا آورد مثلاً بعد از سر برداشتن از سجده، پیش از آنکه برای رکعت بعد برخیزد یا تشهد را شروع کند، شک می‌کند یک سجده به جا آورده یا دو تا که در این صورت یک سجده دیگر باید به جا آورد. اما اگر بعد از داخل شدن در جزء بعدی شک پیش آمده و از محل آن گذشته است مثلاً در حال خواندن تشهد شک کند یک سجده به جا آورده یا دو سجده، به چنین شکمی اعتنا نمی‌شود و نماز را ادامه می‌دهد و صحیح است. ✓ اگر در صحت جزئی از نماز شک کند یعنی نمی‌داند جزئی را که به جا آورده صحیح انجام شده است یا نه در این صورت به شک خود اعتنا نمی‌کند یعنی بنا می‌گذارد بر صحیح بودن آن و نماز را ادامه می‌دهد و درست است.

۲- شک در رکعات:

الف- شک‌های مبطل نماز: ✓ اگر در نماز دو رکعتی، مثل نماز صبح یا در نماز مغرب، شک در شمارش رکعت پیش آید نماز باطل است. ✓ اگر نماز گزار شک کند یک رکعت خوانده یا بیشتر نماز باطل است.

✓ اگر نماز گزار نداند چند رکعت خوانده نماز باطل است.

ب- شک‌هایی که نباید به آن‌ها اعتنا کرد: ۱- در نماز مستحب؛ ۲- در نماز جماعت.

۳- پس از سلام نماز: اگر بعد از تمام شدن نماز، شک در رکعت یا اجزاء یا صحت نماز پیش آید لازم نیست نماز را دوباره بخواند. ۴- بعد از گذشت وقت نماز: اگر پس از گذشت وقت نماز شک کند که نماز را خوانده است یا نه خواندن آن نماز لازم نیست. ۵- شک کثیر الشک: کسی که در یک نماز سه بار شک کند یا در سه نماز پشت سر هم شک کند (مثلاً در نماز ظهر و عصر و مغرب) کثیرالشک است و نباید به شک خود اعتنا کند و نماز را ادامه دهد و صحیح است.

ج- شک در رکعات نماز چهار رکعتی:

شک	در حال قیام	در رکوع	بعد از رکوع	در سجده	سجده‌ها در حالت نشسته	بعد از وظیفه نمازگزار در مواردی که نماز صحیح می‌باشد.
شک بین ۲ و ۳	مبطل	مبطل	مبطل	مبطل	غیر مبطل	بنابر ۳ گذاشته و ۱ رکعت دیگر می‌خواند و پس از سلام، ۱ رکعت نماز احتیاط ایستاده یا ۲ رکعت نشسته می‌خواند.
شک بین ۲ و ۴	مبطل	مبطل	مبطل	مبطل	غیر مبطل	بنابر ۴ می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز ۲ رکعت نماز احتیاط ایستاده می‌خواند.
شک بین ۳ و ۴	غیر مبطل	غیر مبطل	غیر مبطل	غیر مبطل	غیر مبطل	بنا بر ۴ می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز ۱ رکعت نماز احتیاط ایستاده یا ۲ رکعت نشسته می‌خواند.

سجده سهو:

۱- برای انجام دادن سجده سهو مانند شک بین ۴ و ۵ در حالت نشسته باید بعد از سلام نماز به سجده برود و بگوید «بسم‌الله و بالله اللهم صل علی محمد و آل محمد» و بهتر است بگوید: «بسم‌الله و بالله اسلام‌علیک ایها‌النبی و رحمه‌الله و برکاته» بعد بنشینند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهای بالا را بگوید سپس بنشینند و تشهد و سلام را به جا آورد. ۲- سجده سهو تکبیره‌الاحرام ندارد.

✓ موارد سجده سهو: واجب: ۱- در بین نماز سهواً حرف بزند. ۲- یک سجده را فراموش کند و در رکوع رکعت بعد یا پس از آن یادش بیاید. ۳- در نماز چهار رکعتی شک بین ۴ و ۵ در حالت نشسته یا ۵ و ۶ در حالت ایستاده پیش آید. احتیاط واجب: ۱- تشهد را فراموش کند: پس از نماز باید قضای تشهد را به جا آورد و بنابر احتیاط واجب دو سجده سهو نیز انجام دهد. ۲- بی‌جا سلام دهد، مثلاً در رکعت سوم نماز چهار رکعتی سهواً سلام بدهد. احتیاط مستحب: مقداری از سلام واجب نماز بی‌جا گفته شود.

✓ نماز مسافر: انسان باید در سفر نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت (شکسته) به جا آورد به شرط آنکه مسافرتش از هشت فرسخ که حدود ۴۵ کیلومتر است کم‌تر نباشد.

■ **مسئله:** ✓ اگر مسافر از جایی که نمازش تمام است مثل وطن حداقل چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد نمازش در این سفر هم شکسته است. ✓ کسی که به مسافرت می‌رود زمانی نمازش شکسته می‌شود که حداقل به مقداری دور شود که دیوارهای محل شروع سفر را نبیند و اذان آنجا را هم نشنود و چنانچه قبل از این مقدار بخواند نماز بخواند باید تمام بخواند. ✓ اگر از محلی مسافرت می‌کند که خانه و دیوار ندارد وقتی به جایی برسد که اگر آن محل دیوار داشت از آنجا دیده نمی‌شد باید نماز را شکسته بخواند. ✓ اگر به جایی می‌رود که دو راه دارد، یک راه آن کم‌تر از هشت فرسخ و راه دیگر هشت فرسخ یا بیشتر است چنانچه از راه هشت فرسخی برود باید نماز را شکسته بخواند و اگر از راه کم‌تر از هشت فرسخ برود باید نماز را چهار رکعتی بخواند.

✓ **مواردی که نماز مسافر تمام است:** ✓ قبل از آنکه هشت فرسخ برود، از وطن خود می‌گذرد یا در جایی ده روز می‌ماند. ✓ از اول قصد نداشتن است به سفر هشت فرسخی برود و بدون قصد این مسافت را پیموده است مثل کسی که به دنبال گم‌شده‌ای می‌گردد. ✓ در بین راه از قصد سفر برگردد یعنی قبل از رسیدن به چهار فرسخ از رفتن منصرف شود. ✓ کسی که شغل او مسافرت است مثل راننده قطار و ماشین‌های برون شهری خلبان و ملوان (در سفری که شغل اوست). ✓ کسی که به سفر حرام می‌رود مانند زنی که بدون اجازه شوهرش به مسافرت غیر واجب می‌رود.

■ **مکان‌هایی که نماز در آن‌ها تمام است:** ۱- وطن؛ ۲- جایی که می‌داند یا بنا دارد ده روز بماند؛ ۳- جایی که سی روز با تردید مانده است یعنی معلوم نبوده می‌ماند یا می‌رود و تا سی روز به همین حالت مانده و جایی هم نرفته است در این صورت باید بعد از سی روز نماز را تمام بخواند.

■ **قصد ده روز:** ۱- مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بیشتر از ده روز آنجا بماند تا وقتی مسافرت نکرده است باید نماز را تمام بخواند و قصد ماندن ده روز دیگر لازم نیست پس اگر ۱۱ تا ۱۲ روز یا بیشتر هم بماند نماز او در تمام این ایام کامل است.

۲- اگر مسافر از قصد ده روز برگردد:

✓ قبل از خواندن نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد: باید نماز را شکسته بخواند.

✓ بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد: تا وقتی که آنجا هست که باید نماز را تمام بخواند.

✓ **مسافری که نمازش را تمام خوانده است:** ✓ اگر نمی‌دانسته که مسافر باید نماز را شکسته بخواند: نمازی که خوانده صحیح است. ✓ اگر حکم سفر را می‌دانسته، ولی بعضی از جزئیات را نمی‌دانسته است و یا نمی‌دانسته که مسافر است: نمازی که خوانده است باید دوباره بخواند. **غیر مسافری که نمازش را شکسته خوانده است:** در هر صورت، نمازش باطل است چه جاهل به حکم باشد یا با علم به حکم، سهواً نماز را شکسته خوانده است.

نماز قضا:

۱- در دو مورد، قضای نماز واجب است: ✓ نماز واجب را در وقت آن نخوانده باشد. ✓ بعد از وقت متوجه شود نمازی که خوانده باطل بوده است. ۲- کسی که نماز قضا دارد نباید در خواندن آن کوتاهی کند ولی واجب نیست فوراً آن را به جا آورد. ۳- **حالت‌های مختلف انسان نسبت به نماز قضا:** ✓ می‌داند نماز قضا ندارد:

چیزی بر او واجب نیست. ✓ **شک دارد نماز قضا دارد یا نه:** چیزی که بر او واجب نیست. ✓ احتمال می‌دهد نماز قضایی دارد: مستحب است احتیاطاً قضای آن را به جا آورد. ✓ می‌داند نماز قضا دارد ولی تعداد آن‌ها را نمی‌داند، مثلاً نمی‌داند چهار تا بوده یا پنج تا؛ چنانچه میزان کم‌تر را بخواند کافی است. ✓ اگر تعداد آن‌ها را می‌دانسته ولی فراموش کرده است: چنانچه مقدار کم‌تر را بخواند کفایت می‌کند. ✓ تعداد آن را هم می‌داند: باید قضای همان تعداد را به جا آورد. ۴- لازم نیست قضای نمازهای شبانه‌روز به ترتیب خوانده شود مثلاً کسی که یک روز نماز عصر و روز بعد نماز ظهر را نخوانده، لازم نیست اول نماز عصر و بعد از آن نماز ظهر را قضا کند. ۵- نماز قضا را با جماعت می‌توان خواند چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا و لازم نیست هر دو یک نماز بخوانند، مثلاً اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند، اشکال ندارد. ۶- اگر مسافری که باید نماز را شکسته بخواند، نماز ظهر یا عصر یا عشاء از او قضا شود باید آن را دو رکعتی به جا آورد اگرچه در غیر سفر بخواهد قضا را به جا آورد. ۷- در سفر نمی‌توان روزه گرفت حتی روزه قضا، ولی نماز قضا می‌توان به جا آورد. ۸- اگر در سفر بخواهد نمازهایی را که در غیر سفر قضا شده است به جا آورد باید نمازهای ظهر و عصر و عشاء را چهار رکعتی قضا کند و چنانچه در وطن بخواهد نمازهای چهار رکعتی را که در سفر قضا شده به جا آورد باید دو رکعتی بخواند. ۹- نماز قضا را در هر وقتی می‌توان به جا آورد برای مثال، قضای نماز صبح را می‌توان ظهر یا شب خواند.

✓ **نماز قضای پدر:** ۱- تا انسان زنده است هر چند از نماز خواندن عاجز باشد، شخص دیگری نمی‌تواند نمازهای او را برایش بخواند یا نمازهای نخوانده او را قضا کند. ۲- پس از مرگ پدر، بر پسر بزرگ‌تر او واجب است نماز و روزه‌هایی را که به جا نیاورده است قضا کند و احتیاط مستحب است نماز و روزه‌های قضای مادرش را هم به جا آورد.

شرایط نماز جماعت:

■ **هنگام برپایی نماز جماعت، شرایط زیر باید مراعات شود:** ✓ مأموم از امام جلوتر نایستد و احتیاطاً واجب آن است که کمی عقب‌تر بایستد. ✓ جایگاه امام جماعت از جایگاه مأمومین بالاتر نباشد. ✓ فاصله امام و مأموم و فاصله صف‌ها زیاد نباشد. ✓ بین امام و مأموم و همچنین بین صف‌ها چیزی مانند دیوار یا پرده مانع نباشد ولی نصب پرده بین صف مردها و زن‌ها اشکال ندارد.

✓ **شرایط امام جماعت:** امام جماعت باید این شرایط را داشته باشد: ۱- بالغ و عاقل و عادل باشد؛

۲- مرد باشد؛ ۳- نماز را صحیح بخواند؛ ۴- مسلوس و مبطون نباشد؛ ۵- بیماری خوره و پیسی نداشته باشد.

✓ **پیوستن به نماز جماعت (اقتدا کردن):** در هر رکعت تا رکوع می‌توان به امام اقتدا کرد. پس اگر به رکوع امام جماعت نرسد باید در رکعت بعد اقتدا کند و اگر به رکوع امام جماعت هم برسد یک رکعت به حساب می‌آید. ✓ اگر امام جماعت یکی از نمازهای یومیه را می‌خواند، هر کدام از نمازهای یومیه را می‌توان به او اقتدا کرد بنابراین اگر امام نماز عصر می‌خواند، مأموم می‌تواند نماز ظهر را به او اقتدا کند یا اگر پس از آنکه مأموم نماز ظهر را خواند، جماعت برپا شود می‌تواند نماز عصر را به ظهر او اقتدا کند. ✓ مأموم می‌تواند نماز قضای خود را به نماز ادای امام اقتدا کند هر چند تقاضای دیگر نمازهای یومیه باشد مثلاً امام جماعت نماز ظهر را می‌خواند و او قضای نماز صبح را. ✓ نماز جماعت حداقل با دو نفر برپا می‌شود یک نفر امام و یک نفر مأموم. مگر در نمازهای جمعه و عید فطر و قربان.

اگر مأوم سهواً
بیش از امام:

۱- به رکوع رود؛ واجب است برخیزد و با امام جماعت به رکوع برود.

۲- از رکوع برخیزد؛ باید به رکوع برگردد و با امام سر از رکوع بردارد و در این صورت؛ زیاد شدن رکوع که رکن است؛ نماز را باطل نمی‌کند.

۳- به سجده رود؛ واجب است سر از سجده بردارد و با امام به سجده رود.

۴- سر از سجده بردارد؛ باید به سجده برگردد.

چگونگی نماز جمعه:

✓ **واجبات:** نماز جمعه مانند نماز صبح دو رکعت است ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه قبل از نماز ایراد می‌شود.

✓ **شرایط نماز جمعه:** تمام شرایطی که در نماز جماعت باید رعایت شود در نماز جمعه هم معتبر است. ✓ باید به جماعت برگزار شود و به طور فرادا صحیح نیست. ✓ حداقل تعداد افراد برای برپایی نماز جمعه پنج نفر است یعنی یک امام و چهار مأوم. ✓ بین دو نماز جمعه حداقل باید یک فرسخ فاصله باشد.

✓ **وظیفه امام جمعه در خطبه‌ها:** ۱- حمد و ثنای الهی را به جا آورد. ۲- بر پیامبر اکرم (ص) و ائمه مسلمین (ع) درود بفرستد. ۳- مردم را به تقوای الهی و پرهیز از گناهان سفارش کند. ۴- سوره کوتاهی از قرآن بخواند. ۵- برای مردان و زنان با ایمان طلب آموزش کند.

✓ **وظیفه نمازگزاران جمعه:** ۱- بنا بر احتیاط واجب باید به خطبه‌ها گوش دهند. ۲- احتیاط مستحب است از حرف زدن بپرهیزند و چنانچه این کار سبب از بین رفتن فایده خطبه‌ها یا گوش ندادن به آن‌ها شود نباید سخن بگویند. ۳- احتیاط مستحب است شنوندگان هنگام ایراد خطبه‌ها رو به امام جمعه بنشینند و بیش از مقداری که در نماز اجازه داده شده به اطراف نگاه نکنند.

نماز آیات:

■ یکی از نمازهای واجب نماز آیات است که به سبب برخی حوادث آسمانی یا زمینی واجب می‌شود **مانند:** - زلزله - خسوف (ماه گرفتگی)؛ - کسوف (خورشید گرفتگی)؛ - رعد و برق و بادهای زرد و سرخ و مانند آن اگر بیشتر مردم بترسند.

✓ **چگونگی نماز آیات:** ۱- نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد. ۲- در نماز آیات، قبل از هر رکوع سوره حمد و سوره‌ای دیگر خوانده می‌شود که به این ترتیب، در هر رکعت پنج حمد و پنج سوره خوانده می‌شود، ولی می‌توان یک سوره را پنج قسمت کرد و قبل از هر رکوع یک قسمت از آن را خواند که در این صورت در دو رکعت دو حمد و دو سوره خوانده می‌شود.

✓ اگر یکی از سبب‌های نماز آیات در شهری اتفاق بیفتد فقط مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست. ✓ اگر در یک رکعت از نماز آیات یک حمد و پنج سوره بخواند و در

رکعت دیگر یک حمد بخواند و سوره را تقسیم کند صحیح است. ✓ مستحب است پیش از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت بخواند و اگر تنها یک قنوت پیش از رکوع دهم بخواند کافی است. ✓ هر یک از رکوع‌های نماز آیات رکن است که اگر عمداً یا سهواً کم یا زیاد شود نماز باطل است. ✓ نماز آیات را می‌توان به جماعت خواند که در این صورت حمد و سوره‌ها را تنها امام جماعت می‌خواند.

نماز میت:

■ پس از غسل و حنوط و کفن کردن میت باید بر او نماز بخوانند و سپس او را دفن کنند. بعد از نیت و گفتن تکبیر اول بگویند (اشهدان لاله الله و ان محمد رسول الله). بعد از تکبیر دوم بگویند (اللهم صل علی محمد و آل محمد) بعد از تکبیر سوم بگویند (اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات). بعد از تکبیر چهارم اگر میت مرد است بگویند (اللهم اغفر لهذا المیت) و اگر زن است بگویند (اللهم اغفر لهذه المیت) و بعد تکبیر پنجم را بگویند. ✓ **شرایط نماز میت:** ✓ قصد قربت و اخلاص؛ ✓ تعیین میت به طوری که ابهام برطرف شود مثلاً نیت کند نماز می‌خوانم بر میت حاضر قربه‌الی‌الله؛ ✓ رو به قبله بودن نمازگزار؛ ✓ ایستاده خواندن (نشسته صحیح نیست) مگر آنکه کسی نباشد که بتواند ایستاده بخواند؛ ✓ میت را مقابل نمازگزار به پشت بخوابانند به طوری که سر او به طرف راست نمازگزار و پای او به سمت چپ باشد؛ ✓ بین میت و نمازگزار پرده و دیوار و چیزی مانند این‌ها فاصله نشود ولی اگر میت در تابوت و مانند آن باشد اشکال ندارد؛ ✓ نمازگزار از میت دور نباشد اگر نماز میت به جماعت خوانده می‌شود و صف‌ها متصل است دور بودن مأموم اشکال ندارد؛ ✓ مکان نمازگزار از جای میت بلندتر یا پایین‌تر نباشد ولی پستی و بلندی کم اشکال ندارد؛ ✓ نماز پس از غسل و حنوط و کفن باشد مگر نماز بر شهید معرکه که این امور (غسل، حنوط و کفن) در مورد او ساقط است.

احکام و آداب نماز میت:

✓ نماز میت به جماعت نیز صحیح است ولی امام و مأموم هر دو باید تکبیرها و دعاها را بخوانند. ✓ کسی که نماز بر میت می‌خواند لازم نیست با وضو یا غسل یا تیمم بوده و بدن و لباسش پاک و مباح باشد گرچه احتیاط مستحب است که تمام چیزهای لازم در نمازهای دیگر را رعایت کند. ✓ اگر میت وصیت کرده باشد که فرد معینی بر او نماز بخواند احتیاط واجب آن است که آن شخص از ولی میت اجازه بگیرد و بنا بر احتیاط واجب ولی هم اجازه بدهد. ✓ اگر بخواهند بر چند میت نماز بخوانند بهتر است که جداگانه خوانده شود هر چند خواندن یک نماز بر چند جنازه نیز اشکالی ندارد.

اقسام روزه:

۱- واجب؛ ۲- حرام؛ ۳- مستحب؛ ۴- مکروه.

✓ **نیت روزه:** ✓ روزه از عبادات است و باید برای اطاعت فرمان خداوند به جا آورده شود. ✓ انسان می‌تواند در هر شب ماه رمضان برای روزه فردای آن نیت کند و بهتر است که شب اول ماه روزه همه ماه را هم نیت کند. ✓ در روزه واجب معین، نیت روزه نباید بدون عذر از اذان صبح تأخیر بیفتد. ✓ در روزه واجب معین، مثل روزه ماه رمضان، اگر به واسطه عذری مانند فراموشی یا سفر نیت روزه نکرده چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد تا ظهر می‌تواند نیت کند. ✓ لازم نیست نیت روزه را به زبان بگویند

بلکه همین قدر که برای اطاعت دستور خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل می‌کند انجام ندهد کافی است.

✓ **مبطلات روزه و احکام آن:** روزه‌دار باید از «اذان صبح» تا «مغرب» از برخی کارها بپرهیزد و اگر یکی از آن‌ها را انجام دهد روزه‌اش باطل می‌شود به مجموعه این کارها «مبطلات روزه» گفته می‌شود:

- خوردن و آشامیدن؛ - رساندن غبار غلیظ به حلق؛ - فرو بردن تمام سر در آب؛ - دروغ بستن به خدا و پیامبر (ص)؛ - قی کردن؛ - آمیزش؛ - استمناء؛ - باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح؛ - اماله.

۱- خوردن و آشامیدن: ✓ اگر روزه‌دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد روزه‌اش باطل می‌شود. ✓ اگر کسی عمداً چیزی را که لای دندانش مانده است فرو برد روزه‌اش باطل می‌شود. ✓ فرو بردن آب دهان روزه را باطل نمی‌کند هر چند زیاد باشد. ✓ اگر روزه‌دار به سبب فراموشی (نمی‌داند روزه است) چیزی بخورد یا بیاشامد روزه‌اش باطل نمی‌شود. ✓ انسان نمی‌تواند به خاطر ضعف روزه را بخورد ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی‌شود آن را تحمل کرد خوردن روزه اشکال ندارد.

۲- تزییق آمپول: اگر به جای غذا نباشد روزه را باطل نمی‌کند هر چند عضو را بی‌حس کند.

۳- رساندن غبار غلیظ به حلق: ✓ اگر روزه‌دار غبار غلیظی به حلق برساند، روزه‌اش باطل می‌شود چه غبار خوراکی‌ها باشد مانند آرد یا غیر خوراکی مانند خاک. ✓ در این موارد، روزه باطل نمی‌شود. - غبار غلیظ نباشد. - به حلق نرسد (فقط به داخل دهان برسد). - بی‌اختیار به حلق برسد. - نمی‌داند روزه است. - شک کند غبار غلیظ به حلق رسیده است یا نه.

۴- فرو بردن تمام سر در آب: ۱- اگر روزه‌دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد، روزه‌اش باطل می‌شود.

۲- در این موارد روزه باطل نیست: - سهواً سر را زیر آب ببرد؛ - قسمتی از سر را زیر آب ببرد. - نصف سر را یکبار و نصف دیگر را بار دیگر در آب فرو برد. - بی‌اختیار در آب بیفتد. - شخص دیگری به زور سر او را در آب فرو برد. - شک کند تمام سر زیر آب رفته است یا نه؟

۵- قی کردن: ۱- هرگاه روزه‌دار عمداً قی کند هر چند به سبب بیماری باشد روزه‌اش باطل می‌شود. ۲- اگر روزه‌دار نداند روزه است یا بی‌اختیار قی کند روزه‌اش باطل نمی‌شود.

۶- استمناء: ۱- اگر روزه‌دار استمناء کند یعنی با خود کاری کند که منی از او بیرون آید روزه‌اش باطل می‌شود. ۲- اگر بی‌اختیار منی از او بیرون آید مثلاً در خواب جنب شود روزه‌اش باطل نیست.

۷- باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح: اگر شخص جنب تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه او تیمم است تیمم نکند در برخی موارد روزه‌اش باطل می‌شود اینک برخی از مسائل آن:

✓ اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا چنانچه وظیفه‌اش تیمم است تیمم نکند:

■ در روزه ماه رمضان و در قضای ماه رمضان: روزه‌اش باطل است.

■ در بقیه روزه‌ها: روزه‌اش صحیح است.

✓ اگر غسل یا تیمم را فراموش کند و پس از یک یا چند روز یادش بیاید:

■ در روزه ماه رمضان: باید آن روزه‌ها را قضا کند.

■ **در روزه قضای ماه رمضان:** بنا بر احتیاط واجب باید آن روزها را مجدداً به جا آورد. در روزه‌های غیر ماه رمضان و قضای آن مانند روزه نذر یا کفاره روزه‌اش صحیح است.

✓ اگر روزه‌دار در خواب جنب شود واجب نیست فوراً غسل کند و روزه‌اش صحیح است.

✓ اگر شخص جنب در شب ماه رمضان می‌داند برای غسل قبل از اذان صبح بیدار نمی‌شود نباید بخوابد و اگر بخوابد و بیدار نشود روزه‌اش باطل است.

کارهای مکروه برای روزه‌دار:

۱- انجام دادن هر کاری که سبب ضعف شود مانند خون گرفتن از بدن. ۲- بوییدن گیاهان معطر (عطر زدن مکروه نیست). ۳- خیس کردن لباسی که بر تن دارد. ۴- مسواک زدن با چوب تر.

☑ **کفاره روزه:**

■ **کفاره همان جریمه‌ای است که برای باطل کردن روزه، معین شده است و عبارت است از:**

- آزاد کردن یک برده؛ - دو ماه روزه گرفتن که سی و یک روز اول آن باید پی‌درپی باشد؛ - یک وعده غذا دادن به شصت فقیر یا دادن یک مد طعام به هریک از آنها.

نکات بزرگ

کسی که کفاره بر او واجب شود باید یکی از این سه را انجام دهد و چون امروزه «برده» به معنای فقهی آن یافت نمی‌شود مورد دوم یا سوم را انجام می‌دهد و اگر هیچ‌یک از این‌ها برایش مقدور نیست هر مقدار که می‌تواند باید به فقیر طعام بدهد و اگر اصلاً نتواند طعام دهد باید استغفار کند.

■ **در این موارد به جا آوردن قضای روزه واجب است ولی کفاره ندارد:** ۱- عمداً قی کند. ۲- در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند و با حال جنابت یک یا چند روز روزه بگیرد. ۳- در ماه رمضان بدون اینکه تحقیق کند صبح شده یا نه کاری کند که روزه را باطل می‌کند مثلاً آب بخورد و بعداً معلوم شود صبح بوده است. ۴- کسی بگوید صبح نشده و روزه‌دار به گفته او کاری کند که روزه را باطل می‌کند و بعداً معلوم شود صبح بوده است. اگر عمداً روزه ماه رمضان را نگیرد یا آن را باطل کند قضا و کفاره واجب می‌شود.

احکام قضا و کفاره روزه:

✓ لازم نیست قضای روزه را فوراً به جا آورد ولی بنا بر احتیاط واجب باید تا ماه رمضان سال بعد انجام دهد.

✓ اگر چند ماه رمضان روزه قضا دارد هر کدام را اول بگیرد اشکال ندارد ولی اگر وقت قضای روزه آخرین ماه رمضان تنگ است مثلاً ده روز از ماه رمضان قبل قضا دارد و ده روز به ماه رمضان مانده است باید اول قضای آن را بگیرد.

✓ انسان نباید در به جا آوردن کفاره کوتاهی کند ولی لازم نیست فوراً آن را انجام دهد.

✓ اگر کفاره بر انسان واجب شود و چند سال بر آن بگذرد و به جا نیاورده باشد چیزی بر آن اضافه نمی‌شود.

✓ اگر به سبب عذری مانند سفر روزه نگرفته و پس از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا ماه رمضان سال بعد عمداً قضای آن را به جا نیاورد باید علاوه بر قضا برای هر روز، یک مد طعام به فقیر بدهد.

✓ اگر روزه خود را با کار حرامی مانند استمناء باطل کند بنابر احتیاط واجب کفاره جمع لازم می‌شود یعنی باید یک برده آزاد کند دو ماه روزه بگیرد و به شصت فقیر طعام بدهد، اگر هر سه برایش ممکن نیست هر کدام از آن‌ها را که می‌تواند باید انجام دهد.

✓ اگر به واسطه بیماری نتواند روزه بگیرد و بیمارش اش تا سال بعد طول بکشد قضای روزه ساقط می‌شود و باید برای هر یک روز یک مد طعام به فقیر بدهد.

■ پس از مرگ پدر پسر بزرگ او باید نمازها و روزه‌های قضا شده او را به جا آورد و احتیاط مستحب است که قضای نماز و روزه‌های مادر را هم به جا آورد.

روزه مسافر و احکام آن:

■ مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر دو رکعت بخواند نباید در آن سفر روزه بگیرد ولی باید قضای آن را به جا آورد و مسافری که نمازش را تمام می‌خواند مثل کسی که شغل او سفر است باید در سفر روزه بگیرد.
۱- **به سفر رفتن: قبل از ظهر به مسافرت برود:** وقتی به حد ترخص رسید روزه‌اش باطل می‌شود و اگر قبل از آن روزه را باطل کند به احتیاط واجب باید کفاره بدهد. **بعد از ظهر به مسافرت برود:** روزه‌اش صحیح است و نباید آن را باطل کند.

۲- **از سفر برگشتن:** قبل از ظهر به وطن یا جایی برسد که بنا دارد ده روز بماند.

■ کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده است باید روزه آن روز را تمام کند و صحیح است.

■ **روزه را باطل کرده است:** روزه آن روز بر او واجب نیست و باید قضای آن را به جا آورد.

- بعد از ظهر برسد. روزه‌اش باطل است و باید قضای آن را به جا آورد. مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد ولی اگر برای فرار از روزه باشد مکروه است.

زکات:

✓ **موارد وجوب زکات اموال:** ۱- غلات: گندم، جو، خرما، کشمش؛ ۲- دامها: شتر، گاو، گوسفند؛

۳- سکه‌ها: طلا و نقره.

✓ **نصاب غلات:** تمام غلات چهارگانه یک نصاب دارد که حدود ۸۵۰ کیلوگرم است اگر محصول به

دست آمده از این مقدار کم‌تر باشد زکات ندارد.

✓ **مقدار زکات غلات:** چنانچه یکی از این محصولات به حد نصاب برسد، باید مقداری از آن به

عنوان زکات پرداخت شود، ولی مقدار زکات غلات بستگی به چگونگی آبیاری آن‌ها دارد و از این نظر

می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم کرد: ✓ زکات محصولی که با آب باران و رودخانه آبیاری می‌شود یا

دیمی باشد یک دهم است. ✓ زکات محصولی که با دلو یا موتور پمپ آبیاری می‌شود یک بیستم است.

✓ محصولی که به هر دو طریق هم از آب باران و رودخانه و هم آب دستی آبیاری شده زکات نصف آن

یک دهم و نصب دیگر یک بیستم می‌باشد.

احکام زکات:

۱- آنچه برای گندم، جو، خرما و انگور خرج کرده است مانند قیمت بذر، مزد کارگر و مزد تراکتور می‌تواند از حاصل کسر کند ولی مقدار نصاب قبل از کم کردن این مخارج محاسبه می‌شود و اگر قبل از کسر آن به حد نصاب برسد، پرداخت زکات واجب شده است ولی زکات باقی‌مانده را می‌پردازد.

۲- **زکات دامها با این شرایط واجب می‌شود:** ✓ یک سال مالک آن‌ها باشد. بنابراین اگر مثلاً ۱۰۰ رأس گاو را خریداری کند و پس از ۹ ماه بفروشد زکات واجب نیست. ✓ حیوان در تمام سال بی‌کار باشد. بنابراین گاو یا شتری که در کار مزرعه یا حمل بار از آن استفاده می‌شود زکات ندارد. ✓ حیوان در تمام سال از علف بیابان بچرد. پس اگر در تمام سال یا مقداری از آن از علف چیده شده یا کاشته شده بخورد زکات ندارد. ۳- زکات طلا و نقره در صورتی واجب است که به صورت سکه‌ای باشد که معامله با آن رواج دارد. بنابراین آنچه امروزه بانوان به عنوان زیور استفاده می‌کنند زکات ندارد اگرچه رواج داشته باشد.

✓ **زکات فطره:** پس از پایان یافتن ماه مبارک رمضان (شب عید فطر) افرادی که دارای شرایطی باشند باید زکاتی بپردازند که مقدار و موارد آن خواهد آمد. این زکات به نام «زکات فطره» خوانده می‌شود.

■ فردی که در شب عید فطر دارای این شرایط باشد زکات فطره بر او واجب است:

- ۱- بالغ باشد؛ ۲- عاقل باشد؛ ۳- بنده کسی نباشد؛ ۴- فقیر نباشد؛ ۵- نان خور دیگران نباشد.
- **مقدار زکات فطره:** هر نفر یک صاع که تقریباً ۳ کیلو است. **جنس زکات فطره:** گندم، جو، خرما، کشمش، برنج، ذرت و مانند این‌ها. **وقت وجوب آن:** شب عید فطر. **وقت پرداخت آن:** از شب عید تا ظهر روز عید فطر و بهتر است که در روز عید بدهد و اگر نماز می‌خواند بنا بر احتیاط واجب قبل از آن بپردازد. **مصرف زکات فطره:** همان مصرف زکات مال است، اگرچه احتیاط مستحب است که فقط به فقرا مؤمن و اطفال آن‌ها و مساکین بدهد.

خمس:

■ **موارد وجوب خمس:** ۱- آنچه از خرج سال زیاد بیاید (منفعت کسب)؛ ۲- معدن؛ ۳- گنج؛ ۴- غنایم جنگی؛ ۵- جواهری که به واسطه فرو رفتن در دریا به دست آید؛ ۶- مال حلال مخلوط به حرام؛ ۷- زمینی که کافر ذمی از مسلمانی بخرد. پرداخت خمس نیز مانند نماز و روزه از واجبات است و تمام افراد بالغ و عاقل که یکی از موارد هفت‌گانه را داشته باشند باید به آن عمل کنند.

✓ **سال خمسی:** انسان از اولین روز بلوغ خود باید نماز بخواند و در اولین ماه رمضان روزه بگیرد و پس از گذشت یک سال از اولین درآمدی که به دست آورده است خمس مازاد بر مخارج سال گذشته را بپردازد. بنابراین در محاسبه خمس، ابتدای سال اولین درآمد و پایان آن گذشتن یک سال شمسی از آن تاریخ است. ■ **پس ابتدای سال برای کشاورز:** اولین محصولی است که برداشت می‌کند. **کارمندی:** اولین حقوقی است که دریافت می‌کند. **کارگر:** اولین مزدی که می‌گیرد. **مغازه‌دار:** اولین معامله‌ای که انجام می‌دهد.

■ **اموالی که خمس به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد:** ۱- ارث؛ ۲- چیزی که به انسان بخشیده‌اند؛ ۳- جایزه‌هایی که دریافت کرده است؛ ۴- آنچه به عنوان عدی به انسان داده‌اند؛ ۵- مالی که به عنوان خمس، زکات یا صدقه به کسی داده‌اند.

۱- اسماء الهی «رب» و «احد»، به ترتیب مبین کدام یک از مراتب توحید هستند؟

(۱) ذاتی - ذاتی (۲) افعالی - ذاتی (۳) ذاتی - افعالی (۴) افعالی - افعالی

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است دومین شاخه از شاخه‌های توحید افعالی، توحید در ربوبیت است، رب به معنای مدبر و تدبیر کننده و به اصلاح همه کاره است.

۲- با توجه به آیه شریفه ﴿و ما خلقنا السماوات و الأرض و ما بینهما لالعین ما خلقناهما إلا بالحق﴾ منظور از واژه «حق» چیست؟

(۱) حق بودن خداوند در آفرینش جهان (۲) داشتن برنامه حساب شده برای موجودات

(۳) انسجام و استحکام جهان و پیوستگی میان موجودات (۴) خلقت آسمان و زمین برای انسان بی نهایت طلب

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است. در آیه شریفه ﴿و ما خلقنا السماوات و الارض و ما بینهما لالعین ما خلقناهما إلا بالحق﴾ منظور از حق، هدف دار بودن خلقت است و این که جهان آفرینش بی هدف نیست و هر موجودی طبق برنامه حساب شده‌ای به این جهان گام نهاده است.

۳- اگر تمام جهت گیری‌های زندگی انسان رنگ و بوی الهی پیدا کند، مفهوم تحقق می‌یابد و پیام آیه حاکی از آن است.

(۱) عبودیت- «أنا هدیناه السبیل إما شاکراً و إما کفوراً» (۲) معرفت به خدا- «أنا هدیناه السبیل إما شاکراً و إما کفوراً»

(۳) عبودیت - «و ما خلقت الجنّ و الإنس إلا ليعبدون» (۴) معرفت به خدا- «و ما خلقت الجنّ و الإنس إلا ليعبدون»
 ■ پاسخ گزینه «۳» صحیح است. براساس تعالیم اسلام هر حرکت و عملی که برای کسب رضایت خداوند و براساس معیارهای دینی صورت گیرد عبادت است و اگر تمام جهت گیری‌های انسان رنگ و بوی خدایی پیدا کند و انسان همه کارها را برای رضایت خدا و بر اساس معیارهای دینی انجام دهد، همه کارهای او عبادت محسوب می‌شود و آیه شریفه ﴿و ما خلقت الجنّ و الإنس إلا ليعبدون﴾ بیانگر این مفهوم است.

۴- تعبیر قرآن کریم درباره کسانی که «به هدفی بالاتر از لذت‌های مادی و سرگرم شدن به آن نمی‌اندیشند» این است که

(۱) خود را سرگرم بازیچه دنیا قرار داده‌اند. (۲) از حق که همان هدفمندی است غافل مانده‌اند.

(۳) به حیات دنیوی راضی شده و به آن آرام گرفته‌اند. (۴) روحیه بی نهایت طلبی خود را به عطش زودگذر دنیا سیراب می‌کنند.
 ■ پاسخ گزینه «۳» صحیح است. برخی انسان‌ها به هدفی بالاتر از لذت‌های مادی و سرگرم شدن به آن نمی‌اندیشند. تعبیر قرآن درباره این افراد (۱) به حیات دنیوی راضی شده‌اند؛ (۲) به هدف دنیوی آرام گرفته‌اند، می‌باشد.

۵- کدام یک از مفاهیم زیر از آیه «قل ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین» دریافت نمی‌شود؟

(۱) توصیه به اعلام راه و روش و هدف زندگی در برابر راه‌های انحرافی

(۲) اهمیت بالای نماز در میان سایر عبادات و دیگر رفتارهای مؤمنان

(۳) توصیه به انتخاب خداوند به عنوان هدف برتر در زندگی و مرگ

(۴) انسان‌های زیرک با انتخاب عبادت و بندگی خداوند، با یک تیر چند نشان می‌زنند.

■ پاسخ گزینه «۴» صحیح است. این که انسان‌های زیرک با انتخاب عبادت و بندگی خداوند، با یک تیر چند نشان می‌زنند بیانگر انتخاب اهداف جامع توسط آن‌هاست که آیه «من کان یرید ثواب الدنیا...» اشاره به این مفهوم دارد.

۶- آیه شریفه ﴿۱۳۰﴾ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ الْبَالِغَةَ وَ ﴿۱۳۱﴾ وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا ﴿۱۳۲﴾ به

ترتیب بیانگر صفت و در خداوند هستند و به جهان هستی اشاره دارند.

(۱) عدل - حکمت - هدف دار بودن

(۲) عدل - عدل - منظم بودن

(۳) حکمت - حکمت - هدف دار بودن

■ پاسخ گزینه «۳» صحیح است. حکمت الهی صفتی است که به وسیله آن می‌توان گفت کارهای خداوند عبث و بیهوده نیست و تمامی کارهای او هدف دار است.

در آیه «ما خلقنا السماوات و الارض الا بالحق» خداوند آفرینش آسمان‌ها و زمین را هدف دار می‌داند.

در آیه «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً» به بیان هدف خلق موجودات به صورت زوج می‌پردازد و بیانگر حکمت الهی است. این آیه هم به هدف دار بودن جهان هستی اشاره دارد.

۷- علت طرد شیطان از درگاه الهی چیست و بی وفایی انسان‌ها با چه چیزی بروز پیدا می‌کند؟

(۱) عدم سجده بر انسان - مطیع شیطان شدن

(۲) عدم سجده بر انسان - عدم استفاده درست از عقل

(۳) تکبر بیش از حد مقابل خداوند - مطیع شیطان شدن

(۴) تکبر بیش از حد مقابل خداوند - عدم استفاده درست از عقل

■ پاسخ گزینه «۱» صحیح است. خداوند شیطان را به علت سرپیچی از دستوراتش مبنی بر سجده بر انسان از

درگاه الهی طرد کرد. رسول خدا در مورد کسانی که در برابر خدا سجده نمی‌کنند و بتدگی شیطان را

می‌کنند و مطیع شیطان شده‌اند، می‌فرماید: ﴿۱۳۳﴾ خداوند به چنین انسان‌هایی خطاب می‌کند: من به خاطر تو

شیطان را طرد کردم، اما تو او را دوست خود گرفتی و به اطاعت او درآمدی. ﴿۱۳۴﴾

۸- اگر بخواهیم ارتباطی علی و معلولی میان رستگاری انسان و بتدگی او بیابیم، باید بگوییم که اولی، و دومی،

..... است و قرآن کریم دومی را به عنوان معرفی می‌کند.

(۱) علت - معلول - اساس و بنیان خدانشناسی

(۲) علت - معلول - هدف خلقت انسان

(۳) معلول - علت - هدف خلقت انسان

■ پاسخ گزینه «۳» صحیح است. عبودیت یا همان بتدگی (علت) موجب رشد و کمال انسان و رستگاری او

می‌شود (معلول). همان طور که در درسنامه اشاره شد، قرآن کریم بتدگی را هدف خلقت انسان معرفی می‌کند.

۹- مؤذنه ﴿۱۳۵﴾ لا خوف علیهم و لا هم یحزنون ﴿۱۳۶﴾ بهره افرادی است که:

(۱) مرگ را طوعی از پس غروب و تولدی دیگر می‌دانند.

(۲) خود را به لباس تقوی که بهترین لباس است، آراسته‌اند.

(۳) ایمان به خدا و رستگاری و انجام عمل نیک را با هم دارند.

(۴) خلوص در راه خدا را بهترین ذخیره هر لحظه زندگی خود قرار می‌دهند.

■ پاسخ گزینه «۳» صحیح است. قرآن کریم در آیه ۶۹ سوره مائده بیان می‌دارد: ﴿۱۳۷﴾ هرکس به خداوند و روز

آخرت ایمان داشته باشد و عمل نیکی انجام دهد، پس ترسی برای آنان نیست و اندوهگین نمی‌شوند. ﴿۱۳۸﴾

۱۰- کدام مورد بیانگر پیامدهای انکار معاد برای انسان در زندگی دنیاست؟

(۱) آماده شدن برای زندگی دیگر و توجه بیشتر به حیات اخروی پس از مرگ

(۲) بیرون آمدن از بن بست در زندگی دنیایی و باز شدن پنجره‌های روشنایی

(۳) کناره گیری از دیگران و بی ارزش شدن این زندگی چند روزه دنیا

(۴) لذت بردن از کار و زندگی و تلاش بسیار به همراه انرژی فوق العاده

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** از پیامدهای مهم انکار معاد برای انسانی که گرایش به جاودانگی دارد، بی ارزش شدن همین زندگی چند روزه بوده و در نتیجه یأس و ناامیدی سراسر زندگی این افراد را در بر گرفته و به انواع بیماری‌های روحی دچار می‌شوند.

۱۱- هر گاه بخواهیم با تکیه بر وحی الهی، تعریفی برای دنیا ارائه دهیم، پیام کدام آیه وافی به این مقصود است؟

۱) ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمَلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾

۲) ﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾

۳) ﴿وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ﴾

۴) ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا﴾

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** تعریفی که قرآن کریم برای دنیا داشته، «لهو و لعب» و به معنای سرگرمی و بازیچه است.

۱۲- آیه شریفه ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ﴾ بیانگر ؟

۱) اعتقاد کسانی است که نمی‌توانند خود را از اندیشه مرگ و نابودی پس از آن نجات دهند.

۲) اعتقاد کسانی است که راه غفلت از مرگ را پیش گرفته‌اند و امیدوی به حیات مجدد ندارند.

۳) انکار ملاقات پروردگار و رضایت دادن و قناعت کردن به زندگی دنیایی است.

۴) عدم اعتقاد کفار به آخرت و منحصر کردن زندگی به همین زندگی دنیایی است.

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** با توجه به ترجمه این آیه گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیایی ما نیست. همواره [گروهی از ما] می‌میریم و [گروهی] زنده می‌شویم و ما را فقط گذشت روزگار نابود می‌کند. متوجه می‌شویم این آیه از زبان کافران بیان می‌شود. کافران وجود دنیای پس از مرگ را انکار می‌کنند و معتقدند هر انسانی پس از مدتی زندگی در دنیا، دفتر عمرش بسته می‌شود و حیات او پایان می‌یابد و رهسپار نیستی می‌گردد.

۱۳- «بین «میل به جاودانگی»، «بی ارزش شدن زندگی چند روزه دنیا» و «کفر به آیات پروردگار و لقای او»، رابطهٔ علیت برقرار است که عنوان هر یک، به ترتیب ، و می‌باشد.

۱) علت - معلول - معلول (۲) معلول - علت - علت (۳) علت - علت - معلول (۴) معلول - معلول - علت

■ **پاسخ گزینه «۱» صحیح است.** از پیامدهای مهم نگرش انکار معاد برای انسانی که گرایش به جاودانگی دارد، این است که همین زندگی چندروزه نیز برایش بی ارزش می‌شود. بنابراین می‌توان گفت، بی ارزش شدن زندگی چندروزه دنیا نتیجه (معلول) میل به جاودانگی خواهد بود و میل به جاودانگی علت آن است.

۱۴- کدام آیات به ترتیب حاوی پیام «محدود دانستن مرگ و زندگی به این دنیا» و «زندگی راستین در توجه به آخرت» است؟

۱) ﴿فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ - «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ﴾

۲) ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا﴾ - «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ﴾

۳) ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا﴾ - «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾

۴) ﴿فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ - «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** آیه ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا﴾ عبارتی است که در قرآن از زبان کافران آورده شده و به بیان اعتقاد آن‌ها نسبت به وقوع قیامت اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که کافران زندگی و مرگ را به همین دنیا محدود می‌دانند. هم چنین زندگی راستین و حقیقی که گفته شده تنها در آخرت میسر است، از توجه به آیه ﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ﴾ قابل برداشت است. در این آیه به مقایسهٔ حقیقی دنیا و آخرت اشاره شده و گفته شده که سرای آخرت، زندگی راستین و حقیقی است.

۱۵- آن مرتبه از «نفس» که به دلیل عظمت و جایگاهش، مورد سوگند باری تعالی قرار گرفته است، نفس است که ظهور و بروزش به هنگام است و مسیب آن، می‌باشد که از توجه در آیه شریفه..... مفهوم می‌گردد.

۱) لَوَامَه - آلودگی به گناهان - گرایش انسان به نیکی‌ها - « و نفس و ما سَوَاهَا فَالْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا»

۲) مَطْمَئِنَّة - آلودگی به گناهان - فطرت خدا آشنای انسان - « و نفس و ما سَوَاهَا فَالْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا»

۳) مَطْمَئِنَّة - ترک مستحبات و عمل به مکروهات - فطرت خدا آشنای انسان - « و لَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَامَةِ»

۴) لَوَامَه - ترک مستحبات و عمل به مکروهات - گرایش انسان به نیکی‌ها - « و لَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَامَةِ»

■ پاسخ گزینه «۱» صحیح است. با توجه به آیه: ﴿وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَامَةِ، سوگند به نفس ملامت کننده﴾، مرتبه‌ای از نفس که مورد سوگند خداوند قرار گرفته، نفس لَوَامَه است.

هنگامی که ما به یکی از گناهان آلوده شویم، خود را سرزنش و ملامت می‌کنیم. بنابراین ظهور و بروز نفس لَوَامَه، به هنگام آلودگی به گناهان است. مسبب یا علت سرزنش و ملامت خود در برابر گناهان، گرایش انسان به نیکی‌هاست. چون انسان به نیکی‌ها گرایش دارد و از بدی‌ها بیزار است، هنگامی که گناهی مرتکب می‌شود، خود را سرزنش می‌کند. آیه: ﴿و نفس و ما سَوَاهَا فَالْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا﴾ نیز بیانگر این ویژگی در انسان است.

۱۶- شیطان معمولاً انسان را از راه‌هایی به نافرمانی از خدا وسوسه می‌کند، به جز راه

۱) ایجاد دشمنی و کینه میان افراد

۲) آراستن و لذت بخش نشان دادن دنیا

۳) سرگرم کردن انسان‌ها به آرزوهای سراب گونه دنیایی

۴) غافل کردن از یاد خدا

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است. شیطان انسان را از راه زیبا و لذت بخش نشان دادن گناه گمراه می‌کند، نه دنیا. ۱۷- «باز داشتن انسان از راحت طلبی با محاکمه درونی او» و «منع انسان از خوشی‌های زودگذر با دوراندیشی» به ترتیب توسط کدام یک از سرمایه‌های الهی انسان رقم می‌خورد؟

۱) نفس لَوَامَه - قوه تعقل ۲) نفس لَوَامَه - پیامبران الهی ۳) قوه تعقل - قوه تعقل ۴) قوه تعقل - پیامبران الهی

■ پاسخ گزینه «۱» صحیح است. عقل انسان با دوراندیشی او را از خوشی‌های زودگذر منع می‌کند و وجدان انسان با محکمه‌هایش او را از راحت طلبی بازمی‌دارد؛ زیرا هدف از خلقت انسان فقط خوردن، خوابیدن و خوش بودن در این دنیا نیست.

۱۸- براساس روایات معصومین (ع)، دشمن‌ترین دشمن انسان..... است و به خاک مالیده شدن بینی شیطان با..... محقق می‌گردد.

۱) شیطان - روزه ۲) نفس اماره - نماز ۳) نفس اماره - روزه ۴) شیطان - نماز

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است. علی (ع): «دشمن‌ترین دشمن تو، همان نفسی است که در درون توست.»: «نفس اماره».

۱۹- از آیه شریفه ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكَرَآ وَ إِنَّمَا كَفَرَآ﴾ کدام مفهوم مستفاد می‌گردد؟

۱) بازگشتن انسان‌های شکرگزار و یا کافر به سوی خدا ۲) فلسفه نبوت و اختیار انسان در ساختن سرنوشت خود

۳) فلسفه هدایت جهت شکرگزاری انسان از خالق خود ۴) وجود ودیعه‌های الهی در انسان جهت هدایت او به راه راست

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است.

۲۰- اگر بگوییم «خداوند متعال هر یک از ما را مسئول سرنوشت خودمان قرار داده است.» به پیام کدام یک از آیات ذیل اشاره شده است؟

۱) «مَنْ كَانَ يَرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» ۲) «أَنَا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكَرَآ وَ إِنَّمَا كَفَرَآ»

۳) « مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» ۴) « وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَاهَا فَالْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا»

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** خداوند ما را صاحب اراده و اختیار آفرید و مسئول سرنوشت خویش قرار داد. سپس راه رستگاری و راه شقاوت را به ما نشان داد تا خود راه رستگاری را برگزینیم و از شقاوت دوری کنیم که آیه شریفه ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ ما راه را به او نشان دادیم یا سپاسگزار خواهد بود یا ناسپاس ﴿مَبِينٌ لِّإِنِّهِ مَطْلَبٌ﴾ است. ۲۱- مطابق تعالیم اسلامی، عامل منع کننده از خوشی‌های زودگذر و عامل بازدارنده از راحت طلبی، به ترتیب چه بوده و چگونه عمل می‌کند؟

- ۱) عقل با دوراندیشی - وجدان با محکمه‌هایش
 ۲) عقل با محکمه‌هایش - عقل با دوراندیشی
 ۳) وجدان با محکمه‌هایش - عقل با دوراندیشی
 ۴) وجدان با دوراندیشی - عقل با محکمه‌هایش

■ **پاسخ گزینه «۱» صحیح است.** عقل با دوراندیشی ما را از خوشی‌های زودگذر منع می‌کند. وجدان با محکمه‌هایش ما را از راحت طلبی بازمی‌دارد.

۲۲- آفرینش تمام هستی است و این موضوع از آیه شریفه مفهوم بوده و از پیامدهای اعتقاد به معاد می‌تواند باشد.

- ۱) حکیمانه - «مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِاعْبِنَ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ» بیرون آمدن زندگی از بن بست
 ۲) مبتنی بر عدل الهی - «مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِاعْبِنَ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ» شور و نشاط و انگیزه فعالیت و کار

۳) حکیمانه - «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا» لذت بردن از کار در زندگی

۴) مبتنی بر عدل الهی - «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا» سرشار شدن زندگی از انرژی فوق العاده

■ **پاسخ گزینه «۱» صحیح است.** آفرینش آسمان‌ها و زمین و هر آن چه مابین آنهاست (تمام هستی) دارای هدف معینی بوده و این به معنای حکیمانه بودن آفرینش آنهاست؛ زیرا کارهای فرد حکیم همواره به نتایج صحیح و درست منتهی می‌شود. همان طور که ملاحظه می‌شود، در آیه ﴿مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِاعْبِنَ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ﴾ قرآن کریم به این نکته اشاره دارد که آفرینش تمام هستی بیهوده نبوده و خداوند از آفرینش آنها هدفی را به دنبال داشته است. **پیامدهای اعتقاد به معاد عبارتند از:** زندگی از بن بست بیرون می‌آید و پنجره امید و روشنایی به روی انسان باز می‌شود و شور و نشاط و انگیزه فعالیت و کار، زندگی را فرا می‌گیرد. چنین انسانی دارای انرژی فوق العاده و همت خستگی ناپذیر است و از کار خود لذت می‌برد.

۲۳- از دیدگاه انبیای الهی، لازمه ایمان به خدا، ایمان به است و پیش بینی پاسخ مناسب برای تمایلات، لازمه الهی است که پیامش، تحقق رستاخیز می‌باشد.

- ۱) نبوت - عدل - امکان
 ۲) آخرت - عدل - امکان
 ۳) نبوت - حکمت - ضرورت
 ۴) آخرت - حکمت - ضرورت

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** پیامبران که عاقل‌ترین و راستگوترین مردمان در طول تاریخ بوده‌اند، پس از ایمان به خدا، ایمان به آخرت را مطرح کرده‌اند و آن را لازمه ایمان به خدا دانسته‌اند. هم چنین در پاسخ به قسمت دوم سؤال باید گفت، اگر خداوند تمایلات و گرایش‌هایی را در موجودات قرار داده، پاسخ مناسب آن را هم پیش بینی کرده است، این موضوع هدفمند بودن خلقت و حکمت الهی را بیان می‌دارد. حال که در وجود تمامی انسان‌ها، گرایش به بقا و جاودانگی وجود دارد، حکمت الهی ضروری می‌داند که دنیای دیگری وجود داشته باشد تا به این گرایش، پاسخ مناسبی داده شود.

۲۴- از دقت در آیات ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا﴾ و ﴿أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ﴾، به ترتیب، معاد در پر تو و الهی استفاده می‌گردد.

- ۱) امکان - عدل - حکمت
 ۲) امکان - حکمت - عدل
 ۳) ضرورت - عدل - حکمت
 ۴) ضرورت - حکمت - عدل

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** آیه «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا» به این نکته اشاره دارد که آفرینش بیهوده و عبث نیست. از آن جایی که می دانیم کار بیهوده و باطل با حکمت الهی منافات دارد، پس می توان گفت این آیه بیانگر ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی است. هم چنین آیه «أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ» بیان می دارد متقین و بدکاران در نظر خداوند برابر نیستند و این موضوع معاد را ضروری می داند تا عدل الهی برقرار شود.

۲۵- از دقت در کدام آیه «ضرورت معاد با توجه به حکمت خداوند» مفهوم می گردد؟

- (۱) «وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا» (۲) «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَ أَنْكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»
 (۳) «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُجَمِّعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ» (۴) «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ»

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** حکمت خداوند ایجاب می کند تا هیچ کاری از سوی او بیهوده و عبث نباشد و از روی کلید واژه «عبث» به این موضوع پی می بریم.

۲۶- داستان عزیر نبی (ع) و زنده شدن وی پس از سال‌ها، معاد را از راه ثابت می کند.

- (۱) ضرورت- عدل الهی
 (۲) امکان- اشاره به خلقت نخستین انسان
 (۳) ضرورت- حکمت الهی
 (۴) امکان- اشاره به قدرت خدا در زنده کردن مردگان

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** قرآن کریم برای بیان نمونه‌هایی از زنده شدن مردگان داستان عزیر نبی (ع) را مثال می زند که خداوند جان او را گرفت و صد سال بعد، دوباره او را به دنیا بازگرداند. این داستان بیانگر این است که با توجه به قدرت خداوند، زنده کردن مردگان امکان پذیر است.

۲۷- «میل به بقا و جاودانگی» و «عدم قابلیت جبران خوبی‌ها و بدی‌ها در دنیا» و «بی نهایت طلبی انسان»، به ترتیب معاد در پرتو و و را اثبات می کند.

- (۱) ضرورت- حکمت- عدل- حکمت
 (۲) امکان- حکمت- حکمت- عدل
 (۳) ضرورت- عدل- حکمت- حکمت
 (۴) امکان- عدل- حکمت- عدل

■ **پاسخ گزینه «۱» صحیح است.** میل به بقا و جاودانگی و هم چنین بی نهایت طلبی انسان، از ویژگی‌های ذاتی انسان بوده که خداوند در وجود او قرار داده است و از آن جایی که خداوند دارای ویژگی حکمت مطلق است، پس برای این نیاز پاسخی قرار داده و آن وجود معاد است. پس ضرورت می یابد معاد وجود داشته باشد تا به این نیازهای بشر پاسخی مناسب داده شود. هم چنین از آن جایی که این دنیا زودگذر است و خداوند وعده داده تا هر کس را به آن چه استحقاق دارد برساند، در نتیجه در پرتو عدل الهی ضرورت می یابد رستخیزی وجود داشته باشد تا تمام خوبی‌ها و بدی‌ها جبران شوند.

۲۸- با توجه به آیه شریفه «وَ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ...» کدام مطلب مفهوم نمی گردد؟

- (۱) انسان‌ها در هنگام مرگ از آگاهی بیشتری برخوردار هستند.
 (۲) انسان، پس از مرگ در موقعیتی است که حضور فرشتگان را درک می کند.
 (۳) انسان در جهان آخرت اختیار ندارد ولی بساط تکلیف باز است.
 (۴) انسان پس از مرگ وارد عالم برزخ می شود و تا قیامت در آن جا است.

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** تمامی گزینه‌ها در مورد عالم برزخ صحیح است، به جز گزینه (۳). انسان در جهان آخرت هم چنان اختیار دارد، ولی دیگر تکلیف ندارد و با اعمالی که در دنیا انجام داده و آثار آن‌ها روبه رو می شود.

۲۹- این که در جنگ بدر به رسول خدا (ص) گفته شد: «آیا ایشان را می خوانی در حالی که مردگان اند؟» حاکی از عدم توجه به کدام حقیقت درباره عالم برزخ است؟

- (۱) عدم قطع ارتباط عالم برزخ با دنیا
 (۲) کوتاه شدن دست انسان از عمل
 (۳) عذاب کافران در جهنم برزخی
 (۴) فعالیت آگاهانه روح در برزخ

■ پاسخ گزینه «۴» صحیح است. از این که رسول خدا (ص)، با کشتگان صحبت کرد، پی می‌بریم که گرچه جسم آنان مرده است، اما روح آنان زنده است. لذا کسانی که از خطاب رسول خدا (ص) متعجب شده‌اند، به فعالیت آگاهانه و حیات روح در برزخ توجه نداشته‌اند و فکر می‌کردند که حقیقت انسان، همین جسم اوست که مرده است.

۳- اعمال پیامبران و امامان، بدان جهت معیار و میزان سنجش اعمال سایرین قرار می‌گیرد که

(۱) معصوم از خطا و گناه‌اند.

(۲) عین آن چیزی است که خداوند به آن دستور داده.

(۳) الگویی تمام عیار انسانیت‌اند.

(۴) برگزیدگان خدا برای هدایت بشرند.

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است. اعمال پیامبران و امامان معیار و میزان سنجش اعمال قرار می‌گیرد، زیرا اعمال

آنان عین آن چیزی است که خدا به آن دستور داده است.

۳- در مرحله اول که با پایان یافتن دنیا آغاز می‌شود، اولین حادثه است و در این مرحله

(۱) شنیدن صدایی مهیب- همه اهل زمین می‌میرند و بساط حیات انسان و سایر موجودات برچیده می‌شود.

(۲) زلزله شدید- همه اهل زمین می‌میرند و بساط حیات انسان و سایر موجودات برچیده می‌شود.

(۳) شنیدن صدایی مهیب- با نوری از جانب پروردگار زمین روشن می‌شود تا سرگذشت انسان‌ها و حوادث آن‌ها دیده شود.

(۴) زلزله شدید- با نوری از جانب پروردگار زمین روشن می‌شود تا سرگذشت انسان‌ها و حوادث آن‌ها دیده شود.

پاسخ گزینه «۱» صحیح است. اولین حادثه در مرحله اول، شنیدن صدایی مهیب است. در این مرحله، همه اهل

آسمان‌ها و زمین، جز آن‌ها که خداوند خواسته است، می‌میرند و بساط حیات انسان و سایر موجودات برچیده می‌شود.

۳- از آیه شریفه ﴿وَقَالُوا لَبُؤُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقْنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ...﴾ کدام موضوع

مفهوم می‌گردد؟

(۱) دادن نامه اعمال

(۲) شهادت اعضای بدن

(۳) قضاوت بر معیار حق

(۴) شهادت فرشتگان الهی

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است. از این آیه که می‌فرماید: ﴿وَقَالُوا لَبُؤُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقْنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ...﴾ و گفتند به پوست‌هایشان چرا علیه ما شهادت

می‌دهید؟ ﴿﴾ ← موضوع شهادت اعضای بدن، مفهوم می‌گردد.

۳- بهترین گواهان قیامت اند؛ زیرا

(۱) پیامبران و امامان - معیار سنجش اعمال دیگر انسان‌ها می‌باشند.

(۲) فرشتگان الهی - معیار سنجش اعمال دیگر انسان‌ها می‌باشند.

(۳) فرشتگان الهی - ظاهر و باطن اعمال انسان‌ها را در دنیا دیده‌اند.

(۴) پیامبران و امامان - ظاهر و باطن اعمال انسان‌ها را در دنیا دیده‌اند.

■ پاسخ گزینه «۴» صحیح است. پیامبران و امامان بهترین گواهان قیامت‌اند؛ زیرا ظاهر و باطن اعمال انسان‌ها را

در دنیا دیده‌اند و از هر خطایی مصون و محفوظ‌اند.

۳- خانه کردن محبت خداوند در دل، که گرایش دل را به محبت همه کسانی که رنگ و نشانی از محبوب دارند، به

دنبال دارد، بیانگر کدام یک از آثار محبت به خداست؟

(۱) بیزاری از دشمنان خدا

(۲) پیروی از خداوند

(۳) مبارزه با دشمنان خدا

(۴) دوستی با دوستان خدا

■ پاسخ گزینه «۴» صحیح است. در بحث «دوستی با دوستان خدا» که دومین اثر از آثار محبت به

خداست، آمده: وقتی محبت خداوند در دلی خانه کرد، آن دل محبت همه کسانی را که رنگ و نشانی

از او دارند، در خود می‌یابد ← این که خانه کردن محبت خداوند در دل، گرایش دل را به محبت همه کسانی

که رنگ و نشانی از محبوب دارند، به دنبال دارد، بیانگر «دوستی با دوستان خدا» می‌باشد.

۳۵- امام صادق (ع) فرمودند: «ما أحبَّ اللهَ من عَصاةٍ» کسی که از فرمان خدا سرپیچی می‌کند، را دوست ندارد و در همین رابطه خداوند به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

۱) او خدا- ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ...﴾

۲) خدا او- ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ...﴾

۳) خدا او- ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ...﴾

۴) او خدا- ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ...﴾

■ **پاسخ گزینه «۱» صحیح است.** امام صادق (ع) می‌فرماید: «کسی که از فرمان خدا سرپیچی می‌کند، (او) خدا را دوست ندارد». از آن جا که این حدیث به لزوم «پیروی از خداوند» اشاره دارد، خداوند به پیامبر اکرم (ص) در این رابطه می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ...﴾ بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد.»

۳۶- قرآن کریم خطای گروهی از مردم در زمینه دوستی با خدا را چگونه توصیف کرده است؟

۱) ﴿وَقَالُوا لَوْلَا دُعِينَا لَهُم لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا...﴾

۲) ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ...﴾

۳) ﴿كِرَاماً كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ...﴾

۴) ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ...﴾

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** این سؤال را باید با توجه به آیه ۱۶۵ سوره بقره پاسخ داد. قرآن کریم در مورد کسانی که غیر خدا را به دوستی می‌گیرند، درحقیقت در مورد خطای گروهی از مردم در زمینه دوستی با خدا، می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ...﴾ و بعضی از مردم همتیانی به جای خدا می‌گیرند و آن‌ها را مانند دوستی خدا، دوست دارند.»

۳۷- عبارت «يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ» و «أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» به ترتیب، توصیفه چه کسانی است؟

۱) ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا...﴾ و ﴿الَّذِينَ آمَنُوا...﴾

۲) ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً...﴾ و ﴿الَّذِينَ آمَنُوا...﴾

۳) ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا...﴾ و ﴿يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ...﴾

۴) ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً...﴾ و ﴿يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ...﴾

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** با توجه به آیه ۱۶۵ سوره بقره ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ...﴾ و ﴿الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ...﴾

۳۸- در آیه شریفه ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا...﴾ به چه نکاتی اشاره شده است؟

۱) دور از تردید بودن حشر همگان در قیامت- اثبات صدق دعوت پیامبران

۲) حقایق رستاخیز- اثبات صدق دعوت پیامبران

۳) دور از تردید بودن حشر همگان در قیامت- بی اساس بودن تردید منکران معاد و دور از دروغ بودن وحی الهی

۴) حقایق رستاخیز- خالی از تردید بودن آن به دلیل صادق القول بودن خداوند

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** با توجه به این آیه «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا...﴾ خداوند می‌فرماید: «خداوند کسی است که خدایی جز او نیست، او قطعاً شما را در روز قیامت جمع می‌کند که هیچ شکی در وقوع آن نیست و چه کسی در گفتار از خداوند راستگوتر است؟» در قسمتی از این آیه

«لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ» که این بیانگر حَقَائِد (حتمی بودن رستاخیز) است. در قسمت بعدی این آیه آمده «وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا» که این قسمت هم بیانگر صادق القول بودن خداوند است.

۳۹- از دَقْت در پیام کدام آیه شریفه، به عبارت «اقتضای عدل الهی، وجود جهانی به نام آخرت است تا انسان‌ها به آن چه استحقاقش را دارند، برسند.» پی می‌بریم؟

۱) ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾

۲) ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ﴾

۳) ﴿أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ﴾

۴) ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** این سؤال ضرورت معاد بر پایه عدل الهی را مورد توجه قرار داده و آیه «آم نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ» حاکی از ضرورت وجود جهانی دیگر برای تحقق عدل الهی است.

۴۰- چرا ممکن نیست که دفتر زندگی انسان با مرگ بسته شود و همه کمالات کسب شده را از دست بدهد و از کدام آیه شریفه، این مطلب استنباط می‌شود؟

۱) زیرا دنیا بر عدل بنا شده است- ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾

۲) چون خداوند حکیم است- ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾

۳) زیرا دنیا بر عدل بنا شده است- ﴿أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ﴾

۴) چون خداوند حکیم است- ﴿أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ﴾

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** نمی‌شود که انسان‌های با ایمان و درستکار با پیروی از دین و تبعیت از فطرت و عقل به درجاتی از رشد و کمال برسند و با رسیدن مرگ، دفتر زندگی آنان بسته شود و همه کمالات کسب شده را از دست بدهند. چنین کاری از خداوند حکیم محال است و هرگز سر نخواهد زد. چون خداوند حکیم است، ممکن نیست که دفتر زندگی انسان با مرگ بسته شود.

۴۱- براساس روایات، کدام مطلب در مورد ارواح مؤمنان صحت ندارد؟

۱) مؤمنان در بهشت برزخی همه پاداش خود را می‌بینند.

۲) مؤمنان برحسب مقدار فضیلت‌هایشان به دیدار خانواده خویش نائل می‌شوند.

۳) برخی از مؤمنان هر روز و برخی هر دو روز و کم‌ترین مقدار آنان هر جمعه به دیدار خانواده خویش می‌روند.

۴) برطبق سخن امیرالمؤمنین (ع)، روح در گذشتگان معتقدند که بهترین توشه برای ابدیت تقواست.

■ **پاسخ گزینه «۱» صحیح است.** مؤمنان در بهشت برزخی، بخشی از پاداش خود را می‌بینند، نه همه آن را.

۴۲- سخن پیامبر گرامی اسلام (ص) که فرمودند: «قسم به کسی که جانم در دست اوست، ایشان به این کلام از شما شنواترند، و فقط بر پاسخ دادن توانا نیستند» خطاب به در جنگ و بیانگر است.

۱) منافقان و کفار کشته شده- بدر- ممت برزخی

۲) منافقان و کفار کشته شده- خندق- حیات برزخی

۳) بزرگان لشکر کفار کشته شده- بدر- حیات برزخی

۴) بزرگان لشکر کفار کشته شده- خندق- ممت برزخی

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** در جنگ بدر، وقتی بزرگان لشکر کفار کشته شدند و سپاه اسلام پیروز شد، پیامبر آن کشتگان را ندا داد. گفته شد: ای رسول خدا، آیا ایشان را می‌خوانی در حالی که مردگان‌اند؟ ایشان فرمود: «قسم به کسی که جانم در دست اوست، ایشان به این کلام از شما شنواترند و فقط بر پاسخ دادن توانا نیستند.» مورد خطاب قرار دادن کشته شدگان، بیانگر حیات روح در برزخ و افزایش آگاهی‌های آن یا حیات برزخی است.

۴۲- کدام مطلب در مورد برزخ صادق نیست؟

- ۱) روح و جسم انسان‌ها توسط ملائکه بی کم و کاست دریافت می‌شود.
- ۲) حقیقت انسان پس از مرگ از آگاهی و شعور بالاتری برخوردار است.
- ۳) تنها پرونده برخی اعمال انسان با مرگ بسته نمی‌شود.
- ۴) در این عالم، انسان با فرشتگان گفت و گو می‌کند و پاسخشان را می‌شنود.

■ **پاسخ گزینه «۱» صحیح است.** فقط روح انسان توسط ملائکه بی کم و کاست دریافت می‌شود.

۴۴- آیه شریفه ﴿يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ بِمَا قَدَّمَ وَآخَرَ﴾ ناظر بر کدام عالم است و آثار «ماتأخر» به چه معناست؟

- ۱) برزخ- با این که فرد از دنیا رفته، پرونده عملش هم چنان گشوده است.
 - ۲) قیامت- با این که فرد از دنیا رفته، پرونده عملش هم چنان گشوده است.
 - ۳) برزخ- این اعمال و آثار دنیایی آن، پیش از مرگ در پرونده اعمال فرد ثبت شده است.
 - ۴) قیامت- این اعمال و آثار دنیایی آن، پیش از مرگ در پرونده اعمال فرد ثبت شده است.
- **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** با توجه به کلمه «یومئذ» در این آیه، ناظر بر عالم قیامت است. آثار ماتأخر بدان معناست که با این که فرد از دنیا رفته، پرونده عملش هم چنان گشوده است.

۴۵- آیه شریفه ﴿يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ بِمَا قَدَّمَ وَآخَرَ﴾ مربوط به کدام عالم و در برگیرنده کدام مفهوم است؟

- ۱) برزخ- باخبر شدن از تقدیم و تأخیر اعمال
 - ۲) قیامت- ارتباط بین عالم برزخ و دنیا
 - ۳) برزخ- ارتباط بین عالم برزخ و دنیا
 - ۴) قیامت- باخبر شدن از تقدیم و تأخیر اعمال
- **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** آیه ﴿يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ بِمَا قَدَّمَ وَآخَرَ﴾ مربوط به عالم قیامت است. مقصود از «یومئذ» عالم قیامت است. در این عالم انسان را از اعمالی که پیش فرستاده و آثار ماتأخر آن آگاه می‌کنند. هر چند آثار «ماتأخر» مربوط به عالم برزخ است، اما ظرف زمانی آگاهی انسان از همه‌ی اعمال خود، طبق کلمه «یومئذ» قیامت می‌باشد. از آن جا که این آیه به آثار ماتأخر اشاره دارد، دربرگیرنده مفهوم «ارتباط بین عالم برزخ و دنیا» است. بدین معنا که پرونده اعمال انسان‌ها با مرگ بسته نمی‌شود و در عالم برزخ، به واسطه آثار ماتأخر پیوسته بر آن افزوده می‌گردد.

۴۶- از دقت در کدام آیه، «آگاهی انسان بر کاستی‌های انجام وظایف خویش» مفهوم می‌گردد؟

- ۱) ﴿يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ بِمَا قَدَّمَ وَآخَرَ﴾
 - ۲) ﴿كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾
 - ۳) ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ﴾
 - ۴) ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ يُظَنُّونَ﴾
- **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** با توجه به مفهوم عبارت: «لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ»، باشد که عمل صالح انجام دهم، آن چه را در گذشته ترک کرده‌ام. درخواست انسان برای بازگشت، به منظور جبران اعمال دنیایی که ترک کرده و انجام نداده، حاکی از آن است که انسان، بر کاستی‌های انجام وظایف خویش آگاهی می‌یابد و می‌خواهد که آن‌ها را جبران کند. «کاستی» به معنای نقص و کمبود است. لذا کاستی‌های انجام وظایف خویش؛ یعنی نقص‌ها و کمبودهایی که در وظایف انسان وجود داشته است. عبارتی که در آیات، حاوی مفهوم نقص و کاستی در وظایف است، عبارت: «اعمل صالحاً فيما تركت» می‌باشد.

۴۷- با توجه به آیات سوره مبارکه آل عمران، ثمره محبت راستین به خداوند چیست و چه نتیجه‌ای در بر دارد؟

- ۱) «فَاتَّبِعُونِي» - «يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ»
- ۲) «أَسَدُ حُبِّ اللَّهِ» - «يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ»
- ۳) «فَاتَّبِعُونِي» - «يُحِبُّكُمْ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ»
- ۴) «أَسَدُ حُبِّ اللَّهِ» - «يُحِبُّكُمْ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ»

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** با توجه به آیه با توجه به آیه ۳۱ سوره آل عمران: «قل إن كنتم تحبون الله فاتبعوني: بگو اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید.» ثمره محبت راستین به خداوند، اطاعت و پیروی از پیامبر خداست. با توجه به ادامه آیه که می‌فرماید: «يُحِبِّكُمْ اللهُ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ»، نتیجه این اطاعت، دوستی خدا و آمرزش گناهان است.

۴۸- **لازمه دوستی با خداوند چیست و کدام عبارت به آن اشاره می‌کند؟**

- ۱) دوستی رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) - «وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»
- ۲) دوستی رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) - « مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ عَصَاهُ»
- ۳) اطاعت و پیروی از دستوره‌های خداوند - «وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»
- ۴) اطاعت و پیروی از دستوره‌های خداوند - « مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ عَصَاهُ»

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** لازمه دوستی با خداوند، اطاعت و پیروی از دستوره‌های اوست. حدیث: «ما أحبَّ الله من عساه، کسی که از فرمان خدا سرپیچی کند، او را دوست ندارد.» به این امر اشاره دارد.

۴۹- **با توجه به آیه شریفه قل إن كنتم تحبون الله فاتبعوني يُحِبِّكُمْ اللهُ کدام مطلب مستفاد نمی‌گردد؟**

- ۱) کسی که از فرمان خدا سرپیچی می‌کند، خدا او را دوست ندارد.
- ۲) اگر خدا را دوست دارید، از او پیروی کنید تا خدا دوستانان بدارد.
- ۳) اطاعت و عمل صالح، در کنار محبت به خدا انسان را به رستگاری می‌رساند.
- ۴) انسان تنها با محبت خدا و پیامبر (ص) و اهل بیت ایشان به رستگاری می‌رسد.

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** آیه می‌فرماید: بگو اگر خدا را دوست دارید، از من (پیامبر (ص)) اطاعت کنید تا خدا شما را دوست بدارد. با توجه به این آیه، لازمه محبت به خداوند، پیروی از دستورات اوست. لذا انسان تنها با محبت به خدا و پیامبر (ص) و اهل بیت ایشان به رستگاری نمی‌رسد، بلکه اطاعت هم لازم است. توجه کنید که تأکید این آیه بر همراهی محبت و اطاعت (عدم سرپیچی از دستورات الهی و عمل به آنها) است و تمامی گزینه‌ها حاکی از این مفهوم می‌باشد، در حالی که گزینه (۴) فقط به محبت اشاره کرده و حاوی اطاعت نیست.

۵۰- **اگر از ما بپرسند: «پایه و اساس اسلام، با حفظ رتبه تقدّم و تأخّر، چیست؟» می‌گوییم: و است که بیانگر آن، جمله می‌باشد.**

- ۱) تولی و تبری - «لا اله الا الله»
- ۲) تبری و تولی - «لا اله الا الله»
- ۳) تولی و تبری - «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»
- ۴) تبری و تولی - «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** جمله «لا اله الا الله» پایه و اساس اسلام است. از آن جا که ابتدا «لا اله: نفی» آمده و سپس «الا الله: اثبات»، با حفظ رتبه تقدّم و تأخّر، می‌گوییم: تبری و تولی.

۵۱- **با توجه به فرمایش امام صادق (ع): «فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر نگاه کند، هرچند والدین در حق او کوتاهی و ظلم کرده باشند»، چه مجازاتی دارد؟**

- ۱) مورد غضب خداوند قرار می‌گیرد.
- ۲) نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست.
- ۳) از رحمانیت و رحیمیت الهی محروم می‌شود.
- ۴) تا چهل روز نماز و روزه‌اش قبول نمی‌شود.

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** امام صادق (ع): «فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند، نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست.»

۵۲- **مصادق کامل تمرین پایداری در برابر خواهش‌های دل است که ثمره‌اش دست یابی به می‌باشد.**

۱) روزه - تقوا ۲) نماز - تقوا ۳) نماز - دوری از گناه ۴) روزه - دوری از گناه

■ **پاسخ گزینه «۱» صحیح است. روزه، مصداق کامل تمرین صبر و پایداری در برابر خواهش‌های دل است. ثمره و نتیجه روزه، دستیابی به تقوا می‌باشد.**

۵۳- کدام یک از افعال نماز به ما کمک می‌کند تا دیگران در دل ما جای نگیرند؟

۱) غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار

۲) توجه به بزرگی خداوند در هنگام تکبیر

۳) قرائت صحیح و بدون اشکال آیات و اذکار

۴) انجام به موقع نماز و دقت در اقامه اول وقت

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است. اگر در هنگام گفتن تکبیر، به بزرگی خداوند بر همه چیز توجه داشته باشیم، دیگران در دل ما جای خدا را نخواهند گرفت.**

۵۴- با توجه به آیات قرآن کریم مهم‌ترین فایده روزه، است.

۱) ایمان، صداقت و عدالت (۲) اخلاص، امانت داری و صبر (۳) تقوا، پاکی و پارسایی (۴) یاد خدا، خضوع و خشوع

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است. مهم‌ترین فایده روزه، تقوا، پاکی و پارسایی (لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) است.**

۵۵- در کدام مورد، عمل عمدی روزه دار، روزه او را باطل نمی‌کند؟

۱) چیزی بخورد یا بیاشامد.

۲) چیزی را که لای دندان مانده، عمداً بخورد.

۳) تمام بدن و مقداری از سر را آب بگیرد.

۴) تمام سر را در آب فرو برد.

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است. تمام گزینه‌ها موجب باطل شدن روزه انسان می‌شود، اما اگر روزه دار، تمام بدن و مقداری از سر (نه همه سر) را آب بگیرد، روزه‌اش باطل نمی‌شود.**

۵۶- حکم نماز و روزه مسافری که در ماه رمضان از صبح در سفر باشد و بعدازظهر به محل اقامت ده روزه برسد، چیست؟

۱) اگر محل اقامت وطن اوست، باید نمازها را کامل بخواند و روزه بگیرد.

۲) نمازهای پس از آن را کامل بخواند و روزه آن روز را نمی‌تواند بگیرد.

۳) نماز ظهر و عصر را مجدداً کامل بخواند و روزه آن روز را نمی‌تواند بگیرد.

۴) اگر محل اقامت وطن او نباشد، باید نماز ظهر و عصر را مجدداً کامل بخواند و روزه بگیرد.

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است. در خصوص نماز، از زمانی که به محل اقامت ده روزه برسد، باید نمازهای پس از آن را کامل بخواند، زیرا می‌خواهد ده روز در آن جا بماند. در خصوص روزه، از آن جا که بعدازظهر به محل اقامت ده روزه می‌رسد، روزه آن روز را نمی‌تواند بگیرد.**

۵۷- با توجه به آیات قرآن کریم، فراهم شدن امکان دستیابی به تقوای الهی، ثمره عمل به کدام دستور می‌باشد؟

۱) «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ» (۲) «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»

۲) «وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (۳) «يُذِنُونَ عَلَيْهِنَّ مِّن جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَن يُعْرَفْنَ» (۴)

■ **پاسخ گزینه «۱» صحیح است. مهم‌ترین ثمره روزه، تقواست و با توجه به این که در آیه ﴿۱﴾ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما واجب شد، همان طور که بر کسانی که پیش از شما بودند، واجب گردید، شاید که تقوا پیشه کنید. ﴿۲﴾ فراهم شدن امکان دست**

یابی به تقوا (لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ)، ثمره عمل به دستور الهی روزه است (کتب علیکم الصیام).

۵۸- اگر کسی که روزه است، پیش از ظهر مسافرت کند، وظیفه او نسبت به روزه‌اش چیست؟

۱) اگر نیت روزه کرده باید روزه‌اش را تمام کند و در غیر این صورت باید افطار نماید.

۲) اگر تا ظهر عملی که روزه را باطل کند انجام ندهد، باید روزه‌اش را کامل نماید.

۳) باید تا وقتی که ۴ فرسخ رفت و ۴ فرسخ برگشت دارد، روزه‌اش را نگه دارد.

۴) باید تا حد ترخص روزه‌اش را نگه دارد و می‌تواند پس از آن افطار نماید.

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** اگر کسی که روزه است، پیش از ظهر مسافرت کند، باید تا حد ترخص روزه‌اش را نگه دارد و می‌تواند پس از آن افطار کند.

۵۹- کفاره کسی که با خوردن آب یا با خوردن خاک، روزه خود را عمداً باطل کرده چه تفاوتی با هم دارد؟

- ۱) اولی باید برای هر روز یک مَدّ طعام به فقیر بدهد و دومی باید برای هر روز به شصت فقیر طعام دهد.
- ۲) اولی نیاز به قضای روزه ندارد و دومی باید هم قضا کند و هم کفاره بدهد.
- ۳) اولی در انتخاب نوع کفاره آزاد است و دومی باید کفاره جمع بدهد.
- ۴) اولی باید دو ماه روزه بگیرد و دومی باید به شصت فقیر طعام دهد.

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** کسی که با آب روزه خود را باطل کرده یعنی عمداً آشامیده در نتیجه باید هم قضای آن را به جا آورد و هم کفاره بدهد. یعنی برای هر روز، دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد. به عبارتی این فرد در انتخاب نوع کفاره آزاد است.

۶۰- اگر کسی به شهری برود که راه رفت آن بیش از ۴ فرسخ شرعی (حدود ۲۲/۵ کیلومتر) باشد، نماز و روزه او چه حکمی دارد؟

- ۱) بستگی به مسافت مسیر برگشت او دارد.
- ۲) باید نماز را شکسته بخواند و نمی‌تواند روزه بگیرد.
- ۳) اگر کمتر از ده روز بماند نمازش شکسته است و نمی‌تواند روزه بگیرد.
- ۴) اگر مجموع مسافت رفت و برگشت او ۴ فرسخ باشد، نمازش شکسته است و نمی‌تواند روزه بگیرد.

■ **پاسخ گزینه «۱» صحیح است.** کسی مسافر محسوب می‌شود که: رفتن او کمتر از ۴ فرسخ شرعی (حدود ۲۲/۵ کیلومتر) و مجموع رفت و برگشت او کمتر از ۸ فرسخ نباشد. با توجه به این شروط که در کتاب درسی آمده، اگر کسی به شهری برود که راه رفت آن بیش از ۴ فرسخ شرعی باشد، بستگی به مسافت مسیر برگشت او دارد که اگر کمتر از ۸ فرسخ باشد، مسافر محسوب نمی‌شود و اگر بیشتر از ۸ فرسخ باشد، مسافر است و باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد.

۶۱- حکم نماز و روزه مسافری که در ماه مبارک رمضان پیش از ظهر به محل قصد ده روزه برسد، چیست؟

- ۱) باید نمازهای پس از آن را تمام بخواند و اگر مبطل روزه انجام نداده، روزه‌اش را کامل کند.
 - ۲) باید نمازهای پس از آن را تمام بخواند و اگر پیش از اذان صبح نیت نکرده، قضای روزه آن روز را به جا آورد.
 - ۳) پس از آن روز، نمازهایش را تمام بخواند و اگر پیش از اذان صبح نیت نکرده، قضای روزه آن را به جا آورد.
 - ۴) در آن روز قصد و پس از آن روز، نمازهایش را تمام بخواند و اگر مبطل روزه انجام نداده، روزه‌اش را کامل کند.
- **پاسخ گزینه «۱» صحیح است.** مسافری که پیش از ظهر به محلی برسد که قصد کرده ده روز در آن جا بماند، باید نمازهای پس از آن را تمام بخواند، چون ده روز در آن جا می‌ماند. در خصوص روزه نیز، چون پیش از ظهر رسیده اگر چیزی نخورده یا نیشامیده باشد (مبطل روزه انجام نداده باشد)، روزه‌اش را کامل کند و اگر چیزی خورده یا آشامیده باشد، باید بعداً قضای آن روز را به جا آورد.

۶۲- اگر کسی از وطن خود ۴ فرسخ دور شود و ۵ روز در شهر «الف» بماند و سپس ۴ فرسخ دیگر برود و بخواهد یازده روز در شهر «ب» بماند، نماز و روزه‌اش در ماه رمضان چه حکمی دارد؟

- ۱) در شهر «الف» و در شهر «ب» نمازش شکسته است و نباید روزه بگیرد.
- ۲) در شهر «الف» و در شهر «ب» نمی‌تواند روزه بگیرد و باید کفاره بدهد و نمازش شکسته است.
- ۳) در شهر «الف» نمازش شکسته است و نباید روزه بگیرد، ولی در شهر «ب» نمازش تمام است و باید روزه بگیرد.
- ۴) در شهر «الف» نمازش کامل است و باید روزه بگیرد، ولی در شهر «ب» نمازش شکسته است و نباید روزه بگیرد.

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** در شهر «الف»، از آن جا که رفتن او کمتر از ۴ فرسخ شرعی نیست و کمتر از ده روز می‌خواهد بماند، نمازش شکسته است و نباید روزه بگیرد. در شهر «ب» از آن جا که بیشتر از ده روز می‌ماند، نمازش تمام است و باید روزه بگیرد.

۶۳- به بیان پیامبر اکرم (ص)، عدم پذیرش نماز و روزه انسان، معلول است و طبق سخن امام صادق (ع)، قبولی نماز در گرو است.

(۱) غیبت کردن - ناتوانی عوامل برانگیزاننده به سوی گناه (۲) غیبت کردن - دوری از گناه و منکر

(۳) خشم به پدر و مادر - ناتوانی عوامل برانگیزاننده به سوی گناه (۴) خشم به پدر و مادر - دوری از گناه و منکر

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هرکس غیبت مسلمانی را کند، تا چهل روز، نماز و روزه‌اش قبول نمی‌شود.» پس به بیان پیامبر اکرم (ص)، عدم پذیرش نماز و روزه انسان، معلول غیبت کردن است. امام صادق (ع) فرمود: «به هر مقدار که نماز انسان سبب دوری او از گناه و منکر شود، این نماز قبول شده است.» بنابراین طبق سخن امام صادق (ع)، قبولی نماز در گرو دوری از گناه و منکر است.

۶۴- «عدم تمایل به کسب درآمد از راه حرام»، «عدم خضوع و خشوع در مقابل مستکبران» و «جای نگرفتن غیر خدا در دل»، به ترتیب تابع رعایت کدام شروط در نماز هستند؟

(۱) انجام به موقع نماز - توجه به بزرگی خدا به هنگام تکبیر - در نظر گرفتن عظمت خدا در رکوع و سجود

(۲) غصبی نبودن لباس و مکان - در نظر گرفتن عظمت خدا در رکوع و سجود - توجه به بزرگی خدا به هنگام تکبیر

(۳) انجام به موقع نماز - در نظر گرفتن عظمت خدا در رکوع و سجود - توجه به بزرگی خدا به هنگام تکبیر

(۴) غصبی نبودن لباس و مکان - توجه به بزرگی خدا به هنگام تکبیر - در نظر گرفتن عظمت خدا در رکوع و سجود

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** اگر شرط غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار را رعایت کنیم، به کسب درآمد از راه حرام متمایل نخواهیم شد. اگر در رکوع و سجود عظمت خدا را در نظر داشته باشیم، در مقابل مستکبران خضوع و خشوع نخواهیم کرد. اگر در هنگام گفتن تکبیر به بزرگی خداوند بر همه چیز توجه داشته باشیم، دیگران در دل ما جای خدا را نخواهند گرفت.

۶۵- در رابطه با روزه، حکم کسی که «غسل بر او واجب است و عمداً غسل نکند»، «کسی که به قصد ستم به مظلوم یا همکاری با یک ظالم در ظلم او سفر کند» و «کسی که روزه است و بعد از ظهر مسافرت کند» به ترتیب چیست؟

(۱) نمی‌تواند روزه بگیرد - روزه‌اش باطل است - باید روزه خود را افطار کند.

(۲) می‌تواند با تیمم روزه بگیرد - باید روزه‌اش را بگیرد - باید روزه خود را افطار کند.

(۳) نمی‌تواند روزه بگیرد - باید روزه‌اش را بگیرد - باید روزه خود را ادامه دهد.

(۴) می‌تواند با تیمم روزه بگیرد - روزه‌اش باطل است - باید روزه خود را ادامه دهد.

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** کسی که غسل بر او واجب است و عمداً غسل نکند، نمی‌تواند روزه بگیرد. در صورتی می‌تواند با تیمم روزه بگیرد که زمان کافی برای غسل کردن وجود نداشته باشد. کسی که به قصد ستم به مظلوم یا همکاری با یک ظالم در ظلم او سفر کند، تابع احکام مسافر نیست؛ زیرا برای انجام کار حرام سفر کرده، لذا باید روزه‌اش را بگیرد. اگر کسی که روزه است، بعد از ظهر مسافرت کند، باید روزه خود را ادامه دهد.

۶۶- نشانه «وفاداری انسان به عهد خود با خدا» و «مصدق پایداری در برابر خواهش‌های دل» به ترتیب در کدام آیات شریفه متجلی است؟

(۱) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ...﴾ - ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ...﴾

(۲) ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...﴾ - ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ

المؤمنين...﴾

۳) أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ... ۴) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ... ۵) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ... ۶) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ...

۴) یا ایها الذین آمنوا کُتِبَ علیکم الصیام... - أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ... ۵) یا ایها الذین آمنوا کُتِبَ علیکم الصیام... ۶) یا ایها الذین آمنوا کُتِبَ علیکم الصیام... ۷) یا ایها الذین آمنوا کُتِبَ علیکم الصیام...

■ **پاسخ گزینه ۳:** «صحيح است». نماز نشان دهنده وفاداری انسان به عهد خودش با خداست که خداوند در آیه شریفه «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» دستور به اقامه و برپایی نماز می‌دهد. مصداق پایداری در برابر خواهش‌های دل، روزه است و خداوند در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ» دستور به گرفتن روزه می‌دهد.

۶۷- تأثیر نماز به انسان بستگی دارد و دل نبستن به راه انحرافی نتیجه گفتن صادقانه در نماز است.

۱) تداوم و میزان توجه- «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ»

۲) تداوم و میزان توجه- «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»

۳) عمل بعد از نماز- «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»

۴) عمل بعد از نماز- «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ»

■ **پاسخ گزینه ۲:** «صحيح است». تأثیر نماز به تداوم و میزان دقت و توجه ما بستگی دارد.

بنابراین اگر نمازهای روزانه خود را ترک نکنیم و دقت و توجه خود را در نماز افزایش دهیم، از آن تأثیر خواهیم پذیرفت. اگر عبارت «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» را صادقانه از خداوند بخواهیم، به راه‌های انحرافی دل نخواهیم بست.

۶۸- اگر روزه دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد و باقی بدن او از آب بیرون باشد، اگر تمام بدن را آب بگیرد و

مقداری از سر بیرون باشد و اگر سهواً سر و بدن را در آب فرو برد، به ترتیب روزه‌اش چه حکمی دارد؟

۱) باطل - صحیح - باطل ۲) باطل - صحیح - باطل ۳) صحیح - باطل - صحیح ۴) صحیح - باطل - باطل

■ **پاسخ گزینه ۲:** «صحيح است». اگر روزه دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد، با وجود این که باقی بدن او از

آب بیرون باشد؛ باطل؛ اگر روزه دار تمام بدن را آب بگیرد و مقداری از سر بیرون باشد؛ صحیح؛ اگر روزه دار سهواً سر و بدن را در آب فرو برد؛ صحیح.

۶۹- اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان

آینده عمداً قضاى روزه را نگیرد، باید:

۱) برای هر روزه دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد.

۲) هم روزه را قضا کند و هم به شصت فقیر طعام دهد.

۳) برای هر روز دو ماه روزه بگیرد و به شصت فقیر طعام دهد.

۴) هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز یک مدّ گندم یا جو و مانند آن‌ها به فقیر بدهد.

■ **پاسخ گزینه ۴:** «صحيح است». چنین شخصی باید هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز، یک مدّ گندم یا جو و مانند آن‌ها به فقیر بدهد.

۷۰- از دقت در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ» مفهوم می‌گردد

که است و رسول خدا (ص) در این خصوص می‌فرماید:

۱) تقوا نتیجه روزه- چه بسا روزه داری که جز گرسنگی و تشنگی چیزی نصیب او نمی‌شود.

۲) روزه نتیجه تقوا- چه بسا روزه داری که جز گرسنگی و تشنگی چیزی نصیب او نمی‌شود.

۳) تقوا نتیجه روزه- هر کس غیبت مسلمانی را کند، تا چهل روز، نماز و روزه‌اش قبول نمی‌شود مگر این که غیبت شده او را ببخشد.

۴) روزه نتیجه تقوا- هر کس غیبت مسلمانی را کند، تا چهل روز، نماز و روزه‌اش قبول نمی‌شود مگر این که غیبت شده او را ببخشد.

■ **پاسخ گزینه ۱** «صحيح است. اين آيه مي‌فرمايد: «اي كساني كه ايمان آورده‌يد، روزه بر شما واجب شده، همان طور كه بر پيشينيان شما واجب شده است. باشد كه پرهيز كار شويد.» طبق اين آيه، تقوا (پرهيز كاري)، نتيجه روزه است. رسول خدا (ص) در تأكيد اهميت تقوا مي‌فرمايد: «چه بسا روزه داري كه جز گرسنگي و تشنگي چيزي نصيب او نمي‌شود.» زيرا روزه بايد علاوه بر تحمل گرسنگي و تشنگي، صفت تقوا و خودنگهداري در مقابل گناه را در ما پديد آورد.

۷۱- اگر مسافر پيش از ظهر به وطنش يا به جايي كه مي‌خواهد ده روز در آن جا بماند، برسد، در صورتی نبايد روزه بگيرد كه و اگر كسي كه روزه گرفته، پيش از ظهر مسافرت كند و بخواهد به پيش از چهار فرسخ برود،

۱) برای انجام كار حرامی سفر نكرده باشد- در هر صورت نمی‌تواند در آن روز، روزه بگيرد.

۲) برای انجام كار حرامی سفر نكرده باشد- وقتی به چهار فرسخ برسد، بايد روزه خود را افطار كند.

۳) قبل از رسيدن به آن مكان چيزي خورده يا آشاميده باشد- در هر صورت نمی‌تواند در آن روز، روزه بگيرد.

۴) قبل از رسيدن به آن مكان چيزي خورده يا آشاميده باشد- وقتی به چهار فرسخ برسد، بايد روزه خود را افطار كند.

■ **پاسخ گزینه ۴** «صحيح است. اگر مسافر پيش از ظهر به وطنش يا به جايي كه مي‌خواهد ده روز بماند، برسد، در صورتی نبايد روزه بگيرد كه قبل از رسيدن به آن مكان چيزي خورده يا آشاميده باشد. اگر كسي كه روزه گرفته، پيش از ظهر مسافرت كند و بخواهد به پيش از چهار فرسخ برود، وقتی به چهار فرسخ برسد، بايد روزه خود را افطار كند.

۷۲- اگر بگوئيم: «كسي كه به سفر مي‌رود، اگر شروطي داشته باشد، بايد نمازش را شكسته بخواند و نبايد روزه بگيرد»، کدام مورد از شروط آن نمی‌باشد؟

۱) رفتن او كمتر از حدود ۲۲/۵ كيلومتر نباشد.

۲) بخواهد كمتر از ده روز در جايي كه سفر کرده بماند.

۳) مجموع رفت و برگشت او كمتر از هشت فرسخ باشد. ۴) برای انجام كار حرام سفر نكرده باشد.

■ **پاسخ گزینه ۳** «صحيح است. مسافر نبايد مجموع رفت و برگشت او كمتر از هشت فرسخ باشد.

۷۳- اگر كسي پيش از چهار فرسخ رفته و بخواهد ۸ روز در آن جا بماند و سپس پنج فرسخ ديگر برود و در آن جا ۱۲ روز بماند، به طوری كه از ابتدا قصد سفر دوم را نداشته باشد در اين صورت به ترتيب در هر حالت حكم نماز و روزه فرد چگونه خواهد بود؟

۱) بايد نماز را شكسته بخواند و روزه را بگيرد- بايد نماز را تمام بخواند، ولی نمی‌تواند روزه بگيرد.

۲) بايد نماز را شكسته بخواند و روزه را بگيرد- بايد نماز را تمام بخواند و روزه را نيز كامل بگيرد.

۳) بايد نماز را شكسته بخواند و نمی‌تواند روزه بگيرد- بايد نماز را تمام بخواند و روزه را نيز كامل بگيرد.

۴) در هر مورد ياد شده بايد نماز را كامل بخواند و روزه را نيز بايد بگيرد.

■ **پاسخ گزینه ۳** «صحيح است. شخصی كه مسافر است و به سفر مي‌رود به شرطی كه شرايط «۱- رفتن او بيشتر از ۴ فرسخ و مجموع رفت و برگشت او بيشتر از ۸ فرسخ باشد ۲- كمتر از ۱۰ روز بماند ۳- به قصد كار حرام سفر نكرده باشد» را داشته باشد، بايد نمازش را شكسته بخواند و روزه نيز نبايد بگيرد. پس با توجه به توضيحات فوق، كسي كه بيشتر از ۴ فرسخ رفته است و مي‌خواهد ۸ روز بماند «يعنی كمتر از ۱۰ روز» مسافر به حساب می‌آيد و بايد نمازش را شكسته بخواند و روزه نيز نبايد بگيرد [نادرستی گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴)].

۷۴- سهل انگاری در انجام غسل واجب، تا مرز تنگ شدن وقت، چه حكمی را برای شخص روزه دار رقم می‌زند؟

۱) در آن روز اجازه روزه گرفتن ندارد، و بايد كفاره بدهد.

۲) دچار معصيت ترك غسل و روزه شده و بهتر است سفر كند.

۳) بايد آن روز را روزه بگيرد، اما كفاره هم بر او واجب می‌شود.

۴) می‌تواند با تيمم روزه بگيرد، اما در مورد غسل نكردن معصيت کرده است.

روز را روزه بگیرد، ولی اگر سهل انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود می‌تواند با تیمم روزه بگیرد و روزه‌اش صحیح است اما در مورد غسل نکردن معصیت کرده است.

۷۵- خوردن و آشامیدن و به ترتیب سبب بطلان و عدم بطلان روزه می‌شود و افطار روزه با مالی که مصداق آیه است، مستوجب کفاره جمع می‌شود.

- (۱) عمدی - سهوی - ﴿يَا كُلُّونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا﴾
 (۲) عمدی - سهوی - ﴿تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ﴾
 (۳) سهوی - عمدی - ﴿تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ﴾
 (۴) سهوی - عمدی - ﴿يَا كُلُّونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا﴾

پاسخ گزینه «۱» صحیح است. آن چه باعث باطل شدن روزه می‌شود خوردن و آشامیدن عمدی است و اگر به صورت سهوی چیزی خورده و یا آشامیده شود روزه فرد باطل نمی‌شود. در قسمتی دیگر از درس آمده که اگر فرد با فعل حرامی روزه خود را باطل کند کفاره جمع به او تعلق می‌گیرد. یکی از این افعال حرام می‌تواند خوردن مال یتیم باشد که مصداق آن در آیه ﴿يَا كُلُّونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا﴾ آمده است.

۷۶- با توجه به پیام آیه نخستین مرتبه تقوا مربوط به است.

- (۱) ﴿و نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا فَالْتَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا﴾ - متقین (۲) ﴿إِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ﴾ - متقین
 (۳) ﴿إِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ﴾ - همه انسان‌ها (۴) ﴿و نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا فَالْتَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا﴾ - تقوا
پاسخ گزینه «۴» صحیح است. با توجه به آیه «و نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا فَالْتَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا» سوگند به نفس و آن که سامانش بخشید، آن گاه بدکاری و تقوایش را به او الهام کرد. هر انسانی زشتی، زیبایی، بدی و خوبی را درک می‌کند. بنابراین مرتبه اولیه تقوا مخصوص همه انسان‌هاست و مراتب بالاتر آن مخصوص تقوایندگان (متقین) است.

۷۷- بنابر فرمایش امام عصر (عج)، بهترین راه برای مغلوب کردن شیطان، عمل به پیام آیه می‌باشد که از مهم‌ترین فواید آن است.

- (۱) «اقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ» - دوری از گناه
 (۲) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» - دوری از گناه
 (۳) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» - تقوا
 (۴) «اقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ» - تقوا

پاسخ گزینه «۱» صحیح است. در درس دوم پایه دهم خواندیم که امام عصر (عج) در رابطه با راه‌های شکست شیطان فرمودند: نماز بینی شیطان را به خاک می‌مالد. آیه «اقِمِ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ» دعوت به اقامه نماز می‌کند که از مهم‌ترین فواید آن دوری از گناه و یاد خدا است.

۷۸- ضعیف شدن عفاف در روح انسان چه نتیجه‌ای دارد و پوشیدن لباس نازک و بدن نما، نشانه چیست؟

- (۱) تغییر در آراستگی و حرکت به سوی خودنمایی - سستی و ضعف دین
 (۲) تغییر در آراستگی و حرکت به سوی خودنمایی - انجام گناه و جنگ با خدا
 (۳) جلوه گر شدن روح و حرکت به سوی شخصیت متفاوت - سستی و ضعف دین
 (۴) جلوه گر شدن روح و حرکت به سوی شخصیت متفاوت - انجام گناه و جنگ با خدا

پاسخ گزینه «۱» صحیح است. به همان میزان که در درون انسان رشته‌های عفاف ضعیف و گسسته می‌شود، آراستگی و پوشش او سبک‌تر و جنبه خودنمایی به خود می‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت حرکت به سوی خودنمایی معلول ضعیف شدن و از بین رفتن عفاف در روح انسان است.

طبق فرموده امام صادق (ع) پوشیدن لباس نازک و بدن نما نشانه سستی و ضعف دین در افراد است.

- ۱) خداوند زیبایی و آراستگی را دوست دارد و از نپرداختن به خود و خود را ژولیده نشان دادن بدش می‌آید.
- ۲) دو رکعت نماز که با بوی خوش گزارده شود، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است.
- ۳) خدای تعالی دوست دارد وقتی که بنده‌اش به سوی دوستانش می‌رود خود را آماده و آراسته کند.
- ۴) بپرهیز از این که خود را برای دیگران بیارایی و با انجام گناه به جنگ با خدا برخیزی.

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** همه احادیث تأکیدی بر آراستگی ظاهری در اسلام است. اما سخن امام علی (ع): «بپرهیز از این که خود را برای دیگران بیارایی و با انجام گناه به جنگ با خدا برخیزی.» حاکی از این است که خود را برای دیگران آراستن، ناشی از ضعیف شدن عفاف در انسان است؛ یعنی باطن بر ظاهر تقدم دارد و انسانی که عقیف باشد، خود را برای دیگران آراسته نمی‌کند.

۸۰- دیدن کدام قسمت از بدن زنان نامحرم، جایز است و مطابق آیات قرآن کریم استفاده از کدام پوشش سبب دور شدن افراد ناپاک از زن مسلمان می‌شود؟

- | | |
|---------------------------|----------------------------|
| ۱) صورت و زیر چانه- خمار | ۲) کف دست و روی دست- خمار |
| ۳) صورت و زیر چانه- جلباب | ۴) کف دست و روی دست- جلباب |

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** امام کاظم (ع) در جواب برادرش که پرسید: «دیدن چه مقدار از بدن زن نامحرم جایز است؟» فرمود: «چهره و دست تا مچ. دیدن کف دست و روی دست جایز است.» با توجه به آیه **﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ﴾** استفاده از حجاب سبب دور شدن افراد ناپاک از زن مسلمان می‌شود.

۸۱- یکی از یاران امام صادق (ع) از ایشان پرسید: آیا ساعد زن از قسمت‌هایی است که باید از نامحرم پوشیده شود؟ امام (ع) فرمودند: و آیه شریفه به «علت پوشش» اشاره دارد.

۱) خیر، آن چه زیر روسری قرار می‌گیرد، نباید آشکار شود- **﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ﴾**

۲) بلی، باید مچ به بالا پوشیده شود- **﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ﴾**

۳) خیر، آن چه زیر روسری قرار می‌گیرد، نباید آشکار شود- **﴿ذَلِكْ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِنَنَّ﴾**

۴) بلی، باید مچ به بالا پوشیده شود- **﴿ذَلِكْ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِنَنَّ﴾**

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** یکی از یاران امام صادق (ع) از ایشان پرسید: «آیا ساعد زن از قسمت‌هایی است که باید از نامحرم پوشیده شود؟» فرمود: «بلی، آن چه زیر روسری قرار می‌گیرد، نباید آشکار شود، هم چنین از مچ به بالا باید پوشیده شود.» آیه: **﴿ذَلِكْ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِنَنَّ﴾** این کار از این جهت بهتر است که (به عفاف) شناخته شوند تا مورد اذیت قرار نگیرند. به علت پوشش اشاره دارد.

۸۲- خداوند بر اساس آیه شریفه ۵۹ سوره احزاب عبارت قرآنی **﴿ذَلِكْ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ﴾** را علت و فلسفه عبارت قرآنی می‌داند و تأکید قرآن به این موضوع بیانگر کدام جنبه از اعجاز محتوایی آن است؟

۱) **﴿فَلَا يُؤْذِنَنَّ﴾** - تأثیرناپذیری از عقاید دوران جاهلیت

۲) **﴿يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ﴾** - جامعیت و همه جانبه بودن قرآن

۳) **﴿فَلَا يُؤْذِنَنَّ﴾** - جامعیت و همه جانبه بودن قرآن

۴) **﴿يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ﴾** - تأثیرناپذیری از عقاید دوران جاهلیت

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** خداوند در آیه شریفه ۵۹ سوره احزاب فرموده: «ای پیامبر، به زنان و دخترانت و به زنان مؤمن بگو پوشش‌های خود را به خود نزدیک‌تر کنند، این برای آن که به عفاف شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است.» پس عبارت قرآنی **﴿يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ﴾** معلول **﴿ذَلِكْ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ﴾**

می‌باشد. یکی از جنبه‌های اعجاز محتوایی قرآن «تأثیرناپذیری از عقاید دوران جاهلیت» است که به عزت و عفاف زنان تأکید کرده تا در جامعه مورد سوءاستفاده مرد قرار نگیرد.

۸۲- مطابق معارف قرآنی، خدای متعال، رسولان و پیام آوران خویش را همراه با «تبشیر و انذار» به عنوان مبشّر و مُنذِر ارسال فرمود تا
 (۱) هدف داری خلقت و حکیمانه بودن آفرینش، تبیین گردد.
 (۲) استعداد‌های مردم شکوفا و چراغ فطرت، نورانی گردد.
 (۳) حجت بر مردم تمام شود و عزّت و حکمت خداوند، به اثبات رسد.
 (۴) گرد و غبار فرو افتاده بر عقول و فطرت‌های پاک، زدوده شود.

■ پاسخ گزینه «۳» صحیح است. با توجه به آیه: «رُسُلًا مَبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِيَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا، رسولانی (را فرستاد که) بشارت و انذار دهند تا برای مردم در مقابل خداوند، بعد از آمدن پیامبران بهانه و دستاویزی نباشد و خداوند با عزّت و حکیم است.» می‌گوییم: «خدای متعال، رسولان و پیام آوران خویش را همراه با «تبشیر و انذار» ارسال فرمود تا؛ حجت بر مردم تمام شود (لِيَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ) و عزّت و حکمت خداوند، به اثبات رسد (وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا).

ارسال پیامبران با دو ویژگی تبشیر و انذار	رُسُلًا مَبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ
۱. اتمام حجت بر انسان	لِيَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ
۲. اثبات عزّت و حکمت بودن خداوند	وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

۸۴- خداوند، چگونه انسان‌ها را به صورت ویژه هدایت نموده است؟

- متناسب با دو ویژگی تعقل و اختیار، با فرستادن دین
 - با خلقت متفاوت و ایجاد حس رقابت در میان انسان‌ها
 - خلقت اقوام مختلف و با شعبات گوناگون و نژاد متفاوت
 - به وسیله در اختیار قرار دادن انسان‌هایی که خصوصیات متفاوت دارند.
- پاسخ گزینه «۱» صحیح است. هدایت ویژه انسان، متناسب با دو ویژگی تعقل و اختیار و فرستادن دین (ارسال کتاب) است.

۸۵- این حقیقت که زندگی یک بار اتفاق می‌افتد و این فرصت فقط یک بار در اختیار انسان قرار می‌گیرد، ضرورت

پرداختن به کدام امر را برای انسان آشکارتر می‌سازد؟

- درک هدف زندگی (۲) نیاز به تعالی، رشد و بالندگی (۳) درک درست از آینده خویش (۴) کشف راه درست زندگی
- پاسخ گزینه «۴» صحیح است. پیرامون نیاز به «کشف راه درست زندگی» آمده: کشف راه درست زندگی دغدغه اصلی انسان‌های فکور و خردمند بوده است. به خصوص که انسان فقط یک بار به دنیا می‌آید و یک بار آن را تجربه می‌کند. پس ضرورت پرداختن به کشف راه درست زندگی برای انسان آشکارتر می‌شود.

۸۶- اشکال مهم پاسخ‌های احتمالی به نیازهای انسان، چیست؟

- قدرت انتخاب انسان در آن نادیده گرفته شده است.
- نیازمند تجربه و آزمون است تا کارایی آن مشخص شود.
- نیازمند تعقل و ادراک است تا درست بودن آن مشخص شود.
- بررسی همه جانبه نیازهای انسان در آن نادیده گرفته شده است.

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** یکی از ویژگی‌های پاسخ به نیازهای برتر انسان آن است که پاسخ باید کاملاً درست و قابل اعتماد باشد؛ زیرا هر پاسخ احتمالی و مشکوک، نیازمند تجربه و آزمون است تا کارایی آن مشخص شود.

۸۷- به بیان امام کاظم علیه السلام، انحصار ارسال رسولان علیهم صلوات الله اجمعین، به سوی بندگان از جانب خدای متعال، تحقق است و داناتر بودن آنان به فرمان الهی است.

- (۱) تعقل - معلول بودن برتری معرفت
 (۲) ایمان - معلول برتری معرفت
 (۳) تعقل - علت استواری ایمان
 (۴) ایمان - علت استواری ایمان

■ **پاسخ گزینه «۱» صحیح است.** امام کاظم (ع) فرمود: «خداوند رسولانش را به سوی بندگان فرستاد، جز برای آن که این بندگان در پیام الهی تعقل کنند... آنان که در تفکر و تعقل برترند (علت)، نسبت به فرمان‌های الهی داناترند (معلول).»

۸۸- نیاز ارتباط دقیقی با سایر نیازهای برتر دارد و وجود پاسخ‌های ناهمگون به اصیل‌ترین نیاز بشر، نشانه می‌باشد.

- (۱) کشف راه درست زندگی - آزادی و اختیار انسان در انتخاب راه و حرکت در راستای آن
 (۲) کشف راه درست زندگی - ناتوانی انسان از به دست آوردن پاسخ درست و کامل به نیازها
 (۳) درک آینده خویش - ناتوانی انسان از به دست آوردن پاسخ درست و کامل به نیازها
 (۴) درک آینده خویش - آزادی و اختیار انسان در انتخاب راه و حرکت در راستای آن

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** نیاز کشف راه درست زندگی ارتباط دقیقی با سایر نیازهای برتر دارد. وجود پاسخ‌های ناهمگون به اصیل‌ترین نیاز بشر، یعنی وجود پاسخ‌های مخالف هم و غیر یکسان به اصیل‌ترین نیاز یعنی کشف راه درست زندگی نشانه این است که انسان نمی‌تواند به تنهایی پاسخ کامل و درست به آن بدهد و نیازمند به وحی الهی است؛ به عبارت دیگر، نشانه ناتوانی انسان از به دست آوردن پاسخ درست و کامل به نیازهای برتر خود است.

۸۹- از دقت در پیام کدام آیه «مسدود بودن راه بهانه گیری انسان‌های دور افتاده از راه هدایت» مفهوم می‌گردد؟

- (۱) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ
 (۲) رُسُلًا مَّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ
 (۳) إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّصُوا بِالحَقِّ وَ تَوَّصُوا بالصَّبْرِ
 (۴) إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** مسدود بودن راه بهانه گیری انسان‌های دور افتاده از راه هدایت؛ یعنی نبودن بهانه و دستاویزی برای انسان‌هایی که هدایت الهی را نپذیرفته‌اند. این مفهوم از آیه: «رُسُلًا مَّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ، رسولانی را فرستاد که بشارت و انذار دهند تا برای مردم نباشد در مقابل خداوند، بهانه و دستاویزی بعد از آمدن پیامبران» برداشت می‌شود.

۹۰- خداوند در وجود انسان چه ویژگی‌هایی قرار داده که سبب تمایز بنیادین او با سایر موجودات شده و این ویژگی‌ها با چه چیزی تناسب دارد؟

- (۱) حجت ظاهری و حجت باطنی - هدف خلقت انسان یعنی تقرب به خداوند
 (۲) قوه عقل و قدرت انتخاب - نظام هدف مند خلقت یعنی راه درست زندگی
 (۳) حجت ظاهری و حجت باطنی - نظام هدف مند خلقت یعنی راه درست زندگی
 (۴) قوه عقل و قدرت انتخاب - هدف خلقت انسان یعنی تقرب به خداوند

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** خداوند در وجود انسان دو ویژگی قرار داده است که سبب تمایز بنیادین او با سایر موجودات شده: ۱- توانایی تفکر و تعقل، ۲- قدرت اختیار و انتخاب. ویژگی‌های انسان، متناسب با هدف خلقت انسان یعنی تقرب به خداوند است.

۹۱- هدف نهایی خلقت انسان که تقریب به خداوند است، دست مایهٔ هماهنگی دو حجت آشکار و نهان است که به

ترتیب و می‌باشند که آن وسیلهٔ فهم پیام الهی است.

(۱) انبیا و ائمه - عقل - نخستین

(۲) انبیا و ائمه - عقل - دومین

(۳) عقل - انبیا و ائمه - دومین

(۴) عقل - انبیا و ائمه - نخستین

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است. حجت آشکار: انبیا و ائمه / حجت نهان: عقل / عقل یعنی دومین حجت

موردنظر در صورت سؤال، وسیلهٔ فهم پیام الهی است.

۹۲- با توجه به آیهٔ شریفهٔ «رَسُولًا مَبْشُرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ...» کدام مفهوم مستفاد می‌گردد؟

(۱) ضرورت پذیرش ولایت الهی در جامعه با هدایت تشریحی (۲) ضرورت هدایت انسان‌ها با هدایت تشریحی برای اتمام حجت

(۳) ضرورت پذیرش ولایت الهی در جامعه با هدایت عمومی (۴) ضرورت هدایت انسان‌ها با هدایت عمومی برای اتمام حجت

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است. از آن جا که آیه: «رَسُولًا مَبْشُرِينَ وَمُنذِرِينَ» به ارسال پیامبر اشاره دارد، بیانگر

هدایت تشریحی است. لذا یا گزینه (۱) صحیح است یا گزینه (۲). هم چنین از عبارت «لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ

بَعْدَ الرُّسُلِ»، تا برای مردم بعد از آمدن پیامبران بهانه و دستاویزی نباشد. مفهوم ضرورت هدایت انسان‌ها با هدایت

تشریحی برای اتمام حجت مستفاد می‌گردد. لذا گزینه (۲) پاسخ صحیح است.

۹۳- با توجه به آیهٔ شریفهٔ «رَسُولًا مَبْشُرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا

حَكِيمًا» خدای متعال، پیامبران را با دو ویژگی تبشیر و انذار به دلیل مبعوث فرمود.

(۱) هدف دار بودن آفرینش انسان و اتمام حجت بر او

(۲) اتمام حجت بر انسان و صاحب عزت و حکمت بودن خداوند

(۳) مختار بودن انسان و شایستگی او به رسالت و حکیمانه بودن رسالت

(۴) مختار بودن انسان و اتمام حجت بر او و حکیمانه بودن رسالت

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است. ابتدا به ترجمهٔ مقطع آیه توجه کنید:

ارسال پیامبران با دو ویژگی تبشیر و انذار	رُسُلًا مَبْشُرِينَ وَمُنذِرِينَ
اتمام حجت بر انسان	لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ
صاحب عزت و حکمت بودن خداوند	وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

خدای متعال، پیامبران را با دو ویژگی تبشیر و انذار به دو دلیل مبعوث فرمود: ۱- اتمام حجت بر

انسان (لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ)، ۲- صاحب عزت و حکمت بودن خداوند (کان الله عزیزاً حکیماً).

۹۴- از دقت در آیهٔ شریفهٔ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» مفهوم می‌گردد که ...

(۱) دین، زندگی بخش و مایهٔ حیات انسان است.

(۲) مخاطب دعوت خدا و رسول، فطرت الهی انسان است.

(۳) مخاطب دعوت خدا و رسول، زندگاند و نه مردگان.

(۴) دین، مظاهر حیات را ارج می‌نهد و به آن تشویق می‌کند.

■ پاسخ گزینه «۱» صحیح است. این آیه می‌فرماید: «ای مؤمنان، دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید آن گاه که شما

را به چیزی فرا می‌خواند که زندگی و حیاتتان می‌بخشد.» با توجه به معنای آیه، آن چیزی که پیامبر، انسان‌ها را به آن فرا

می‌خواند، دین است که به انسان، زندگی و حیات می‌بخشد. ← «دین، زندگی بخش و مایهٔ حیات انسان است.»

۹۵- چه چیزی موجب باقی ماندن تعالیم پیامبران در میان مردم و ماندگاری پیام الهی گردید؟

(۱) رشد تدریجی سطح فکر جوامع و اقوام مختلف بشری

(۲) استمرار در دعوت پیامبران و ترویج پیوستهٔ دین الهی

(۳) درک صحیح مردم از پیام الهی و سخن گفتن در حد توان آنان

(۴) ابتدایی بودن سطح فرهنگ و زندگی اجتماعی و عدم توسعهٔ ارتباطات

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** بیرامون «لزوم استمرار در دعوت و ترویج پیوسته آن» از علل آمدن پیامبران متعدد آمده: تداوم پیامبران در تبلیغ دین الهی، سبب شد که تعالیم الهی در میان مردم بماند و کسانی نتوانند به سادگی آن را از میان جامعه بشری بیرون کنند. پس استمرار در دعوت پیامبران و ترویج پیوسته دین الهی، موجب باقی ماندن تعالیم پیامبران در میان مردم و ماندگاری پیام الهی گردید.

۹۶- با توجه به عبارت شریفه **إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمْرُنَا أَنْ نَكَلِمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ** علت آمدن پیامبران متعدد چیست و منشأ اختلاف و چند دینی کدام است؟

۱) لزوم استمرار در دعوت و ترویج پیوسته آن - دسته‌ای از رهبران دینی بودند که در مقابل دعوت پیامبر جدید مقاومت می‌کردند.
۲) لزوم استمرار در دعوت و ترویج پیوسته آن - سطح فرهنگ و زندگی اجتماعی مردم و از بین رفتن تعلیمات پیامبران قبل
۳) رشد تدریجی سطح فکر جوامع و اقوام - سطح فرهنگ و زندگی اجتماعی مردم و از بین رفتن تعلیمات پیامبران قبل
۴) رشد تدریجی سطح فکر جوامع و اقوام - دسته‌ای از رهبران دینی بودند که در مقابل دعوت پیامبر جدید مقاومت می‌کردند.

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** حدیث: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمْرُنَا أَنْ نَكَلِمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ» بیانگر «رشد تدریجی سطح فکر جوامع و اقوام» از علل آمدن پیامبران متعدد است.

بر طبق آیه «قطعاً دین نزد خداوند، اسلام است.» منشأ اختلاف و چنددینی نیز، آن دسته از رهبران دینی بوده‌اند که در مقابل دعوت پیامبر جدید مقاومت کردند و پیامبری او را انکار کردند.

۹۷- آیه شریفه **قَطْعاً دِينَ نَزَدَ خُدَاوَنَد، اِسْلَامَ اِسْتِ و اِهْلَ كِتَابٍ دَر اَن رَاه مَخَالَفَت نَبِيْمُوْدَنَد ...** ، کدام ویژگی تفرقه افکنان را مورد انتقاد قرار داده است؟

۱) بی توجهی آنان به لزوم دستیابی به کتاب‌های آسمانی و هدایت انسان
۲) نداشتن علم و آگاهی و بی توجهی به لزوم علم آموزی و دریافت هدایت
۳) آگاهی آنان از حقیقت و ستم و سرکشی با وجود درک واقعیت
۴) ایجاد اختلاف و شبهات بر مبنای تفکر و تعقل در کتاب‌های الهی

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** آیه «قطعاً دین نزد خداوند، اسلام است...» می‌گوید: کسانی سبب تفرقه در دین یا چنددینی شدند که از حقیقت آگاه بودند، اما به دلیل رشک و حسد دست به این کار زدند. در نتیجه این آیه آگاهی از حقیقت و ستم و سرکشی با وجود درک واقعیت را مورد انتقاد قرار داده است.

۹۸- ادامه نقش‌ها و مسئولیت‌های پیامبر به جز دریافت وحی به عهده امام معصوم منصوب است که پاسخ گوی انسان، در هر زمان باشد.

۱) از سوی خدا- گشوده بودن باب اجتهاد و استنباط احکام توسط فقیهان و مجتهدان
۲) از سوی خدا- مجموعه معارف و احکام موجود در قرآن و سیره و سنت پیشوایان معصوم
۳) با انتخاب پیامبر (ص)- گشوده بودن باب اجتهاد و استنباط احکام توسط فقیهان و مجتهدان
۴) با انتخاب پیامبر (ص)- مجموعه معارف و احکام موجود در قرآن و سیره و سنت پیشوایان معصوم

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** تعیین امامان معصوم (ع) از طرف خداوند سبب آن شد که نقش‌ها و مسئولیت‌های پیامبر، به جز دریافت وحی ادامه یابد. یکی از علل ختم نبوت، پیش بینی راه‌های پاسخ‌گویی به نیازهای زمانه است. مجموعه معارف و احکام موجود در قرآن، سیره و سنت پیشوایان دین، به گونه‌ای از جانب خداوند طراحی شده که با مراجعه به آن‌ها می‌توان پاسخ به سؤال‌ها و نیازهای جوامع را در همه دوره‌ها به دست آورد.

تحریف، معلول بود که مهر را بر آن قرار داد.

(۱) ختم نبوت - عنایت الهی - جاودانگی

(۲) رشد عقلی - عنایت الهی - جاودانگی

(۳) ختم نبوت - اهتمام پیامبر (ص) - الهی بودن

(۴) رشد عقلی - اهتمام پیامبر (ص) - الهی بودن

■ **پاسخ گزینه «۱» صحیح است.** آمادگی جامعه بشری برای دریافت برنامه کامل زندگی، علت و زمینه ساز ختم نبوت است. در پرتو عنایت الهی و با اهتمامی که پیامبر اکرم (ص) در جمع آوری و حفظ قرآن داشت، این کتاب دچار تحریف نشد. در نتیجه قسمت دوم همه گزینه‌ها صحیح است. به همین جهت این کتاب نیازی به «تکمیل» و «تصحیح» ندارد و جاودانه باقی خواهد ماند. پس صیانت (حفظ) قرآن از تحریف، مهر جاودانگی را بر آن قرار داد.

۱۰۰- آمدن پیامبران متعدد برای این بوده است که و عبارت شریفه این موضوع را بیان می‌دارد.

(۱) حکمت خداوند اقتضا می‌کند برای هدایت بشر پیامبرانی برگزیده شوند- «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ»

(۲) پیامبران دین الهی را درخور فهم و اندیشه‌های دوران خود بیان کنند- «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ»

(۳) حکمت خداوند اقتضا می‌کند برای هدایت بشر پیامبرانی برگزیده شوند- «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمْرًا أَنْ نَكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ»

(۴) پیامبران دین الهی را درخور فهم و اندیشه‌های دوران خود بیان کنند- «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمْرًا أَنْ نَكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ»

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** علل فرستادن پیامبران متعدد از طرف خداوند برای بندگان

عبارتند از: ۱- استمرار و پیوستگی در دعوت؛ ۲- رشد تدریجی سطح فکر مردم و ۳- تحریف تعلیمات پیامبران گذشته. اما تنها در گزینه‌های (۲) و (۴) به رشد تدریجی سطح فکر مردم و بیان مفاهیم الهی درخور فهم و اندیشه درمان آن زمان اشاره شده است. این موضوع در کلام پیامبر اکرم (ص) نمود پیدا می‌کند. آن گاه که فرمود: «إِنَّا معاشر ... «ما پیامبران مأمور شده‌ایم که با مردم به اندازه عقلشان سخن بگوییم». بنابراین گزینه (۴) صحیح است.

۱۰۱- طبق حدیث شریف «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمْرًا أَنْ نَكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ»، موضوع از علل نبوت است.

(۱) رشد تدریجی سطح فکر جوامع و اقوام- تجدید

(۲) رشد تدریجی سطح فکر جوامع و اقوام- ختم

(۳) پیش بینی راه‌های پاسخ گویی به نیازهای زمانه- تجدید (۴) پیش بینی راه‌های پاسخ گویی به نیازهای زمانه- ختم

■ **پاسخ گزینه «۱» صحیح است.** حدیث: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمْرًا أَنْ نَكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ» بیانگر موضوع

«رشد تدریجی سطح فکر جوامع و اقوام» از علل تجدید نبوت (آمدن پیامبران متعدد) است.

۱۰۲- کدام مورد بیانگر جنبه‌های اعجاز لفظی قرآن کریم است؟

(۱) عدم وجود تعارض و ناسازگاری و هماهنگی وصف ناپذیر الفاظ قرآن

(۲) رسایی در معنا با وجود ایجاز و اختصار و فصاحت و بلاغت این کتاب

(۳) توجه به استفاده از الفاظ هماهنگ با فرهنگ مردم حجاز و تأثیرپذیری از آن

(۴) ارائه برنامه‌ای جامع و همه جانبه جهت هدایت انسان

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** رسایی در معنا با وجود ایجاز و اختصار و فصاحت و بلاغت این کتاب، از

جنبه‌های اعجاز لفظی قرآن کریم است.

۱۰۳- پیامبر گرامی (ص) مطابق رسم زمانه نزد کسی درس نخواند، در عین حال از همان ابتدای بعثت آیاتی را بر

مردم خواند که برترین معارف را دربرداشت. قرآن کریم در این باره چه می‌فرماید؟

(۱) ﴿قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَيَانِ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِمَعْضٍ ظَهِيرًا﴾

(۲) ﴿وَ مَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَ لَا تَخْطُهُ بِيَمِينِكَ إِذَا لَأَرْتَابَ الْمُبِطْلُونَ﴾

(۳) ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾

(۴) ﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ﴾

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است. جمالات مطرح در صورت سؤال بر «امی بودن پیامبر (ص)»، تأکید می‌کند.

— آیه: «و ما کُنتَ تَتْلُو مِن قَبْلِهِ مِن كِتَابٍ وَ لَا تَخْطُطُ بِیَمِینِكَ إِذْ أَلْرَتَابَ الْمُطْبُولُونَ» پاسخ صحیح است.

۱۰۴- با توجه به پیام آیه شریفه..... جای آن بود که کج اندیشان درباره الهی بودن قرآن دچار شک شوند.

۱) أَفَلَا یَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانِ مِنْ عِنْدِ غَیْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِیهِ اخْتِلَافًا كَثِیرًا

۲) وَ مَا كُنْتَ تَتْلُو مِن قَبْلِهِ مِن كِتَابٍ وَ لَا تَخْطُطُ بِیَمِینِكَ...

۳) أَمْ یَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَاتُوا بِسُورِهِ مِثْلِهِ

۴) وَ السَّمَاءُ بَیْنَاهَا بِأَیْدٍ وَ إِنَّا لَمُوسِعُونَ

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است. در صورتی که پیامبر (ص) خواندن و نوشتن می‌دانست و امی نبود، جای آن بود

که کج اندیشان درباره الهی بودن قرآن دچار شک شوند. آیه‌ای که به «امی بودن» پیامبر (ص) اشاره دارد، آیه: «و ما

كُنْتَ تَتْلُو مِن قَبْلِهِ مِن كِتَابٍ وَ لَا تَخْطُطُ بِیَمِینِكَ إِذْ أَلْرَتَابَ الْمُطْبُولُونَ، و پیش از آن هیچ نوشته‌ای نمی‌خواندی و با

دست خود آن را نمی‌نوشتی که در آن صورت کج روان به شک می‌افتادند» است.

۱۰۵- «امی بودن پیامبر» که یک عامل تأثیرگذار مثبت در حقایق دعوت و بی اثرکننده تردید شگاکان نبوت آن

بزرگوار بود، از دقت در کدام آیه استنباط می‌شود؟

۱) أَفَلَا یَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانِ مِنْ عِنْدِ غَیْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِیهِ اخْتِلَافًا كَثِیرًا

۲) قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلَیْهِ أَنْ یَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا یَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانِ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیرًا

۳) أَمْ یَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَاتُوا بِسُورِهِ مِثْلِهِ

۴) وَ مَا كُنْتَ تَتْلُو مِن قَبْلِهِ مِن كِتَابٍ وَ لَا تَخْطُطُ بِیَمِینِكَ إِذْ أَلْرَتَابَ الْمُطْبُولُونَ

■ پاسخ گزینه «۴» صحیح است. امی بودن پیامبر (ص) از آیه: «و ما کُنتَ تَتْلُو مِن قَبْلِهِ مِن كِتَابٍ وَ لَا تَخْطُطُ

بِیَمِینِكَ إِذْ أَلْرَتَابَ الْمُطْبُولُونَ» استنباط می‌شود.

مفهوم اصلی این سؤال، «امی بودن پیامبر» است؛ اما با توجه به این که صورت سؤال کمی نامفهوم است و از کلمات

نامأنوس استفاده شده، مفهوم صورت سؤال را توضیح می‌دهیم: امی بودن پیامبر که یک عامل اثرگذار مثبت در اثبات

حق بودن دعوت پیامبر (ص) است و شک و تردید شگاکان به نبوت و پیامبری حضرت محمد (ص) را از بین می‌برد، از

دقت در کدام آیه استنباط می‌شود؟

۱۰۶- کدام آیه شریفه بیانگر کاری است که مدعی غیرخدایی بودن قرآن کریم، برای اثبات ادعای خود باید انجام دهد؟

۱) أَفَلَا یَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانِ مِنْ عِنْدِ غَیْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِیهِ اخْتِلَافًا كَثِیرًا

۲) وَ مَا كُنْتَ تَتْلُو مِن قَبْلِهِ مِن كِتَابٍ وَ لَا تَخْطُطُ بِیَمِینِكَ إِذْ أَلْرَتَابَ الْمُطْبُولُونَ

۳) وَ السَّمَاءُ بَیْنَاهَا بِأَیْدٍ وَ إِنَّا لَمُوسِعُونَ

۴) أَمْ یَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَاتُوا بِسُورِهِ مِثْلِهِ

■ پاسخ گزینه «۴» صحیح است. کسی که مدعی غیرخدایی بودن قرآن کریم است، باید برای اثبات ادعای خود،

یک سوره مانند قرآن بیاورد: «أَمْ یَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَاتُوا بِسُورِهِ مِثْلِهِ، می‌گویند [پیامبر قرآن را] به خداوند افترا بسته

است. بگو: اگر می‌توانید یک سوره همانند آن را بیاورید.»

۱۰۷- با توجه به این که «قرآن معتقد به برابری حقوق انسان‌هاست» و «اگر قرآن از نزد غیر خدا می‌بود، در آن

ناسازگاری بسیاری می‌یافتند»، به ترتیب، بیانگر کدام جمله از نشانه‌های محتوایی و معنایی است؟

۱) جامعیت و همه جانبه بودن- جامعیت و همه جانبه بودن

۲) تبعیت نکردن از عقاید دوران جاهلیت- جامعیت و همه جانبه بودن

۳) جامعیت و همه جانبه بودن- انسجام درونی در عین نزول تدریجی

۴) تبعیت نکردن از عقاید دوران جاهلیت- انسجام درونی در عین نزول تدریجی

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** این که «قرآن معتقد به برابری حقوق انسان‌هاست»، نشان دهنده این موضوع

است که قرآن کریم در برابر عقاید دوران جاهلیت ایستاد و از این عقاید تبعیت نکرد.

جمله: «اگر (قرآن) از نزد غیر خدا می‌بود، در آن ناسازگاری بسیار می‌یافتند»، ترجمه آیه: «وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَوُجِدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» است. لذا بیانگر انسجام درونی، در عین نزول تدریجی قرآن است.

۱۰۸- اگر روزه دار چیزی را که لای دندان مانده، عمداً فرو ببرد، روزه‌اش چه حکمی دارد و وظیفه او چیست؟

۱) باطل نمی‌شود- امساک کند و نیازی به قضای روزه نیست ۲) باطل می‌شود- قضای آن را به جا آورد و کفاره هم بدهد.

۳) باطل می‌شود- فقط قضای آن را به جا آورد. ۴) باطل نمی‌شود- یک مد طعام به فقیر بدهد.

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** اگر روزه دار چیزی را که لای دندان مانده، عمداً فرو ببرد، روزه‌اش باطل

می‌شود و چون این عمل او عمدی بوده، علاوه بر این که باید قضای آن را به جا آورد، باید کفاره هم بدهد.

۱۰۹- اگر فرزند با نهی پدر و مادر به سفری برود که آن سفر بر او واجب نبوده، نماز و روزه‌اش چه حکمی دارد؟

۱) باید نماز را تمام بخواند و روزه را نگیرد. ۲) باید نماز را شکسته بخواند و روزه‌اش را بگیرد.

۳) باید نماز را شکسته بخواند و روزه را نگیرد. ۴) باید نماز را تمام بخواند و روزه‌اش را بگیرد.

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** اگر فرزند با نهی پدر و مادر به سفری برود که آن سفر بر او واجب نبوده، باید

نماز را تمام بخواند و روزه‌اش را بگیرد.

۱۱۰- در چه صورتی سفر موجب منع روزه نمی‌شود و فرد باید در سفر روزه بگیرد؟

۱) با نهی پدر و مادر به سفری که بر او واجب نبوده، نرفته باشد.

۲) تصمیم داشته باشد کمتر از ده روز در جایی که سفر کرده، توقف نماید.

۳) برای انجام کار حرامی، مانند ستم به مظلوم یا همکاری با ظالم، سفر نکرده باشد.

۴) رفتن او کمتر از چهار فرسخ شرعی و مجموع رفت و برگشت آن بیش از هشت فرسخ شرعی باشد.

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** کسی که به سفر می‌رود، اگر این شروط را نداشته باشد، مسافر

محسوب نمی‌شود و در نتیجه باید روزه بگیرد: ۱- رفتن او کمتر از چهار فرسخ شرعی و مجموع رفت و

برگشت او کمتر از هشت فرسخ باشد. بنابراین کسی که رفتن او کمتر از چهار فرسخ شرعی بوده، با وجود آن که

مجموع رفت و برگشت او بیش از هشت فرسخ باشد، مسافر محسوب نمی‌شود و باید روزه بگیرد.

۱۱۱- اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش برسد، یا به جایی برسد که می‌خواهد ده روز در آن جا بماند، چنان چه کاری

که روزه را باطل می‌کند انجام نداده و یا انجام داده، به ترتیب مشمول کدام حکم فقهی است؟

۱) بهتر است آن روز را روزه بگیرد- قضا و کفاره آن روز بر او واجب است.

۲) بهتر است آن روز را روزه بگیرد- قضای روزه آن روز بر او واجب است.

۳) باید آن روز را روزه بگیرد- قضا و کفاره آن روز بر او واجب است.

۴) باید آن روز را روزه بگیرد- قضای روزه آن روز بر او واجب است.

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش برسد یا به جایی برسد که می‌خواهد ده روز

در آن جا بماند، چنان چه کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام نداده: باید آن روز را روزه بگیرد.

اگر کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام داده: فقط قضای روزه آن روز بر او واجب است.

۱۱۲- اگر کسی که روزه گرفته، پیش از ظهر مسافرت کند و بخواد به بیش از چهار فرسخ برود، وظیفه‌اش چیست؟

۱) اگر شب نیت سفر کرده احتیاطاً مستحب آن است که روزه نگیرد.

۲) وقتی به حد ۴ فرسخ برسد، باید روزه خود را باطل کند.

۳) تا وقتی به حد ۴ فرسخ نرسیده، مکروه است روزه خود را باطل کند.

۴) اگر شب نیت سفر کرده باشد، می‌تواند قبل از سفر روزه را بخورد.

■ **پاسخ گزینه «۲»** صحیح است. اگر کسی که روزه گرفته، پیش از ظهر مسافرت کند و بخواهد به بیش از چهار فرسخ برود، وقتی به حد ترخص (۴ فرسخ) برسد، باید روزه خود را باطل کند.

۱۱۳- با توجه به آیه شریفه **وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ** و... نتایج برپاداشتن نماز به ترتیب و است که آن با مهم‌ترین ثمره روزه ارتباط دارد.

(۱) دوری از فحشا و منکر- یاد خدا- دومین

(۲) یاد خدا- دوری از فحشا و منکر- دومین

(۳) یاد خدا- دوری از فحشا و منکر- نخستین

(۴) دوری از فحشا و منکر- یاد خدا- نخستین

■ **پاسخ گزینه «۴»** صحیح است. نتایج برپا داشتن نماز به ترتیب عبارت‌اند از: ۱. دوری از فحشا و منکر (إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ)؛ ۲. یاد خدا (و لَذِكْرِ اللَّهِ اَكْبَرُ) نخستین نتیجه؛ یعنی دوری از فحشا و منکر که همان پاکی و تقواست، با مهم‌ترین ثمره روزه که تقوا می‌باشد، ارتباط دارد.

۱۱۴- وجوب «کفاره» در حالتی است که فرد و مقدار آن عبارت است از

(۱) به علت عذری نتواند روزه بگیرد و تا رمضان آینده عمداً قضای آن را نگیرد- برای هر روز دو ماه روزه یا طعام دادن به شصت فقیر

(۲) به علت عذری نتواند روزه بگیرد و تا رمضان آینده عمداً قضای آن را نگیرد- قضای آن روزه و یک مد گندم یا جو و مانند آن‌ها به فقیر دادن

(۳) عمداً روزه ماه رمضان را نگیرد- برای هر روز دو ماه روزه یا طعام دادن به شصت فقیر

(۴) عمداً روزه ماه رمضان را نگیرد- قضای آن روزه و یک مد گندم یا جو و مانند آن‌ها به فقیر دادن

■ **پاسخ گزینه «۳»** صحیح است. وجوب «کفاره» در حالتی است که: فرد عمداً روزه ماه رمضان را نگیرد. مقدار آن عبارت است از: برای هر روز دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد.

۱۱۵- اگر روزه دار و چیزی بخورد و بیاشامد، به ترتیب روزه‌اش باطل و صحیح است و عمل مبین یکی از باطل کننده‌های روزه است.

(۱) عمداً- سهواً- دروغ بستن بر جانشینان پیامبر (ص)

(۲) سهواً- عمداً- فرو بردن بدن و قسمتی از سر در آب

(۳) عمداً- سهواً- فرو بردن بدن و قسمتی از سر در آب

(۴) سهواً- عمداً- دروغ بستن بر جانشینان پیامبر (ص)

■ **پاسخ گزینه «۱»** صحیح است. اگر روزه دار، عمداً چیزی بخورد و بیاشامد، روزه‌اش باطل می‌شود. اگر سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش صحیح است.

■ **باطل کننده‌های روزه عبارت‌اند از:** ۱. خوردن و آشامیدن، ۲. دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان ایشان، ۳. رساندن غبار غلیظ به حلق، ۴. فرو بردن تمام سر در آب، ۵. باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح

۱۱۶- حکم روزه کسی که غسل بر او واجب است، چیست؟

(۱) اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه‌اش تیمم است، عمداً تیمم ننماید، می‌تواند روزه بگیرد.

(۲) اگر سهل انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، نمی‌تواند روزه بگیرد و در مورد غسل نکردن هم معصیت کرده است.

(۳) اگر سهل انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، می‌تواند روزه بگیرد و در مورد غسل نکردن هم معصیت کرده است.

(۴) اگر سهل انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، نمی‌تواند روزه بگیرد و در مورد غسل نکردن، معصیت نکرده است.

■ **پاسخ گزینه «۳»** صحیح است. کسی که غسل بر او واجب است، اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه‌اش تیمم است، عمداً تیمم ننماید، نمی‌تواند روزه بگیرد (نادرستی گزینه ۱). اگر سهل انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، می‌تواند با تیمم روزه بگیرد (نادرستی گزینه‌های ۲) و (۴). اما در مورد غسل نکردن

معصیت کرده است (نادرستی گزینه ۴).

۱۱۷- با توجه به آیه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» و این که «قرآن درباره زندگی مادی و دنیوی انسان و مسئولیت‌های اجتماعی وی» سخن گفته به ترتیب بیانگر کدام جنبه از نشانه‌های اعجاز محتوایی قرآن است؟

(۱) تأثیرناپذیری- جامعیت و همه جانبه بودن

(۲) تأثیرناپذیری- ذکر نکات علمی

(۳) انسجام درونی، در عین نزول تدریجی- جامعیت و همه جانبه بودن

(۴) انسجام درونی، در عین نزول تدریجی- ذکر نکات علمی

■ **پاسخ گزینه ۳» صحیح است.** آیه: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»: انسجام درونی، در عین نزول تدریجی. قرآن درباره زندگی مادی و دنیوی انسان و مسئولیت‌های اجتماعی انسان سخن گفته و این بیانگر جامعیت و همه جانبه بودن قرآن کریم است.

۱۱۸- تأثیرناپذیری قرآن کریم از آداب و فرهنگ حاکم بر جامعه و مبارزه سرسخت و جدی با آداب جاهلی و موفق

شدن در این مبارزه و آیه « وَ السَّمَاءُ بَنِينَاهَا بَآيِدٍ وَ إِنَّا لَمُوسِعُونَ» به ترتیب کدام جنبه از اعجاز را بیان می‌کنند؟

(۱) لفظی- لفظی (۲) محتوایی- محتوایی (۳) لفظی- محتوایی (۴) محتوایی- لفظی

■ **پاسخ گزینه ۲» صحیح است.** تأثیرناپذیری قرآن کریم از آداب و فرهنگ حاکم بر جامعه و مبارزه سرسخت و جدی با آداب جاهلی، حاکی از «تأثیرناپذیری از عقاید دوران جاهلیت» است و بنابراین، بیانگر جنبه اعجاز محتوایی قرآن کریم است. آیه: « وَ السَّمَاءُ بَنِينَاهَا بَآيِدٍ وَ إِنَّا لَمُوسِعُونَ» و آسمان را با قدرت خود برافراشتیم و همواره آن را وسعت می‌بخشیم. بیانگر انبساط عالم از لحظه انفجار بزرگ تا به حال است که همواره در حال وسیع شدن ساختار فضا در عالم است و این بیانگر قسمتی از نکات علمی است که در قرآن آمده و بیانگر اعجاز محتوایی قرآن می‌باشد.

۱۱۹- خداوند متعال برای اقامه قسط و عدل چه امکاناتی در اختیار مردم قرار داده است؟

(۱) «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ» (۲) «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ»

(۳) «يٰۤرِعْمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَ مَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ» (۴) «وَ مَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ»

■ **پاسخ گزینه ۱» صحیح است.** با توجه به آیه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»، خداوند متعال برای اقامه قسط و عدل، دو چیز در اختیار مردم قرار داده است: ۱- ارسال پیامبران با دلایل روشن ۲- انزال کتاب و میزان

۱۲۰- دستور قرآنی «اجتنبوا الطاغوت» چه مفهومی دارد؟

(۱) لازمه توحید در ولایت دوری کردن از طاغوت و قیام علیه تصرف آن است.

(۲) اطاعت از هر شخص دیگری اگر بر مبنای اطاعت از خداوند نباشد، نابه جا و غلط است.

(۳) مؤمنان باید بر مبنای توبه اجتماعی از طاغوت دوری کنند و به سوی حکومت اسلام بازگردند.

(۴) با دستورات هر حکومت طاغوتی باید مخالفت کرد و در مقابل آن مانند قیام سیدالشهدا (ع) به پا خاست.

■ **پاسخ گزینه ۲» صحیح است.** گزینه‌ای که مفهوم «دوری از طاغوت» را دارد، گزینه (۲) است: اطاعت از هر شخص دیگری اگر بر مبنای اطاعت از خداوند نباشد، نابه جا و غلط است.

۱۲۱- «مقام الگویی پیامبران»، «جلب اعتماد دیگران به دین» و «فراهم کردن زمینه‌های هدایت مردم» (به ترتیب)، مربوط به برخورداری از عصمت در مقام و می‌باشد.

(۱) دریافت و ابلاغ وحی- عمل به فرمان الهی- تعلیم و تبیین دین

(۲) عمل به فرمان الهی- دریافت و ابلاغ وحی- تعلیم و تبیین دین

(۳) دریافت و ابلاغ وحی- تعلیم و تبیین دین- عمل به فرمان الهی

(۴) عمل به فرمان الهی- تعلیم و تبیین دین- دریافت و ابلاغ وحی

پاسخ گزینه «۴» صحیح است. (سرمشق قرار گرفتن) پیامبران: عمل به فرمان الهی.

جلب اعتماد دیگران به دین: تعلیم و تبیین دین.

فراهم کردن زمینه‌های هدایت مردم: دریافت و ابلاغ وحی.

۱۲۲- با توجه به آیات قرآن، کسانی که داوری را نزد طاغوت می‌برند، در حالی که باید به او کافر شوند، چه خصوصیتی دارند؟

(۱) « وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ »

(۲) « إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ »

(۳) « يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَ مَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ » (۴) « لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ »

■ پاسخ گزینه «۳» صحیح است. با توجه به آیه ۶۰ سوره نساء داریم:

«الم تر إلى الذين يزعمون أنهم آمنوا بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك»: کسانی که گمان و ادعا می‌کنند که به وحی الهی ایمان دارند. «یریدون أن یتحاکموا إلى الطاغوت و قد أمروا أن یکفروا به»: داوری را نزد طاغوت می‌برند، در حالی که باید به او کافر شوند.

۱۲۳- «عصمت پیامبران در اجرای فرمان‌های الهی»، «عصمت پیامبران در مقام تعلیم و تبیین دین» و «عصمت آنان در دریافت و ابلاغ وحی»، به ترتیب کدام پیامدها را به دنبال دارد؟

(۱) مقام الگویی - جلب اعتماد - امکان هدایت

(۲) جلب اعتماد - مقام الگویی - امکان هدایت

(۳) امکان هدایت - جلب اعتماد - مقام الگویی

■ پاسخ گزینه «۱» صحیح است. عصمت پیامبران در اجرای فرمان‌های الهی: مقام الگویی

■ عصمت پیامبران در مقام تعلیم و تبیین دین: جلب اعتماد.

■ عصمت پیامبران در دریافت و ابلاغ وحی: امکان هدایت.

۱۲۴- از دقت در این کلام مولای متقیان، علی علیه السلام که می‌فرماید: «روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هزار باب از علم به رویم گشود که از هر کدام، هزار باب گشوده می‌شد»، به ولایت اشاره دارد و تعلیم آن به صورت است.

(۱) معنوی - بروز لیاقت - متعلم و متعلم

(۲) ظاهری - الهام بر روح و جان متعلم

(۳) معنوی - الهام بر روح و جان متعلم

(۴) ظاهری - بروز لیاقت متعلم و متعلم

■ پاسخ گزینه «۳» صحیح است. سخن امام علی (ع) بیانگر ولایت معنوی است.

ولایت معنوی از طریق امداد غیبی و الهام بر روح و جان متعلم (یادگیرنده علم الهی) صورت می‌پذیرد.

۱۲۵- اگر بگوییم: «استوار ساختن بنیان جامعه بر پایه دادگری، وظيفه مسلمانان، که پذیرندگان اصل دعوت انبیاء در راستای تاریخ بوده‌اند، می‌باشد»، پیام کدام آیه را ترسیم کرده‌ایم؟

(۱) « وَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَ لَا تَخْطُهُ بِيَمِينِكَ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ »

(۲) «الم تر إلى الذين يزعمون أنهم آمنوا بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك یریدون أن یتحاکموا إلى الطاغوت و قد أمروا أن یکفروا به و یرید الشيطان أن یضلهم ضلالاً بعيداً »

(۳) « لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ »

(۴) « اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ »

■ پاسخ گزینه «۳» صحیح است. عبارت: « لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ » به دعوت انبیاء، در طول تاریخ اشاره نموده و عبارت پس از آن: « لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ » به استوار ساختن بنیان جامعه بر پایه دادگری و عدالت اشاره کرده است.

۱۲۶- تصرف در عالم طبیعت به اذن خداوند، نشانه وصول به مرتبه ولایت و بهره مندی انسان‌ها از هدایت، است.

- (۱) ظاهری - نمونه ولایت معنوی
(۲) معنوی - نمونه ولایت معنوی
(۳) ظاهری - عامل ولایت ظاهری
(۴) معنوی - عامل ولایت ظاهری

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است. تصرف در عالم طبیعت به اذن خداوند، نشانه وصول (رسیدن) به ولایت معنوی است. هدایت معنوی، نمونه ولایت معنوی است.

۱۲۷- وجود چه خصوصیتی موجب می‌شود تا انسان، حتی با ادعای ایمان به خداوند متعال، گرفتار دسیسه‌های گمراه کننده شیطان گردد؟

- (۱) لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ ﴿١﴾
(۲) إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾
(۳) يَرِيدُونَ أَنْ يُتَّحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ ﴿٣﴾
(۴) وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ ﴿٤﴾

■ پاسخ گزینه «۳» صحیح است. وجود خصوصیت «مراجعه به طاغوت در داوری‌ها» (یریدون آن یتحاکموا الی الطاغوت) موجب می‌شود تا انسان، حتی با ادعای ایمان به خداوند متعال (الذین یرغمون انهم آمنوا بما أنزل الیک و ما أنزل من قبلک)، گرفتار دسیسه‌های گمراه کننده شیطان گردد (یرید الشیطان أن یضلهم ضلالاً بعیداً).

۱۲۸- با توجه به حدیث شریف منزلت، تفاوت منزلت هارون (ع) و امام علی (ع) به دلیل کدام ویژگی پیامبر (ص) بود و جمله «من کنت مولاة فهذا علی مولاة» در چه زمانی بیان شده است؟

- (۱) خاتمیت - پس از برگزاری حجه البلاغ
(۲) عصمت - پس از برگزاری حجه البلاغ
(۳) خاتمیت - دعوت خویشان در روز انذار
(۴) عصمت - دعوت خویشان در روز انذار

■ پاسخ گزینه «۱» صحیح است. با توجه به عبارت: «الآن انه لا نبی بعدی، جز این که بعد از من پیامبری نیست»، تفاوت منزلت هارون (ع) برای موسی (ع) و امام علی (ع) برای پیامبر اسلام (ص) به دلیل خاتمیت بود. جمله: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» پس از برگزاری حجه البلاغ یا حجه الوداع بیان شده است.

۱۲۹- درخواست حضرت موسی علیه السلام از خداوند که هارون را مشاور، پشتیبان و شریک او در امر هدایت مردم قرار دهد و عبارت: ﴿أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ﴾ به ترتیب در مستند روایی و مورد تمسک نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، قرار گرفت که جمله سه بار مکرر آن حضرت در مستند است.

- (۱) غدیر - منزلت - نخست - «أَنْتَ مَيِّ بِمَنْزِلِهِ هَارُونُ مِنْ مُوسَى»
(۲) منزلت - غدیر - نخست - «أَنْتَ مَيِّ بِمَنْزِلِهِ هَارُونُ مِنْ مُوسَى»
(۳) غدیر - منزلت - دوم - «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»
(۴) منزلت - غدیر - دوم - «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»

■ پاسخ گزینه «۴» صحیح است. درخواست حضرت موسی (ع) از خداوند که هارون را مشاور، پشتیبان و شریک در امر هدایت قرار دهد، مربوط به حدیث منزلت است.

عبارت: «أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» مربوط به حدیث غدیر است. در واقعه غدیر که مستند دوم است، پیامبر (ص) جمله: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» را سه بار تکرار کرد.

۱۳۰- کدام آیات به ترتیب «م» و «منزل ام سلمه» بر پیامبر گرامی اسلام (ص) نازل شد و کدام حدیث را

پیامبر گرامی (ص) در روزهای آخر عمر خود مکرر می‌فرمودند؟

۱) «یا ایها الرسولُ بَلِّغْ ما أَنْزَلَ إِلَیْكَ مِنَ رَبِّكَ...» - آیه تطهیر - حدیث ثقلین

۲) «یا ایها الرسولُ بَلِّغْ ما أَنْزَلَ إِلَیْكَ مِنَ رَبِّكَ...» - آیه تطهیر - حدیث منزلت

۳) «إِنَّمَا وَلِیُّكُمْ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا...» - آیه اولی الامر - حدیث ثقلین

۴) «إِنَّمَا وَلِیُّكُمْ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا...» - آیه اولی الامر - حدیث منزلت

■ پاسخ گزینه «۱» صحیح است. آیه: «یا ایها الرسولُ بَلِّغْ ما أَنْزَلَ إِلَیْكَ مِنَ رَبِّكَ...» غدیر خم / آیه تطهیر: منزل

ام سلمه / حدیث ثقلین: در روزهای آخر عمر، پیامبر (ص) به طور مکرر می‌فرمود.

۱۳۱- ظهور فرقه‌ها و اندیشه‌های مختلف، پیدایش مسائل و مشکلات پیچیده اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی،

بیانگر نیاز به بودن آن است.

۱) رسالت و نبوت در استمرار این حرکت - الهی

۳) امامت و رهبری در گستره زمان - الهی

■ پاسخ گزینه «۳» صحیح است. با گذشت زمان و گسترش سرزمین اسلامی، ظهور فرقه‌ها و اندیشه‌های

مختلف، پیدایش مسائل و مشکلات پیچیده اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیاز به امام و رهبری که

جامعه اسلامی را به سوی رستگاری و عدالت هدایت کند، هم چنان وجود دارد. همان طور که پیامبر از

طرف خدا معین می‌شود، تنها کسی که می‌تواند فرد شایسته مقام امامت را معرفی کند، خداست. ←

از جمله اول نتیجه می‌گیریم که: ظهور فرقه‌ها و اندیشه‌های مختلف، پیدایش مسائل و مشکلات مختلف بیانگر نیاز به

امامت و رهبری در گستره زمان است و از جمله دوم نتیجه می‌گیریم که مقام امامت، الهی است.

۱۳۲- این کلام پیامبر (ص) که به پیشگاه خدا عرضه داشت: «خدایا، اینان اهل بیت من هستند، آنان را از هر پلیدی

و ناپاکی حفظ کن» مقدمه نزول آیه مبارکه شد که وسیله اطلاع رسانی به دیگران، بود.

۱) ﴿مَّا یُرِیدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا﴾ - بیان مدت مدید صبحگاهی پیامبر

۲) ﴿إِنَّمَا یُرِیدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا﴾ - ورود با شتاب پیامبر به مسجد و سؤال او

۳) ﴿إِنَّمَا وَلِیُّكُمْ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یَقِیْمُونَ الصَّلَاةَ وَ یُؤْتُونَ الزَّكَاةَ﴾ - بیان مدت مدید صبحگاهی پیامبر

۴) ﴿إِنَّمَا وَلِیُّكُمْ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یَقِیْمُونَ الصَّلَاةَ وَ یُؤْتُونَ الزَّكَاةَ﴾ - ورود با شتاب پیامبر به مسجد و سؤال او

■ پاسخ گزینه «۱» صحیح است. سخن پیامبر (ص) که فرمود: «خدایا اینان اهل بیت من هستند، آنان را از هر

پلیدی و ناپاکی حفظ کن.» مقدمه نزول آیه تطهیر: «إِنَّمَا یُرِیدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا»

شد. برای این که مردم از این موضوع مطلع شوند، پیامبر مدت‌ها هر روز صبح، هنگام رفتن به مسجد، از در

خانه فاطمه (س) می‌گذشت و اهل خانه را «اهل بیت» صدا می‌زد. ← وسیله اطلاع رسانی به

دیگران، بیان مدت مدید صبحگاهی پیامبر بود.

۱۳۳- آیات شریفه و به ترتیب قبل از احادیث و نازل شده است

۱) ولایت - تطهیر - جابر - غدیر

۳) اولی الامر - تبلیغ - غدیر - جابر

■ پاسخ گزینه «۴» صحیح است. آیه «اولی الامر» قبل از حدیث «جابر» نازل شده است.

آیه «تبلیغ» قبل از حدیث «غدیر» نازل شده است.

۱۳۴- تفسیر قرآن و تبیین احکام دین جزء قلمرو پیامبر است که پس از رحلت ایشان می‌یابد و تصرف در عالم طبیعت به اذن الهی همان ولایت است.

(۱) ولایت ظاهری- استمرار- معنوی

(۲) ولایت ظاهری- پایان- ظاهری

(۳) مرجعیت دینی- پایان- ظاهری

(۴) مرجعیت دینی- استمرار- معنوی

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** تفسیر قرآن و تبیین احکام دین، همان مرجعیت دینی است که پس از رحلت پیامبر (ص)، استمرار می‌یابد و تصرف در عالم طبیعت به اذن الهی، همان ولایت معنوی است.

۱۳۵- پیامبر گرامی اسلام، صلی الله علیه و آله و سلم، راسخان در اعتقاد را، مرتبط با حدیث در خصوص معرفی فرمود.

(۱) ثقلین- غیبت طولانی آخرین حجت خداوند

(۲) جابر- غیبت طولانی آخرین حجت خداوند

(۳) ثقلین- امامت و ولایت مستمر و پایدار بعد از خود

(۴) جابر- امامت و ولایت مستمر و پایدار بعد از خود

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** پیامبر اکرم (ص) در حدیث جابر فرمودند که غیبت امام عصر (عج) طولانی می‌گردد تا آن جا که فقط افرادی که ایمان راسخ دارند، بر عقیده او با باقی می‌مانند.

۱۳۶- نزول کدام آیه بر پیامبر گرامی اسلام (ص)، رفتن با شتاب پیامبر به مسجد را به دنبال داشت؟

(۱) «یا ایها الرسول بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ»

(۲) «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ»

(۳) «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ»

(۴) «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اُولی الامر منکم»

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** نزول آیه ولایت: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» رفتن با شتاب پیامبر به مسجد را به دنبال داشت.

۱۳۷- حدیث غدیر در تاریخ زندگی پیامبر (ص) پس از نزول کدام آیه بر پیامبر شکل گرفت؟

(۱) یا ایها الرسول بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ

(۲) یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اُولی الامر منکم

(۳) إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيرًا

(۴) إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ

■ **پاسخ گزینه «۱» صحیح است.** حدیث غدیر بعد از نزول آیه تبلیغ: «یا ایها الرسول بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ» بر پیامبر (ص) شکل گرفت.

۱۳۸- با توجه به حدیث شریف «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» حدیث در شأن چه کسی است و منزلت هارون نزد موسی (ع) کدام مورد است؟

(۱) حضرت محمد (ص)- مشاور، پشتیبان و شریک در امر هدایت

(۲) حضرت علی (ع)- مشاور، پشتیبان و شریک در امر هدایت

(۳) حضرت علی (ع)- برادر، وصی و جانشین من در میان شما

(۴) حضرت محمد (ص)- برادر، وصی و جانشین من در میان شما

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** حدیث منزلت، در شأن حضرت علی (ع) است. منزلت هارون نزد موسی (ع)، مشاور، پشتیبان و شریک در امر هدایت است.

کدام حدیث پیامبر گرامی (ص) با این درخواست، ارتباط دارد؟

- ۱) برادرش هارون را پشتیبان و شریک در امر هدایت قرار دهد- حدیث غدیر
- ۲) برادرش هارون را پشتیبان و شریک در امر هدایت قرار دهد- حدیث منزلت
- ۳) حضرت شعیب (ع) را یار و یاور او در امر هدایت قرار دهد- حدیث منزلت
- ۴) حضرت شعیب (ع) را یار و یاور او در امر هدایت قرار دهد- حدیث غدیر

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** وقتی خداوند حضرت موسی (ع) را مأمور مبارزه با فرعون کرد، آن حضرت از خداوند خواست که برادرش هارون را مشاور، پشتیبان و شریک در امر هدایت قرار دهد. حدیث منزلت با این درخواست ارتباط دارد. پیامبر (ص) در این حدیث فرمود: «أَنْتَ مَتَى بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى».

۱۴۰- لازمه جانشینی رسول خدا (ص) و است، و پیامبر گرامی اسلام در واقعه فرمودند: «همانا این

(حضرت علی (ع)) برادر من، وصی من و جانشین من در میان شما خواهد بود.»

- ۱) علم- عصمت- یوم غدیر
- ۲) علم- عصمت- یوم الانذار
- ۳) معجزه- ولایت- یوم الانذار
- ۴) معجزه- ولایت- یوم غدیر

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** لازمه جانشینی رسول خدا (ص)، علم و عصمت است.

اشتباهات متداول: معجزه، لازمه جانشینی پیامبر (ص) نیست؛ زیرا برای اثبات نبوت به کار می‌رود، نه امامت.

پیامبر اسلام (ص) در مراسم دعوت خویشان یا «یوم الانذار» فرمودند: «همانا این (حضرت علی (ع)) برادر من، وصی من و جانشین من در میان شما خواهد بود.»

۱۴۱- «جاودانگی قرآن، حکم به جاودانگی نگاهبانان الهی در کنار آن می‌نماید، تا لازم و ملزوم بودن وحی و حافظان

واقعی آن از دستبرد راهزنان اندیشه، به اثبات برسد» این حقیقت از دقت در پیام مفهوم می‌گردد.

- ۱) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾
- ۲) ﴿إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابِ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلِ بَيْتِي مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا...﴾
- ۳) ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾
- ۴) ﴿يُهَا النَّاسُ مَنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ﴾

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** پیام حدیث ثقلین این است که: «همان طور که قرآن همیشگی است، وجود

معصوم نیز در کنار آن همیشگی می‌باشد.» ← جاودانگی قرآن، حکم به جاودانگی نگاهبانان الهی (معصوم) در کنار آن می‌نماید. یکی دیگر از پیام‌های این حدیث آن است که: «همان طور که قرآن و پیامبر لازم و ملزوم یکدیگرند و از هم جدا نمی‌شوند، قرآن و اهل بیت نیز همواره با هم‌اند.» ← لازم و ملزوم بودن وحی (قرآن) و حافظان واقعی آن (پیامبر و اهل بیت) از دستبرد راهزنان اندیشه به اثبات می‌رسد. با توجه به این پیام‌ها، پاسخ صحیح گزینه (۲): «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابِ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلِ بَيْتِي مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا...» می‌باشد.

۱۴۲- حدیث جابر تعیین کننده مصادیق آیه شریفه بود و مصادیق حدیث ثقلین در آیه تحقق یافت.

- ۱) «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ»- تطهیر
- ۲) «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»- تطهیر
- ۳) «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ»- ولایت
- ۴) «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»- ولایت

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** حدیث جابر مصادیق اولی الامر در آیه: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى

الامر منکم» را تعیین نمود. مصادیق حدیث ثقلین یعنی عترت و اهل بیت رسول خدا (ص) در آیه تطهیر تحقق یافت: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ».

یَعصمک من الناس ان الله لا یهدی القوم الکافرین ﴿۱۳﴾ کدام مفهوم دریافت نمی‌شود؟

- ۱) هم وزن بودن ابلاغ ولایت با رسالت پرفراز و فرود بیست و سه ساله.
- ۲) بی نصیبی کافران از هدایت الهی، امری مسلم و اجتناب ناپذیر است.
- ۳) حتمیت ابلاغ رسالت خداوند با اعلان ولایت امیر مؤمنان، علی علیه السلام.
- ۴) ابلاغ ولایت امیر مؤمنان، علی علیه السلام، خالی از هر دغدغه دل آزار است.

■ پاسخ گزینه «۴» صحیح است.

۱۴۴- اگر بگوییم: «تشخیص عصمت، برای انسان‌ها ممکن نیست.» از این جمله، نتیجه می‌شود که

- ۱) تحقق اهداف رسالت، در استمرار امامت و ولایت است.
- ۲) ناتوانی در تشخیص با ارتباط خالصانه با خداوند، قابل جبران است.
- ۳) تنها کسی که می‌تواند فرد شایسته مقام امامت را معرفی کند، خداست.
- ۴) امامت، آن گاه الهی است که امام و پیشوا، مصون از خطا و اشتباه باشد.

■ پاسخ گزینه «۳» صحیح است. تشخیص عصمت برای انسان‌ها ممکن نیست بنابراین همان طور که پیامبر از

طرف خدا معین می‌شود، تنها کسی که می‌تواند فرد شایسته مقام امامت را معرفی کند، خداست. توجه کنید که وقتی در متن کتاب جمله‌ای می‌آید و پس از آن جمله می‌گوید: (پس)، (بنابراین)، (تا) از این گونه بیان یاد می‌گیریم که میان جمله اول و جمله دوم رابطه علیت وجود دارد. به همین دلیل وقتی می‌گوییم: «تشخیص عصمت برای انسان‌ها ممکن نیست.» نتیجه این جمله آن است که فقط خدا می‌تواند فرد شایسته مقام امامت را معرفی کند.

۱۴۵- اگر گفته شود: «راه حل دین اسلام برای تداوم رسالت و اجرای احکام الهی در همه زمان‌ها چیست؟» مفهوم

کدام آیه پاسخ به این سؤال است؟

- ۱) «یُریدُونَ اَنْ یَّتَحَاكَمُوا اِلَیَّ الطَّاعُوْنَ وَ قَدْ اَمَرُوا اَنْ یَكْفُرُوا بِه»
- ۲) «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم»
- ۳) «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط»
- ۴) «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکاة»

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است. پاسخ سؤال این است که: «راه حل دین اسلام، برای تداوم رسالت این است که

پس از رحلت رسول خدا (ص)، افرادی که مانند ایشان دارای علم و عصمت‌اند و از جانب خدا تعیین می‌شوند، همه مسئولیت‌های رسول خدا (ص) به جز دریافت و ابلاغ وحی را تداوم بخشند. این افراد، همان امامان معصوم (ع) می‌باشند.» آیه‌ای که به تداوم رسالت توسط امامان اشاره دارد، آیه: «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» می‌باشد. در این آیه، خداوند، اطاعت از اولی الامر که همان امامان معصوم (ع) هستند را در کنار اطاعت از خدا و رسول واجب کرده است؛ یعنی راه حل دین اسلام برای تداوم رسالت، مراجعه به امامان معصوم (ع) (اولی الامر) است.

۱۴۶- با چشم خود دیدن و از زبان پیامبر (ص) شنیدن و از بین رفتن امکان کتمان و مخفی کردن مفهوم کدام آیه،

عدم توقف رهبری الهی را اثبات کرد؟

- ۱) «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم»
- ۲) «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً»
- ۳) «الم تر الی الذین یرغمون انهم بما انزل الیک و ما انزل من قبلیک»
- ۴) «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکاة و هم راکعون»

۱- پاسخ گزینه «۴» صحیح است. نزول این آیه (آیه ولایت) در هنگام انجام واقعه‌ای که مردم ناظر آن بودند و اعلام این حقیقت از جانب رسول خدا (ص) که مصداق آیه امام علی (ع) است، برای آن بود که مردم به چشم خود ببینند و از زبان پیامبر بشنوند و امکان کنمان و مخفی کردن آن از بین برود. **با چشم خود دیدن و از زبان پیامبر (ص) شنیدن و از بین رفتن امکان کنمان و مخفی کردن، مفهوم آیه ولایت: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»،** عدم توقف رهبری الهی را اثبات کرد؛ یعنی رهبری الهی پس از پیامبر، بر عهده کسی است که ایمان دارد، نماز را به پا می‌دارد و زکات می‌دهد و مصداق آن حضرت علی (ع) بود.

۱۴۷- از حدیث شریف ثقلین **«إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ...»** کدام پیام دریافت نمی‌گردد؟

- ۱) چون قرآن همیشگی است، وجود معصوم نیز در کنار آن همیشگی خواهد بود.
- ۲) خداوند اراده کرده که همه پلیدی و ناپاکی را از شما اهل بیت دور گرداند.
- ۳) پیروی و تبعیت از یکی از این دو ممکن نیست چون سعادت مسلمانان در گرو پیروی از هر دو است.
- ۴) وقتی مسلمانان گمراه می‌شوند که از این دو پیروی نکنند و راهی مستقل از قرآن و عترت پیش گیرند.

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است. همه پیام‌ها مربوط به حدیث «ثقلین» است، به جز گزینه (۲) که از آیه تطهیر برداشت می‌شود. خداوند در آیه: «لِنُؤْتِيَهُمُ الْآيَاتِ بَعْدَ مَا نُرِيهِمْ عَنِ الْجِبَالِ آلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرُهُمْ وَ يَتَّبِعُهُمُ الْوَيْلِيُّ»** می‌فرماید: خداوند اراده کرده که همه پلیدی و ناپاکی را از شما اهل بیت دور گرداند.

۱۴۸- عبارت **«إِنَّهَا النَّاسُ مِنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»** به دنبال نزول آیه شریفه که بازتاب آن، بیان شد.

- ۱) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أَوْلَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»- تعیین مصداق جانشینان الهی پیامبر بود.
- ۲) «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»- تعیین مصداق جانشینان الهی پیامبر بود.
- ۳) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أَوْلَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»- قبول ولایت و سرپرستی خدا و پیامبرش بود.
- ۴) «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»- قبول ولایت و سرپرستی خدا و پیامبرش بود.

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است. عبارت: «إِنَّهَا النَّاسُ مِنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»** به دنبال نزول آیه تبلیغ: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» بیان شد. **بازتاب و نتیجه بیان عبارت: «ای مردم، چه کسی به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؟»** این بود که مردم می‌گفتند: **«خدا و پیامبرش بر ما ولایت و سرپرستی دارند.»** ← بازتاب این عبارت، قبول ولایت و سرپرستی خدا و پیامبرش بود.

۱۴۹- پیامبر گرامی اسلام (ص) کدام حدیث را به طور مکرر و مخصوصاً در روزهای آخر عمر خود فرمودند و چه مطلبی را می‌خواستند به امت خویش تفهیم کنند؟

- ۱) ثقلین- با توجه به این که اهل بیت معصوم‌اند، سخن و عمل آنان معیار و ملاک است.
- ۲) منزلت- با توجه به این که اهل بیت معصوم‌اند، سخن و عمل آنان معیار و ملاک است.
- ۳) منزلت- تا وقتی که به قرآن و اهل بیت تمسک بجویند هرگز گمراه نمی‌شوند.
- ۴) ثقلین- تا وقتی که به قرآن و اهل بیت تمسک بجویند هرگز گمراه نمی‌شوند.

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است. پیامبر (ص)، حدیث «ثقلین» را به طور مکرر و مخصوصاً در روزهای آخر عمر خود بیان می‌کردند. با توجه به عبارت: «مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا،** تا وقتی که به این دو تمسک جویند، هرگز گمراه نمی‌شوید.» می‌گوییم: پیامبر (ص) با بیان حدیث ثقلین می‌خواستند به امت خویش تفهیم کنند: تا وقتی که قرآن و اهل بیت تمسک بجویند، هرگز گمراه نمی‌شوند.

- ۱) حضرت فاطمه (س) جزو اهل بیت است، اگرچه عهده دار امامت نبوده، اما دارای علم و عصمت کامل است.
- ۲) پیامبر (ص) از طرف خدا معین می‌شود و تنها کسی که می‌تواند فرد شایسته‌ی مقام امامت را برگزیند، پیامبر اسلام (ص) است.
- ۳) لازمه‌ی مقام امامت، علم و معرفت کامل و عصمت از گناه و اشتباه است، همان گونه که پیامبر (ص) این دو ویژگی را دارا بود.
- ۴) پیامبر اکرم (ص)، حضرت علی (ع) و یازده فرزند ایشان را به جانشینی خود معرفی کرده است و آنان عهده دار مسئولیت امامت‌اند.

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** تنها کسی که می‌تواند فرد شایسته‌ی مقام امامت را برگزیند، خداست؛ زیرا امامت یک مقام الهی است و تشخیص ویژگی‌های آن مانند «علم» و «عصمت» فقط توسط خدا می‌تواند صورت بگیرد.

۱۵۱- آیه‌ی شریفه **﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾** بعد از کدام حدیث رسول خدا (ص) نازل شد؟

- ۱) «همانا این (حضرت علی (ع))، برادر من، وصی من و جانشین من در میان شما خواهد بود.»
- ۲) «تو (حضرت علی (ع))، برای من به منزله‌ی هارون برای موسی هستی، جز این که بعد از من پیامبری نیست.»
- ۳) «سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، این مرد (حضرت علی (ع)) و کسانی که از او پیروی کنند، رستگارانند.»
- ۴) «من در میان شما دو چیز گران بها می‌گذارم، کتاب خدا و عترتم را، تا وقتی که به این دو تمسک جویند، هرگز گمراه نمی‌شوید.»

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** پس از آن که رسول خدا (ص) فرمود: «سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، این مرد و کسانی که از او پیروی کنند، رستگارانند.» آیه **﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾** بر رسول خدا (ص) نازل شد.

۱۵۲- معرفی وفادارترین فرد در عمل به پیمان با خدا و راسخ‌ترین انسان در انجام فرمان خداوند و صادق‌ترین

شخص در داوری بین مردم توسط رسول گرامی اسلام (ص) با کدام آیه‌ی شریفه هم زمان بود؟

- ۱) **﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾**
- ۲) **﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾**
- ۳) **﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾**
- ۴) **﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ﴾**

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** معرفی وفادارترین فرد در عمل به پیمان با خدا و ... هم زمان با آیه **﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾** بود.

۱۵۳- آیه‌ی شریفه **﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾** در چه زمانی بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد و مصداق **﴿خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾** چه کسانی هستند؟

- ۱) وقتی پیامبر (ص) در کنار خانه‌ی خدا اصحاب را با حقیقت اسلام آشنا می‌کرد- پیروان حضرت علی (ع)
 - ۲) وقتی پیامبر (ص) در کنار خانه‌ی خدا اصحاب را با حقیقت اسلام آشنا می‌کرد- همه‌ی مسلمانان صالح
 - ۳) وقتی پیامبر (ص) اوصاف حضرت علی (ع) را برای جابر بن عبدالله انصاری می‌فرمود- پیروان حضرت علی (ع)
 - ۴) وقتی پیامبر (ص) اوصاف حضرت علی (ع) را برای جابر بن عبدالله انصاری می‌فرمود- همه‌ی مسلمانان صالح
- **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** این آیه زمانی بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد که پیامبر (ص) اوصاف حضرت علی (ع) (اولین ایمان آورنده به خدا، وفادارترین شما در پیمان با خدا و ...) را برای جابر بن عبدالله انصاری می‌فرمود. مصداق **«خیر البریه»**، پیروان حضرت علی (ع) هستند که با پیروی از ایشان در ایمان و عمل، می‌توانند بهترین مخلوقات خدا باشند.

۱۵۴- نزول آیه شریفه ﴿۱﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ﴿۱﴾ هم زمان با بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود.

- (۱) معرفی وفادارترین فرد در عمل به پیمان با خدا و راسخ‌ترین انسان در انجام فرمان خداوند و صادق‌ترین فرد در داوری بین مردم
- (۲) مشخص کردن جایگاه انسان در برخورداری از اختیار که انتخاب «خیر» و «شر» به عهده او نهاده شده است.
- (۳) نشان دادن جایگاه ایمان و عمل صالح و جدا نبودن این دو از یک دیگر که امر نخست، متبوع امر دوم است.
- (۴) اثبات نیاز انسان به رهبر برگزیده از سوی خدا، به منظور اتمام حجت بر مردم

■ پاسخ گزینه «۱» صحیح است. پس از این که پیامبر خدا (ص) در حضور جابر و در کنار خانه خدا فرمود: «این مرد اولین ایمان آورنده به خدا، وفادارترین شما در پیمان با خدا، راسخ‌ترین شما در انجام فرمان خدا و صادق‌ترین شما در داوری بین مردم است.» آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» بر پیامبر خدا (ص) نازل شد.

۱۵۵- اگر بگوییم: «حضرت علی (ع)، پس از رسول خدا (ص)، از همه داناتر است.» پیام کدام سخن پیامبر را تفهیم جان خود کرده‌ایم؟

- (۱) «عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ»
 - (۲) «أَنْتَ تَارِكٌ فَيْكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلِ بَيْتِي»
 - (۳) «أَنْتَ مَنْ بَمَنْزِلِهِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى الْأَنْهَ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» (۴) «إِنَّهَا النَّاسُ مِنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»
- پاسخ گزینه «۴» صحیح است. مفهوم «داناتر بودن حضرت علی (ع) پس از رسول خدا (ص)»، از حدیث: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا» به دست می‌آید.

۱۵۶- «عصمت» حضرت علی (ع) از دقت در کدام سخن پیامبر (ص)، مفهوم می‌گردد؟

- (۱) «عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ»
 - (۲) «فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا»
 - (۳) «عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَ آلَ الْحَقِّ مَعَ عَلِيٍّ»
 - (۴) «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا»
- پاسخ گزینه «۳» صحیح است. این سؤال از تدبیر در حدیث صفحه ۸۴ کتاب درسی طرح شده است. در حدیث «عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ»، منظور از واژه «حق»، عجبین بودن شخصیت امام علی (ع) با حقیقت بوده و این به معنای عصمت از گناه و اشتباه است.

۱۵۷- «فراهم شدن شرایط مناسب برای جاعلان حدیث» و «تفسیر و تبیین آیات قرآن و معارف اسلامی»، به ترتیب بازتاب کدام یک از مسائل و مشکلات امت اسلامی، پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) بود؟

- (۱) تحریف در معارف اسلامی - ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر (ص)
 - (۲) تحریف در معارف اسلامی - تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت
 - (۳) ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر (ص) - تحریف در معارف اسلامی
 - (۴) ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر (ص) - تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت
- پاسخ گزینه «۳» صحیح است. فراهم شدن شرایط مناسب برای جاعلان حدیث: ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر (ص).
- ۱۵۸- پس از خروج جریان رهبری از مسیر امامت و اداره حکومت در یک دوره کوتاه توسط امام علی (ع)، چه کسانی جانشینی پیامبر (ص) را غصب کردند؟

- (۱) افرادی از مسلمانان که عمر خود را در راه جنگ سپری کرده بودند و از اداره حکومت ناتوان بودند.
 - (۲) افرادی از مهاجران و انصار که علی رغم سابقه طولانی در اسلام، صلاحیت جانشینی پیامبر (ص) را نداشتند.
 - (۳) کسانی که خود را عموزادگان ائمه اطهار (ع) می‌دانستند ولی روش سلطنتی را پیش گرفتند و ادامه دادند.
 - (۴) کسانی که در آخرین سال‌های حیات پیامبر (ص) به ظاهر اسلام آورده بودند و خلافت را به سلطنت تبدیل کردند.
- پاسخ گزینه «۴» صحیح است. در نتیجه خروج جریان رهبری از مسیر امامت، پس از مدت کوتاهی، جانشینی رسول خدا (ص) به دست کسانی افتاد که با نفرت و کینه با آن حضرت مبارزه کرده بودند و فقط هنگامی حاضر به اسلام آوردن

شدند که پیامبر اکرم (ص) شهر آنان، مکه را تصرف کرد و آنان راهی تسلیم و اطاعت نداشتند. ابوسفیان که رهبری مشرکان را برعهده داشت، حدود دو سال قبل از رحلت پیامبر به ناچار تسلیم شد و به ظاهر، اعلام مسلمانی کرد. معاویه، پسر او در سال چهل هجری به نام جانشینی پیامبر (ص) خلافت رسول خدا (ص) را به سلطنت تبدیل کرد.

۱۵۹- کدام یک از موارد زیر مربوط به تبدیل شدن حکومت عدل نبوی به سلطنت در دوران بنی امیه و بنی عباس بود؟

- ۱) ارتباط کشورهای مختلف با کشور اسلامی و آمیخته شدن فرهنگ‌های حاکم بر جامعه
 - ۲) افزایش قدرت و ثروت حکومت اسلامی و لزوم تطبیق ساختار حکومتی با نیازهای زمانه
 - ۳) انزوای شخصیت‌های مورد احترام و اعتماد رسول خدا (ص) و قرب و منزلت طالبان قدرت و ثروت
 - ۴) انحراف یاران جهانگرد پیامبر اسلام (ص) و بی توجهی همه اصحاب نسبت به تعالیم سیاسی و اجتماعی ایشان
- **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** انزوای شخصیت‌های مورد احترام و اعتماد رسول خدا (ص) و قرب و منزلت طالبان قدرت و ثروت مربوط به «تبدیل حکومت عدل نبوی و سلطنت» بود.

۱۶۰- با توجه به آیه «أَفَأَنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ»، سپاس گزاران واقعی نعمت وجود رسول خدا (ص) پس از رحلت ایشان، کسانی هستند که

- ۱) به اوامر و احکام الهی که توسط پیامبر اکرم (ص) وضع شده بود، دقیقاً عمل کنند.
- ۲) در مقابل حاکمان غاصب و ظالم سکوت نکنند و از هر راه ممکن با آنان مبارزه کنند.
- ۳) در مسیر مسلمانی، بر ایمان خود ثابت قدم باشند و دچار هیچ گونه تزلزلی نشوند.
- ۴) در مسیری که پیامبر اکرم (ص) ترسیم کرده باقی بمانند و با تمام ارکان جاهلیت مبارزه کنند.

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** سپاسگزاران واقعی نعمت رسول خدا (ص)، پس از رحلت ایشان، کسانی هستند که دو ویژگی داشته باشند: ۱- به دوره جاهلیت باز نگردند. ۲- به همان شیوه‌ای که پیامبر (ص) توصیه کرده، زندگی را ادامه دهند. حال باید به دنبال گزینه‌ای باشیم که در آن به هر دو ویژگی اشاره شده است. گزینه‌ای که هم به عدم بازگشت به جاهلیت و هم به باقی ماندن در مسیر پیامبر (ص) اشاره می‌کند، گزینه (۴) است. بنابراین می‌گوییم: سپاسگزاران واقعی نعمت رسول خدا (ص) کسانی هستند که در مسیری که پیامبر اکرم (ص) ترسیم کرده، باقی بمانند و با تمام ارکان جاهلیت مبارزه کنند.

۱۶۱- پیام آیه شریفه «و ما محمد إلا رسول قد خلت من قبله الرسل أفان» این است که

- ۱) محمد (ص) فرستاده خدا و کامل کننده دعوت انبیاء و رسولان است.
- ۲) مؤمنان، پس از رحلت یا شهادت پیامبر، در راه ایمان، ثبات قدم داشته باشند.
- ۳) پیامبر، یک انسان است که به او وحی می‌شود و هم چون دیگر رسولان، مبلغ پیام خداوند است.
- ۴) مؤمنان، با ایمان آوردن به پیامبر، در راه توحید که پیامبران دیگر به سوی آن دعوت می‌کرده‌اند، قرار می‌گیرند.

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** این آیه می‌فرماید: «و محمد نیست، مگر رسولی که پیش از او رسولان دیگری بودند. پس اگر او بمیرد یا کشته شود، آیا شما به (دین) گذشتگان خود برخواهید گشت؟». **تأکید اصلی این آیه، بر ویژگی‌های پیامبر و رسالت او نیست، بلکه تأکید اصلی آن این است که پیامبر (ص) نیز مانند سایر پیامبران، پیام الهی را به مردم ابلاغ کرده و پس از رحلت او، شما مسلمانان نباید از راهی که پیامبر (ص) توصیه کرده، باز گردید و منحرف شوید.** به همین جهت گزینه (۲) را که فقط به پیامبری رسول خدا (ص) تأکید می‌کند، رد می‌کنیم. **بلکه با توجه به تأکید این آیه بر عدم بازگشت به دین گذشتگان، می‌گوییم: پیام آیه: «أَفَأَنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ...» این است که مؤمنان، پس از رحلت یا شهادت پیامبر، در راه ایمان ثبات قدم داشته باشند، یعنی به شیوه‌ای که پیامبر (ص) توصیه کرده، زندگی را ادامه دهند و به جاهلیت باز نگردند.**

۱۶۲- با توجه به فرمایشات امیرالمؤمنین (ع)، لازمه پیروی از قرآن چیست؟

۱) شناختن کسانی که قرآن را فراموش کرده‌اند.

۲) وفای به عهد خویش با قرآن کریم و اهل بیت (ع)

۳) شناسایی رهایی‌کنندگان و پشت‌کنندگان به صراط مستقیم

۴) دخل شدن در گروه افرادی که با دین مخالفت نمی‌کنند.

■ پاسخ گزینه «۱» صحیح است. امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «آن‌گاه می‌توانید پیرو قرآن باشید که فراموش

کنندگان قرآن را بشناسید.»

۱۶۳- حدیث مشهور «سلسله الذهب» و گردآوری کتبی نظیر «نهج البلاغه» و «صحیفه سجادیه»، به ترتیب، ناظر بر

..... و از است.

۱) اقدام برای حفظ سخنان و سیره پیامبر (ص) - تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو - اقدامات مربوط به مرجعیت دینی

۲) اقدام برای حفظ سخنان و سیره پیامبر (ص) - تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو - مجاهده در راستای ولایت ظاهری

۳) معرفی خویش به عنوان امام بر حق - اقدام برای حفظ سخنان و سیره پیامبر (ص) - اقدامات مربوط به مرجعیت دینی

۴) معرفی خویش به عنوان امام بر حق - تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو - مجاهده در راستای ولایت ظاهری

■ پاسخ گزینه «۱» صحیح است. حدیث «سلسله الذهب»: اقدام برای حفظ سخنان و سیره پیامبر (ص)،

کتاب «نهج البلاغه» و «صحیفه سجادیه»: تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو. این دو مورد از اقدامات

مربوط به مرجعیت دینی است.

۱۶۴- مجاهدات امامان معصوم (ع) در راستای ولایت ظاهری بر مبنای کدام فروع دین، پایه گذاری شده بود؟

۱) تقیه و جهاد ۲) امر به معروف و نهی از منکر ۳) صبر و بصیرت ۴) آگاهی بخشی و شیوه درست مبارزه

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است. پیرامون «مجاهده امامان در راستای ولایت ظاهری» آمده: امامان بزرگوار معتقد

بودند که اگر حاکمی، حقوق مردم را زیر پا گذارد و به احکام اسلامی عمل نکند، براساس وظیفه امر به معروف و نهی

از منکر، باید با او مقابله و مبارزه کرد.

۱۶۵- کتاب‌های «نهج البلاغه» و «صحیفه سجادیه» پس از رحلت پیامبر (ص)، مرهون توجه امامان معصوم (ع) به

..... بود که نمونه‌ای از آن در به ظهور رسید.

۱) مرجعیت دینی - حفظ سخنان و سیره پیامبر (ص)

۲) ولایت معنوی - حفظ سخنان و سیره پیامبر (ص)

۳) ولایت معنوی - تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو

۴) مرجعیت دینی - تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو

■ پاسخ گزینه «۴» صحیح است. کتاب‌های نهج البلاغه و صحیفه سجادیه، مرهون (مدیون) توجه امامان معصوم

به مرجعیت دینی بود که نمونه‌ای از آن در تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو، به ظهور رسید.

۱۶۶- تفاوت خصوصیات ذکر شده در کتاب‌های حدیث اهل سنت با ویژگی‌های حضرت مهدی (عج) چیست؟

۱) اعتقاد ندارند که ایشان آخرین ذخیره الهی و منجی آخرالزمان است.

۲) نمی‌پذیرند که ایشان از نسل حضرت فاصله سلام الله علیها است.

۳) مشخص بودن القاب ایشان مانند «مهدی» را نمی‌پذیرفتند.

۴) نقل کرده‌اند که امام زمان (ع) هنوز به دنیا نیامده است.

■ پاسخ گزینه «۴» صحیح است. در کتاب‌های حدیث اهل سنت تأکید شده که حضرت «مهدی» از نسل پیامبر

اکرم (ص) و حضرت فاطمه (س) است، اما هنوز به دنیا نیامده است.

۱۶۷- با توجه به آیه شریفه ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...﴾ ثمره

جانشینی مؤمنان در زمین و استقرار دین خداوند و تبدیل بیم آن‌ها به ایمنی، کدام است؟

- (۱) «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»
(۲) « وَ نَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ »
(۳) «إِنَّ الْأَرْضَ بِرِثْتِهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»
(۴) « لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ الْأَذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ »

■ پاسخ گزینه «۱» صحیح است. با توجه به آیه ۵۵ سوره نور که می‌فرماید: « وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ الْأَذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»، ثمره جانشینی مؤمنان در زمین (لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ) و استقرار دین خداوند (لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمْ) و تبدیل بیم آن‌ها به ایمنی (لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا)، عبادت خالی از هرگونه شرک (يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا) است.

۱۶۸- با توجه به آیه شریفه ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ کدام مفهوم به دست می‌آید؟

- (۱) ظهور امام عصر (عج)، نیازمند تحول افراد جامعه است.
(۲) حضور امام عصر (عج)، نیازمند تحول افراد جامعه است.
(۳) حضور امام عصر (عج)، نیازمند تغییر سنت‌های بشری در جامعه است.
(۴) ظهور امام عصر (عج)، نیازمند تغییر سنت‌های بشری در جامعه است.
■ پاسخ گزینه «۱» صحیح است. آیه ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ می‌فرماید تا اقوام و ملت‌ها تغییر نکنند، خداوند اوضاع و شرایط آنان را تغییر نخواهد داد. طبق این آیه، ظهور (نه حضور) امام عصر (عج)، نیازمند تحول افراد جامعه است.

۱۶۹- بر طبق فرمایشات امیرالمؤمنین علی (ع) بی بهره ساختن اهالی زمین از وجود مبارک امام عصر (عج) ثمره چیست و کدام آیه شریفه علت این تغییر را به درستی بیان می‌دارد؟

- (۱) ستمگری و زیاده روی انسان‌ها در گناه - «لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»
(۲) عدم شایستگی مسلمانان - «لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»
(۳) ستمگری و زیاده روی انسان‌ها در گناه - « وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا »
(۴) عدم شایستگی مسلمانان - « وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا »

■ پاسخ گزینه «۱» صحیح است. بر طبق فرمایشات امیرالمؤمنین علی (ع) ستمگری و زیاده روی انسان‌ها در انجام گناه علت بی بهره شدن اهالی زمین از وجود حجت خدا در میانشان است. آیه ﴿لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ بیانگر علت این تغییر است زیرا این آیه نیز می‌فرماید که تا اقوام و ملت‌ها تغییر نکنند، خداوند نیز اوضاع و شرایط زندگی آنان را تغییر نخواهد داد.

۱۷۰- در عصر غیبت کبری مسئولیت‌های «مرجعیت دینی» و «ولایت ظاهری» به ترتیب توسط چه کسی ادامه می‌یابد و آیه شریفه ﴿وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ...﴾ بر ادامه دادن کدام مسئولیت امام (ع) دلالت دارد؟

- (۱) فقیه دارای شرایط - ولی فقیه - ولایت ظاهری
(۲) ولی فقیه - فقیه - فقیه دارای شرایط - ولایت ظاهری
(۳) فقیه دارای شرایط - ولی فقیه - مرجعیت دینی
(۴) ولی فقیه - فقیه دارای شرایط - مرجعیت دینی

■ پاسخ گزینه «۳» صحیح است. در عصر غیبت کبری مسئولیت «مرجعیت دینی» به وسیله فقیه دارای شرایط یا مرجعیت فقیه ادامه می‌یابد. هم چنین وظیفه «ولایت ظاهری» توسط ولی فقیه انجام می‌پذیرد.

۱۷۱- اگر سؤال شود: «در دوره غیبت کبری مسئولیت مربوط به امامت یعنی مرجعیت دینی چگونه ادامه می‌یابد؟»

پاسخ قرآن به این سؤال، کدام آیه شریفه است؟

- ۱) « وَ تَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً ... »
- ۲) « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ ... »
- ۳) « وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ ... »
- ۴) « لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا »

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** در دوره غیبت کبری، مسئولیت مرجعیت دینی، توسط **فقیهان** ادامه می‌یابد که آیه: « وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ » حاکی از آن است.

۱۷۲- در عصر غیبت، مسئولیت‌های رسالت در بعد «ولایت معنوی»، «مرجعیت دینی» و «ولایت ظاهری» به ترتیب به عهده و می‌باشد.

- ۱) حجت منتظر- فقها- حجت منتظر
- ۲) ولی فقیه- فقها- ولی فقیه
- ۳) حجت منتظر- فقها- ولی فقیه
- ۴) ولی فقیه- فقها- حجت منتظر

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** در عصر غیبت ولایت معنوی به عهده حجت منتظر (یعنی حجت و دلیل خدا در روی زمین که ظهور ایشان مورد انتظار است) می‌باشد. مرجعیت دینی به عهده فقها است. ولایت ظاهری به عهده ولی فقیه می‌باشد.

۱۷۳- آن کس که توانایی لازم برای برپایی و اداره حکومت را دارد، است و هر کدام از مسئولیت‌های «برقراری حکومت اسلامی» و «مرجعیت دینی» به ترتیب، متوجه و است.

- ۱) مرجع تقلید- مرجعیت- ولایت
- ۲) مرجع تقلید- ولایت- مرجعیت
- ۳) ولی فقیه- مرجعیت- ولایت
- ۴) ولی فقیه- ولایت- مرجعیت

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** از میان فقیهان دارای شرایط، آن کس که توانایی لازم برای برپایی و اداره حکومت را دارد، رهبری جامعه را به دست می‌گیرد. فقیه‌ای که این مسئولیت را بر عهده دارد، **ولی فقیه** نامیده می‌شود. مسئولیت برقراری حکومت اسلامی متوجه **ولایت فقیه** است. مسئولیت مرجعیت دینی، متوجه **مرجعیت فقیه** است.

۱۷۴- در زمان غیبت امام عصر (عج) کسی می‌تواند بر مردم حکومت کند که

- ۱) مردم با آگاهی و شناخت او را قبول داشته باشند.
- ۲) علاوه بر داشتن شرایط رهبری، مردم نیز او را بپذیرند.
- ۳) علاوه بر داشتن شرایط رهبری، با تدبیر و کفایت باشد.
- ۴) بتواند احکام دینی را متناسب با نیازهای روز به دست آورد.

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** در زمان غیبت امام عصر (عج)، کسی می‌تواند بر مردم حکومت کند که؛ هم مشروعیت داشته باشد و هم مقبولیت.

۱۷۵- هر یک از مفاهیم «تقلید»، «فقیه» و «تفقه» به ترتیب در کدام گزینه به درستی بیان شده‌اند؟

- ۱) مراجعه به متخصص- تلاش کننده برای کسب معرفت عمیق- تلاش برای کسب معرفت عمیق در دین
- ۲) به دست آوردن احکام و اسلام از قرآن و روایات- به دست آورنده قوانین و احکام اسلامی از قرآن- به دست آوردن احکام و قوانین اسلام از قرآن و روایات

۳) مراجعه به متخصص- به دست آورنده قوانین و احکام اسلام از قرآن و روایات- تلاش برای کسب معرفت عمیق در دین

۴) به دست آوردن احکام و قوانین اسلام از قرآن و روایات- تلاش کننده برای کسب معرفت عمیق در دین- به دست آوردن احکام و قوانین اسلام از قرآن و روایات

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.**

کدام است؟

(۱) جبران ولایت معنوی امام (عج) با مفتوح بودن باب اجتهاد و استنباط

(۲) جبران مرجعیت دینی امام (عج) با مفتوح بودن باب اجتهاد و استنباط

(۳) استقرار مرجعیت دینی امام (عج) با بذل لطف او به دین مداران فقیه بهره مند از استنباط

(۴) استقرار ولایت معنوی امام (عج) با بذل لطف او به دین مداران فقیه بهره مند از استنباط

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** پیام این آیه راه حل قرآن کریم برای تداوم دو مسئولیت مرجعیت دینی و ولایت ظاهری امام در عصر غیبت کبری است. از آن جا که امام در جامعه حضور آشکار ندارد، فقیه واجد شرایط به نیابت از امام این دو مسئولیت را بر عهده دارد.

۱۷۷- اگر بگوییم: «هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه‌ای از آیات الهی محسوب می‌شود» پیام کدام آیه را ترسیم کرده‌ایم؟

(۱) «و الله هو الغنی الحمید»

(۲) «یسألُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»

(۳) «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»

(۴) «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ»

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** نور چیزی است که به اشیاء برخورد می‌کند و باعث آشکار شدن آن‌ها می‌شود. بنابراین دیده شدن اشیاء معلول و نتیجه وجود نور است. حال اگر بگوییم «هر چیزی در این جهان بیانگر و نشانه‌ای از وجود خالق و آیه‌ای از آیات الهی محسوب می‌شود» در واقع به نور بودن خداوند اشاره کرده‌ایم، زیرا نور خداوند بر آن مخلوق تأیید شده و ما آن را می‌بینیم. این موضوع پیام قابل برداشت از آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» می‌باشد.

۱۷۸- کسی که گمان می‌کند سایر مخلوقات مستقل از خداوند می‌توانند در اداره امور جهان دخالت کنند، در عین انتقاد به کدام مرتبه از توحید، گرفتار چه شرکی شده است؟

(۱) توحید در عبادت- شرک در ولایت

(۲) توحید در خالقیت- شرک در ربوبیت

(۳) توحید در عبادت- شرک در ربوبیت

(۴) توحید در خالقیت- شرک در ولایت

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** در نظر گرفتن استقلال در انجام کارها و تدبیر امور منجر به گرفتاری در دام شرک در مرتبه ربوبیت می‌شود هرچند که این فرد اعتقاد داشته باشد که خداوند در خالقیت بی‌همتاست.

۱۷۹- عبارت «خداوند جهان را به سوی آن مقصدی که برایش معین فرموده به پیش می‌برد» اشاره به کدام بُعد توحید دارد و کدام آیه، مرتبط با این مرتبه توحید است؟

(۱) مالکیت- «قُلْ لِلَّهِ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ»

(۲) ربوبیت- «قُلْ لِلَّهِ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ»

(۳) مالکیت- «قُلْ أَعْبُدُوا اللَّهَ أَعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ»

(۴) ربوبیت- «قُلْ أَعْبُدُوا اللَّهَ أَعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ»

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** این که «خداوند جهان را به سوی آن مقصدی که برایش معین فرموده به پیش می‌برد»، برخاسته از ربوبیت الهی است که پیام آیه شریفه «قُلْ أَعْبُدُوا اللَّهَ أَعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ» است.

۱۸۰- از دقت در کدام آیه، مفهوم توحید در ربوبیت به دست می‌آید؟

(۱) «قُلْ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ»

(۲) «مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ لَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا»

(۳) «قُلْ لِلَّهِ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ»

(۴) «قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** آیه شریفه «قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» به توحید در ربوبیت اشاره دارد.

۱۸۱- آیات شریفه ﴿۳﴾ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ قُلْ اللَّهُ ﴿۳﴾ قُلْ لِلَّهِ مَالِكُ الْمُلْكِ ﴿۳﴾ وَ ﴿۳﴾ لَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا ﴿۳﴾ به ترتیب به کدام یک از مراتب توحید اشاره دارند؟

(۱) ولایت- ربوبیت- مالکیت (۲) مالکیت- ولایت- ربوبیت (۳) ربوبیت- مالکیت- ولایت (۴) ربوبیت- ولایت- مالکیت

■ پاسخ گزینه «۳» صحیح است. آیات شریفه «قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»، «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ» و «لَا

يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا» به ترتیب به مفاهیم توحید در ربوبیت، توحید در مالکیت و توحید در ولایت اشاره می‌کنند.

۱۸۲- از تدبیر در آیه شریفه ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ﴾ کدام مورد مفهوم می‌گردد؟

- (۱) علیت مالکیت الهی و معلولیت ولایت الهی
(۲) علیت مالکیت الهی و معلولیت ربوبیت الهی
(۳) علیت ولایت الهی و معلولیت مالکیت الهی
(۴) علیت خالقیت الهی و معلولیت مالکیت الهی

■ پاسخ گزینه «۱» صحیح است. آیه شریفه «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ؛ بگو بارالها! حکومت از آن توست، [آن را] به هر کس که بخواهی می‌بخشی و از هر کس که بخواهی می‌گیری.» به مالکیت خداوند بر جهان هستی و حکومت و ولایت بخشی خداوند اشاره دارد. با توجه به این آیه متوجه می‌شویم که مالکیت الهی بر جهان هستی برای ولایت الهی علت محسوب می‌شود.

۱۸۳- با توجه به آیه شریفه ﴿مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا﴾ کدام مفهوم دریافت می‌شود؟

- (۱) خدا ولی همه عالم است و اگر او به کسی اذن دهد، آن شخص می‌تواند در امور عالم تدبیر کند.
(۲) هرگونه تصرف در جهان، حق و شایسته خداوند است و غیر از او کسی بر موجودات ولایت مستقل ندارد.
(۳) اگر خداوند پیامبر (ص) را ولی انسان‌ها معرفی می‌کند، یعنی بخشی از ولایت خود را به او واگذار کرده است.
(۴) چون مخلوقات جهان از خدایند، مالک اصلی و حقیقی آن‌ها نیز خداوند است و مالکیت و ربوبیت هم از آن اوست.
- پاسخ گزینه «۲» صحیح است. آیه شریفه مورد اشاره در صورت سؤال، به موضوع «توحید در ولایت» اشاره دارد. مطابق این مرتبه از توحید، هرگونه تصرف در جهان، حق و شایسته خداوند است و غیر از او کسی بر موجودات ولایت مستقل ندارد.

۱۸۴- یک انسان موحد را عقیده بر آن است که: «همه مخلوقات، در کارهای خود نیازمند و وابسته به خداوند هستند،

اما خداوند، در اداره جهان به آن‌ها نیازی ندارد.» در کدام آیه به این ویژگی خداوند اشاره شده است؟

- (۱) «قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ»
(۲) «مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا»
(۳) «قُلْ أَعْيُرَ اللَّهُ أِبْنِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ»
(۴) «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ»

■ پاسخ گزینه «۳» صحیح است. صورت سؤال در قسمتی که به عدم نیازمندی خداوند در اداره جهان به مخلوقات اشاره دارد، به ویژگی مدبر بودن خداوند تأکید شده است. بنابراین عبارت صورت سؤال به «توحید در ربوبیت» اشاره کرده است و آیه «قُلْ أَعْيُرَ اللَّهُ أِبْنِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ؛ بگو آیا غیر از خدا پروردگاری را بطلبیم، در حالی که او پروردگار همه چیز است» به ربوبیت خدا اشاره دارد.

۱۸۵- چرا پذیرش بندگی خداوند تنها راه راست و صحیح در زندگی انسان‌ها است؟

- (۱) «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ» (۲) «هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (۳) «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» (۴) «اللَّهُ الصَّمَدُ»

■ پاسخ گزینه «۱» صحیح است. مطابق آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»، از آن جایی که خداوند پروردگار همه جهانیان است، تنها راه راست و صحیح در زندگی انسان‌ها، پذیرش بندگی خداوند است.

۱۸۶- آیات شریفه ﴿إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾ به ترتیب بیانگر کدام ابعاد توحید است و رابطه بین آن‌ها چگونه است؟

- (۱) ربوبیت و عملی - توحید در ربوبیت، میوه درخت توحید عملی است.
(۲) ربوبیت و عملی - توحید عملی، میوه درخت توحید در ربوبیت است.
(۳) خالقیت و عملی - توحید عملی، میوه درخت توحید در خالقیت است.
(۴) خالقیت عملی - توحید در خالقیت، میوه درخت توحید عملی است.

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است. «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ» ← توحید در ربوبیت. «فَاعْبُدُوهُ» ← توحید عملی.

حرف «ف» که در وسط آیه آمده است، بیانگر نتیجه گیری است؛ یعنی، توحید عملی، میوهٔ درخت توحید در ربوبیت است.

۱۸۷- اگر بگوییم: «فقط باید تسلیم فرمان خداوند باشیم و کارهای خود را به قصد اطاعت از او و برای کسب رضایت

او انجام دهیم»، کدام بعد از ابعاد توحید را ترسیم کرده‌ایم و پیام کدام آیهٔ شریفه، بیانگر آن است؟

(۱) عملی - «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ»

(۲) ربوبی - «فَاعْبُدُوهُ»

(۳) ربوبی - «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ»

(۴) عملی - «فَاعْبُدُوهُ»

■ پاسخ گزینه «۴» صحیح است. انجام کارها به قصد اطاعت از خداوند، به معنای توحید عملی است که مفهوم

مورد برداشت از آن بخش از آیهٔ شریفه «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ» است که به انسان‌ها دستور عبادت خداوند را

می‌دهد، یعنی «فَاعْبُدُوهُ».

۱۸۸- در رابطهٔ ارادهٔ انسان با ارادهٔ خداوند کدام مطلب صحیح نیست؟

(۱) وجود اختیار و اراده در انسان به علت ارادهٔ الهی و خواست خداوند است.

(۲) ارادهٔ ما و عملی که از ما سر می‌زند همگی وابسته و در عرض ارادهٔ خداوند است.

(۳) هر کاری که از روی ویژگی اختیار از انسان سرزند داخل در تقدیر الهی است.

(۴) حوادث جهان و از جمله، کارهای انسان تحت تأثیر تدبیر و ارادهٔ خداوند و مظهری از قضا و قدر الهی است.

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است. اراده و عمل ما، همه وابسته به ارادهٔ خداوند و در طول ارادهٔ اوست.

۱۸۹- با توجه به آیهٔ شریفه ﴿إِنَّ اللَّهَ يَمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَ لَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ

بَعْدِهِ﴾ انسان متوجه می‌شود که که آن را نظام نامیده‌اند.

(۱) کشتی جهان ناخدایی دارد که به علت علم و قدرت بی‌پایان ناخدا، به هیچ وجه احتمال غرق شدن و نابودی آن

نمی‌رود- حکیمانهٔ الهی

(۲) اگر جهان خلقت تحت نظام قضا و قدر الهی قرار نداشت، نمی‌توانستیم به راحتی دست به انتخاب بزنیم- حکیمانهٔ الهی

(۳) اگر جهان خلقت تحت نظام قضا و قدر الهی قرار نداشت، نمی‌توانستیم به راحتی دست به انتخاب بزنیم- قضا و قدر الهی

(۴) کشتی جهان ناخدایی دارد که به علت علم و قدرت بی‌پایان ناخدا، به هیچ وجه احتمال غرق شدن و نابودی آن

نمی‌رود- قضا و قدر الهی

■ پاسخ گزینه «۴» صحیح است. اعتقاد به خدای حکیم این اطمینان را می‌دهد که جهان خلقت حافظ و نگرهبانی

دارد که اشتباه در کار او نیست. کشتی جهان خلقت ناخدایی دارد که به علت علم و قدرت بی‌پایانش، هیچ‌گاه غرق و

نابود نخواهد شد. همچنین، جهانی که پشتوانهٔ آن علم و قدرت خداست، دارای قوانین استواری به نام نظام قضا و قدر

الهی است. آیهٔ شریفه ﴿إِنَّ اللَّهَ يَمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَ لَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ﴾

مرتبط با اصل «نگرهبانی خداوند از جهان هستی» است.

۱۹۰- آیهٔ شریفه «لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَ لَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ...» به چه چیزی اشاره دارد و موجودات

جهان از آن جهت که با حکم و فرمان و ارادهٔ الهی ایجاد می‌شوند، مربوط به کدام مورد هستند؟

(۱) تقدیر و قضای الهی - قضای الهی

(۲) قضای الهی - قضای الهی

(۳) تقدیر و قضای الهی - تقدیر الهی

(۴) قضای الهی - تقدیر الهی

■ پاسخ گزینه «۱» صحیح است. آیهٔ شریفه ﴿لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَ لَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ: نَه

خورشید را سزد که به ماه رسد و نه شب بر روز پیشی جوید و همه در مداری در گردشند. به نظام قدر و قضای الهی و

این قانونمندی تخلف ناپذیر و استوار اشاره دارد. ﴿

موجودات جهان از آن جهت که با حکم و فرمان و ارادهٔ الهی ایجاد می‌شوند، مقضی به قضای الهی می‌باشند.

۱۹۱- شخص مسافر در ماه مبارک رمضان در چه صورتی نباید روزه بگیرد؟

- ۱) قصد کند که بیش از ده روز در محل موردنظر برای سفر بماند.
 - ۲) با نهی پدر و مادر به سفری تفریحی رفته باشد.
 - ۳) می‌خواهد به سفری سه روزه در یکی از کشورهای دوردست برود.
 - ۴) مسیر رفت او بیش از ۲۲/۵ کیلومتر و مجموع رفت و برگشتش حدود ۷ فرسخ باشد.
- پاسخ گزینه «۳» صحیح است.

۱۹۲- مطابق احکام اسلامی «کسی که به قصد ستم به مظلوم سفر کرده باشد» و «کسی که به صورت غیرعمدی

استفراغ کند»، به ترتیب وظیفه‌اش دربارهٔ انجام روزه چیست؟

- ۱) نمی‌تواند روزه‌اش را بگیرد- نباید روزه‌اش را ادامه دهد.
 - ۲) باید روزه‌اش را بگیرد- نباید روزه‌اش را ادامه دهد.
 - ۳) باید روزه‌اش را بگیرد- باید روزه‌اش را ادامه دهد.
 - ۴) نمی‌تواند روزه‌اش را بگیرد- باید روزه‌اش را ادامه دهد.
- پاسخ گزینه «۳» صحیح است. اگر شخصی برای انجام کار حرام سفر کرده باشد، مثلاً اگر به قصد ستم به مظلوم یا همکاری با یک ظالم در ظلم او سفر کند باید روزه‌اش را بگیرد. اگر کسی که روزه گرفته است به صورت غیرعمدی استفراغ کند باید آن روز، روزه‌اش را ادامه دهد.

۱۹۳- رسیدن به فلاح و رستگاری دنیوی و اخروی

- ۱) در گرو اجرای برنامه الهی است که وظایف فردی انسان را مشخص کرده است.
- ۲) پیامد عمل به احکام و دستوراتی است که وظایف اجتماعی و فردی را به همراه برنامه‌ای برای ارتباط با خداوند و خانواده تعریف می‌کند.
- ۳) علت اجرای برنامه الهی است که وظایف فردی انسان را مشخص کرده است.
- ۴) علت عمل به احکام و دستوراتی است که وظایف اجتماعی و فردی را به همراه برنامه‌ای برای ارتباط با خداوند و خانواده تعریف می‌کند.

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است. خدای مهربان برای زندگی ما انسان‌ها برنامه‌ای تنظیم کرده که دربردارنده احکام و وظایف گوناگونی در ارتباط با خدا، خود، خانواده، جامعه و خلقت است. با عمل به این برنامه و احکام و دستورات آن، انسان می‌تواند در مسیر عبودیت خدا گام برداشته تا به فلاح و رستگاری در دنیا و آخرت برسد.

۱۹۴- مطابق احکام شرع مقدس اسلام «مسافری که صبح حرکت کرده و بعدازظهر به وطن یا جایی که می‌خواهد ده روز بماند، برسد» و «شخصی که به قصد انجام کاری حرام سفر کند»، وظیفه‌اش در مورد انجام روزه، به ترتیب چیست؟

- ۱) می‌تواند روزه بگیرد- نباید روزه بگیرد.
 - ۲) نمی‌تواند روزه بگیرد- نباید روزه بگیرد.
 - ۳) می‌تواند روزه بگیرد- باید روزه بگیرد.
 - ۴) نمی‌تواند روزه بگیرد- باید روزه بگیرد.
- پاسخ گزینه «۴» صحیح است. اگر مسافری بعدازظهر به وطن یا جایی که می‌خواهد ۱۰ روز بماند برسد، نمی‌تواند در آن روز، روزه بگیرد. هم چنین کسی که برای انجام کاری حرام (ظلم و ستم، خوردن مال یتیم و ...) سفر می‌کند باید روزه‌اش را بگیرد.

۱۹۵- اگر شخص روزه داری مال یتیمی را بخورد، چه وظیفه‌ای در قبال روزه خود دارد؟

- ۱) باید به ازای آن روز، دو ماه روزه بگیرد و به شصت فقیر طعام دهد.
- ۲) باید روزه خود را افطار کند و بعداً قضای روزه را به جا آورد.
- ۳) باید هم روزه را قضا کند و هم یک مد گندم و جو و مانند آن را به فقرا بدهد.
- ۴) باید آن روز را امساک کند و بعداً به شصت فقیر طعام دهد.

پاسخ گزینه «۱» صحیح است. اگر شخصی با انجاص فعلی حرام (تحریف قرآن، دروغ بستن به خدا، خوردن مال یتیم) روزه خود را باطل کند، کفاره جمع بر او واجب می‌شود، یعنی به ازای هر روز هم باید دو ماه روزه بگیرد و هم به شصت فقیر طعام دهد.

۱۹۶- «به جا آوردن قضای روزه و دادن یک مد طعام به فقیر حکم چه کسی است؟»

- ۱) کسی که به علت عذری نتواند روزه بگیرد و تا ماه رمضان آینده نیز قضای آن روزه را سهواً نگیرد.
- ۲) کسی که به علت عذری نتواند روزه بگیرد و تا ماه رمضان آینده نیز عمدتاً قضای آن روزه را نگیرد.
- ۳) کسی که به چه چیز حرامی روزه خود را باطل کند و قضای آن را سهواً به جا نیاورد.
- ۴) کسی که روزه ماه رمضان را عمدتاً نگیرد و قضای آن را به جا نیاورد.

پاسخ گزینه «۲» صحیح است. اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمدتاً قضای روزه را نگیرد، باید هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز یک مد (۷۵۰ گرم) گندم و جو و مانند آن‌ها را به فقیر بدهد.

۱۹۷- «دوری از کسب درآمد حرام»، «پرهیز از خضوع در برابر مستکبران»، «حذف بی‌نظمی از زندگی»، به ترتیب معلول رعایت کدام یک از آداب نماز است؟

- ۱) لباس پاکیزه- توجه به بزرگی خدا در تکبیر- انجام به موقع نماز
 - ۲) غصبی نبودن لباس- در نظر داشتن عظمت خدا در سجود و رکوع- انجام به موقع نماز
 - ۳) غصبی نبودن لباس- توجه به بزرگی خدا در تکبیر- تکرار درست نماز
 - ۴) لباس پاکیزه- در نظر داشتن عظمت خدا در سجود و رکوع- تکرار درست نماز
- پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** دوری از کسب درآمد حرام معلول رعایت شرط غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار، پرهیز از خضوع و خشوع در برابر مستکبران معلول در نظر داشتن عظمت خدا در رکوع و سجود و حذف بی‌نظمی از زندگی معلول انجام به موقع نماز است.

۱۹۸- اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمدتاً قضای روزه را نگیرد مشمول چه حکمی می‌شود؟

- ۱) بنابر احتیاط واجب فقط باید روزه آن روز را قضا کند.
- ۲) باید روزه را قضا کند و هم کفاره آن را بدهد.
- ۳) بنابر احتیاط واجب باید یک مد گندم یا جو و مانند آن‌ها به فقیر بدهد.
- ۴) باید هم روزه را قضا کند و هم برای یک روز یک مد طعام به فقیر بدهد.

پاسخ گزینه «۴» صحیح است. اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمدتاً قضای روزه را نگیرد، باید هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز، یک مد طعام به فقیر دهد.

۱۹۹- آیه شریفه ﴿لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ﴾ از نظر مصادیق با کدام آیه هم مفهوم است؟

- ۱) «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا...»
- ۲) «ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتِ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ...»
- ۳) «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ...»
- ۴) «إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا...»

پاسخ گزینه «۴» صحیح است. آیه شریفه مطرح شده در صورت سؤال، به قانونمند بودن جهان و تقدیر الهی اشاره دارد. از طرف دیگر، آیه گزینه (۴)، به نگرهبانی خداوند از جهان هستی برای عدم خروج آن از تقدیر الهی اشاره دارد و از این جهت با آیه صورت سؤال هم مفهوم است.

۲۰۰- حضرت علی (ع) با بیان جمله «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم» چه مطلبی را به یارانش آموزش دادند؟

(۱) نشستن در سایه دیوار مستحکم و پایدار از تقدیر الهی نشأت گرفته است.

(۲) تمام حرکات حضرت و تصمیم‌گیری‌های او براساس دستور عقل تحقق می‌یابد.

(۳) نگرش صحیح به قوانین زندگی انسان عامل و زمینه ساز تحرک و عمل انسان است.

(۴) فرو ریختن دیوار کج، یک قانون و تقدیر الهی است که با شرایط خاص تغییر می‌کند.

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** امیر مؤمنان (ع) با رفتار و گفتار خود، نگرش صحیح از قضا و قدر الهی را نشان داد و به یارانش آموخت که **اعتقاد به قضا و قدر، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست؛ بلکه عامل و زمینه ساز آن است.**

۲۰۱- آیه شریفه **ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيكُمْ وَ أَنْ اللَّهَ لَيْسَ بِظَالِمٍ لِّلْعَبِيدِ** به کدام دو مفهوم اصلی اشاره دارد؟

(۱) حکمت الهی - نظام قضا و قدر الهی

(۲) حکمت الهی - اختیار انسان

(۳) عدل الهی - اختیار انسان

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** در این آیه عقوبت و جزای کار انسان‌ها همان چیزی معرفی شده که آن‌ها در دنیا برای خود از پیش فرستاده‌اند. بنابراین جزا و پاداش کار هر کسی مطابق افعال اختیاری آن فرد محاسبه می‌شود و خداوند این عقوبت را برای برقراری عدل در نظر می‌گیرد.

۲۰۲- عدم خروج موجودات از قانون مندی خود که با اعتماد و اطمینان به آن، برنامه ریزی و عمل می‌کنیم برخاسته از الهی و حاکی از خداوند است.

(۱) تقدیر - اراده و خواست (۲) قضا - اراده و خواست (۳) تقدیر - حکمت (۴) قضا - حکمت

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** عدم خروج موجودات از قانونمندی خود، بیانگر اصل قدر الهی است. توجه کنید که قدر الهی برخاسته از «حکمت الهی» و قضای الهی برخاسته از «اراده و خواست الهی» است.

۲۰۳- با تدریس در آیه شریفه **إِنَّ اللَّهَ يُمِصُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَ لَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ...** کدام مفهوم مستفاد می‌گردد؟

(۱) انسان با شناخت و استفاده از قوانین جهان است که می‌تواند استعدادهای خود را به فعلیت برساند.

(۲) ایمان به خداوند حکیم این اطمینان را به انسان می‌بخشد که جهان دارای حافظ و نگهبانی است که اشتباه در کار او راه ندارد.

(۳) برخی حوادث و رخدادهای جهان، در یک چهارچوب سامان دهی شده و قانونمند، اتفاق می‌افتد.

(۴) تقدیر الهی چیزی ورای قانون مندی و نظم است که وقتی به حادثه‌ای تعلق گرفت هر قانونی را لغو می‌کند.

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** ایمان به حکیم بودن خداوند، باعث می‌شود انسان بداند که جهان حافظ و نگهبانی دارد که از آن محافظت کرده و مانع نابودی آن می‌شود. این موضوع، پیام قابل برداشت از آیه «إِنَّ اللَّهَ يُمِصُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَ لَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ...» است.

۲۰۴- از آیه شریفه **قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ** کدام مفهوم مستفاد نمی‌گردد؟

(۱) با وجود روشن بودن اختیار، نشانه‌های فراوان آن را همواره در خود مشاهده می‌کنیم.

(۲) اختیار، یک حقیقت عقلی است و هر کس آن را در خود می‌یابد و در عمل از قدرت اختیار خود بهره می‌برد.

(۳) قدرت اختیار با فطرت انسان سرشته شده و از جهت بهره مندی از آن، مانند قدرت تفکر است.

(۴) اختیار انسان امری مشهود و انکارناپذیر است.

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** اختیار، یک حقیقت وجدانی است و هر کس آن را در خود می‌یابد و در عمل از قدرت اختیار خود بهره می‌برد. در واقع اختیار انسان امری نیست که برای اثبات وجود آن نیازی به استدلال داشته باشیم.

(۱) طولی- اراده انسان مؤخر از اراده خداوند است. (۲) عرضی- اراده انسان مؤخر از اراده خداوند است.

(۳) طولی- انسان، همان را اراده می‌کند که مقدر او باشد. (۴) عرضی- انسان، همان را اراده می‌کند که مقدر او باشد.

■ **پاسخ گزینه «۱» صحیح است.** وجود اختیار و اراده در انسان به علت اراده الهی و خواست اوست. خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد. در فعل اختیاری، تا زمانی که انسان به انجام فعلی اراده نکند، آن فعل انجام نمی‌گیرد. اما در عین حال، وجود ما، اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند، همگی وابسته به اراده خداوند است. یعنی اراده انسان در طول اراده خداست و با آن منافات ندارد. بنابراین، اراده انسان مؤخر از اراده خداوند است.

۲۰۶- «تأثیر گذاری پدیده‌ها در نظام تکوین» و «وساطت فرشتگان و کارگزاری آنان در محدوده تعیین شده از سوی خداوند»، به ترتیب از مظاهر و الهی‌اند.

(۱) قَدَر- قضا (۲) قضا- قضا (۳) قضا- قَدَر (۴) قَدَر - قَدَر

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** تقدیر، به معنای تعیین ویژگی‌ها و حدود پدیده‌ها است و قضا به معنی انجام دادن یک فعل و پیاده سازی تقدیر است. هر دو عبارت «تأثیر گذاری پدیده‌ها در نظام تکوین» و «وساطت فرشتگان و کارگزاری آنان در محدوده تعیین شده از سوی خداوند» به قضای الهی اشاره دارند زیرا هر دوی آن‌ها حاکی از انجام یک فعل و قطعی بودن آن هستند.

۲۰۷- از دقت در پیام آیه شریفه ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ چه موضوعی برداشت می‌شود؟

(۱) انسان، در چارچوب قوانین حاکم بر هستی، حق انتخاب دارد.

(۲) هدایت به راه کمال، خواه ناخواه توأم با فراز و نشیب‌ها است.

(۳) قانون لطف، هدایت انسان را که هرگز در آن تخلّفی نخواهد بود، ایجاب می‌کند.

(۴) خدای متعال، با ارسال رسولان و انزال کتب آسمانی، راه را به انسان نشان داد.

■ **پاسخ گزینه «۱» صحیح است.** پیام قابل برداشت از آیه شریفه ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾، وجود قوه اختیار انسان‌هاست. به موجب داشتن قوه اختیار، انسان می‌تواند در چارچوب قوانین حاکم بر هستی، میان راه‌ها و موارد مختلف دست به انتخاب بزند.

۲۰۸- عبارت «وحدانیت در خلقت و وحدانیت در تدبیر از یکدیگر جدا نیستند» از مفهوم کدام آیه شریفه، قابل دریافت است؟

(۱) ﴿إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾

(۲) ﴿أَلَمْ أَعْهَدْ لَكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾

(۳) ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَىٰ هَاتِهِ﴾

(۴) ﴿إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ...﴾

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** در آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ؛ همانا که خداوند نگه می‌دارد آسمان‌ها و زمین را از این که نابود شدند؛ و اگر بخواهند نابود شوند، کسی به غیر از خداوند نمی‌تواند آن‌ها را حفظ کند»، عنوان شده که خلقت آسمان‌ها و زمین و نیز تدبیر هر لحظه آن‌ها به دست خداوند است و بیان شده که شخص دیگری به جز خداوند توانایی این تدبیر را ندارد. بنابراین طبق این آیه، خداوند که خالق آسمان‌ها و زمین است، مدبّر آن نیز بوده و وحدانیت الهی در مرتبه خلقت و ربوبیت از هم جدا نیستند.

۱ ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾

۲ ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾

۳ ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَهَوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ﴾

۴ ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ﴾

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** مطابق سنت امداد الهی، رحمت واسعة الهی، به همه انسان‌ها، صرف نظر از بدکار یا نیکوکار بودن آن‌ها می‌رسد. این موضوع پیام آیه شریفه «كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَهَوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ» است.

۲۱۰- «کمک‌های الهی و ایجاد شرایطی که فرد بتواند در راهی که انتخاب کرده، به پیش رود» در کدام آیه بیان شده است؟

۱ «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ» ۲ «كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَهَوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ»

۳ «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» ۴ «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا»

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** کمک‌های الهی و ایجاد شرایطی که فرد بتواند در راهی که انتخاب کرده، به پیش رود بیانگر سنت امداد عام الهی است که پیام قابل برداشت از آیه شریفه «كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَهَوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ» است.

۲۱۱- از آیه شریفه ﴿وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمِلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمِلِي لَهُمْ لِيُرَوِّدُوا فِي السُّبُلِ﴾ کدام مفهوم دریافت می‌شود؟

۱) خداوند در سنت امهال به کسانی که راه باطل را برمی‌گزینند مهلت و فرصت می‌دهد که از این فرصت برای نجات خود از ظلمت‌ها و تاریکی استفاده کنند.

۲) انسان‌ها اگر از مهلت‌ها و امکانات همراه با اختیار و اراده خودشان که به صورت لطف الهی جلوه گر شده، بهره ببرند می‌توانند بار گناهان را هر روز سبک‌تر کنند.

۳) خداوند در سنت امداد به کسانی که راه باطل را برمی‌گزینند مهلت و فرصت می‌دهد که از این مدد الهی برای نجات خود بهره ببرند و از تاریکی نجات یابند.

۴) به آنان که راه باطل را برمی‌گزینند و با حق دشمنی می‌ورزند مهلت زندگی داده می‌شود ولی آن‌ها این فرصت را وسیله غوطه ور شدن در تاریکی قرار می‌دهند.

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** مطابق سنت «املاء الهی»، به آنان که راه باطل را برمی‌گزینند و با حق دشمنی می‌ورزند، مهلت زندگی داده می‌شود، ولی آنان این فرصت را وسیله غوطه ور شدن در تاریکی قرار می‌دهند.

۲۱۲- از آیه شریفه ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَهَوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ...﴾ کدام مفهوم استنباط می‌گردد و اشاره به چگونه سنتی دارد؟

۱) کسی که راه حق را برمی‌گزیند، مورد لطف خداوند قرار می‌گیرد- عام

۲) کسی که راه حق را برمی‌گزیند، مورد لطف خداوند قرار می‌گیرد- خاص

۳) خداوند در برابر اعمال انسان‌ها با فضل خود با بندگان رفتار می‌کند- عام

۴) خداوند در برابر اعمال انسان‌ها با فضل خود با بندگان رفتار می‌کند- خاص

■ **پاسخ گزینه «۱» صحیح است.** مطابق سنت «امداد الهی» که مفهوم قابل برداشت از آیه صورت سؤال است، خداوند امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌ها و هدف‌های هر دو گروه (نیکوکار و بدکار) را فراهم کرده است. یعنی: «کسی که راه حق را برمی‌گزیند، لوازم و امکانات رسیدن به حق را می‌یابد و مراتب کمال را می‌پیماید و کسی که فقط دنیا را انتخاب کرده و برای آن تلاش می‌کند همان را به دست می‌آورد. امداد عام الهی ناشی از لطف الهی است «نُمِدُّ... مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ» این سنت، هم نیکوکاران و هم بدکاران را شامل می‌شود و سنتی عام است.

۲۱۳- روایت شریف ﴿مَنْ يَعِشْ بِالْإِحْسَانِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَعِشُ بِالْأَعْمَارِ﴾ به سنت بیان شده در کدام آیه، اشاره نموده است؟

۱ ﴿أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾

۲ ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾

﴿۱﴾ لَا تَمُدُّ مَوْلَاكَ وَ هَوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا ﴿۱﴾

﴿۴﴾ وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ ﴿۴﴾

■ پاسخ گزینه «۴» صحیح است. روایت مورد نظر در صورت سؤال، بر سنت تأثیر اعمال انسان در زندگی او اشاره دارد که مفهوم قابل برداشت از آیه شریفه « وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ » است.

۲۱۴- اگر گفته شود: «سنت الهی، این است که هر کس، با اراده و اختیار خود، راه حق یا باطل را برگزیند، شرایطی برای او فراهم می‌شود تا در مسیری که در پیش گرفته، به پیش برود و سرشت خود را آشکار کند.» فهم پیام کدام آیه، ترسیم شده است؟

﴿۱﴾ وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَتَدْرِيْهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۱﴾

﴿۲﴾ كَلَّا نُمَدُّ هَؤُلَاءِ وَ هَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا ﴿۲﴾

﴿۳﴾ وَ لَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا ﴿۳﴾

﴿۴﴾ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا ﴿۴﴾

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است. این که هر کس، با اراده و اختیار خود، راه حق یا باطل را برمی‌گزیند، شرایطی برای او فراهم می‌شود تا در مسیری که در پیش گرفته، به پیش برود و سرشت خود را آشکار کند، مربوط به سنت امداد عام الهی است و با آیه شریفه گزینه دوم ارتباط دارد.

۲۱۵- قرآن کریم چه دلیلی را برای مهلت دادن خداوند به کافران و بدکاران بیان می‌کند؟

﴿۱﴾ « وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا »

﴿۲﴾ « إِنَّمَا نُمَلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا »

﴿۳﴾ « أَمْلِي لَهُمْ إِنْ كِيدِي مَتِينٌ »

﴿۴﴾ « سَتَدْرِيْهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ »

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است. در سنت امهال (املاء) الهی، خداوند به کافران و بدکاران فرصتی می‌دهد و آن‌ها این فرصت را وسیله بدکاری قرار می‌دهند. این موضوع پیام آیه شریفه « إِنَّمَا نُمَلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا » است.

۲۱۶- با توجه به آیه شریفه ﴿۱﴾ وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ﴿۱﴾ کدام عبارت، درست است؟

﴿۱﴾ جهاد در راه خدا یکی از بهترین راه‌های مبارزه با دشمنان خداست.

﴿۲﴾ پیروزی بر شرک و بت پرستی فقط با همراهی محسنین امکان پذیر است.

﴿۳﴾ یکی از جلوه‌های توفیق الهی، نصرت و هدایت به دنبال تلاش افراد است.

﴿۴﴾ نتیجه عمل هر کس به دست خودش می‌باشد ولی ثمره جهاد همواره پیروزی است.

■ پاسخ گزینه «۳» صحیح است. آیه شریفه صورت سؤال، به سنت امداد خاص الهی یا به عبارت دیگر، توفیق الهی اشاره می‌کند که بنا بر آن، در صورتی که فرد در راه خداوند تلاش کند، نصرت و هدایت الهی شامل حال او می‌گردد. «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا» (علت) ← « لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا » (معلول).

۲۱۷- منظور حدیث « إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ بِمَنْزِلِهِ كَقَهِّ الْمِيزَانِ كُلُّمَا زَيْدٌ فِي إِيمَانِهِ زَيْدٌ فِي بَلَائِهِ » از امام صادق (ع)، داشتن ایمان، دچار شدن به کدام نوع از سنت ابتلاء را در پی دارد و این موضوع با کدام آیه ارتباط معنایی دارد؟

﴿۱﴾ امتحان خاص - « أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ »

﴿۲﴾ امتحان خاص - « كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبَلُوكُمْ بِالْأَشْرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً »

﴿۳﴾ امتحان عام - « أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ »

﴿۴﴾ امتحان عام - « كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبَلُوكُمْ بِالْأَشْرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً »

■ پاسخ گزینه «۱» صحیح است. مطابق حدیث امام صادق (ع) و آیه «أَحْسِبُ النَّاسَ أَنْ يَبْعَثُوا أُمَّتًا وَ

هُمْ لَا يُقْتَنُونَ» ادعای ایمان، ورود به امتحان خاص الهی را به دنبال دارد.

۲۱۸- با توجه به آیات و مفاهیم قرآن کریم می‌توان دریافت در این کتاب آسمانی علاوه بر بازگشت انسان گناهکار

بازگشت مطرح شده است و آن بازگشت، بازگشت آرامش به قلب انسان است.

(۱) عبد- معلول (۲) معبود- معلول (۳) عبد- علت (۴) معبود- علت

■ پاسخ گزینه «۴» صحیح است. توبه در مورد بندگان، به معنای بازگشت از گناه به سوی خداوند و قرار گرفتن در

دامن عفو و غفران اوست. با بازگشت بنده گناهکار، خداوند نیز به سوی او بازمی‌گردد (علت) و درهای

رحمتش را به روی این بنده می‌گشاید و آرامش را به قلب او بازمی‌گرداند (معلول). بنابراین می‌توان

گفت علاوه بر بازگشت انسان، خداوند (معبود) نیز به سوی انسان برمی‌گردد.

۲۱۹- کدام روایت، بیانگر خروج گناهان از قلب و شست و شوی دل با توبه است و این عمل چه نام دارد؟

(۱) «التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ» - پیشمانی (۲) «التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ» - پیرایش

(۳) «الْمُسْتَغْفِرُ مِنَ الذَّنْبِ وَيَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَهِزِّي بِرَبِّهِ» - تخلیه (۴) «الْمُسْتَغْفِرُ مِنَ الذَّنْبِ وَيَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَهِزِّي بِرَبِّهِ» - استغفار

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است. حدیث «التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ» بیانگر خروج گناهان از قلب و شست

و شوی دل با توبه است و این عمل پیرایش یا تخلیه نام دارد.

۲۲۰- دروغ، ظلم پذیری، غیبت و رباخواری، به ترتیب از گناهان و بوده و راه اصلاح و

معالجه جامعه از این بیماری‌ها انجام است.

(۱) فردی- اجتماعی- فردی- اجتماعی- توبه فردی و اجتماعی

(۲) فردی- فردی- اجتماعی- اجتماعی- توبه فردی و اجتماعی

(۳) فردی- فردی- اجتماعی- اجتماعی- امر به معروف و نهی از منکر

(۴) فردی- اجتماعی- فردی- اجتماعی- امر به معروف و نهی از منکر

■ پاسخ گزینه «۴» صحیح است. دروغ ← گناه فردی؛ ظلم پذیری ← گناه اجتماعی؛ غیبت ← گناه فردی؛

رباخواری ← گناه اجتماعی. راه اصلاح و معالجه جامعه از بیماری‌های اجتماعی نظیر رباخواری و ظلم پذیری، انجام

فریضه امر به معروف و نهی از منکر است.

۲۲۱- مفهوم این سخن امام رضا (ع) که فرموده است: «الْمُسْتَغْفِرُ مِنَ الذَّنْبِ وَيَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَهِزِّي بِرَبِّهِ» آن جا

محقق می‌شود که واقعیت نیافته باشد.

(۱) تصمیم بر تکرار نکردن گناه

(۲) جبران حقوق مردم

(۳) پیشمانی از گذشته گناه آلود

(۴) جبران حقوق مسلم خالق متعال

■ پاسخ گزینه «۱» صحیح است. امام رضا (ع) در خصوص عدم تکرار گناه (تصمیم بر تکرار نکردن

گناه) می‌فرماید: «الْمُسْتَغْفِرُ مِنَ الذَّنْبِ وَيَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَهِزِّي بِرَبِّهِ» کسی که از گناه استغفار کرده در حالی

که آن را انجام می‌دهد، همانند کسی است که پروردگارش را مسخره کرده است.»

۲۲۲- «بازگشت آرامش به قلب انسان» و «بازگشت انسان از گناه به سوی فرمان برداری از خداوند» به ترتیب توبه

..... را ترسیم می‌کند که مفهوم دوم از دقت در پیام عبارت به دست می‌آید.

(۱) معبود- عبد «الْمُسْتَغْفِرُ مِنَ الذَّنْبِ وَيَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَهِزِّي بِرَبِّهِ»

(۲) عبد- معبود- «الْمُسْتَغْفِرُ مِنَ الذَّنْبِ وَيَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَهِزِّي بِرَبِّهِ»

(۳) عبد- معبود- «التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ»

(۴) معبود- عبد- «التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ»

«پاسخ گزینه «۴» صحیح است.» بازگشت آramش به قلب انسان» و «بازگشت انسان از گناه به سوی فرمان برداری از خداوند» به ترتیب توبهٔ معبود (خداوند) و عبد (بنده) را ترسیم می‌کند که مفهوم توبهٔ عبد، از عبارت شریفهٔ «التائبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ» برداشت می‌شود.

۲۲۳- انسان تائب، تصمیم جدی بر تکرار نکردن نافرمانی از خدا دارد تا به مفهوم عبارت شریفهٔ گرفتار نگردد.

۱) ﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ﴾ (۲) ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ﴾

۳) ﴿الْمُسْتَغْفِرُ مِنَ الذَّنْبِ وَيَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَغْفِرِ بِرَبِّهِ﴾ (۴) ﴿التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ﴾

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** تصمیم بر عدم تکرار گناه، مفهومی است که نتیجهٔ سرپیچی از آن در حدیث «الْمُسْتَغْفِرُ مِنَ الذَّنْبِ وَيَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَغْفِرِ بِرَبِّهِ» وجود دارد.

۲۲۴- به ترتیب کدام یک از اعمال مستحب و کدام واجب است؟

۱) پیش قدم شدن در بازی برای سلامت اخلاق- سلامتی جسم و جان با ورزش و بازی‌های ورزشی افزایش یابد.

۲) پیش قدم شدن در بازی برای سلامت اخلاق- فراهم کردن امکانات ورزش اگر برای دوری از فساد ضرورت یابد.

۳) اهدای جایزه توسط نهادها و افراد به ورزشکاران- سلامتی جسم و جان با ورزش و بازی‌های ورزشی افزایش یابد.

۴) اهدای جایزه توسط نهادها و افراد به ورزشکاران- فراهم کردن امکانات ورزش اگر برای دوری از فساد ضرورت یابد.

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** پیش قدم شدن در بازی و ورزش برای سلامت اخلاقی و تقویت رابطهٔ صمیمانه میان خویشان و همسایگان ← مستحب و دارای پاداش أُخروی. اهدای جایزه توسط نهادها و سازمان‌ها به ورزشکاران ← جایزه. فراهم کردن امکانات ورزشی اگر به قصد دوری از فساد ضرورت داشته باشد ← واجب کفایی.

۲۲۵- به کارگیری آلات موسیقی برای نواختن موسیقی کلاسیک لهوی و غیرلهوی به ترتیب، دارای کدام حکم است؟

۱) حرام- حرام (۲) حرام- بلااشکال (۳) بلااشکال- حرام (۴) بلااشکال- بلااشکال

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** استفاده از آلات نواختن موسیقی برای نواختن موسیقی کلاسیک، سنتی و مدرن جایز (بلااشکال) است و فقط آن نوع موسیقی که بی بند و باری و شهوت را تقویت و تحریک می‌کند و مناسب مجالس لهو و لعب است حرام می‌باشد.

۲۲۶- هر یک از موارد «دادن جایزه به ورزشکاران توسط سازمان‌ها، نهادها و افراد»، «به کارگیری آلات موسیقی برای نواختن موسیقی لهوی» و تولید فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی به نیت اعتلای فرهنگ اسلامی و نیز در صورت ضرورت» به ترتیب چه حکمی دارند؟

۱) جایز- حرام- مستحب- واجب

۳) جایز- حرام- مستحب- واجب کفایی

۴) مستحب- جایز- واجب- واجب

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** دادن جایزه به ورزشکاران ← جایز. به کارگیری آلات موسیقی برای نواختن موسیقی لهوی ← حرام. تولید فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی به نیت اعتلای فرهنگ اسلامی ← مستحب (در صورت ضرورت ← واجب کفایی).

۲۲۷- در زمینهٔ احکام مربوط به ورزش، بازی و بازی‌های ورزشی که برای نشاط، سلامتی و تقویت جسم و روح انجام می‌شود، اگر به قصد آمادگی بیشتر برای انجام وظایف الهی باشد چه حکمی دارد و اگر برای دور شدن افراد جامعه از فساد و بی بند و باری ضرورت یابد، فراهم کردن امکانات آن چه حکمی دارد؟

۱) مستحب- واجب کفایی (۲) مستحب- مستحب (۳) واجب کفایی- واجب (۴) واجب- واجب کفایی

■ **پاسخ گزینه «۱» صحیح است.** بازی و بازی‌های ورزشی اگر به قصد آمادگی بیشتر برای انجام وظایف الهی باشد، مستحب است و اگر برای دور شدن از فساد و بی بند و باری ضرورت یابد، فراهم کردن امکانات آن واجب کفایی است.

۲۲۸- «شرط بندی در بازی‌ها و ورزش‌های معمولی» و «دادن جایزه توسط افراد به ورزشکاران» به ترتیب چه حکمی دارد؟

(۱) حرام- مکروه (۲) حرام- جایز (۳) بلااشکال- جایز (۴) بلااشکال- مکروه

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است. شرط بندی در بازی‌ها و ورزش‌های معمولی نیز حرام است. دادن جایزه توسط افراد یا نهادها به ورزشکاران بلااشکال و جایز است.

۲۲۹- تولید فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی، مستند علمی و ... در شرایط ویژه و تولید پایگاه‌های اینترنتی توسط افراد توانمند مالی و فنی، به ترتیب چگونه حکمی دارد؟

(۱) مستحب- واجب (۲) واجب کفایی- واجب (۳) واجب کفایی- مستحب (۴) مستحب- مستحب

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است. تولید فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی، مستند علمی، تاریخی و اجتماعی که به نیت اعتلای فرهنگ اسلامی و تربیت دینی باشد، مستحب و در شرایط ویژه، واجب کفایی است. تولید شبکه‌های اجتماعی و پایگاه‌های اینترنتی به منظور اشاعه فرهنگ اسلامی و مقابله با تفکرات کفرآمیز مستحب و در مواردی برای افرادی که توانایی مالی، فنی و علمی آن را دارند، واجب است.

۲۳۰- استفاده از موسیقی مدرن غیرلهوی و شرکت در مجالسی که سبب تقویت صلۀ رحم می‌شود و پوشش مناسب در آن رعایت نمی‌شود، به ترتیب چه حکمی دارد؟

(۱) حرام- مستحب (۲) حرام- جایز نیست (۳) حلال- مستحب (۴) حلال- جایز نیست

■ پاسخ گزینه «۴» صحیح است. استفاده از موسیقی غیرلهوی جایز و حلال است، خواه موسیقی سنتی و کلاسیک باشد و خواه غیرسنتی و مدرن. شرکت در مجالسی که سبب تقویت صلۀ رحم می‌شود مستحب است اما به شرطی که در آن احکام اسلامی مانند پوشش مناسب خانم‌ها رعایت شود.

۲۳۱- اعمالی مانند بازی‌ها و ورزش‌ها در چه صورتی مستحب بوده و دارای پاداش أُخروی است و چه زمانی فراهم کردن امکانات آن‌ها واجب است؟

- ۱) بازیکنان ظواهر و آداب اسلامی را رعایت نمایند- برای دور شدن جامعه از فساد ضرورت یابد.
- ۲) بازیکنان ظواهر و آداب اسلامی را رعایت نمایند- از شرط بندی حتی بدون قصد قمار پرهیز شود.
- ۳) اگر به قصد آمادگی برای انجام وظایف الهی باشد- برای دور شدن جامعه از فساد ضرورت یابد.
- ۴) اگر به قصد آمادگی برای انجام وظایف الهی باشد- از شرط بندی حتی بدون قصد قمار پرهیز شود.

■ پاسخ گزینه «۳» صحیح است. اسلام نه تنها مردم را به ورزش کردن تشویق می‌کند بلکه اگر ورزش به قصد آمادگی برای انجام وظایف الهی باشد، آن را مستحب و دارای پاداش أُخروی می‌داند. هم چنین اگر ورزش و بازی‌های ورزشی برای دور شدن افراد جامعه از فساد و بی بند و باری ضرورت یابد، فراهم کردن امکانات آن واجب کفایی است.

۲۳۲- در دنیای امروزی چه عاملی به عنوان آفت اقتصادی معرفی می‌شود و مسئولین کشور مطابق با قاعده نفی سبیل برای بهبود وضعیت اقتصادی، چه تلاشی باید بکنند؟

- ۱) مصرف گرایی- حرکت به سمت عمران و آبادانی و در عین حال دوری از دنیازدگی و تجمل گرایی
- ۲) واسطه گری- حرکت به سمت عمران و آبادانی و در عین حال دوری از دنیازدگی و تجمل گرایی
- ۳) مصرف گرایی- استقلال اقتصادی و عدم سلطه و نفوذ بیگانگان
- ۴) واسطه گری- استقلال اقتصادی و عدم سلطه و نفوذ بیگانگان

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** آن چه آفت اقتصادی در دنیای امروز است، مصرف گرایی و تجمل گرایی است که یکی از مسببین افزایش آسیب آن، واسطه گری است. عدم تسلط و نفوذ بیگانگان و کفّار بر مسلمانان در هر زمینه‌ای باشد، خواه سیاسی و نظامی و خواه اجتماعی و اقتصادی، مطابق با قاعده نفی سبیل خواهد بود. بنابراین استقلال اقتصادی و عدم سلطه و نفوذ بیگانگان، از وظایف مسئولین کشور، مصداق بارز قاعده نفی سبیل است.

۲۳۳- «دوری از مدگرایی و تجمل در پوشش» چه حکمی دارد و مسبب این حکم چه موضوعی است؟

- ۱) مستحب- زیرا توجه بیش از حد به ظاهر و تجمل گرایی، موجب غفلت انسان از یاد خدا می‌شود.
- ۲) واجب- زیرا توجه بیش از حد به ظاهر و تجمل گرایی، موجب غفلت انسان از یاد خدا می‌شود.
- ۳) مستحب- زیرا ممکن است در محیط زندگی ما، افرادی بی بضاعت زندگی کنند که زندگی تجملی دیگران غم و اندوه آنان را به دنبال داشته باشد.
- ۴) واجب- زیرا ممکن است در محیط زندگی ما، افرادی بی بضاعت زندگی کنند که زندگی تجملی دیگران غم و اندوه آنان را به دنبال داشته باشد.

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** ممکن است در محیط زندگی ما، مانند مدرسه، محله و محیط کار افراد بی بضاعت زندگی کنند که زندگی تجملی دیگران غم و اندوه آنان را به دنبال داشته باشد. از این رو مستحب است از مدگرایی و تجمل در پوشش دوری کرده و ساده زیستی پیشه کنیم.

۲۳۴- «ورزش به قصد آمادگی برای انجام وظایف الهی» چه حکمی دارد و کدام عمل از مصادیق مهم عمل صالح و از واجبات کفایی است؟

- ۱) مستحب- تولید فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی به نیت اعتلای فرهنگ اسلامی و تربیت دینی
 - ۲) مستحب- تولید فیلم و انواع آثار هنری به منظور گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و مبارزه با تهاجم فرهنگی
 - ۳) واجب کفایی- تولید فیلم و انواع آثار هنری به منظور گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و مبارزه با تهاجم فرهنگی
 - ۴) واجب کفایی- تولید فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی به نیت اعتلای فرهنگ اسلامی و تربیت دینی
- **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** ورزش به قصد آمادگی برای انجام وظایف الهی ← مستحب و دارای پاداش اخروی. تولید فیلم و سایر آثار هنری به منظور گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و مبارزه با تهاجم فرهنگی ← واجب کفایی.

۲۳۵- «پیش قدمی در برگزاری بازی‌های دسته جمعی برای تقویت رابطه صمیمانه میان خویشان» چگونه عملی است و شرط بندی در چنین بازی‌هایی، دارای چه حکمی است؟

- ۱) دارای پاداش اخروی- مکروه ۲) واجب کفایی- مکروه ۳) دارای پاداش اخروی- حرام ۴) واجب کفایی- حرام
- **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** کسانی که برای تقویت رابطه صمیمانه میان خویشان و همسایگان و سلامت اخلاقی افراد خانواده در برگزاری بازی‌ها و ورزش‌های دسته جمعی پیش قدم می‌شوند، از پاداش اخروی بهره مند خواهند شد. هم چنین، انجام قمار و شرط بندی، حتی در بازی‌ها و ورزش‌های معمولی نیز حرام است.

۲۳۶- شرط بندی چگونه امری است و انجام آن دارای چه حکمی است؟

- ۱) امری زیان آور برای روح و اجتماع- در بازی‌ها و ورزش‌های معمولی جایز است.
- ۲) امری زیان آور برای روح و اجتماع- در بازی‌ها و ورزش‌های معمولی نیز حرام است.
- ۳) امری زیان آور برای روح فرد- در بازی‌ها و ورزش‌های معمولی جایز است.
- ۴) امری زیان آور برای روح فرد- در بازی‌ها و ورزش‌های معمولی نیز حرام است.

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** شرط بندی از امور زیان آور روحی و اجتماعی است و انجام آن، حتی در بازی‌ها و ورزش‌های معمولی نیز حرام است.

۲۳۷- «تولید فیلم به نیت اعتلای فرهنگ اسلامی و تربیت دینی»، «تولید فیلم به منظور گسترش فرهنگی و معارف

اسلامی» و «شرکت در جشن‌های مذهبی و ملی» به ترتیب چه حکمی دارند؟

(۱) واجب کفایی- مستحب- جایز

(۲) مستحب- واجب کفایی- جایز

(۳) واجب کفایی- مستحب- مستحب

(۴) مستحب- واجب کفایی- مستحب

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است. تولید فیلم به نیت اعتلای فرهنگ اسلامی و تربیت دینی ← مستحب.

تولید فیلم به منظور گسترش فرهنگ و معارف اسلامی ← واجب کفایی.

شرکت در جشن‌های ملی و مذهبی (به شرط رعایت قوانین اسلامی) ← جایز.

۲۳۸- نتیجه سهل انگاری در عمل و بی توجهی به احکام خداوند و عاقبت آن، در کدام آیه شریفه بیان شده است؟

(۱) ﴿اَسْسُ بُنْيَانَهُ عَلٰی شَفَا جُرْفٍ هَاۗرٍ فَاَنهَارَۗ بِهٖ فِی نَارٍ جَهَنَّمَۗ﴾

(۲) ﴿اِنَّ اَصَابَتَهُ فِئْتَهُۥ فَانْقَلَبَ عَلٰی وَّجْهِهِۦ خَسِرَ الدُّنْيَا وَّ اَلْآخِرَةَۗ ذٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِیْنُۗ﴾

(۳) ﴿ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمْت اٰیْدِیْكُمْ وَّ اَنَّ اللّٰهَ لَسَۢ بِظُلَامٍ لِّلْعَبِیْدِۗ﴾

(۴) ﴿وَّ اَمَلِیْ لَہُمْ اِنَّ کَیْدِیْۗ مَتِیْنٌۗ﴾

■ پاسخ گزینه «۱» صحیح است. در آیه شریفه ﴿اَسْسُ بُنْيَانَهُ عَلٰی شَفَا جُرْفٍ هَاۗرٍ فَاَنهَارَۗ بِهٖ فِی نَارٍ جَهَنَّمَۗ﴾ به

نتیجه سهل انگاری و بی توجهی به احکام خداوند اشاره شده و فرو افتادن در آتش دوزخ را نتیجه این عمل می‌داند.

۲۳۹- در کدام یک از آیات زیر، قرآن کریم رمز سعادت و رستگاری انسان‌ها را بیان نموده است؟

(۱) ﴿وَالَّذِیْنَ جَاهَدُوْا فِیْنَا لَنَهْدِیْہُمْ سُبُلَنَا وَاِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِیْنَۗ﴾

(۲) ﴿اَفَمَنْ اَسْسُ بُنْيَانَهُ عَلٰی تَقْوٰیۗ مِّنَ اللّٰهِ وَّ رِضْوَانٍۗ خَیْرٌۗ...﴾

(۳) ﴿قَدْ اَفْلَحَۗ مَنْ زَكَّاهَاۗ﴾

(۴) ﴿قَدْ جَاءَکُمْ بَصٰۗئِرٌۗ مِّنْ رَّبِّکُمْۗ فَمَنْ اَبْصَرَ فَلِنَفْسِہٖۗ﴾

■ پاسخ گزینه «۳» صحیح است. قرآن کریم رمز سعادت و رستگاری انسان‌ها را تزکیه نفس می‌داند که در آیه

شریفه «قَدْ اَفْلَحَۗ مَنْ زَكَّاهَاۗ» به یقین هر کس خود را تزکیه کرد، رستگار شد» به این موضوع اشاره دارد.

۲۴۰- در رابطه با کدام یک از موارد زیر در دین مبین اسلام حکم بر واجب کفایی بودن آن عمل نداده است؟

(۱) تولید فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی، مستند علمی، تاریخی و اجتماعی که برای اعتلای فرهنگ اسلامی و تربیت

دینی، ضرورت یافته باشد.

(۲) بازی، ورزش و بازی‌های ورزشی که برای نشاط، سلامتی و تقویت جسم و روح انجام می‌شود و به قصد آمادگی

بیشتر برای انجام وظایف الهی است.

(۳) فراهم کردن امکانات برای ورزش و بازی‌های ورزشی اگر برای دور شدن افراد جامعه از فساد و بی بند و باری‌های

دنیای کنونی ضرورت یابد.

(۴) تولید، توزیع و تبلیغ فیلم‌ها، لوح‌های فشرده مجلات و ... به منظور گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و مبارزه با

تهاجم فرهنگی.

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است. بازی، ورزش و بازی‌های ورزشی اگر به قصد آمادگی بیشتر برای انجام وظایف

الهی باشد، مستحب است. موارد دیگر، همگی واجب کفایی هستند.

۲۴۱- خداوند کریم در فرمایشی به پیامبر اکرم (ص) آن نعمتی را که نه چشمی آن را دیده، نه گوشی آن را شنیده و

نه به ذهن کسی ظهور کرده است را مختص کدام گروه از بندگان خود می‌داند و مانع بزرگ رسیدن به این

نعمت‌ها چیست؟

(۱) مؤمنین- ترک واجبات (۲) نیکوکاران- ترک واجبات (۳) مؤمنین- ترک مستحبات (۴) نیکوکاران- ترک مستحبات

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** خداوند به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «برای بندگان نیکوکارم چیزهایی ذخیره کرده‌ام که نه چشمی دیده، نه گوشی شنیده و نه به ذهن کسی خطور کرده است.»
هم چنین می‌دانیم که گناه مانع بزرگی برای رسیدن به آخرت و وعده‌های بهشتی خداوند است و نیز ترک واجبات از مصادیق بارز انجام گناه است.

۲۴۲- دلیل حرمت قمار، در آیه **يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ... ﴿۳۰﴾** چه چیز است و در صورتی که قمار در بازی‌ها و ورزش‌های معمولی انجام شود، چه حکمی دارد؟

- (۱) ضرر مالی یکی از طرفین - حرام است.
(۲) مصلحت اندیشی خداوند در حق بندگان - جایز است.
(۳) مصلحت اندیشی خداوند در حق بندگان - حرام است.
(۴) ضرر مالی یکی از طرفین - جایز است.

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** دلیل مخالفت اسلام با شراب و قمار نه سود و زیان مادی آن که بیشتر بودن ضرر و گناه آن است و در واقع خداوند خیر و مصلحت بندگان را در نظر گرفته است. شرط بندی و قمار حتی در ورزش‌ها و بازی‌های معمولی حرام است.

۲۴۳- از ضررهای قمار علاوه بر بیهوده بودن، کدام مورد است و کدام آیه شریفه به آن اشاره دارد؟

- (۱) ایجاد کینه و دشمنی - «وَ اِنَّهُمَا اَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (۲) ایجاد کینه و دشمنی - «اِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلاً»
(۳) از بین بردن پول و ثروت - «وَ اِنَّهُمَا اَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (۴) از بین بردن پول و ثروت - «اِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلاً»

■ **پاسخ گزینه «۱» صحیح است.** قمار، علاوه بر بیهوده بودن، میان برنده و بازنده کینه و دشمنی ایجاد می‌کند، زیرا یک نفر به راحتی پول دیگری را می‌برد و نفر دیگر مال خود را از دست می‌دهد.
قرآن کریم در این باره می‌فرماید: **يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا اِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَ اِنَّهُمَا اَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا:** از تو درباره شراب و قمار می‌پرسند، بگو این دو گناه کبیره به حساب می‌آیند و گرچه در این دو منفعت‌هایی برای مردم است، اما گناه آن‌ها بزرگ‌تر از منفعتشان است.

۲۴۴- راهکار قرآن و اسلام برای مقابله با زنا کدام است و کدام آیه به آن اشاره دارد؟

- (۱) توجه دادن به ضررهای آن - «اِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلاً»
(۲) گناه کبیره خواندن آن - «قُلْ فِيهِمَا اِثْمٌ كَبِيرٌ»
(۳) گناه کبیره خواندن آن - «اِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلاً»
(۴) توجه دادن به ضررهای آن - «قُلْ فِيهِمَا اِثْمٌ كَبِيرٌ»

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** قرآن کریم، در همان زمان نزول که عمل زنا فراوان بود، مقابل آن ایستاد و آن را گناهی کبیره شمرد و راه‌های آسان و بدون گناه برای ارتباط جنسی پیشنهاد داد، سوره اسراء، در این باره می‌گوید:
«وَ لَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ اِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلاً: به زنا نزدیک نشوید، قطعاً آن عملی بسیار زشت و راهی ناپسند است.»

۲۴۵- خداوند در قرآن کریم، کدام عمل را موصوف به «عملی بسیار زشت و راهی ناپسند» نموده است و کمک گرفتن از علوم ناچیز انسانی برای به دست آوردن حکمت دستورات خداوند چگونه امری است؟

- (۱) قمار - تلاشی بیهوده که راه به جایی نمی‌برد.
(۲) قمار - تلاشی خوب و ارزشمند
(۳) زنا - تلاشی خوب و ارزشمند
(۴) زنا - تلاشی بیهوده که راه به جایی نمی‌برد.

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** مطابق آیه ۳۳ سوره اسراء «وَ لَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ اِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلاً»، زنا عملی بسیار زشت و راهی ناپسند است. هم چنین، گاهی انسان از علوم مختلف کمک می‌گیرد تا حکمت دستورات خداوند را به دست آورد. این یک تلاش خوب و ارزشمند است؛ اما باید توجه داشته باشیم که آن چه ما کشف می‌کنیم، در برابر علم بی‌نهایت الهی که وضع‌کننده این احکام است، بسیار ناچیز است.

۲۴۶- امر تزکیه نفس، با کدام موضوع آغاز شده و با چه چیزی تداوم می‌یابد و کدام آیه شریفه، به این امر اشاره دارد؟

۱) عمل به دستورات خداوند- توبه از گناهان- «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا»

۲) عمل به دستورات خداوند- توبه از گناهان- «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»

۳) توبه از گناهان- عمل به دستورات خداوند- «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا»

۴) توبه از گناهان- عمل به دستورات خداوند- «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»

■ **پاسخ گزینه ۳ صحیح است.** تزکیه نفس زمانی اتفاق می‌افتد که نفس ما از آلودگی‌ها پاک شود. این کار با توبه از گناهان آغاز می‌شود؛ اما برای **تداوم** پاک ماندن جان و دل انسان، می‌بایست علاوه بر توبه به دستوراتی که خداوند فرموده است عمل نمود. آیه شریفه «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا»، به امر تزکیه نفس اشاره دارد.

۲۴۷- انسانی که نگران عاقبت کار خود است، برطرف شدن نگرانی‌های خود را در چه چیزی می‌یابد و این موضوع قابل برداشت از کدام آیه شریفه است؟

۱) تکیه به خداوند و اعتماد به دستورات او- «أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ...»

۲) تکرار مداوم یاد معاد و روز حساب- «أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ...»

۳) تکیه به خداوند و اعتماد به دستورات او- «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا»

۴) تکرار مداوم یاد معاد و روز حساب- «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا»

■ **پاسخ گزینه ۱ صحیح است.** هر کس که نگران عاقبت کار خود است به روشنی درمی‌یابد که تکیه بر خداوند و اعتماد به دستورات او، هرگونه نگرانی نسبت به آینده را از بین می‌برد. در غیر این صورت، آینده‌ای غیرقابل اعتماد در انتظار اوست. **خداوند در سوره توبه با هشدار دادن به این مطلب می‌فرماید:** «أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَقَا حَرْفٍ هَارٍ فَانهَارَ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ».

۲۴۸- پیامبر گرامی اسلام (ص) مبعوث شد تا و مردم را به سوی زندگی مبتنی بر سوق دهد، لذا اولین آیاتی که بر ایشان نازل شد درباره بود.

۱) جامعه را متحول کند- تفکر و علم- دانش و آموختن (۲) کفر و شرک را نابود کند- تفکر و علم- دانش و آموختن

۳) جامعه را متحول کند- عدل و قسط- توحید و عدل (۴) کفر و شرک را نابود کند- عدل و قسط- توحید و عدل

■ **پاسخ گزینه ۱ صحیح است.** پیامبر گرامی اسلام (ص) مبعوث شد تا جامعه را متحول کند و مردم را به سوی زندگی مبتنی بر تفکر و علم سوق دهد، لذا اولین آیاتی که بر ایشان نازل شد، درباره دانش و آموختن بود.

۲۴۹- آیاتی که آغازگر رسالت پیامبر اکرم (ص) شد، در چه رابطه‌ای بود و تلقی شدن زن به عنوان موجود درجه دوم در اروپا، ناشی از آموزه‌های تحریف گشته کدام کتاب است؟

۱) توحید- تورات (۲) علم و دانش- تورات (۳) توحید- انجیل (۴) علم و دانش- انجیل

■ **پاسخ گزینه ۲ صحیح است.** پیامبر اکرم (ص) آمد تا جامعه جاهلی را متحول کند و مردم را به سوی زندگی مبتنی بر تفکر و علم سوق دهد. اولین آیاتی که بر رسول خدا (ص) نازل شد و آغازگر رسالت وی بود، درباره دانش و آموختن بود. در عصرهای گذشته و حتی تا همین دوره‌های اخیر، در اروپا زن را بر اساس آموزه‌های تحریف شده تورات، موجود درجه دوم تلقی می‌کردند و آیات قرآنی با این نگاه مبارزه کرد.

۲۵۰- اولین آیاتی که بر نبی مکرم اسلام صلوات الله علیه نازل شد، درباره چه موضوعی بوده و کدام سخن از ایشان به همین موضوع دعوت می‌کند؟

۱) توجه به علم آموزی- «طلب علم بر هر مرد و زن مسلمان فریضه است.»

۲) توحید و یکتاپرستی- «ای مردم بگویند «معبودی جز الله نیست» تا رستگار شوید.»

۳) احیای ارزش‌های دین- «بهترین زنان جهان چهار تن‌اند: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه (س)»

۴) پذیرش ولایت الهی و انزجار از طاغوت- «برترین جهاد سخن حقی است که انسان در مقابل سلطانی ستمگر بر زبان آورد.»

■ پاسخ گزینه «۱» صحیح است. اولین آیاتی که بر رسول خدا (ص) نازل شد و آغازگر رسالت وی بود، درباره دانش و آموختن بود؛ رسول اکرم (ص) در اهمیت علم و علم آموزی می‌فرماید: «طلب علم بر هر مرد و زن مسلمان فریضه است.»

۲۵۱- در تمدن اصیل اسلامی، چه چیزی «مانع اصلی فساد و تباهی» در نظر گرفته می‌شود و پیامبر (ص) در باره کدام شخصیت بزرگوار فرموده‌اند که «خداوند از خشنودی او خشنود گشته و از خشمش به خشم می‌آید»؟

- (۱) خانواده- امام علی (ع)
(۲) عدالت اجتماعی- امام علی (ع)
(۳) خانواده- حضرت فاطمه (س)
(۴) عدالت اجتماعی- حضرت فاطمه (س)

■ پاسخ گزینه «۳» صحیح است. یکی از اهداف مهم پیامبر اکرم (ص)، ارتقای جایگاه خانواده، به عنوان کانون رشد و تربیت انسان‌ها و مانع اصلی فساد و تباهی بود. احیای منزلت زن و ارزش‌های اصیل او از عناصر اصلی این برنامه به شمار می‌رفت. پیامبر اکرم (ص) درباره حضرت فاطمه (س) می‌فرماید: «خداوند از خشنودی فاطمه خشنود و از خشمش به خشم می‌آید.»

۲۵۲- قرآن کریم، به ترتیب به چه افرادی ویژگی‌های «قرار دادن حقی معین در مال خود برای محرومان و فقیران» و «راندن یتیمان از خود و عدم تشویق دیگران به اطعام مساکین» را نسبت داده است؟

- (۱) نمازگزاران- ترک کنندگان نماز
(۲) تقوایبشگان- ترک کنندگان نماز
(۳) تقوایبشگان- تکذیب کنندگان دین
(۴) نمازگزاران- تکذیب کنندگان دین

■ پاسخ گزینه «۴» صحیح است. قرآن کریم در آن جا که اوصاف نمازگزاران را بیان می‌کند، یکی از ویژگی‌ها آن‌ها را این گونه ذکر می‌کند که آنان در مال خود برای محرومان و فقیران نیز حق معینی قرار داده‌اند و آن جا که می‌خواهد تکذیب کنندگان دین را معرفی کند، از کسانی یاد می‌کند که یتیمان را از خود می‌رانند و دیگران را به اطعام مساکین تشویق نمی‌نمایند.

۲۵۳- اولین آیاتی که بر رسول خدا (ص) نازل شد تا رسالتش را آغاز کند، درباره چه موضوعی بود و پیامبر گرامی اسلام (ص) در این رابطه چه فرمودند؟

- (۱) دانش و آموختن- طلب علم بر هر مرد و زن مسلمان فریضه است.
(۲) یکتاپرستی و وحدت- اعتقاد به توحید پایه وحدت مسلمانان است.
(۳) یکتاپرستی و وحدت- مسلمانانی که بین مردم تفرقه می‌اندازند، از ما نیستند.
(۴) دانش و آموختن- کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسان نیستند.

■ پاسخ گزینه «۱» صحیح است. اولین آیات نازل گشته بر رسول اکرم (ص) درباره «دانش و آموختن» بود و ایشان درباره این موضوع می‌فرمایند: «طلب علم بر هر مرد و زن مسلمان فریضه است.»

۲۵۴- مبارزه با مظاهر جهل و خرافات که یکی از اهداف تمدن متعالی اسلامی است، از دقت در کدام آیه شریفه مفهومی می‌گردد؟

- (۱) ﴿وَمِنَ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾
(۲) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾
(۳) ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾
(۴) ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَئِكَ الْأَلْبَابِ﴾

■ پاسخ گزینه «۴» صحیح است. آیه شریفه ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَئِكَ الْأَلْبَابِ﴾ به مبارزه با مظاهر جهل و خرافات، که یکی از اهداف تمدن متعالی اسلامی است، اشاره دارد.

حقیقت مطرح شده در کدام آیه شریفه آشنا ساخت؟

۱) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ...﴾

۲) ﴿إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا﴾

۳) ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾

۴) ﴿إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** عبارت به کار رفته در صورت سؤال، بیانگر اعتقاد به معاد، از معیارهای تمدن اسلامی،

است که پیام قابل برداشت از آیه شریفه «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ» است.

۲۵۶- آن گاه که قرآن کریم، به تبیین اوصاف نمازگزاران می‌پردازد، به ترسیم کدام معیار برپایی حکومت اسلامی

پرداخته است و کدام آیه شریفه، بیانگر همین موضوع است؟

۱) اعتقاد به توحید و یگانگی خداوند- ﴿قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

۲) برپایی جامعه بر اساس قسط- ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ﴾

۳) برپایی جامعه بر اساس قسط- ﴿قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

۴) اعتقاد به توحید و یگانگی خداوند- ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ﴾

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** قرآن کریم، در آن جا که اوصاف نمازگزاران را بیان می‌کند، یکی از ویژگی‌های

آن‌ها را این گونه ذکر می‌کند که آنان در مال خود برای محرومان و فقیران نیز حق معینی قرار داده‌اند، به عبارت دیگر

ویژگی آن‌ها را پرداختن به قسط و عدل و رفع تبعیض طبقاتی بیان می‌کند که در معیارهای برپایی تمدن اسلامی نیز،

این **عدالت محوری و حق طلبی** وجود دارد، قرآن کریم نیز در این باره می‌گوید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا

مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»

۲۵۷- این حدیث پیامبر اکرم (ص) درباره دختر گرامیشان فاطمه زهرا (س)، که «خداوند از خشنودی فاطمه خشنود

و از خشمش به خشم می‌آید»، بیانگر کدام معیار برپایی تمدن اسلامی بوده و کدام آیه مؤید آن است؟

۱) ارتقای ارزش خانواده و احیای منزلت زن- ﴿جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً﴾

۲) ارتقای ارزش خانواده و احیای منزلت زن- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخَذُوا عَدُوِّي وَ عَدُوِّكُمْ أَوْلِيَاءَ...﴾

۳) دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان او- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخَذُوا عَدُوِّي وَ عَدُوِّكُمْ أَوْلِيَاءَ...﴾

۴) دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان او- ﴿جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً﴾

■ **پاسخ گزینه «۱» صحیح است.** رفتار رسول خدا (ص) با دخترشان و سخنان آن حضرت درباره ایشان، نشانگر آن بود

که یکی از اهداف و معیارهای برپایی جامعه اسلامی و تمدن الهی، اهمیت به منزلت زن و جایگاه خانواده است، قرآن کریم در

تبیین این معیار، می‌گوید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً».

۲۵۸- پیام کدام آیه، مبین ویژگی تمدن اسلامی در «مبارزه با شرک» می‌باشد؟

۱) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾

۲) ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾

۳) ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾

۴) ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** آیه شریفه «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ

رَبِّهِمْ» به مبارزه با شرک و دعوت به یکتاپرستی و یادآوری معاد می‌پردازد.

يَحْزَنُونَ﴾ ناظر بر کدام یک از معیارهای تمدن اسلامی و بیانگر کدام یک از آثار اعتقاد به معاد است؟

- (۱) توحیدمحوری و آخرت گرایی - نهراسیدن از مرگ و آمادگی برای فداکاری در راه خدا
- (۲) توحیدمحوری و آخرت گرایی - باز شدن پنجره امید و روشنائی به سوی انسان
- (۳) حق خواهی و باطل ستیزی - نهراسیدن از مرگ و آمادگی برای فداکاری در راه خدا
- (۴) حق خواهی و باطل ستیزی - باز شدن پنجره امید و روشنائی به سوی انسان

■ پاسخ گزینه «۲» صحیح است. رسول خدا (ص) در کنار دعوت به توحید «آمَنَ بِاللَّهِ»، افق نگاه انسان‌ها را از محدوده زندگی دنیایی فراتر برد و آنان را با زندگی در آخرت «وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» آشنا کرد. با اعتقاد به معاد، زندگی از بن بست بیرون می‌آید و پنجره امید و روشنائی به روی انسان باز می‌شود و شور و نشاط و انگیزه فعالیت و کار، زندگی را فرا می‌گیرد. ﴿لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾.

۲۵۹- کدام آیه شریفه، به مفهومی اشاره دارد که به طور مشترک، یکی از معیارهای تمدن اسلامی و یکی از قلمروهای رسالت پیامبر (ص) و پیامبر اکرم (ص)، «سخن حقی را که انسان در برابر سلطانی ستمگر بر زبان آورد» موصوف به چه وصفی می‌داند؟

- (۱) ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ - برترین جهاد
- (۲) ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ - برترین عبادت
- (۳) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ - برترین جهاد
- (۴) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ - برترین عبادت

■ پاسخ گزینه «۳» صحیح است. موضوع «ضرورت اجرای فرمان‌های الهی در جامعه و بنای جامعه اسلامی براساس آن» که از آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ برداشت می‌گردد، امری است که علاوه بر آن که یکی از معیارهای تمدن اسلامی است، یکی از قلمروهای رسالت پیامبر (ص) یعنی همان ولایت ظاهری نیز می‌باشد. همچنین آن حضرت می‌فرماید: «برترین جهاد، سخن حقی است که انسان در مقابل سلطانی ستمگر بر زبان آورد.»

۲۶۰- با توجه به احکام روزه، اگر کسی روزه ماه رمضان را عمدتاً نگیرد، وظیفه او چیست؟

- (۱) باید هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز یک مدّ گندم یا جو و مانند آن‌ها به فقیر بدهد.
 - (۲) باید هم قضای روزه را به جا آورد و هم کفاره بدهد؛ یعنی برای هر روز یک مدّ گندم یا جو و مانند آن‌ها به فقیر بدهد.
 - (۳) کفاره جمع بر او واجب می‌شود یعنی باید برای هر روز دو ماه روزه بگیرد و به شصت فقیر طعام دهد.
 - (۴) باید هم روزه را قضا کند و هم کفاره بدهد؛ یعنی برای هر روز دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد.
- پاسخ گزینه «۴» صحیح است. اگر کسی روزه ماه رمضان را عمدتاً نگیرد، باید هم روزه قضا را کند و هم «کفاره» بدهد. یعنی برای هر روز، دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد.

۲۶۱- مقصود از کفاره جمع چیست و در چه صورتی بر فرد واجب می‌شود؟

- (۱) برای هر روز دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد - در صورتی که کسی که به چیز حرامی روزه خود را باطل کند.
 - (۲) برای هر روز دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد - در صورتی که روزه ماه رمضان را عمدتاً نگیرد.
 - (۳) برای هر روز دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد - در صورتی که کسی روزه ماه رمضان را عمدتاً نگیرد.
 - (۴) برای هر روز دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد - در صورتی که کسی به چیز حرامی روزه خود را باطل کند.
- پاسخ گزینه «۴» صحیح است. کفاره جمع: برای هر روز دو ماه روزه بگیرد و به شصت فقیر طعام دهد. در صورتی واجب است که: کسی به چیز حرامی روزه خود را باطل کند.

۲۶۲- کسی که کفاره جمع بر او واجب شده و انجام هر دو برایش ممکن نیست، چه وظیفه‌ای دارد و نماز و روزه فرزندی که با نهی پدر و مادر به سفری برود که آن سفر بر او واجب بوده چه حکمی دارد؟

(۱) باید تا رمضان آینده آن را انجام دهد- باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد.

(۲) می‌تواند هر کدام را که ممکن است، انجام دهد- باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد.

(۳) باید تا رمضان آینده آن را انجام دهد- باید نماز را تمام بخواند و روزه‌اش را بگیرد.

(۴) می‌تواند هر کدام را که ممکن است، انجام دهد- باید نماز را تمام بخواند و روزه‌اش را بگیرد.

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** کسی که کفاره جمع بر او واجب شده و انجام هر دو برایش ممکن نیست، می‌تواند هر کدام را که ممکن است، انجام دهد. فرزندی که با نهی پدر و مادر به سفری برود که آن سفر بر او واجب بوده، مسافر است، بنابراین باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد؛ زیرا سفر او واجب می‌باشد.

۲۶۳- در ارتباط با اثرات نماز، «دور شدن از بی نظمی در زندگی» و «کمتر متمایل شدن به کسب درآمد حرام» به ترتیب نتیجه کدام اعمال است؟

(۱) کوشیدن در اقامه به موقع نماز- نگریستن به عاقبت اعمال کسانی که در جامعه خلافت‌کاری کرده‌اند.

(۲) رعایت عدم آلودگی ظاهری و باطنی در طول روز- نگریستن به عاقبت اعمال کسانی که در جامعه خلافت‌کاری کرده‌اند.

(۳) کوشیدن در اقامه به موقع نماز- رعایت شرط غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار

(۴) رعایت عدم آلودگی ظاهری و باطنی در طول روز- شرط غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** اگر در انجام به موقع نماز بکوشیم، بی نظمی را از زندگی خود دور خواهیم کرد. اگر شرط غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار را رعایت کنیم، کمتر نسبت به کسب درآمد از راه حرام متمایل خواهیم شد.

۲۶۴- کسی که بر او غسل واجب است، اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند و یا اگر وظیفه‌اش تیمم است، عمداً تیمم نکند و اگر روزه دار استفرغ عمدی نماید، روزه‌اش است.

(۱) نمی‌تواند روزه بگیرد- صحیح

(۲) می‌تواند روزه بگیرد- صحیح

(۳) نمی‌تواند روزه بگیرد- باطل

(۴) نمی‌تواند روزه بگیرد- باطل

■ **پاسخ گزینه «۴» صحیح است.** اگر کسی که غسل بر او واجب است عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه‌اش تیمم است عمداً تیمم نکند نمی‌تواند روزه بگیرد. البته اگر سهل انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، می‌تواند با تیمم روزه بگیرد و روزه‌اش صحیح است، ولی در مورد غسل نکردن معصیت کرده است. استفرغ روزه را باطل نمی‌کند مگر این که شخص عمداً استفرغ نماید، پس اگر شخص عمداً استفرغ کند روزه‌اش باطل است.

۲۶۵- به ترتیب «ستون خیمه دین» و «مصدق کامل تمرین صبر و پایداری در برابر خواهش‌های دل»، چیست؟

(۱) روزه - نماز (۲) نماز - روزه (۳) نماز - نماز (۴) روزه - روزه

■ **پاسخ گزینه «۲» صحیح است.** نماز ستون خیمه دین است.

۲۶۶- با توجه به سخن پیامبر گرامی اسلام (ص)، اگر مسلمانی غیبت برادر دینی خود را کند قبول نمی‌شود، مگر آن که

(۱) تا چهل روز نمازش - غیبت کننده او را ببخشد.

(۲) تا هفتاد روز نمازش - غیبت کننده او را ببخشد.

(۳) تا چهل روز نماز و روزه‌اش - توسط فرد غیبت شده بخشیده شود.

(۴) تا هفتاد روز نماز و روزه‌اش - توسط فرد غیبت شده بخشیده شود.

■ **پاسخ گزینه «۳» صحیح است.** پیامبر به ابوذر فرمود: «هر کس غیبت مسلمانی را کند تا ۴۰ روز نماز و روزه‌اش قبول نمی‌شود مگر این که فرد غیبت شده او را ببخشد.»